تألیف:
عبدالعظیم ولیان

پاکستان

کتابفروشی زوار
تهران - کراچی - لاهور



شاهنشاه دانشمند و رهبر عالیقدر ملت
ایران اعلیحضرت محمد رضاشاه پهلوی



حضرت فیلڈ مارشال ایوب خان
ریاست جمہور پاکستان

کلیّاتی از :

اوضاع سیاسی و اقتصادی و اجتماعی

پاکستان

تألیف و نگارش

عبدالعظیم ولیان

لیسانسیه علوم سیاسی

از انتشارات کتابفروشی زوار

تهران - کراچی - لاهور

چاپ دوم

مهر ماه ۱۳۳۹

EMBASSY OF PAKISTAN
TEHRAN

17th October, 1960

Dear Major Waliyan,

It gives me great pleasure to convey to you the deep appreciation of the Government of Pakistan of the book "The Political Economic and Social Conditions of Pakistan" which you have so ably and painstakingly compiled.

The book contains encyclopaedic information on Pakistan's past history and present problems in an easily understandable form and I am sure it will greatly help our Iranian brethren to appreciate the movement for the establishment of an Independent Muslim State of Pakistan which, as you have rightly pointed out, owes much of its cultural, literary and religious heritage to Iran's great past. In this sense it will substantially contribute towards better, closer and friendlier understanding between the two brotherly people who are linked in their past, present and future by so many ties.

In conclusion may I take this opportunity to convey to you my personal thanks and congratulations upon this noteworthy contribution.

Yours sincerely,

(Akhtar Husain)

سفارت کبرای پاکستان
تهران ۱۷ اکتبر ۱۹۶۰

آقای سرگرد ولیان عزیز

مایه نهایت مسرت اینجانب است که **مراتب قدردانی فوق‌العاده دولت پاکستان را** در مورد کتابی که تحت عنوان اوضاع سیاسی و اقتصادی واجتماعی پاکستان باچنان تعمق وموشکافی تألیف نموده‌اید بشما ابلاغ دارم.

کتاب مزبور که بسبك بسیارساده وشیوا نوشته شده حاوی اطلاعات دقیق درباره تاریخ گذشته پاکستان وهمچنین مسائلی است که امروزه این کشور باآن روبرو میباشد و نگارنده یقین دارد که این کتاب تا حد زیادی ببرادران ایرانی ما درفهم ودرك نهضتی که موجب پیدایش کشور مستقل اسلامی پاکستان گردید کمك خواهد کرد وشما در این گفته که پاکستان قسمت عظیمی از مواریث فرهنگی وادبی و دینی خود را مدیون ومرهون گذشته باعظمت ایران میباشد کاملا صائب میباشید و از این نظر بدون تردید در ایجاد حسن تفاهم بیشتر ونزدیکتر میان دو ملت برادر که در گذشته وحال وآینده بوسیله علائق وروابط گوناگون بیکدیگر مربوطند مؤثر خواهد بود.

در خاتمه از فرصت استفاده نموده مراتب سپاسگذاری وتبریکات صمیمانه خود را در مورد این موفقیت ارزنده بشما تقدیم میدارم.

دوستدار ـ اختر حسین
سفیر کبیر پاکستان در ایران

فهرست مطالبی که در این کتاب ملاحظه خواهید نمود

مقدمه نویسنده

درفروردین سال۱۳۳۷فرصتی دست داد تانویسنده باسمت عضویت هیئت نمایندگی ارتش شاهنشاهی ایران برای بازدید از ارتش کشور همسایه و برادر خودمان پاکستان بآن سرزمین مسافرت نموده وضمن بازدید ارتش پر ارزش این متفق صمیمی و انجام مسافرت‌هائی در سراسر منطقه پاکستان غربی ازنزدیك با نحوه تفکر وترتیب‌زندگانی مردم این قسمت از جهان (دره سند) که ازقدیم واز دوهزار و پانصد سال‌قبل از میلاد مسیح‌مرکزتمدن آسیائی بوده وهنوز نیز بسیاری ازباستان شناسان معروف دنیا بقایای این تمدن کهن را در خطه آن جستجو مینمایندآشنائی حاصل نماید.

در طی این مسافرت بود که توفیق حاصل شد (درتاریخ ۱۹ فروردین سال ۳۷ مطابق با هشتم‌آوریل سال ۱۹۵۸) تا هیئت نمایندگی ارتش شاهنشاهی ایران برای اولین بار در سالن کنفرانس ستاد ارتش زمینی پاکستان در راول پندی با فیلدمارشال ایوب‌خان رئیس جمهور فعلی پاکستان (که درآن روزها با درجه ژنرالی فرماندهی ارتش زمینی پاکستان را عهده‌دار بودند) ملاقات و مذاکره نماید.

ذکرآنچه که در این ملاقات ومذاکرات مورد بحث وگفتگو واقع شدتاآن‌جاکه جنبه نظامی را دربر داشته باشد ازموضوع بحث ما خارج ولی‌آنچه که باید بدان اشاره نمود نحوه تفکرو علاقمندی خالی ازشائبه فیلدمارشال ایوب‌خان نسبت به شاهنشاه و دولت وملت ایران می‌باشدکه ازهر جهت قابل ستایش و تقدیر میباشد .

مسلماً هیچ یك از اعضای هیئت نمایندگی ارتش شاهنشاهی ایران در قبول این حقیقت غیر قابل تغییر تاریخ که اندك بیگانگی در روابط صوری و معنوی ملتین ایران و پاکستان وجود نداشته‌و نخواهد داشت تردیدی نداشتند ولی این اظهارات صمیمانه مردی که امروز زمام امور کشور پاکستان را دست‌گرفته و در مدت زمامداری خودنیز هم آهنگ با مساعی متقابل شاهنشاه ایران در موارد عدیده عملا قدم‌های مؤثری

را در تشیید روابط صمیمانه دو ملت برداشته باندازه‌ای در روحیه فردفرد اعضای هیئت نظامی ارتش شاهنشاهی ایران مؤثر واقع گردید که حدی را بر آن متصور نبوده و در قبال این همه لطف وصفا بود که این جانب در مراجعت ازمسافرت پاکستان مصمم گردیدم تا بسهم خود با استفاده از فرصت مناسبی وتاآنجاکه امکانات اجازه دهد باتألیف کتاب مختصری ولوهرقدر ناچیز وبدون ارزش قدمی را درشناساندن بیشتر این متفق صمیمی و پرارزش خودمان: «پاکستان» بجلو بردارم و درانجام این نظرضمن استفاده ازلطف و مرحمت سرشار استادان ودوستان دانشمند وباارزش خود (بویژه سرکارسرهنگ دکتر پاشائی) کتاب حاضررا تهیه وآماده نمودم که یك نسخه ازچاپ اول آنرا در مسافرت اخیرخود بپاکستان درلاهورو در حضور اعلیحضرت همایون شاهنشاهی به حضرت فیلد مارشال ایوب‌خان ریاست جمهور پاکستان تقدیم واینك چاپ‌دوم آنرا با مختصرتغییراتی به علاقمندان مطالعه‌آن عرضه میدارد.

بسهم خود وهم آهنگ باکلیه هم میهنان عزیز آرزومندم که ملت برادر ما پاکستان تحت رهبری حضرت فیلد مارشال ایوب خان ریاست جمهور وسایر شخصیت‌های وطن پرست آن کشور روزبروز درمسائل‌سیاسی و اقتصادی و اجتماعی وابسته بخود موفقیت بیشتری راکسب نموده و در بمورد اجراگذاردن برنامه پنجساله دوم پاکستان که به‌برنامه سختی برای خوشبختی معروف گردیده توفیق کاملی را حاصل نماید.

تهران — مهر ماه ۱۳۳۹

سرگرد توپخانه - عبدالعظیم ولیان

پیش گفتار از :

دکتر محمد حسین مشایخ فریدنی

سیزده سال پیش یعنی در تاریخ بیست وسوم مرداد ۱۳۲۶ (چهاردهم اوت ۱۹۴۷) مژده آزادی هفتاد میلیون مسلمان وتشکیل کشور مستقل پاکستان موجب مسرت خاطر ایرانیان گردید و استقلال آن کشور باخوشوقتی از طرف دولت شاهنشاهی برسمیت شناخته شد.

ایرانیان خرسند بودند که ملتی عظیم و شریف رشد سیاسی خود را باز یافته وگردن از قید استعمار آزاد کرده است آنهم ملتی همکیش وهمسایه که با ما روابط ناگسستنی نژادی وفرهنگی واقتصادی دارد وهمواره با برادران ایرانی خود سرنوشت وسرگذشت مشترکی داشته است.

این ملت باستانی که برمبانی فرهنگ اسلامی ایرانی بوجود آمده وآئین مقدس محمدی راهمراه بافرهنگ ومعارف و تمدن و زبان ایرانی آموخته است از مدتی نزدیک بهزارسال پیش راه خود را از برادران هندو جدا ساخت ووحدتی در داخل هند بوجود آورد که ازهرجهت باسایر طبقات متفاوت وازآنان ممتاز بود وفکر وعقیدت وآداب و سنن وتمدنی مستقل داشت.

مسلمانان هند ملیت خود رابراین آئین تازه بنا کردند ودر پرتو آن قرنها براغلب نواحی آباد هند حکم راندند واگرفترتی پیش آمد و چندی ناگزیر تن باسارت دادند بازهمان فرهنگ وتمدن قلوب آنان راقوی ومتحد ساخت تااینکه بحمدالله فرصت مناسبی یافتند وبامجاهدت وفداکاری درفش پاکستان مستقل رابرافراشتند وبسرعت منازل ترقی ومراحل عظمت را طی میکنند.

بزرگترین وعمیق‌ترین تحول وانقلابی که درشبه قاره هندوستان پدید آمده واز لحاظ وسعت دامنه و قوت تأثیر ودوام و ثبات نظیری برای آن نمیتوان یافت بوسیله اسلام درآن سرزمین صورت گرفته است.

آئین اسلام درسال ٤٤ هجری بوسیله سپاهیان اسلام بسرداری مهلب بن ابی‌صفره ازراه خراسان وافغانستان کنونی بهند راه یافت وتاحدود پیشاور پیش رفت ودرسال ۹۳ هجری ازسمت مغرب وطریق بلوچستان ودریای عمان بوسیله محمد بن‌قاسم بن حکم بن-

ابی عقیل داماد وپسرعم حجاج بن یوسف ثقفی وارد سند شد و بعدها وسیله سبکتکین غزنوی وپسرش محمود درقسمتی عظیم ازنواحی شمالی وشمال غربی هند رایج گشت.

درپرتو اسلام میلیونها هندوکه دارای افکار وعقاید والسنه وادیان وآداب وسنن گوناگون بودند بایکدیگرمتحد شدند، سطح زندگی اجتماعی وفردی آنان بالا رفت و سرزمین هندوستان که تاآن زمان در حال انزوا بسر میبرد با دنیای متمدن مربوط و متصل گشت.

دامنه پیشرفت اسلام درهند تاسال ۳۶۹ هجری محدود بود وازحدود سند وبعض نقاط عشایرنشین شمال غربی فراتر نرفت.

درین مدت خطهٔسند بصورت یکی ازاستانهای تابع خلفای اموی وعباسی یاجزئی از کشور ایران بشمارمیرفت. ولی واقعاً درآنجاحکومتیوجودنداشت وآشیانه آوارگان عرب‌ومیدان‌تاخت وتازمتمردین بود.

درحقیقت آئین اسلام وقتی مبدأ تحول درزندگی مردم هندگشت که همراه باتمدن وفرهنك ایرانی وهمدوش بازبان وادب وعلوم وهنرهای ایران بهند راه یافت، این بار دامنهٔ نفوذآن نامحدود بود ونه‌تنها درسراسر هند بلکه ازآنجا به‌ممالك جنوب شرقی آسیا نیز سرایت کرد وبدون احتیاج به‌شمشیر وجنك اغلب‌آن نواحی راتسخیرنمود.

علما وشعرا ونویسندگان وفقها وحکما واطبا و منجمین وسایراهل دانش و کمال همراه باجنگاوران غزنوی ازایران بهند رویآوردند و مردمآن سامان علم ودین وراه و رسم زندگی بهترآموختند. هند محل تلاقی آراء وعقاید مختلف ومیدان فعالیت های فکری وهنری ازهرفرقه ودسته‌گردید وفرهنك وتمدن جدید سطح زندگی بومیان را بالابرد. دروازه‌های هندبروی دنیای متمدن‌بازشد. زبان وادبیات فارسیدر هند رواج یافت و علمایبزرك ایرانی باتألیف کتب ورسالات درتاریخ وسنن وفلسفه ومذاهب هند، آن کشوراسرارآمیز ومنزوی رابجهانیان شناساندند.

اسلام راه نجات طبقات محروم هند بود، فشارطبقاتیوهرج ومرج اوضاع اقتصادی و فقدان عدالت اجتماعی اکثریت هندوان بخصوص طبقه فشرده پائین اجتماع را بتنگ آورده بود وبمحض اینکه باقوانین اسلام که شریعت توحید ومساوات وعدل بود مواجه شدند طبعاً بدان روی آوردند.

بعلاوه اختلافات بسیار درشئون زندگی وهمچنین جنگهای طولانی بین امراء و وجود عقاید خرافی وازهمه مهمتررنج وزحمتی که بیك طبقه بنام طبقه نجس از طرف طبقات دیگرتحمیل میشد زمینه راازهرجهت برای پیشرفت اسلام هموارساخته بود.

☆☆☆

رفته رفته حکومتهای محلی مسلمان درگوشه وکنار هند بوجود آمد وسرداران وجنگاوران که غالباًازخراسان و افغانستان کنونی وازطریق معابر هندوکش بهند رفته بودند امرای محلی را مطیع و مغلوب ساختندو خود، خانواده‌های سلطنتی اسلامی را تشکیل دادند.

از سال ۳٦۹ تا ۱۲۷۵ هجری (۹۸٦- ۱۸۵۷ میلادی) یعنی از نخستین حمله سبکتکین بهند تا انقراض خاندان گورکانی که قریب نه قرن میشود سی و دو خانواده مسلمان که همه فارسی زبان بودند ونژاد بعض آنان ایرانی بود درنواحی مختلف شمال وجنوب وشرق وغرب هند سلطنت کردند که اهم آنها عبارت بودند از: غزنویان - غوریان - ممالیك - خلجی‌ها - تغلقی‌ها - سادات - لودیان - سوریان - سلاطین بنگال آل بلبن - الیاس شاهیان - جامان سند - خاندان لنکاه در مولتان - ملوك شرقی در جونپوروبهار - خاندان چك در کشمیر - فاروقیان‌درخاندیس - ملوك گجرات - سلاطین بهمنی - عماد شاهیان - برید شاهیان - نظام شاهیان - عادلشاهیان - قطب شاهیان - وازهمه مهمتر ومعروفترخاندان بابری گورکانی.

هرجا یکی ازین سلطنت‌ها تأسیس میشد طبعاً آئین و فرهنك اسلام باجنبه خاص ایرانی خود درآنجارایج میگشت وایرانیان جمع میآمدند ودیری نمیگذشت که‌آن ناحیه نموداری از ایران میشد و تمدن ایرانی برجای تمدن محلی می‌نشست وفارسی گوئی و فارسی نویسی علامت مسلمانی ونشانه علم وادب بشمار میآمد.

براثر مساعی ملوك غزنوی و غوری و غلامان ایشان مانند قطب‌الدین‌آیبك و شمس‌الدین التتمش وغیاث‌الدین بلبن وهمچنین فیروزشاه وعلاءالدین خلجی وغیاث‌الدین تغلق وسلاله‌های سوری و بهمنی و سلاطین مسلمان جونپور و پادشاهان لودی آداب اسلامی وایرانی درسراسرهند رواج یافت وآن سرزمین مظهرتازه‌ای ازتجلیات فکر و روح ایران گشت.

ظهیرالدین بابر نواده تیمور در سال ۹۳۲ هجری دهلی را فتح کرد و سلطنتی عظیم درهند بوجودآورد که درحدود سه‌قرن ونیم بطول انجامید وتقریباً نیمی از این مدت بااستقلال وعظمت وعزت وحرمت همراه بود.

درین مدت طولانی دربار‌دهلی بزرگترین مرکز فرهنك وزبان و تمدن ایرانی بود وهزاران نفرازارباب علم وشعروهنروادب ایران درخدمت‌آن پادشاهان کریم کسب نام ونان میکردند.

پادشاهان بابری و زنان و فرزندان و حواشی و امراء ایشان غالباً بفارسی شعر میگفتند وهر یك جمعی از شاعران و علماء و هنرمندان پارسی را در کنف حمایت خود تربیت میکردند.

زبان فارسی دردوران سلطنت ایشان به‌منتهای ترقی‌رسید ومانند قدرت مغول تا اقصی نقاط هند پیش رفت وزبانهای بومی اعم ازآریائی یا دراویدی یا برمی وچینی‌و تبتی پرازلغات فارسی شد و چه بسا که ازترکیب لغات فارسی با لغات محلی زبانها و لهجه‌های تازه‌ای بوجودآمد.

الفبای فارسی برجای‌الفبای هندی (دیوناگری) نشست، خط نستعلیق ونسخ برای زبانهای نیمه فارسی اردو وپنجابی وسندی انتخاب گردید و هرچه هنر و کمال وذوق و ادب که درایران بود مانندآن یا بهترازآن درهند بوجودآمد وخلاصه‌آنکه یك سلطنت

تمام عیار و کامل ایرانی بدست گورکانیان مغول درقلب هند یعنی دهلی ساخته وپرداخته شدکه عناصرترکیب کننده‌آن همه ایرانی بودند .

☆☆☆

مهاجران و مسافران از طبقات مختلف ایرانی بزرگترین عامل انتقال فرهنگ اسلام وتمدن ایران بهند بودند .

گویند نخستین دانشمندایرانی که بعدازاسلام بهند رفت منجم وریاضی دان مشهور ابومعشر بلخی است که چندی درشهر بنارس به‌تحصیل نجوم وریاضی پرداخت. لیکن سفر او وهیچ ایرانی دیگر بقدر سفر ابوریحان محمدبن احمد البیرونی الخوارزمی (۳۶۲ـ ۴۴۰ ﻫ) در تاریخ روابط علمی و ادبی دو کشور ثمربخش و پر برکت نبود . وی همراه سلطان محمود غزنوی بهند رفت ولی نه برای جنك و کشورگشائی بلکه بقصدکسب علم و کمال ، سالها درهند اقامت کرد، با علما و برهمنان معاشرت واز آنان کسب‌دانش نمود و زبان‌سنسکریت‌رایادگرفت‌وبآن کتاب نوشت وآثارمشهورهند را ترجمه کرد. مهمترین ومعروفترین کتاب این‌دانشمندبزرگ درتاریخ‌وفلسفه‌وعقاید وعلوم‌و اساطیر هندی کتاب مشهور (ماللهند من مقوله) است که نخستین وبزرگترین کتاب هند شناسی است وتا امروزهم ارزش واهمیت خود راحفظ کرده است .

ازاوائل قرن پنجم هجری ایرانیان که سرزمین هند رامیدان تازه‌ای برای نشرعلم وبسط معرفت یاکسب قدرت وجمع ثروت میدیدند بدان کشورروی‌آوردند واین مسافرتها تااواخرقرن دوازدهم همچنان ادامه داشت .

اگربخواهیم فقط فهرست اسامی مشاهیر ایران راکه بهند رفته‌اند ثبت کنیم چند صحیفه رافرامیگیرد واین‌مقدمه مختصر، گنجایش آنرا ندارد همینقدربایدگفت‌فقهاوحکما ومحدثین ومنجمین ومشایخ تصوف و واعظان و خطاطان و موسیقی دانان ومورخان و صنعتگران وجنگاوران وامراء وسردارانی که بجهات مختلف وتشویق پادشاهان و حکام هند ویا بدعوت ایشان بهند رفتند ملتی مسلمان وپارسی گو و متحدالهدف براساس سنن وفرهنك وهنرایرانی‌بوجود آوردند که ازسایر طبقات ممتاز بود وهمین فرهنك و تمدن عالی وحدت وتشخیص آنان‌را درطول تاریخ‌ودربرابرحوادث‌سهمگین محفوظ نگاه‌داشت وگرنه همانطوریکه «سکا»هاو«هون»هاو« کوشان»هاوسایرمهاجمین‌خارجی دراقیانوس فرهنگ وسنن هندوئی غرق شدند مسلمانان هند هم تحت تاثیر جاذبه فرهنگ هندوئی واقع میشدند وامروز کشوری بصورت پاکستان بوجود نمیآمد .

☆☆☆

قدرت حکومت اسلامی درحقیقت ازآغازقرن پنجم هجری وبوسیله سلطان محمود غزنوی درنواحی شمالی وشمال غربی هند پی ریزی شد وبعدها مرتباً بروسعت دامنه‌آن افزوده گشت تااینکه درعهد سلطنت بابر وفرزندش همایون ونواده‌اش اکبرو همچنین جهانگیربن اکبر وپسراو شاه جهان وپسرشاه جهان اورنگ زیب براثرمساعی وزراء و

رجال ایرانی به‌منتهای کمال رسید وتقریباً تمام نواحی هند متمدن درقلمروایشان بود .

لیکن ازاوائل قرن هفدهم اروپائیان سود جو مانندپرتقالیهاوفرانسویهاوهلندیها وانگلیسها بدان سرزمین راه یافتند وهرج ومرج وجنگ وخونریزی بپا کردند و عاقبت بازرگانان انگلیسی وعمال کمپانی هند شرقی رقبای دیگررا ازمیدان بدر کردند وخود یکه تازمیدان شدند و با رشوه وحیله وزور، املاك بسیار بدست آوردند وسلاطین و مهاراجگان را مطیع ومواجب بگیرخود ساختند .

پادشاهان گورکانی بعد از اورنگ زیب در برابر کمپانی عاجز ماندند و دیری نگذشت که درقصر سلطنتی یعنی قلعه سرخ دهلی زندانی شدند و بحقوق بخور ونمیری قناعت‌میکردند وحال‌سایرامرای محلی هند هم بهمین منوال‌بود وهر کس قد برمیافراشت سر کوب میگردید .

حکومت کمپانی هند شرقی رسماً از سال ۱۷٦۵ میلادی آغاز گردید . درین سال بنگال براثر خیانت متنفذین محلی بدست انگلیسها افتاد و یکی از سرداران باهوش وکاردان انگلیسی بنام : رابرت کلایو از طرف کمپانی بحکومت‌آن ناحیت برگزیده شد .

ازین پس قدرت انگلستان درهند شروع بگسترش کرد ومقاومت‌های محلی مانند مقاومت حیدرعلی وپسرش تیپوسلطان‌وهمچنین مقاومت «مراته» ها و «روهیله»ها همه باشکست‌مواجه‌شد . مردم هند بناچارتن‌باسارت‌دادند، آداب ورسوم و قوانین انگلیسی رواج یافت وآداب وسنن‌اسلامی وهندی تحت‌الشعاع قرار گرفت . زبان فارسی که‌زبان دولت‌ودربارهای‌اسلامی بود بفرمان‌حکام کمپانی ازرسمیت افتاد وبجای‌آن زبان‌انگلیسی رایج گردید . ارباب نفوذوقدرت خانه‌نشین‌ومواجب بگیر شدند، رابطه هند باهمسایگان بخصوص‌ایران قطع گردید وروح آزادی وملیت در آن کشور کشته شد .

در سال ۱۸۵۷ که حکمرانی هند بعهده لرد کنینگ بود مردم هند جنب وجوشی کردند و طغیانی از کلکته براه افتاد که دامنه آن بسرعت تا کانپور ولکنهو و دهلی کشیده شد .

دردهلی‌آخرین پادشاه اسمی خاندان بابری بنام بهادرشاه ومتخلص به‌ظفر که در فارسی وارد وشاعری ماهر بود قیام کرد وخودرا‌امپراطورهند خواندوهندوان ومسلمانان همه با اویاری کردند ، لیکن این کوشش که‌آخرین مقاومت استقلال طلبی بود بناکامی منجرشد وبعد ازدادن تلفات وخسارات سیارشهر دهلی درروزچهاردهم سپتامبر۱۸۵۷ سقوط کرد وبهادرشاه پیر دستگیر وزندانی شد وبه‌رنگون تبعیدگردید .

☆☆☆

بعدازین وقایع دولت انگلیس بحکومت کمپانی هند شرقی خاتمه داد و بموجب فرمان ملکه ویکتوریا هند قطعه‌ای از امپراطوری انگلیس اعلام شد و (لردکنینگ) بعنوان نخستین نایب‌السلطنه هند منصوب گردید .

ازین پس یعنی از ۱۸۵۷ تا ۱۹۴۷ میلادی بیست نایب‌السلطنه برهند حکومت کردند ودرین مدت نزدیك به نود سال اگرچه بتدریج بمردم هند کمك ها و آزادیهائی داده میشد لیکن مسلمانان کمتر مورد توجه بودند و بیشتر سنگینی استعمار را بدوش خود احساس میکردند . هندوان رفته رفته دردولت جدید برمقامات و مناصب ومال و ثروت دست یافتندلیکن مسلمانان که حاضر بتسلیم نبودند روز بروز درمانده‌تر و بینواتر میشدند . هندوان بازبان وافکار تازه قوم غالب آشنائی یافتند ودرمجالس قانون گذاری و ادارات دولتی جای خود را باز کردند . آنها هندرا وطن خود ومسلمانان را بیگانه می‌شمردند و عنصر مسلمان درخانه خود غریب ومورد تحقیر بود و دیگر دولت اسلامی وجود نداشت که ازو حمایت و جانبداری کند . باینجهت عقلای قوم بفکر چاره افتادند و برای خود حزب و دانشگاه و اتحادیه تأسیس کردند و برای بقای نوع وحفظ ملیت و قومیت خود وارد مبارزه شدند .

پیشوای این فکرمردی بود مسلمان وپرشور وشاعر ودانشمند بنام سیداحمد خان که درآغازکاربا نهضت‌های استقلال طلبی هند همکاری داشت ولی پس از آنکه بحال وروزسیاه مسلمانان بیشتر واقف گردید و بعلل واقعی عقب افتادگی آنان پی‌برد برآن شد که این جماعت را از پریشانی و حقارت و فقر و عقب ماندگی بیرون آورد . باین جهت بفکر تأسیس حزب مسلمانان و مخالفت با حزب کنگرس افتاد و موفق شد درسال ۱۷۹۳ حزبی مخلوط ازمسلمانان وانگلیسها بوجودآورد واین همان حزب است که درسال ۱۹۰۶ بصورت مسلم‌لیك درآمد .

سید احمد خان تنها راه نجات مسلمانان را آشنائی با فرهنگ اروپائی و همراهی باکاروان تمدن جدید میدانست وبرای وصول باین هدف به کومك روشن‌فکران انگلیسی موفق شد در سال ۱۸۹۵ در شهر کوچك « علیگره » دانشکده‌ای بنام « مدرسه علوم شرقی اسلام وانگلیس » تأسیس کند واین همان مدرسه است که بعدها بنام « دانشگاه اسلامی علیگره » خوانده شد وسبب بیداری مسلمانان و پیدا شدن فکر استقلال ورغبت اهل اسلام بفرا گرفتن زبان انگلیسی وعلوم جدید گردید واین مرکز فرهنگی بعدها شاگردانی تربیت کرد که پاکستان رابوجودآوردند وامروزهم آنرا اداره میکنند وآن دارالعلوم هنوزهم درهند بزرگترین مرکزاجتماع مسلمانان وتعلیمات اسلامی است .

اغلب مسلمانان که حال‌زارهمکیشان خودرامیدیدند ومیدانستند چاره‌ای‌جزاستقلال فکرو تاسیس کشوری مستقل و اسلامی درهند ندارند بحزب مسلم‌لیك می‌پیوستند ودر برابر « کنگرس » قد برافراشتند وبراثرمساعی ومجاهدت خستگی ناپذیر ومستمرایشان بود که درتاریخ بیست وسوم مرداد ۱۳۲۶ هجری شمسی گوهر استقلال بدست آمد و کشورمستقل پاکستان‌تاسیس گردیدومرحوم محمد علی جیناه که اززعمای آزادیخواهان بود بحکمرانی پاکستان برگزیده شد .

☆☆☆

آنچه گفته شد مربوط است بگذشته پاکستان ومبانی استقلال آن کشور و چنانکه

ملاحظه میفرمائید این کشور براساس فرهنگ و سنن اسلامی وآمزش و ترکیب تمدن ایرانی باتمدن هندی بناشده وآثاراین ترکیب وآمیزش هنوزهم باقیست.

بنابراین دوستی دوملتایران وپاکستان مولود حوادث واحتیاجات زودگذرسیاسی نیست ،بلکهاین علقه ومحبت درخون ونژاد وتمدن وتاریخ ودین وادبیات وزبان وسنن وآداب دوملتریشه دارد ، خواستههاوهدفهای هردویکسانست وهمانطورکه در گذشته تاریخ وسرگذشت مشترکی داشتهاند درآینده نیزعلیرغم هرپیش آمدی سرنوشتی مشترک خواهند داشت.

کتاب حاضرکه بوسیله افسردانشمند وجوان سرکارسرگردعبدالعظیم ولیان برشته تحریر درآمده و در نوغ خود بی سابقه است ضمن اشاره بگذشته پرافتخار پاکستان تاریخ سیزده ساله آن کشور را بعد از استقلال با دقت وشرحوتفصیل لازم بیان میکند وعلل سیاسی واجتماعی این رستاخیز ملی راتجزیه وتحلیل مینماید.

سرکارسرگرد ولیان دراین کتاب تحولات سیاسی مسلمانانهندرا که منجر باستقلال پاکستان شده بررسی میکند، تاریخ وجغرافیای آن کشوررابهتفصیل شرح میدهد وضع اقتصادی وسیاسی پاکستان وروابطی که باهمسایگان دارد وهمچنین مشکلاتیرا که باآن مواجه است معلوم میدارد ، ازروابط پاکستان باهند وافغانستان و از پیمانهای منطقهای سخن میگوید ودر باره ارتش پاکستان وموقعیت بینالمللی و همچنین آینده آن کشور اطلاعات سودمندومستندی بدست میدهد وبطورخلاصه پاکستان امروزراآنطورکه هست برای خوانندگان روشن میسازد.

مؤلف دانشمند باتالیف این کتاب سودمند که در حقیقت نخستین کتابیست بزبان فارسی درباره کشوردوست و همسایه ماپاکستان راهی را باز کردهاند که باید از طرف سایرمحققان ودانشمندان کشور پیروی شود تا برثروت ادبی ما افزوده گردد و مردم ایران برادران پاکستانی خود را بهتر بشناسند ودرنتیجه روابط مودتمستحکم ترورشته وداد و اتحاد استوارتر گردد.

مزید توفیق مؤلف محترم ودوام اتحادومودت دو کشوردوست وهمکیش وهمسایه ایران وپاکستان راازخداوند متعال مسئلت دارد.

تهران – بیست وپنجم شهریور ۱۳۳۹

اظهار نظری از :

دکتر خواجه عبدالحمید عرفانی
وابسته فرهنگی و مطبوعاتی
سفارت پاکستان در ایران

سیزده سال پیش در روزچهاردهم اوت ۱۹۴۷ میلادی بعداز مبارزات مستمر و طولانی وفدارکاریهای بیدریغ تحت رهبری قائد اعظم محمدعلی‌جناح (رحمه‌اله علیه) ملت مسلمان شبه قاره هند موفق‌شد کشور اسلامی ومستقلی بنام پاکستان تشکیل دهد. درآن روزهای بحرانی وسراسر غوغا و کشمکش نخستین دولتی که پاکستان را برسمیت شناخت دولت اعلیحضرت محمد رضاشاه پهلوی شاهنشاه ایران بود . مردم ایران از کشور نوبنیاد پاکستان با نهایت محبت و مهربانی وگرمی استقبال کردند و خود رادر غم وشادی آن ملت مسلمان سهیم وشریك دانستند . در مجالس دینی ومحافل ادبی و فرهنگی و سیاسی پیوسته صحبت از مبارزات دلاورانه و فداکاریهای مسلمانان هند و استقلال معجزه آسای پاکستان بود . روزنامه‌های ایران مقالات بیشماری در پشتیبانی از پاکستان چاپ کردند و شعرای عالی مقامی که بدرستی زبان دل مردم بشمار میروند اشعاری در باره یگانگی ووحدت دیرینه معنوی و فرهنگی این دوملت‌سرودند.

ملك‌الشعرای بهار بزرگترین شاعر معاصر باآهنگ دلنوازی از تشکیل‌آن کشور همکیش و فرهنك وهمزبان چنین حسن استقبال کرده است:

همیشه لطف خدا باد یار پاکستان — بکین مباد فلك یار پاکستان
جدا نبود و نباشند ملت ایران — ز طبع‌وخوی وشعار ودثار پاکستان
گمان مبر که بود بیشتر از ایرانی — کسی بروی زمین دوستدار پاکستان

جزوه‌ها و مقالات متعددی بقلم دانشمندان ایرانی برای معرفی پاکستان نیزچاپ و منتشر گردید ولی دراین‌سیزده سال گذشته کتابی حاوی اطلاعات جامع در مورداوضاع سیاسی و اجتماعی واقتصادی‌آن کشور چاپ نشده بود .

دوست دانشمندم سر کار سر گرد عبدالعظیم ولیان دراین کتاب حوصله کم نظیری در تحقیق وجمع‌آوری مطالب متنوع در باره پاکستان نشان داده‌اند . تالیف ارزنده ایشان برای کسانی که بخواهند با سوابق تاریخی و روابط فرهنگی ونژادی و مسائل سیاسی واقتصادی پاکستان‌آشنا شوندفوق‌العاده سودمندومفیدخواهد بود. سر کارسر گرد

ولیان از اسناد و مدارك مهمی استفاده نموده ومطالب را بنحو خوبی تنظیم و تلخیص کرده‌اند که‌خوانندگان‌در مدت کمی بامسائل گوناگون مربوط به‌پاکستان وبازمینه‌فکری و فرهنگی آنسامان آشنا میشوند

با تدوین و چاپ این کتاب گام بزرگی درراه تشیید روابط دوستی و برادری و ایجاد حس‌تفاهم بین دوملت برادر برداشته‌شده‌است. من بدوست گرامم‌سرکار سرگردولیان در مورد این موفقیت بزرك و کم نظیر تبریك میگویم و توفیق ایشان را در کارهای بزرگتری از خداوند متعال خواستارم . ملتین برادر ایران و پاکستان بعد از دوری دویست ساله دوباره بیکدیگر نزدیك شده‌اند وسعی و کوشش دارند که روزگار وصل خویش را باز یابند تالیف‌آقای سرگرد ولیان در این « بازجوئی » و بازیابی تاثیر بسزائی خواهد داشت .

تهران - سوم مهرماه ۱۳۳۹ شمسی

پاکستان ازجمله کشورهائی است که درآن شخصیت‌ها بیشتر از اجتماع میتوانند مظهر خدمت وپیشرفتهای اساسی باشند .

کلیاتی از گذشتهٔ تاریخی پاکستان

کلیاتی از گذشته تاریخی پاکستان

۱ـ شبه قاره هند و پاکستان سرزمینی که ۴۸۰ تا ۴۹۰ میلیون نفوس زنده با گذشته‌ای درخشان وخیره کننده درآن زندگی کرده ودربسیاری ازموارد بمنزله مادر تمام دنیامحسوب می‌شود ازسه‌هزارسال قبل ازمیلاد مسیح دارای تمدنی عالی بوده وفینیقی‌ها وکلیمی‌ها واعراب ازبحر احمر واقیانوس هند با سکنه ساحلی آن تجارت داشته‌اند.

این تمدن که اساس آن بعدها وسیله توپ وسرنیزه قوای بیگانه متلاشی شد درمدتی بطول ۱۵قرن موجد پیدایش مردان والاگهری چون بودا و گاندی بوده که باوجود خود جهان انسانیت وعرصه علم ودانش را زینت بخشیده‌اند.

۲ـ قسمت شمال غربی هندوستان درقرون ششم قبل ازمیلادمسیح به‌تصرف داریوش کبیر درآمد واداره این اراضی متصرفی از طرف شاهنشاه ایران به یك ساتراب واگذار گردید.

بعد ازشکست داریوش سوم وانقراض سلسله هخامنشی قسمت کوچکی از هندوستان به تصرف اسکندر کبیر درآمد و پس از فوت او تچاندرا گوپتا (Tchandragoupta) نامی‌شمال‌هندرا متصرف‌شده وسلسله جدیدی را بنام موریا (Maurya) تاسیس نمود.

درزمان دومین سلطان سلسله موریا (آسوکا) هند باعلا درجه قدرت وعظمت رسید ولی پس ازفوت‌آسوکا وحدت سیاسی هندوستان ازبین رفت وسرزمین مزبور به‌تعدادی ممالك جزء منقسم گردید.

۳ـ درقرن اول بعد ازمیلاد مسیح ممالك جزء هند تابع اشکانیان گردیدند

ولی پس از اشکانیان و در قرن دوم بعد ازمیلاد هند از طرف ساکاس‌ها (Sakas) اشغال گردید .

٤ ـ درقرن‌ششم‌میلادی هونها (Huns) از ناحیه شمال غرب‌واردهندوستان شده ، پنجاب و کشمیروهند مرکزی را متصرف شدند و درقرن‌هفتم میلادی‌اعراب بفرماندهی محمدبن قاسم قسمت مهمی ازسواحل رودسند رامتصرف وقریب‌یکقرن درآن حدود حکمفرمائی نمودند.

٥ ـ در اواخر قرن دهم واوائل قرن یازدهم پنجاب وقسمت اعظم نواحی شمالی و سرحدی را جپوتانا (Radjputana) به تصرف سلطان محمود غزنوی درآمد وجانشینان وی‌مدتها درپنجاب‌وقسمت‌های شمالی‌هندوستان سلطنت نمودند.

٦ ـ در قرن سیزدهم مغول‌ها ازناحیه افغانستان وارد هند شده ، اهالی آن سامان را قتل‌عام و دارائی آنها را بیغما بردند و درسال ۱۳۹۸ امیرتیمور گورگانی قسمت شمالی هندوستان را به تصرف خود درآورده و دهلی‌را فتح نمود.

۷ ـ در سال ۱۷۳۹هند شمالی‌وسیله نادرشاه افشار اشغال وده سال بعدناحیه شمال هند به تصرف احمدخان دورانی که بعد از قتل نادرشاه بسلطنت افغانستان انتخاب شده بود درآمد.

۸ ـبنابرآنچه که گذشت فاتحین ایرانی‌ویونانی وعرب ومغول ازناحیه شمال غرب وارد شبه قاره هندوستان‌شده ودرظرف چندقرن درآن قسمت‌حکومت‌نمودند در صورتی که فاتحین‌اروپائی نیزبیکار ننشسته وازطرف دریاهند را مورد حمله‌خود قراردادند ، بدین معنی که بعد ازآنکه واسکودو گاما (Vasco de gama) سفر دریائی مشهور خود را ازپرتقال‌تاکالیکوت با موفقیت بپایان رسانید(۱٤۹۷-۱٤۹۸ میلادی) و بااستفاده از راهنمائی دریانوردان ایرانی‌راه دریائی هند بروی‌اروپائیان بازشد پرتقالی‌ها وانگلیس‌ها و فرانسویها وهلندیها راه سفرهند را درپیش گرفته‌و هریک بر گوشه‌ای از منطقه زرخیز شبه قاره هندوستان مسلط شدند ولی رفته

مآل اندیشی انگلیسها برسایر اروپائیان رجحان پیدا نموده ورقیبان این ملت ودولت هریك ببندر یا جزیره‌ای رانده شدند.

انگلیسها برای نیل بمقصود خود در اوایل قرن هفدهم میلادی یك کمپانی، بحری بنام کمپانی هند شرقی (East india Company) را در لندن تأسیس نموده و این کمپانی موفق گردید بااستفاده ازاقدامات سرتوماس راو (Sir Thomas Rao) اولین سفیر انگلستان در دربار جهانگیر شاه هندی وخواهش شاه عباس کبیر از جهانگیرشاه کارگاهها و تجارتخانه‌های خود را دراغلب شهرهای هنددایر نماید.

متصدیان کمپانی هند در سال ۱٦٤٠ شهر مدرس و در سال ۱٦٩٠ شهر کلکته را بنا نموده و بندربمبئی را نیز از پادشاه اسپانیا (کارلوس دوم) خریداری نمودند.

رفته رفته کمپانی هند شرقی یکه تاز میدان شبه قاره هندوستان شد و املاك بسیاری را بدست آورد.

سلاطین مغول که بعد از اورنگ زیب قدرت مقاومت در برابر کمپانی هند شرقی را نداشتند در قلعه سرخ دهلی زندانی شدند و سایر امرای محلی نیز یکی پس از دیگری مغلوب و منکوب کمپانی هندشرقی گردیدند.

۹ - پس از شورش سپاهیان هند درسال ۱۸۵۷ میلادی مجمع عمومی کمپانی هند شرقی در سال ۱۸۵۸ بطور فوق‌العاده تشکیل جلسه داد واضطراراً ضمن اعلام انحلال خود کلیه اختیارات خویش در هندوستان را بدولت انگلستان انتقال داد و از طرف دولت انگلستان وزارت هندویك هیئت چهارده نفری مأمور اداره هندوستان گردیده و درخود هندوستان نیز نایب‌السلطنه که از طرف پادشاه انگلستان انتخاب می گردید فرمانفرمای مطلق گردید.

۱۰ - از سال ۱۸۵۸ تا ۱۹٤٧ (تقریباً ۹۰ سال) بیست نایب‌السلطنه انگلیسی برهندوستان حکومت نموده و در این مدت تمام توجه مسئولین امر مصروف امور هندوان شده و به مسلمانان کمتر رسیدگی بعمل می‌آمد، و روی این اصل عقلای

مسلمانان هندوستان بفکر افتادند که برای خود وحدت سیاسی مناسبی را بوجود آورند.

سید احمدخان رهبر این جنبش، حزبی مخلوط از مسلمانان وانگلیسها را بنام
Muhammadan Anglo oriental Defence Association of upper India
تشکیل داد و این همان حزبی است که ازسال ۱۹۰۶ ببعد بنام مسلم‌لیك خوانده می‌شود.

سید احمد خان تنها راه ترقی مسلمانان رادرپیشرفت فرهنگ آنها جستجو می‌نمود ودرسال ۱۸۷۵ دانشگاه علیگررا تأسیس نمود.

۱۱- نهضت فرهنگی، موجبات بیداری مسلمانان را درامور سیاسی فراهم نمود و درنتیجه درسال ۱۹۰۶ مسلمانان در داکا (پایتخت فعلی پاکستان شرقی) تصمیم گرفتند که بمنظورحفظ حقوق ومنافع خود سازمانی رابنام حزب مسلم‌لیك بوجودآورند.

۱۲- حمله ایتالیا به‌طرابلس وجنگ بالکان، وآزاد شدن مستملکات دولت عثمانی در اروپا موجبات تحریك و تشویق مسلمانان هندوستان را برای تشکیل حکومت مستقل هندوستان بوجودآورد.

۱۳- پس از خاتمه جنگ جهانی ۱۸ - ۱۹۱٤ که در نتیجه آن قسمتی از مستملکات دولت عثمانی درخاورمیانه مستقل ویانیمه مستقل شدند مردم شبه قاره‌هند نیز بر علیه تسلط انگلستان برهندوستان مبارزه دامنه‌دار وبی سابقه‌ای را شروع نمودند ودرچنین زمانی مولانا حسرت موهانی شاعروسیاستمدار مسلمان دریکی از جلسات حزب کنگرس که در احمدآباد تشکیل شده بود پیشنهاد استقلال کامل هندوستان رانمود ولی مهاتما گاندی که درآن موقع طرفدارآن بود که هندوستان درجرگه دول مشترك‌المنافع انگلستان (دومینیون‌ها) درآید با این پیشنهاد مخالفت نمود.

۱٤- در سال ۱۹۲۷ دولت انگلستان میسیون جان سیمون را برای اتخاذ تصمیم مناسبی در مورد اداره هندوستان باین سرزمین اعزام نمود ولی هندوها دست

ازمخالفت خود برنداشته وپیشوایان وزعمای آنان اعلام نمودند که درمنطقه نفوذ خویش کمیسیون سیمون را تحریم خواهند نمود .

درچنین زمانی بود که قائداعظم محمد علی جیناه (جیناه بمعنی لاغرنه جناح بمعنی بـال) پیشنهاد معروف ١٤ ماده‌ای خود را که حافظ منافع مسلمانان بود اعلام نمود .

١٥- درسال ١٩٣٠ دولت انگلستان کنفرانس میز گردی رادرلندن تشکیل داد که درآن چهارده، نفرازنماینده گان انگلستان بریاست مکدونالد نخست وزیر و ٧٦ نفرنماینده گان هندوستان ازاحزاب ودستجات مختلف شرکت نمودند .

ولی این کنفرانس نیز به‌نتیجه‌ای نرسید (گاندی در زندان بود ودراین کنفرانس شرکت نداشت)

١٦- دردسامبرسال ١٩٣١ کنفرانس دوم میز گرد باشرکت گاندی تشکیل شد ، ولی این کنفرانس نیزبعلت اختلاف نظربین هندوها ومسلمانان و انگلیس‌ها بدون نتیجه ماند ومکدونالد نخست وزیر انگلستان درحین ترک جلسه کنفرانس اظهارداشته بود : ابتدا باید مردم هندوستان باهم متحد شوند واختلافات خود رااز میان بردارند سپس طرزحکومت هندوستان تعیین گردد .

١٧ - مقارن بااین احوال جلسات سالیانه حزب مسلم لیگ بریاست اقبال شاعر وسیاستمدار معروف درالله‌آباد تشکیل گردید ومشارالیه برای اولین مرتبه در این جلسات تشکیل کشورمستقل وجداگانه پاکستان را تقاضا نمود .

این پیشنهاد اقبـال که منجر به‌تشکیل کشور جداگانه‌ای برای مسلمانان بود درآن موقع طرفدارانی نیزداشت .

١٨ - درسال ١٩٣٦ به‌پیشنهاد وترغیب اقبال ، قائد اعظم محمد علی جیناه رهبری مسلمانان هندوستان رابرعهده گرفت ودرمبارزه انتخاباتی ایالتی شرکت نمود وبالنتیجه نماینده گان حزب مسلم لیگ فرصتی راپیدا نمودند که احساسات مسلمانان را درمجالس مقننه منعکس نمایند .

۱۹ - حزب کنگره درنواحی هندونشین زمام اموررا دردست گرفت و روشی که درمورد حفظ منافع اقتصادی وسیاسی واجتماعی مسلمانان اتخاذ شد حیثیت و ارزش حزب مسلم لیگ رابالابرد .

۲۰ - درسال ۱۹۳۷ حزب مسلم لیك رسماً پیشنهاد استقلال کامل هندوستان را اعلام نمود .

۲۱ـدر سال۱۹۳۸ اقبال بدرود حیات گفت ولی درسال ۱۹۴۰ طرح اودرباره تشکیل کشور جداگانه ومستقل پاکستان مورد قبول قائداعظم واقع‌شد وقطعنامه مربوط باین امر درجلسه حزب‌مسلم لیك درلاهور (پایتخت فعلی پاکستان‌غربی) صادر گردید .

۲۲ - یك هیأت پارلمانی از انگلستان به شبه قاره هندوستان مسافرت نمود و لردویول‌فرمانروای وقت هندوستان جلسه‌مشترکی راازحزب مسلم لیك وحزب کنگره تشکیل‌دادولی‌چون پیشنهاد لردویول متضمن‌منافع وخواسته‌های‌مسلمانان نبود این مذاکرات نیزبه نتیجه‌ای نرسید .

۲۳ - هیئتی از اعضای‌کابینه دولت انگلستان به شبه قاره هندوستان عزیمت نمود ولی پیشنهادات این هیأت نیزمورد موافقت‌قرار نگرفت.

۲۴ ـ جنگ جهانی دوم‌خاتمه پذیرفت و درنتیجه این جنگ هندوستان در ردیف ممالك مشترك‌المنافع انگلستان در آمد و باستقلالی که مدتها برای بدست آوردن‌آن کوشش نموده بودنایل‌آمد .

۲۵ - پیروزی بی سابقه حزب مسلم لیك در انتخابات عمومی سال ۱۹۴۶ بدنیا نشان داد که تقاضای حزب مسلم‌لیك نسبت به تشکیل دولت مسقل‌پاکستان تقاضای کلیه مسلمانان شبه قاره هندوستان است و بدین ترتیب ضربت بزرگی برمحافل مخالف ایجاد پاکستان واردآورد .

۲۶ - بدین ترتیب مبارزه‌ایکه ازسال۱۸۵۷ شروع شده بود باپیروزی‌خاتمه یافت ودر تاریخ چهاردهم اوت ۱۹۴۷ پاکستان بوجودآمد .

۲۷ - بنابر آنچه که گذشت پاکستان کشور جوانی اشت که در چهاردهم اوت ۱۹۴۷ در نتیجه نهضت مسلمانان شبه‌قاره هندوستان به پیشوائی مرحوم محمدعلی- جیناه قائد اعظم بوجود آمد و چون تأسیس این جمهوری اسلامی درسایه مجاهدت زعمای حزب مسلم لیك صورت گرفت لذا دربدو تأسیس حزب مسلم لیك بعنوان یك جمعیت ملی وآزادی بخش در سرتاسر کشور مورد احترام و تکریم مردم قرار گرفت وکلیه افرادواعضای فعال این حزب مشاغل مهم دولتی را دردست گرفتند.

۲۸ - صرفنظر ازمسلمانانی که در منطقه پاکستان غربی وشرقی بسر میبردند قریب ده‌میلیون ازنفوس مسلمان هندوستان نیزدر بدو تاسیس پاکستان سرزمینهای آباءِ و اجدادی خود را ترك گفته و بعنوان مهاجر وپناهنده ازترس کشت و کشتار هندوها که درآن ایام عداوت مخصوصی را نسبت به مسلمانان پیدا کرده بودند بکشور جدیدالتأسیس پاکستان وارد شدند و مهاجرت این عده مشکل بسیار بزرگ وطاقت فرسائی را برای دولت جوان پاکستان بوجودآورد.

۲۹ - سال ۱۴۹۷ برای پاکستان وحیات سیاسی آن سخت‌ترین دوره‌ای بود که یك مملکت و ملت جوان باآن مواجه‌میشد. هنوز تر کیب کشور ودستگاه حاکمه مملکت تعیین نشده بود ، هر کس ازراه میرسید مشاغل دولتی را احراز میکردو مسلمانان بعنوان مخالفت با هندوهاما یملك هر که را که‌میخواستندغارت‌مینمودند نبودن خوراك وپوشاك و ازهمه مهمترتهیه مسکن برای اینهمه مهاجرین مشکلات مهم دیگری بود که دولت‌پاکستان باآن‌مواجه بود واگردر اوایل‌تأسیس‌این کشور قدرت کلام و اراده‌آهنین شخص محمدعلی جیناه‌نبود بی‌شك حیات‌سیاسی‌پاکستان در سالهای ۱۹۴۷ و ۱۹۴۸ براثر هرج‌ومرج وآشفتگی اوضاع درمعرض‌خطرواقع میشد و دولت ثالث دیگری این کشور را درمعرض تهدید قرارمیداد.

۳۰ - قائداعظم ولیاقت علیخان باعزم‌راسخ واستفاده‌ازهمکاری عده‌ای ازرجال و جوان که همه بحزب مسلم لیك بستگی داشتند در سر تا سر کشور بگردش و مسافرت پرداخته و درهر کجا با مشگلی مواجه میگردیدند برفع آن میکوشیدند

و یا مردم را برفع‌مشکلات تشویق و امیدوارمیساختند و بدین ترتیب درپاکستان و اوضاع هرج ومرج آن سکون وآرامش نسبی را بوجود آوردند ، اما هنوزدولت سر گرم حل مشکلات داخله کشوربود که دولت هند موضوع اشغال کشمیرراپیش آورد وچندی بعد نیزموضوع قطع آب رودخانه‌های (راوی - بیاس - ستلج - چناب) را بمیان کشید ودولت پاکستان را بامشکلات مهمتری مواجه نمود .

۳۱ - متأسفانه دریازدهم سپتامبر ۱۹۴۷ محمد علی جیناه فوت کرد وبدون این که مشکلات ومسائل عمده کشور حل شده باشدپاکستان بدون سرپرست ماند وهمینکه لیاقت علیخان بجانشینی وی تعیین گردید هندیها ازآشفتگی اوضاع حد اکثراستفاده رانموده وبرای اشغال کشمیرحمله نمودند .

درچنین‌موقعی ابتداعشایرمسلمان سرحدی پاکستان‌بیاری برادران‌مسلمان کشمیری خود به کشمیر سرازیر شده وسپس ارتش پاکستان بفرماندهی ماژور ژنرال اکبرخان بطرف کشمیرروانه گردید ودرمنطقه جامووکشمیر بین نیروهای مسلح هند وپاکستان جنگ شدیدی‌آغاز گردید که ابتداباموفقیت‌نیروهای زمینی پاکستان پیشرفت میکرد وسپس بنابر مذاکرات خصوصی وتلفنی که بین نهرو نخست وزیر هند ولیاقت علی خان بوقوع پیوست قرارشد جنگ متارکه شده و موضوع ازطریق مراجعه بسازمان ملل متحد فیصله یابد .

بنابراین درتاریخ اول ژانویه۱۹۴۸ دولت هند علیه‌تجاوزپاکستان به‌سازمان ملل متحد شکایت کردودرتاریخ پانزدهم ژوئیه نیزنماینده دولت پاکستان درشورای امنیت حضورسربازان پاکستان را در کشمیراعتراف نمود . لکن اضافه کرد که این افراد برای مقابله با تجاوزهندیها وارد کشمیرشده‌اند .

۳۲ - از آن تاریخ تاکنون موضوع حاکمیت هند و پاکستان در کشمیر متنازع‌فیه این دودولت بوده وقریب یازده‌سال است که شورای امنیت برسر مسأله مزبورمشغول رسید گیست وتاکنون میسیون های مختلفی بسر پرستی دیکسون و جارینگ ودکتر گراهام از طرف سازمان ملل بـرای بررسی حقانیت طرفین و میانجیگیری درموردرفع اختلافات‌بکشورهند وپاکستان مسافرت نموده‌ونظریاتی

راابرازداشته‌اند که هیچیك ازآنها مورد قبول هند وپاکستان قرارنگرفته وهمیشه خطر بروز جنگ بین این دو کشور باقیست وهریك ازاین دو دولت قسمت اعظم بودجه خودرابرای تأمین دفاع دربرابرخطرتجاوز احتمالی دیگری بمصرف خرید اسلحه وساز وبرگ وتوسعه ارتش‌های خود میرساند .

۳۳ - بموازات مسئله کشمیر موضوع اختلاف برسر تقسیم آب رودخانه‌ها نیز روابط پاکستان وهندوستان را تیره‌تر نمود ومورد اختلاف آن بود که تقریباً پنجاه درصد ازاراضی حاصلخیزمنطقه پنجاب درپاکستان غربی ازآب رودخانه‌های راوی - بیاس - ستلج - چناب آبیاری میشود و چون سرچشمه این رودخانه ها در هندوستان قراردارد دولت هند با احداث چند کانال ، آب این رودخانه ها را تحت کنترل قرارداده وباساختمان سدهای انحرافی قصد دارد که درسال۱۹۶۲بکلی آب این رودخانه‌هارادرتحت کنترل قراردهد تامازادآب آنهاپاکستان جریان‌پیدا کند.

پاکستان که معتقد است‌اقدام هند به کنترل آب این رودخانه‌هاممکن است به‌قحطی وخشکی سرتاسرمنطقه پنجاب منجر گردد موضوع راابتدابه‌سازمان ملل وسپس به‌بانك بین‌المللی ارجاع نمود وازسال ۱۹۵۱ تا کنون این مسئله نیز مورد مذاکره‌ومیانجیگیری نمایند گان دو کشورهندوپاکستان وبانك بین‌المللی میباشد

این دو مسئله (مسئله کشمیر وآب رودخانه‌ها) طی سالهای گذشته اساس مشکلات کشور پاکستان راتشکیل داده و با آنکه دولتهای وقت در داخله کشور سرگرم رتق وفتق امورسیاسی وتقویت بنیه اقتصادی ودفاعی مملکت بودند لکن قسمت‌اعظم نیروی مملکت درراه حل مسئله کشمیرورفع اختلافات مربوط بتقسیم آب رودخانه‌ها بمصرف رسیده است .

۳۴- لیاقت علی خان تاتاریخ ۱۶ اکتبرسال۱۹۵۱ که درشهر راولپندی بقتل رسید باسمت نخست وزیر دراین کشور حکومت میکرد ودر مدت ریاست وزرائی خویش کارهای نیمه تمام قائد اعظم را مبنی برایجاد وحدت واتفاق بین مسلمانان پاکستان دنبال نمود وبامسافرتهائی بکشورهای امریکا و اروپا و کشورهای خاور

میانه ازجمله ایران دول غربی رامطمئن ساخت که پاکستان ضمن آنکه عضویت خود را درجرگه کشورهای مشترك المنافع حفظ مینماید سعی خواهد نمود تا در بین دول غربی نیز برای خود دوستان ومتحدینی را پیدا نماید.

هدف دیگر لیاقت‌علیخان نخست‌وزیر وقت پاکستان این بود که بااستفاده‌از حمایت حزب مسلم لیك مکتب پان‌اسلامیزم را بوجود بیاورد تا دولت پاکستان ضمن بسط مناسبات بسیار دوستانه خود با دول مسلمان خاورمیانه و آسیای جنوب خاوری بعلت داشتن حداکثر نفوس مسلمان(۷۰میلیون نفر) رهبری ملل‌مسلمان جهان را نیز برعهده بگیرد تانه تنها در مورد حل اختلافات خویش‌باهندیها ازاین حربه سیاسی استفاده نماید بلکه در بسیاری از موارد بخصوص درمراجع‌بین‌المللی برای خود وزن واعتبار سیاسی خاصی را ایجاد نماید و لیاقت علیخان تنها کسی بود که تا روز آخر حیاتش بخصوص در ایامیکه بسمت لیدر حزب مسلم لیك انتخاب گردید از این فکر جانبداری میکرد و تشکیل اتحادیه دول اسلامی را تبلیغ مینمود.

با مرگ‌لیاقت‌علیخان پاکستان‌مرد بزرگ وسیاستمدارزیرکی‌را ازدست‌داد و ازآن پس این کشوربعلت نداشتن رجال آزموده و پخته بامصائب زیادی‌بخصوص از نظرمشکلات واختلافات سیاسی در داخل کشور مواجه گردید.

۳۵ - درسال۱۹۵۱ خواجه نظام‌الدین بسمت‌فرمانروای کل پاکستان‌منصوب گردید وزمان حکومت ایشان عوامل کادر رهبری‌حزب مسلم لیك در نتیجه‌انتخاب آقای خلیق‌الزمان که‌او نیز مردی‌سالخورده و بی اراده‌ومعتقد بود بجای‌پاکستان باید «اسلامستان» بوجودبیاید بجان یکدیگر افتاده ودر همین اوقات بود که‌حزب مسلم لیك بعلت رشوه‌خواری وتبعیضات اداری و غیره شهرت‌ومحبوبیت خود را از دست داد وعدهٔ زیادی از رهبران حزب نامبرده کادر رهبری حزب را ترك گفته و برای خود احزاب دیگری با مرامنامه‌های مشخص دیگری را تأسیس‌نمودند و تدریجاً پاکستان بصحنه مبارزات‌سیاسی و گروکشیهای احزاب‌درآمد واین‌جریان تا اکتبر۱۹۵۸ که مقارن کودتای ژنرال ایوبخان بود ادامه‌داشت :

در دوره سه‌سال حکومت خواجه ناظم‌الدین در پاکستان تفرقه‌سیاسی بوجود آمد و کشوری که بر اثر اتحاد واتفاق مسلمانان ومحبوبیت حزب مسلم لیك بوجود آمده بود دستخ ش نوسانات مهمی گردید ، بدینمعنی که شخصیتهای برجسته سیاسی هر کدام عده‌ای از کار گردانان سیاسی را گردخود جمع کرده و بسیاری ازخانها و نوابان وروسای عشایر دراستانهای مختلف کشور ادعای خودمختاری نمودند .

در فاصله همین مدت بود که خان عبدالغفار ، جمعیتی بنام پیراهن سرخان را بوجودآورده و بعنوان اعلام خودمختاری مناطق پاتان‌نشین در مرکز پاکستان و افغانستان ادعای تشکیل پشتونستان را نمود ، ودولت افغانستان نیز برای آنکه اصولا با تشکیل دولت پاکستان مخالف بود بتحریکات خان عبدالغفار خان دامن میزد. جمعی دیگر از کار گردانان سیاسی جمعیتی را بنام خاکسار بوجودآورده وبا تبلیغ مرام کمونیستی اهالی بیسواد و مهاجرین بی‌خانه ومسکن رافریب دادوسعی میکردند باکمك تبلیغات شورویها اوضاع پاکستان را بنفع مرام کمونیسم سوق دهند .

از اینها گذشته در پاکستان شرقی نیز رجال برجسته بنگال‌شرقی بتمرکز قوا در کراچی بدبین شده و بااستفاده از تبلیغات هندیها درصدد بر آمدند برای پاکستان شرقی خودمختاری‌مطالبه نموده وبکلی‌تشکیلات اداری وسیاسی‌این‌جناح پاکستان را از پاکستان غربی‌منتزع سازند وچندین حزب سیاسی بنام عوامی لیك برهبری‌آقای حسین شهیدسهروردی و کرشاك سرامیك برهبری آقای فضل الحق فرماندار‌بنگال وجمعیت سیاسی گاناتا نتاری‌دال برهبری‌آقای‌دانش علیخان‌بوجود آمد وباکمك معنوی ومالی هندوها که تقریباً تعدادشان درآن جناح به‌نه‌میلیون نفرمیرسید وتماماً ثروتمند بودند برای‌تحصیل خودمختاری علیه‌حکومت‌مرکزی مشغول تبلیغ ومبارزه شدند.

۳۶ ـ درقبال هرج و مرج سیاسی و تفرقه شدیدی که بین اهالی استانهای پنجاب وسند وبلوچستان و پاتان وغیره برای احراز مسند قدرت ایجاد شده بود دولت پاکستان موفق گردید برای کشور قانون اساسی موقتی راتدوین نماید وبا

تشکیل مجالس استانی و مرکزی و انجام انتخابات موقتی بقسمتی از اختلافات وجاه طلبیهای رجال سیاسی وسرکردگان مناطق مختلف پایان بخشد.

بموجب این قانون اساسی پاکستان ضمن عضویت درجرگه کشورهای مشترك ـ المنافع بصورت یك جمهوری اسلامی پارلمانی درآمد که مرکب ازدو پارلمان استانی یکی در پاکستان شرقی ودیگری غربی ویك مجلس شورایملی مرکزی درپایتخت (کراچی) بوده است . دررأس مملکت رئیس جمهور انتخاب خواهد شد که برای مدت پنجسال از طرف نمایندگان هر سه مجلس برگزیده می‌شود . قوه مجریه در کشور دراختیار رئیس جمهور خواهدبود که وی هیئت وزیرانی را مأموراجرای اختیارات خود خواهد کرد و هیئت دولت بریاست نخست وزیر بطوردسته جمعی در برابر مجلس شورایملی مسئولیت خواهد داشت.

نخست وزیر ووزیران بنابر تمایل رئیس جمهور انتخاب خواهندشدونخست ـ وزیری که در مجلس مرکزی اکثریت نداشته باشد ناگزیر باستعفاء خواهدبود. بموجب قانون اساسی موقتی هیچ نخست‌وزیـری بیش از دوبار حق انتخاب شدن راندارد .

مجالس استانی هرکدام دارای سیصدوده نماینده میباشند وهمیشه ده کرسی آن برای انتخاب نمایندگان زن خالی خواهد بود وپس از اینکه درقانون آینده اساسی کشور حق رأی دادن وانتخاب شدن بزنان داده شد از ده کـرسی‌های مزبور در هریك ازاستانها استفاده خواهند کرد.

همچنین بموجب قانون اساسی مقرر گردید که پس از انتخاب رئیس جمهور وتشکیل حکومت پارلمانی موقتی مطالعات وترتیبات لازم برای انتخابات‌عمومی بعمل آید .

۳۷ ـ باتدوین قانون اساسی جدید احزاب سیاسی تازه‌ای در کشور مشغول فعالیت گردیدندو خودرا برای انتخاب نمایندگان‌مجالس استانی و مرکزی آماده ساختند . ولی در همین اوقات بسیاری از رجال‌دلسوز ووطن‌پرست که معتقد شده بودندپاکستان وهیئت حاکمه آن ازایده‌ئولـوژی مرحوم قائداعظم کنار افتاده و

مملکت بسوی ورشکستگی وافلاس سیاسی واقتصادی سوق داده میشود درخفا مشغول فعالیت گردیده ودرنتیجه درسال ۱۹۵۲ کودتای ماژورا کبرخان وهمکارانش بوجود آمد ولی قبل ازاینکه توطئه کنندگان موفق بکسب قدرت شوند نیروی ارتش توطئه کنندگان رادستگیر وبازداشت نمودوپس ازمحاکمه افرادسرشناس وموجد کودتا را زندانی کرد .

در کراچی نیزعده‌ای از رجال ووزیران معتقد شده بودند که مادام که خواجه ناظم الدین در رأس کشور باشد اوضاع هرج ومرج کشور بهبود نخواهدیافت خواه ناخواه هندیها از موقعیت سست وبهم ریختگی اوضاع استفاده خواهند کرد و ناگهان کشور را موردحمله قرار داده وهمانطور که کشمیر را اشغال کردند ممکن است اساس استقلال کشور را نیزدر معرض مخاطره قرار دهند.

۳۸ - بدنبال همین افکار بود که در مارس ۱۹۵۳ آقای غلام محمد خواجه ناظم‌الدین را ملاقات وبوی پیشنهاد استعفاء کرد و نامبرده که بکلی دوستان خودرا ازدست داده بود پیشنهاد او را پذیرفت وغلام محمدبسمت فرمانروای کل پاکستان تعیین گردید ونامبرده آقای محمدعلی بقرارامأمور تشکیل کابینه نمود.

کابینه علی بقرا اولین دولت مقتدری بود که پس ازمرگ قائداعظم در این کشور روی‌کار میآمد وعلاوه بر عضویت ماژور ژنرال محمد ایوب‌خان بسمت وزیر دفاع ، نخست‌وزیر جدید شخصاً مردمقتدری بود وچون شخصاً نیزازاهالی پاکستان شرقی بود لذا برای‌اولین بارآرزوی اهالی پاکستان شرقی دایربراینکه یك‌شخصیت از پاکستان شرقی زمامداری را عهده‌دارشود برآورده شد .

در دوره ریاست‌وزرائی محمدعلی قدمهای مؤثری‌برای تثبیت‌اوضاع اقتصادی کشور وپروژه‌اجرای برنامه پنج‌ساله وتهیه مواد غذائی‌ورفع مشکلات‌ارزی‌وغیره برداشته شدواز همه مهمترژنرال محمدایوب‌خان ضمن سفرهائی‌بانگلستان‌وامریکا موفق گردید از کمك مالی دول مزبور بمنظور بسط ارتش وتجدید نظردر سازمان قوای مسلح کشور استفاده نماید و فی‌الواقع ارتش فعلی پاکستان مولود اقدامات ثمربخشی است که در دوره وزارت‌دفاع ژنرال ایوب‌خان صورت گرفته‌است

ثمربخشی است که دردوره وزارت دفاع ژنرال ایوبخان صورت گرفته است

ازاقدامات عمده‌محمد علی‌بقرایکی این بود که تصمیم گرفت مسئله کشمیر را از طریق مذاکرات مستقیم بامقامات هندی حل نماید وبهمین منظورمذاکراتی بین او ونهرو نخست وزیرهندآغازشد ، لکن این مذاکرات که قریب ده روزبطول انجامید بجائی نرسید وباشکست مواجه گردید واوضاع کشمیر ازسابق نیزبدتر شد زیراباشکست این مذاکرات‌دولت هندوستان شیخ عبدالله نخست وزیرورهبران ملیون مسلمان کشمیر راتوقیف نمود وعلی رغم احساسات مسلمانان پاکستان که طالب‌ادامه حکومت شیخ عبدالله بودند بخشی غلام محمدرابه‌نخست وزیری کشمیر و جامو تعیین نموده وعده زیادی از قوای خود را برای مقابله با خطر احتمالی پاکستانیها بمناطق مرزی این کشور اعزام داشت .

در خلال این ایام حزب مسلم لیك براثر عدم لیاقت عوامل وعناصرآن هر روز ضعیف‌تر میشد وچندین بار درکادر رهبری حزب انشعاباتی بوقوع پیوست که ازهمه مهمتراستعفای دسته جمعی عده‌ای ازرجال سیاسی مانند دکترخانصاحب - سید امجد علی - مظفرعلی قزلباش - غلامعلی تالپور وملك فیروز خان نون بوده واین افراد که غالبشان ازملاکین و سرمایه داران بودند با خروج خود از حزب مسلم‌لیك ضربه شدیدی رابه‌پیکرحزب نامبرده وارد ساخته وباین اندازه نیزاکتفا نکردند وبنابرقول وقراری که محرمانه بااسکندرمیرزا، وزیر کشور گذارده بودند درتاریخ اکتبر ۱۹۵۵ حزب جمهوری خواهان رادربرابرحزب مسلم لیك بوجود آوردند وسال بعد که انتخابات برای تشکیل مجالس موقتی استانی و مرکزی صورت گرفت علنا باحزب مسلم لیك بمخالفت برخاستند .

۳۹ - روی همین دسته بندیهای سیاسی که ابتکار آن بدست ژنرال اسکندر میرزا وعامل اجرایش‌آقای دکترخانصاحب بود مقدمات سقوط کابینه محمد علی بقرا فراهم گردید و بالاخره در تاریخ یازدهم اوت ۱۹۵۵ دولت وی ساقط گردید وبلافاصله اسکندرمیرزاازطرف مجلس مقننه موقتی‌بسمت فرمانروای کل پاکستان تعیین گردید ونامبرده که مردی بسیارهوشمند وزیرك بودبدستیاری دوستان خویش

درحزب جمهوری خواه مقدمات تشکیل مجالس مقننه موقتی را در کشور فراهم ساخت ودر بیست وسوم مارس ۱۹۵۶ اولین مجلس مقننه موقتی در کراچی تشکیل گردید ودرهمان ماه اسکندرمیرزا بسمت رئیس جمهور پاکستان انتخاب ونامبرده چودری محمد علی رابسمت نخست وزیرجدید معرفی نمود.

کابینه محمد علی باشرکت کلیه دوستان و همقطاران اسکندرمیرزا درحزب جمهوریخواهان بوجودآمد وشخصیت‌های عمده عضوکابینه عبارت بودند از:

آقایان دکتر خانصاحب وزیر کشور و ارتباطات - ابراهیم چوندیگر وزیر دادگستری - سیدامجد علی وزیردارائی وسردارامیراعظم خان وزیراسکان مهاجرین.

باتشکیل حکومت جمهوری ومعرفی نخست وزیر جدید برای اولین بـار کشور پاکستان به سیستم یك کشور پارلمانی درآمد ودرمجلس نیز نمایندگان احزاب مسلم لیك وجمهوری خواهان وعوامی لیگ وکراشك سرامیك ومنفردین درنقشهای مختلف اقلیت و اکثریت‌له وعلیه دولت شروع به‌صف آرائی وزد وبند سیاسی نمودند.

درمیان نمایندگان مجلس مرکزی که تعدادشان طبق قانون اساسی هشتاد نفربود جزچند نفربقیه ازملاکین ومتنفذین ونوابان ونوابزادگان استانهای سند وپنجاب بلوچستان انتخاب شده‌بودند ونامبردگان نیزچون برای پیشرفت مقاصد خویش دراملاك وامورتجارتی وسوء استفاده‌های دیگراحتیاج بدوستی دولت داشتند تاآنجاکه مقدورشان بود ازدولت حمایت وجانبداری مینمودند. وشخص اسکندر میرزا رادراجرای مقاصدش کمك وياری مینمودند. تنهادودسته بودند که درمجلس علیه دولت چودری محمد علی مانورسیاسی میدادند وباصف آرائی مخالف، ارکان دولت جدید رامتزلزل میساختند، یکدسته مسلم‌لیك‌ها بودند که از انشعاب حزب جمهوریخواه ازحزب مسلم‌لیك عصبـانی بوده ومخصوصاً از اینکه اسکندر میرزا رئیس جمهورنیز کاندید او دوست صمیمی جمهوریخواهان بود نگران ووحشت زده بودند و دسته دیگر افراد حزب عوامی‌لیك بودند که به‌سرپرستی آقـای حسین شهید سهروردی علیه دولت بمخالفت برخـاسته بودند. دسته جدید چون از نفوذ

کلام وشخصیت سهروردی حداکثر استفاده رامیکردند درکلیه دوره ریاست وزرائی محمدعلی موقعیت بسیار خوبی در بین مردم پیدا کرده و چون بمردم وعده داده بودند که پس از احراز قدرت آنچه راکه مسلم لیکها وعده دادند ونکردند آنها انجام خواهند دادلذا دربین قاطبه اهالی پاکستان بخصوص اهالی پاکستان شرقی محبوبیت عجیب پیدا کرده بودند وروزی نبود که در میادین بزرگ شهر میتینگهای عظیمی مبنی برطرفداری ازحزب عوامی لیك تشکیل نشود .

۴۰ ـ عاقبت حملات وصف آرائی عوامی لیکها منتج بنتیجه شده ونمایندگان حزب جمهوریخواه که دولت محمدعلی را تشکیل داده بودند حاضر شدند باعوامی لیکها ائتلاف نموده و دولت جدید بریاست آقای حسین شهیدسهروردی تشکیل گردد ودرتاریخ یازدهم سپتامبر ۱۹۵۶ دولت جدید بوسیله آقای حسین شهیدسهروردی لیدر حزب عوامی لیك تشکیل شده و افراد کابینه وی مرکب بودند ازعده ای ازنمایندگان حزب جمهوریخواه ازقبیل ملك فیروزخان وزیرامور خارجه و غلامعلی تالپوروزیر کشور ومیان جعفرشاه وزیر ارتباطات وعده ای از نمایندگان حزب عوامی لیك مانند ابوالمنصور احمد وزیر تجارت ودلدار احمد وزیر خوار وبار و ظهیرالدین وزیر فرهنگ .

دولت جدید ابتدا ازحمایت وخوشبینی مردم نسبت به هدف وبرنامه خویش حداکثر استفاده را نمود وموفق گردید در اندك مدت قدمهای مؤثری را در راه تثبیت اوضاع اقتصادی ومخصوصاً تحکیم مناسبات دوستانه پاکستان با دول غربی بردارد .

پاکسان که در دورهٔ حکومت محمدعلی بقراوارد پیمان «سیتو» و در دوره حکومت چودری محمدعلی وارد پیمان بغداد (پیمان سنتوفعلی) شده بود ، دردوره سهروردی موفق گردید که از مزایای کمکهای مالی واقتصادی امریکا حد اعلای استفاده را بنماید و ضمناً سهروردی نیز با مسافرت بکشورهای امریکا و انگلستان

به مقامات دول غربی اطمینان داد که پاکستان همواره در جرگه دول غربی باقی خواهد ماند وسیاست تحبیب شورویها در پاکستان اجراء نخواهدشد .

در حالیکه‌دولت سهروردی باکمال موفقیت مشغول کار بود ناگهان درداخل حزب وی (عوامی لیك) انشعابی بوقوع پیوست وعده‌ای از افرادعناصر مؤثر کادر رهبری حزب نامبرده که پشتیبان اصلی دولت بودند از حزب‌خارج شدند و حزب جدیدی را بنام نشنال عوامی پارتی تشکیل دادند که از این‌پس نقش بسیار مؤثر وخطرناکی را درحیات سیاسی پاکستان برعهده گرفت .

جریان انشعاب در حزب عوامی لیك بدین ترتیب بود کـه مرامنامه حزب نامبرده پیش‌بینی نموده بود که اولا پاکستان شرقی دارای خودمختاری گـردیده و بجز درموضوعات دفاع وسیاست خارجی بکلی در رتق وفتق مسائل داخلی آزادی عمل داشته باشد وضمناً سیاست خارجی‌پاکستان باید براساس بیطرفی مثبت‌استوار گردد وچون سهروردی که لیدر این حزب بود پس ازاحراز مقام نخست وزیـری بهیچیك از مواد مرامنامه حزب اعتنائی ننموده و حتی بر عکس سیاست خـارجی پاکستان را بیش ازپیش وابسته به پیمانهای بغداد (پیمان سنتو) وسیتو نمود لذا عده‌ای از عناصر افراطی وتند حزب بریاست مولانا عبدالحمیدخان بهاشانی لیدر حزب درپاکستان شرقی ، حزب‌عوامی لیك را ترك گفتند وباتشکیل حزب‌جدیدی بنام‌نشنال عوامی‌علیه دولت سهروردی بمخالفت برخاستند واز این‌پس کادررهبری این حزب‌باتقویت مالی‌سفارتخانه شوروی درپاکستان عده زیادی روزنامه‌ونماینده مجلس وناطق را اجیرنموده و درماسك وطن پرستی مـرام کمونیستی را در کشور تبلیغ کرده وشعبات‌آن در سراسرپاکستان افتتاح گردید.

حزب نشنال عوامی در تاریخ دسامبر ۱۹۵۶ در شهر داکا تأسیس گـردید و نمایندگان این حزب مانندآقایان میان افتخاردین وجی.ام. سید در داخل وخارج

مجلس علیه دولت بمانور سیاسی پرداختند و تصمیم گرفتند دولت سهروردی راساقط نمایند، لکن چون شرط لازم وکافی برای سقوط کابینه همراه ساختن تعداد کافی نماینده گان مجلس بود لذا نماینده گان این حزب نماینده گان حزب مسلم لیك را که آنها نیز ازسهروردی وعوامی لیکها دل پری داشتند بجانب خود کشیده و مشترکا علیه دولت شروع بمخالفت نمودند.

بایداین حقیقت رااذعان کرد که سهروردی توانست دردوره ریاست وزرائی خویش بخوبی شخصیت ومهارت خود را در حل مشکلات سیاسی نشان داده و در برخورد باحوادث و مشکلات کشور بقدری ازخود زیرکی وچالاکی بخرج داد که دولت هندوستان متوجه اهمیت و قدرت وی گردیده و مخصوصاً از ادامه زمامداری وی نگران شد.

سهروردی باکمال شجاعت علیه ادعای هندوستان درمورد کشمیرایستادگی نمود واظهارمیداشت:

« این شخصیت نهرونیست که پاکستان رازبون وعاجز کرده است بلکه‌این زبونی رجال پاکستان بوده که ما راازحل شرافتمندانه اختلافات خود باهندیهاباز داشته است » و وی شخصاً تصمیم گرفت که از طریق مذاکرات مستقیم اختلافات خود را باهند حل نماید.

سهروردی علاوه برمشکلاتی که درداخل حزب خویش ودر محیط مجلس ملی مرکزی داشت دچار عامل سرسخت دیگری نیز بود که قسمت اعظم بنیه و طاقت اورابخود مصروف میداشت واین عامل جزمخالفت‌های پنهانی اسکندرمیرزا رئیس جمهور وهمقطارانش درحزب جمهوریخواه، چیزدیگری نبود.

بدین ترتیب که اسکندرمیرزا که مرد جاه طلب وشهرت پرستی بود تصمیم گرفته بود که حتی‌الامکان اجرای انتخابات عمومی را در کشور به‌تعویق بیندازد

و در اینمدت نیز مجلس را متقاعد سازد که قانون اساسی آینده کشور را بسیستم جمهوری امریکاتدوین نمایدوبدین ترتیب مقام نخست‌وزیری در کشورملغی گردیده وشخص رئیس جمهور با اختیارات تامی مانند رئیس جمهورامریکا به‌اعضای هیئت دولت و کشورحکومت نماید.

سهروردی که خود نیزمرد جاه طلبی بود متوجه این حب جاه و تحریکات اسکندر میرزا شده و بعناوین مختلف درسر راه مقاصد اسکندر میرزا مشکلاتی را ایجاد مینمود وعاقبت این کشمکش پنهانی بین رئیس جمهور و نخست وزیر آفتابی وعلنی گردید وطرفین برای تضعیف یکدیگر شروع به‌تحریکات وصف‌آرائی علنی نمودند.

سهروردی باسوء استفاده ازمقام خویش وصدور جوازهای مختلف صادرات و واردات ، مبالغ زیادی در اختیار دوستان حزبی خود گذاشت ودر داخل و خارج مجلس ودربین مدیران جراید پولهائی خرج نمود و هدفش این بود که مردم را نسبت به‌تحریکات رئیس جمهورواقف سازدواگربتواند موجبات عزل رئیس جمهور رافراهم سازد ، لکن اسکندرمیرزا زرنگترازسهروردی بود وچون میدانست حزب مسلم لیك که چند سالی از صحنه سیاست خارج شده هنوز دربین مردم ونمایندگان مجلس طرفداران وهواخواهانی دارد لذا بجمهوریخواهان توصیه کرد که مقدمات ائتلاف باحزب مسلم‌لیك رافراهم سازند واین‌کارطبق شرایطی صورت گرفت ودر نتیجه ائتلاف جمهوریخواهان و حزب مسلم‌لیك و حزب نشنال عوامی که قبلا بمخالفت بادولت برخاسته بودند، نمایندگان حزب عوامی‌لیك که پشتیبانان دولت را تشکیل میدادند دراقلیت مانده ودر تاریخ ۱۱ اکتبر ۱۹۵۷ سهروردی ناگزیر باستعفا شد و دولت جدید ضمن ائتلاف با نمایندگان مسلم‌لیك و جمهوریخواهان بریاست آقای اسمعیل چوندریگر تشکیل گردید.

۴۱— دولت آقای چوندریگر از آغازتشکیل باهیجانات عمومی مبنی برلزوم

انجام فوری انتخابات در کشورمواجه گردید وکلیه احزاب و جمعیت های مختلف سیاسی وغیرسیاسی بوسیله نطق وتشکیل میتینگ وانتشار جراید وجنجال دولت را تحت فشار گذاردند که هرچه زودتر کمیسیونی را مأمور سازد که انتخابات را در کشورعملی سازدوسرانجام براثرپافشاری افکارعمومی کمیسیون مأمورانجام انتخابات ماه نوامبر ۱۹۵۸ را موعد انجام انتخابات اعلام نمود ولی رجال سیاسی و خواص معتقد بودند که اسکندر میرزا مردی نیست که انتخابات را باین زودی در کشور اجرا نماید، زیرا شانس انتخاب شدن وی بریاست جمهوری خیلی ضعیف بود، بخصوص که در این ایام آقای سردار عبدالرب نیشتر ، لیدر حزب مسلم لیك که مردی آرام و خونسرد واز دوستان اسکندر میرزا بود فوت کرد وخان عبدالقیوم خان لیدرتند و افراطی مسلم لیك علناً علیه اسکندر میرزا قیام کرد وطی نطقهای شدید مردم را بقیام علیه تحریکات اسکندر میرزا وبرچیدن بساط حکومت وی تشویق مینمود.

اسکندر میرزا که قصدداشت بهرطریق که ممکن است انتخابات عمومی را بتعویق بیندازد ، موضوع تازه‌ای را بوسیلهٔ دوستان حزبی‌اش (جمهوریخواهان) در کشور وبین مردم عنوان نمود وافکارعمومی را باین طریق سرگرم ساخت .

نقشهٔ اسکندر میرزااین بود که این سؤال رامطرح نماید که : آیاانتخابات در پاکستان باید بسیستم مشترك انجام شود یا بسیستم جداگانه و منظوروی این بود که آیا هندوها که تعدادشان به یازده میلیون میرسدمیتوانند مانند مسلمانان در انتخاب هر کس اعم ازمسلمان وغیر مسلمان شرکت نمایند یا باید اقلیت‌ها بطور جداگانه در انتخابات شرکت کنند ؟.

بهرحال این موضوع وسیله وسرگرمی خوبی برای مردم ومطبوعات گردید و مدتی افکار عمومی سرگرم این بحث سیاسی بود وعاقبت آقای چوندریگر نخست وزیر که طاقت مقابله با این جنجال سیاسی را نداشت بجبهه مشترکی که بوسیله

نمایندگان احزاب جمهوریخواه وعوامی لیك بوجود آمده بود تسلیم شده ودر تاریخ ۱۱ اکتبر ۱۹۵۷ استعفا داد ومقام نخست وزیری را به آقای ملك فیروزخان نون کاندیدای حزب جمهوریخواه واگذار نمود .

۴۲-دوره حکومت ملك فیروزخان نون که تاهشتم اکتبر ۱۹۵۸ بطول انجامید از سختترین وآشفته‌ترین دوران حکومت وتاریخ سیاسی پاکستان محسوب میشود بخصوص که درژوئن ۱۹۵۸ آقای دکترخانصاحب لیدرحزب جمهوریخواه درلاهور بقتل رسید وبا قتل وی حزب جمهوریخواه ستون فقرات خودرا ازدست دادوهرروز بقدرت وموقعیت حزب مسلم لیك افزوده میشد.

نطقهای شدید و انقلابی خان عبدالقیوم خان لیدر حزب مسلم لیك زمینه را برای قبول هرج ومرج آماده ساخت وعوامل حزب کمونیست نشنال عوامی که آب را گل آلود دیدند درجناحین شرقی وغربی پاکستان بوسیله تبلیغ وسمپاشی اوضاع را خراب‌تر از سابق کرده و کشور را به سوی یك انقلاب کمونیستی یاتجزیه کلی سوق میدادند .

در همین اوقات بود که خان اعظم کلات یار احمدخان بیگلربیگی که سمت ریاست کلیه قبایل بلوچ مناطق کلات وبلوچستان و مکران را داشت برای استرداد خود مختاری سابق خویش که در سال ۱۹۴۸ بوسیله مرحوم محمدعلی جیناه ازوی گرفته‌شده‌بود، واردعمل شدوچون اوضاع هرج ومرج کشور را برای انجام مقاصد خویش مستعد دید تصمیم گرفت که خود مختاری بلوچستان را اعلام نماید و بهمین جهت در اواخر سپتامبر ۱۹۵۸ پرچم پاکستان را ازقلاع خویش در کلات پائین آورد و پرچم بلوچستان خودمختاررا بجای آن باحتزاز درآورد ودر نتیجه قوای ارتش که تنها سازمان مجهز ومرتب پاکستان بود بنابردستور دولت مرکزی روانه کلات گردید و ضمن زد وخورد باکسان خان اعظم ، قلاع کلات را تصرف وخان اعظم را

نیز دستگیر وزندانی وفرزند اوخان محمد داودخان را بجای پدرش بسمت خان کلات تعیین نمود.

۴۳ ـ در پاکستان شرقی نیز اوضاع بهتر از پاکستان غربی نبود ، درداخل و خارج مجلس علیه حکومت پاکستان شرقی وفرماندار جدید آن که تازه تعیین شده بود حملاتی ادامه داشت ودریك جلسه مذاکرات مجلس استانی نمایندگان بجان یکدیگر افتادند در نتیجه آقای دانش نایب رئیس مجلس بدست یکی از نمایندگان مجلس و وسیله ضربت صندلی بقتل رسید وبدین ترتیب موجبات آشوب دردوجناح شرقی وغربی فراهم گردید وبروز این اوضاع اسکندر میرزا رئیس جمهور راکه بدنبال فرصت میگشت بفکر انداخت که از دوستی دیرینه ژنرال محمد ایوب خان فرمانده نیروهای زمینی ارتش پاکستان استفاده کرده و علیه رژیم دمـوکراسی کودتا نماید وبنابراین درتاریخ هشتم اکتبر ۱۹۵۸ اسکندر میرزا وایوب خان مشترکاً در کشور کودتا نمودند وبموجب اعلامیه‌ای اصول پارلمانی رادر کشور ملغی ومجالس مرکزی واستانی رامنحل وفعالیت احزاب را ممنوع وبسیاری از رهبران سیاسی را دستگیر وزندانی ساختند .

حکومت نظامی که با زمامداری اسکندر میرزا در کشور مستقر گردید طی یك برنامه اساسی وصحیح باقاچاقچیان و عوامل مخرب شروع به مبارزه نمودودر مدت بسیار کوتاه موفق گردید نظم وآرامش را در کشور حکمفرما وبین مردم برای خود محبوبیت قابل توجهی را ایجاد نماید.

٤٤ ـ رژیم نظامی جدید فعالیت خودرا ادامه میداد ، لکن خطر اصطکاك عقیده بین شخص اسکندرمیرزا و ژنرال ایوب خان پیوسته رژیم را تهدیدمیکرد و همینکه اسکندر میرزا اولین کابینه خودرا بریاست ژنرال ایـوب خان تشکیل داد ، ژنرال ایوبخان متوجه گردید که انتصاب وی بمقام نخست وزیری این خطر راخواهدداشت که اسکندر میرزا هروقت اراده کند اورا ازمقام نخست وزیری عزل وشخص دیگری

را بمسند نخست وزیری خواهد نشانید ، لذا درمعیت سه تن از همقطارانش ژنرال اعظم‌خان وژنرال بر کی وژنرال شیخ که‌جزءکابینهٔ جدید معرفی شده بودندتصمیم گرفتندتا علیه اسکندر میرزا کودتا نموده وبکلی‌دست اورا از صحنه سیاست کشور کوتاه نمایند .

کودتای ژنرال ایوبخان درتاریخ ۲٦ اکتبر ۱۹۵۸ صورت گرفت واسکندر میرزا ازمقام ریاست جمهوری استعفا داد وشهر کراچی را بعزم کویته و سپس‌لندن ترك گفت وازآن‌تاریخ تا کنون‌رژیم جدید که‌براساس جمهوری مطلق‌وبدون‌بوجود نخست‌وزیر میباشد درپا کستان استوار گردیده است .

موقعیت دولت‌فعلی پا کستان هر روزبیش‌از پیش‌تثبیت ومخصوصاًمحبوبیت شخص ژنرال ایوبخان در بین مردم بسیار افزایش یافته وفعلا عامل زمان بنفع‌رژیم جدید پا کستان‌کار میکند وهرچه ازعمر این دولت میگذرد چون ثمره زحمات و مراقبتهای شبانه روزی اولیای نظامی و غیرنظامی بیشتر محسوس می‌شود مردم بیشتر بموفقیت حتمی دولت بحل مشکلات‌امیدوار میشوند .

حادثهٔ تیراندازی هواپیماهای جنگی پا کستان به هواپیمای بمب‌افکن‌جت نیروی هوائی هندوستان که برای‌عکس برداری بآسمان شهر راولپندی آمده بود وسقوط‌آن،درافراد ارتش وافکارعمومی‌اثربسیار خوبی‌بخشیده ومردم‌بعمل‌شجاعانه دولت مغرور وخوشحال شده ومعتقدشده‌اند که دولت ایوبخان همانطوری که‌درحل مشکلات اقتصادی کشور ، مبارزه بافساد و رشوه‌خواری و قاچاق وغیره توفیق‌یافته در حل مشکلات‌مهم‌بین‌المللی بخصوص‌رفع اختلافات‌باهندوستان بطورشرافتمندانه نیز موفقیت حاصل خواهد کرد.

سیاست خارجی نیزاکنون‌بیش ازروزها وماههای اول به رژیم‌جدیدپا کستان روی سازگاری نشان میدهدوقرائن حکایت ازآن‌دارد که نه‌تنها دولت امریکابلکه

انگلیسها نیز تصمیم گرفته‌اند قدری جدی‌تر برای حل اشکالات پاکستان همکاری نمایند وشاید تصمیم دولت امریکا به‌تعویض سفیر کبیر خویش دراینکشور وانتصاب آقای‌ویلیام رانتری رئیس قسمت خاورمیانه وزارت خارجه باین سمت ، دلیل بارزی باشد که امریکائیها توجه خود را بپاکستان متوجه ساخته‌اند وشایدبخواهندبادادن کمك وهمکاری بیشتر با دولت پاکستان‌محمدایوب‌خان را بصورت اتاتورك‌تر کیه درآورند وبدست او شکم ملت‌را سیروروح یگانگی را درمردم تقویت و خلاصه‌راه مبارزه با کمونیسم را هموارسازند .

یکی از علل عمده جلب توجه امریکائیها بپاکستان آنست که دولت فعلی بمراتب بهتر ازرژیم سابق برای مبارزه با عوامل مخرب کوشش و علاقمندی‌نشان میدهد واکنون مأمورین پلیس با کمال دقت دردوجناح پاکستان علیه فعالیت و تبلیغات مضره کمونیستهامیجنگند و کمتر روزیست که یکی دونفر باتهام فعالیت های مضره دستگیر نشوند ، مخصوصا در ناحیه پاکستان شرقی راه فعالیت هندیها ودرنواحی سرحدی افغانستان راه تحریکات‌افغانهاوعوامل مخرب روسی کم وبیش سد شده است .

آقای منظورقادر وزیرامور خارجه پاکستان درتاریخ ۱۶ آوریل ۵۹ اظهار داشته که تادوسال دیگرانتخابات عمومی درپاکستان انجام نخواهد شد وپس از آن انتخاباتی بفراخوراوضاع واحوال پاکستان صورت خواهد گرفت .

ژنرال ایوبخان نیز در پایان فروردین ماه سال ۱۳۳۸ (اواسط‌آوریل۵۹) در یك مصاحبه خصوصی باخبرنگارروزنامه ابسرورانگلیسی گفته بود که درماه نوامبر یك کمیسیون برای تدوین قانون اساسی آینده‌پاکستان تعیین خواهیم کرد وسپس برای تصویب آن به‌آراء عمومی‌مراجعه میکنیم وپس‌ازتصویب بموجب قانون جدید انتخابات را در کشورمعمول خواهیم داشت .

باآنکه گاه بیگاه ازجانب‌اولیای امورمطالبی دربارهٔ امکان‌انتخابات وتعیین

تاریخ شروع آن اظهار میشود مع الوصف در بین مردم چندان علاقمندی بپایان حکومت نظامی نیست ومردم آنقدر ازهرج ومرج دموکراسی و رجال فاسد سیاسی گذشته خاطرات تلخ دارند که ترجیح میدهند اوضاع بهمین شدت باقی بماند و مجدداً کارها بدست رجال دوره دموکراسی نیفتد.

تنهااحزاب وکارگردانان مغرض سیاسی‌هستند که برای پایان دوره حکومت نظامی روزشماری میکنند وسعی‌میکنند هرچه زودترانتخابات شروع شود ویالااقل دولت لیدرهای آنها را که غالبشان درزندان بسرمیبرندآزاد نماید.

بطورکلی باآنکه درحدود یکسال و اندی از عمر رژیم نظامی دراین کشور میگذرد هنوزافکارعمومی نسبت به‌اعاده‌دوره دموکراسی‌وتجدید جنجالهای سیاسی وکشمکشهای حزبی اشتیاق وتجلی نشان نمیدهد.

ایوبخان ظرف مدت حکومت خود افکار عمومی را بنحوبسیار عاقلانه‌ای با برخورد بوقایع و حوادث داخلی سرگرم نگاهداشته و برخلاف عبدالکریم قاسم درعراق، و عبدالناصر در جمهوری متحد عرب مطلقا ازاتخـاذ تصمیمات فوری و یکجانبه خودداری کرده است.

اگرچه موضوع تعقیب قاچاقچیان و بازداشت بسیاری ازرجال سرشناس و اخراج دوهزارکارمند فاسد ازدوائر دولت و بالاخره اجرای قـانون رفورم ارضی ازاقدامات مهم وشجاعانه او بوده لکن چون ایوبخان در اجرای آنها رعایت‌الاهم فالاهم رانموده وضمناً دراجرای‌آن رعایت افکار عمومی را کرده است بهیچوجه با اشکال مواجه نگردیده ومردم نیز از اینهمه موفقیت دولت در محیط آرام و بدون تشنج خوشحال هستند.

اگرچه مردم از دورهٔ تشنج دموکراسی در پاکستان خاطرات تلخ داشته و مایل نیستند رژیم نظامی فعلی زمام امور را بحکومت پارلمانی و جنجالی حزبی واگذار نماید، لکن ایوبخان تصمیم دارد قبل ازپایان سال مسیحی جاری قانون

اساسی جدید کشور رادرمعرض آراء افکار عمومی گذارده وسپس مقدمات انتخابات را در کشورفراهم سازد .

کمیسیون مأمورتدوین قانون اساسی پاکستان تقریباکارمطالعات خودراتمام کرده وامید میرود قانون اساسی جدید پاکستان برشالوده قانون اساسی جمهوری امریکا وبنحوی که باادامه عضویت پاکستان درجرگه کشورهای مشترك المنافع نداشته باشد تدوین گردد .

ازطرف دیگردرسرتاسر کشورحوزه بندی استانهاوتشکیل انجمنهای ولایتی وشهری آغاز گردیده وبدین ترتیب مقدمات کاربرای انتخاب معتمدین محل واخذ رأی برای تصویب قانون اساسی کشورآماده شده است .

موقعیت دولت دربرابرعوامل مخالف :

موقعیت دولت بسیارمحکم وایوب خان بقدری بوضع پایداری رژیم حاضر اطمینان دارد که بسیاری ازفعالیتهای مخالفین را نادیده گرفته ویا تحقیرمینماید.

ایوبخان کمافی السابق کنترل ارتش را بدست دارد و با مسافرتهای متعدد اخیرخویش بمناطق نظامی و تماس مداوم با فرماندهان و همقطاران نظامی خود موقعیت خود را بیش ازپیش مستحکم نموده و باجریان انتقال پایتخت از کراچی بەراولپندی وسپس « پتوار » بهتروبیشتر تماس خود را بامراکز ارتشی وهمقطاران خویش حفظ خواهد نمود .

مهمترین عوامل مخالف دولت که بطورلاینقطع علیه دولت فعالیت محرمانه ویا تحریکات علنی دارند عبارتند از :

۱ - عده‌ای از ملاکین عمده که اغلب ازطبقه وزیران و نمایندگان مجلس سابق بوده وفعلا مشمول رفورم ارضی گردیده‌اند. ازاین جمله‌اند برخی ازسرداران عشایرمختلفه .

۲ ـ عشایر یاغی بلوچ و معدودی از عشایر پاتان مناطق سر حدی افغانستان

۳ ـ عوامل حزب (کمونیست) عوامی ملی که از احساسات طبقات ناراضی بهره برداری میکنند.

٤ ـ اخراج شدگان از دستگاههای دولتی

ولی نحوه مبارزه دولت رادر قبال این مخالفتها بشرح زیر میتوان خلاصه نمود:

۱ ـ دولت بدون اینکه تبعیض قائل شود قانون رفورم ارضی را بموقع اجرا گذارده ودر برابر مقاومت هیچیك ازمخالفین ازخود ضعف نشان نداده ومعتقداست اظهار ضعف وتبعیض اجـرای کلی برنامه را مختل میسازد وبهمین جهت از چندی قبل خودرا آماده دفع هر گونه سر پیچی از طرف ملاکین مخالف اجرای قانون نموده است.

۲ ـ اگرچه اولین مرحله کشمکشهای افراد یاغی بلوچ با مأمورین دولت منجر به شکست یاغیان ودستگیری نوروزخان زرکزائی سر کرده یاغیان گـردید و فعلا آرامش ظاهری حکمفرما میباشد مع الوصف دولت باتقویت واحدهای گشتی خود در مناطق کلات و بلوچستان وافزایش تعداد پاسگاههای ژاندارمری و مجهز ساختن واحدها با دستگاههای بی‌سیم ووسائل مخابراتی دیگر، خودرا برای مقابله با حوادث احتمالی آینده آماده ساخته وضمناً باتوسعه شبکه مأمورین انتلیجنت سرویس در شهرهای سرحدی، سعی میکند فعالیت وارتباط مأمورین روسی و افغانی رادر بین عشایر بلوچ وپاتان کم کند.

۳ ـ کمونیستها در پاکستان بشکل وماهیتی که در سایر کشورهای خاورمیانه و حتی هندوستان فعالیت داشته‌اندفعالیت وتشکیلات نداشته وچون تا کنون مقامات رسمی پاکستان تلخی طعم فعالیتهای مضره آنها رانچشیده‌اند بطورجدی وبیرحمانه در صدد مبارزه با تشکیلات آنها برنیامده‌اند.

ولی اخیراً با روی کار آمدن حکومت نظامی و بعلت تعهداتی که پاکستان

در کمیته‌های تخریب پیمانهای «سیتو» و «سنتو» برعهده گرفته برنامه‌ای برای تشدید مبارزه با کمونیستها وضع گردیده و علاوه بر آنکه کلیه تشکیلات حزب کمونیستی (عوامی ملی) ممهور وتوقیف شده سایرجمعیتها و انجمنهای مشابه کمونیستی نیز از فعالیت بازداشته شده‌اند .

اما در قبال توجه اخیر دولت بخطر کمونیست و فعالیت مخرب عوامل آن هنوز کمونیستها جنب‌وجوش وجلسات‌محرمانه دارند وضمن‌حفظ ارتباط باما‌مورین سفارتخانه شوروی سعی‌میکنند دراجتماعات کارگری کشوررخنه نموده‌وموقعیتهای حساسی را تحت کنترل درآورند.

٤ ـ ازنظر دولت فعالیتهای محرمانه اخراج شدگان دستگاه دولت ، بی‌اثر وکان‌لم یکن است زیرا هروقت دولت اراده کند میتواند آنها را که رهبر مخالفین تشخیص میدهد باستناد اسناد موجوددرشوه‌خواری ، تعقیب وبزندان بیندازد.

سیاست خارجی پاکستان :

پاکستان قطعاً عضو وفادار اتحادیه‌های منطقه‌ای « سیتو » و « سنتو » باقی خواهد ماند منتهی مایل است دولت امریکا در مناسبات خویش بخصوص در مورد اعطای کمکهای نظامی و مالی واقعاً با او مانند یك‌متفق ودوست رفتار نماید .

این نکته را باید قبول نمود که اگرچه پاکستان کشوری مستقل و خود حاکم برسرنوشت سیاست داخلی وخارجی خودمیباشد لکن درعین حال‌عضو گروه کشورهای‌مشترك‌المنافع است ودربسیاری ازموارد کم وبیش درباره مسائل‌خارجی خودرا پیرو مکتب‌دیپلماسی انگلستان میداند وحتی‌الامکان سعی میکندتامناسبات خارجی خودرا باکشورهای جهان بامقتضیات سیاست خارجی انگلستان‌تطبیق‌دهد کمااینکه‌در جریانات اخیر کنفرانس‌ژنو که سیاست کجدار ومریزدولت‌انگلستان روشن شد ، دولت پاکستان نیز درمناسبات خود با امریکا قدری صریح‌تر گردیدو ایوبخان اظهار داشت :

« چنانچه دولت امریکا به پاکستان بچشم یك متحد واقعی نگاه و معامله نکند ما برای تأمین احتیاجات خودناگزیریم بدولت نیرومنددیگری متوسل شویم»

مناسبات باآمریکا :

مناسبات پاکستان با دولت امریکا بسیار حسنه و پیش‌بینی میشود با آمدن آقای ویلیام رانتری سفیر کبیر جدید امریکا بپاکستان مناسبات دولتین بر اساس صحیح‌تر وبسیط‌تر استوار شود. امریکائیهاامیدوارند با استفاده ازوجودرژیم‌مقتدر فعلی، بنیان یك حکومت‌دموکراسی واقعی‌درپاکستان وجودبیایدوبوسائل‌مختلف پاکستان را بصورت یك تکیه گاه مطمئن برای خود حفظ کنند.

مناسبات با انگلستان وکشورهای کامنولت :

مناسبات پاکستان‌با انگلستان‌حسنه وعلاوه‌بروجودآثار تسلط یکصدوپنجاه ساله انگلیسها در فرهنگ وزبان وعادات و اخلاق وخصوصیات سیاسی کشور ، هم اکنون عده زیادی ازافسران‌انگلیسی در ارتش ومؤسسات مختلف‌پاکستان‌مشغول کار هستند ووجود همین افراد وجهات بسیار دیگر انگلستان و پاکستان را بهم چسبانیده است .

پاکستان همچنین ازعضویت در گروه کشورهای مشترك‌المنافع این‌استفاده را میکندکه برای اجراوپیشرفت پروژه‌های اقتصادی‌وعمرانی خویش‌از کمکهای مالی وفنی کشورهای‌عضوپیمان مانندکانادا واسترالیا ونیوزلاند استفاده‌شایان‌میبرد.

مناسبات باشورویها :

رژیم فعلی‌ضمن اینکه سعی‌میکندمجالی ببهانه‌تراشیهای روسها ندهد باکمال دقت مراقب است که شورویها را بدون جهت ازخود نرنجاند وآنچه هم تاکنون

از مداخلات روسها در امور داخلی کشور وهمکاری آنها با کمونیستها وعوامل ناراضی دیده نادیده گرفته است.

روسها نیز از این طرز برخورد دولت پاکستان راضی بنظر میرسند وامیدوارند از سیاست مسالمت‌جوئی دولت پاکستان استفاده نموده وبوسیله عمال و مامورین خویش دیر یازود در اجتماعات ناراضی کشور رسوخ نمایند و راه را برای ایجاد یك تحول بنفع خویش هموار سازند ولی تصور نمیرود مرد مقتدری چـون ایوبخان اجازه بدهد که از سیاست مسالمت‌آمیز دولت پاکستان سوء استفاده بعمل آید.

مناسبات با هندوستان :

رژیم فعلی پاکستان در مناسبات خود با هندوستان طرفدار نرمی و مسالمت است ومعتقد است کشیده شدن دامنه اختلافات ، مملکت را از انجام کارهای اساسی بخصوص اجرای پروژه‌های اقتصادی بازمیداد .

بر اساس همین حسن‌نیت ، ظرف مدت یکسال گذشته حکومت ایـوب خان توانسته‌است بسیاری ازمسائل مورد اختلاف فیمابین دولتین هندو پاکستان‌را حل کند و چندماه قبل نیز در نتیجه مسافرت آقای شعیب وزیر دارائی پاکستان به‌هندوستان‌و مذاکره بامقامات‌هندی‌در دهلی، قسمتی از اختلافات مالی‌دو کشور حل گردیدو بعداز آن‌نمایندگان‌دولتین‌هندوپاکستان‌در لندن اجتماع نمودند‌تا با وساطت‌ومیانجیگری بانك بین‌المللی موافقتنامه نهائی حل مسئله تقسیم‌آب رودخانه‌ها راامضاء نمایند.

برسر قضیه کشمیر، دولت پاکستان پایش راازجای پای حکومت‌های سابق برنداشته ودرهمان حال که راضی بحل مسالمت آمیز قضیه است در صورت ادامه وضعیت نیز حاضراست وارد جنگ شود .

بسیاری ازمطلعین خارجی مقیم کراچی‌معتقدند چون تدریجا مسئله کشمیر بصورت یك مشکل بین‌المللی درآمده وممکن است براثر سوء تدبیر یکی ازدول هند یاپاکستان این موضوع سبب ایجاد اختلافات و کشمکشهای مهم بین‌المللی گردد لذا این طور شایع است که آقای رانتری سفیر کبیر امریکا در پاکستان مأموریت

دارد از طریق دیپلماسی دراین زمینه با دولت پاکستان تماس گرفته و با سیاست نرمشی که دولت پاکستان درمناسبات خود با هندوستان درپیش گرفته این امررا بنحوی حل نماید .

مناسبات باافغانستان :

روابط پاکستان و افغانستان بصورت ظاهر حسنه و عادیست ، لکن قرائن بسیارمحسوس نشان میدهد که مناسبات دولتین کماکان سردوبروزیك واقعه کوچك سیاسی ممکن است عقده یکی ازطرفین را باز کرده ومجدداً حوادثی نظیر وقایع سال ۱۹۵٤ را درروابط دو کشوربوجودآورد .

اگرچه ازناحیه پاکستانیهابیش ازافغانها برای گرم شدن مناسبات دو کشور علاقمندی نشان داده میشود لکن افغانها ضمن حفظ صورت ظاهرسعی میکنند هر چند بکباربا ایجاد وقـایع مصنوعی بدولت پاکستان خاطرنشان کنند که آنها از ادعای خود برسر مسئلهٔ پشتونستان عدول نخواهند کرد .

موضوعی که بیش ازهمه موجبات عصبانیت پاکستانیها را فراهم ساخته یکی آنست که :

اولا- هرچند وقت یکبارپادشاه یاصدراعظم افغانستان مطالبی علیه پاکستان وله حقوق افغانها درمناطق مرزی پشتونستان بزبان می آورند واین خود بموضوع جنبه اهمیت میدهد .

ثانیا - پاکستانیها که ازخطرروز افزون روسها درافغانستان بیم دارند تصور می کنند که مقامات رسمی افغانستان بخصوص حکام مناطق مرزی دو کشور نقش عاملین مسکوراایفا میکنند وبعناوین مختلف درمسائل وموضوعات مربوط بداخله پاکستان دخالت مینمایند .

با اینکه از نظر جغرافیائی کشور پاکستان منطقه‌ای از سرزمین هندوستان میباشد که دو قسمت شرقی و غربی آن در حدود ۱۶۰۰ کیلو متر از یکدیگر فاصله دارد و این مسئله از نظر ثبات سیاسی و اقتصادی یك کشور حائز اهمیت فراوانی میباشد معهذا این کشور بعلت عدم نفوذ اقلیت‌های نژادی ومذهبی از ثبات سیاسی و اقتصادی کاملی برخوردار میباشد .

جغرافیای انسانی پاکستان

جغرافیای انسانی پاکستان

الف ـ جمعیت :

پاکستان با۳٦٤٧۳۷ میل مربع‌مساحت، ودرحدود هشتاد وسه‌میلیون‌نفوس، پرجمعیت‌ترین کشوراسلامی جهان شناخته شده ومسکن اقوام ونژادهای مختلفی میباشد که علاوه براختلاف آداب ورسوم و زبان وسنن تاریخی چـون اقلیت‌های مختلفی نیز در آن زندگی میکنند بصورت یك سرزمین قـابل مطالعه‌ای عرض اندام مینماید .

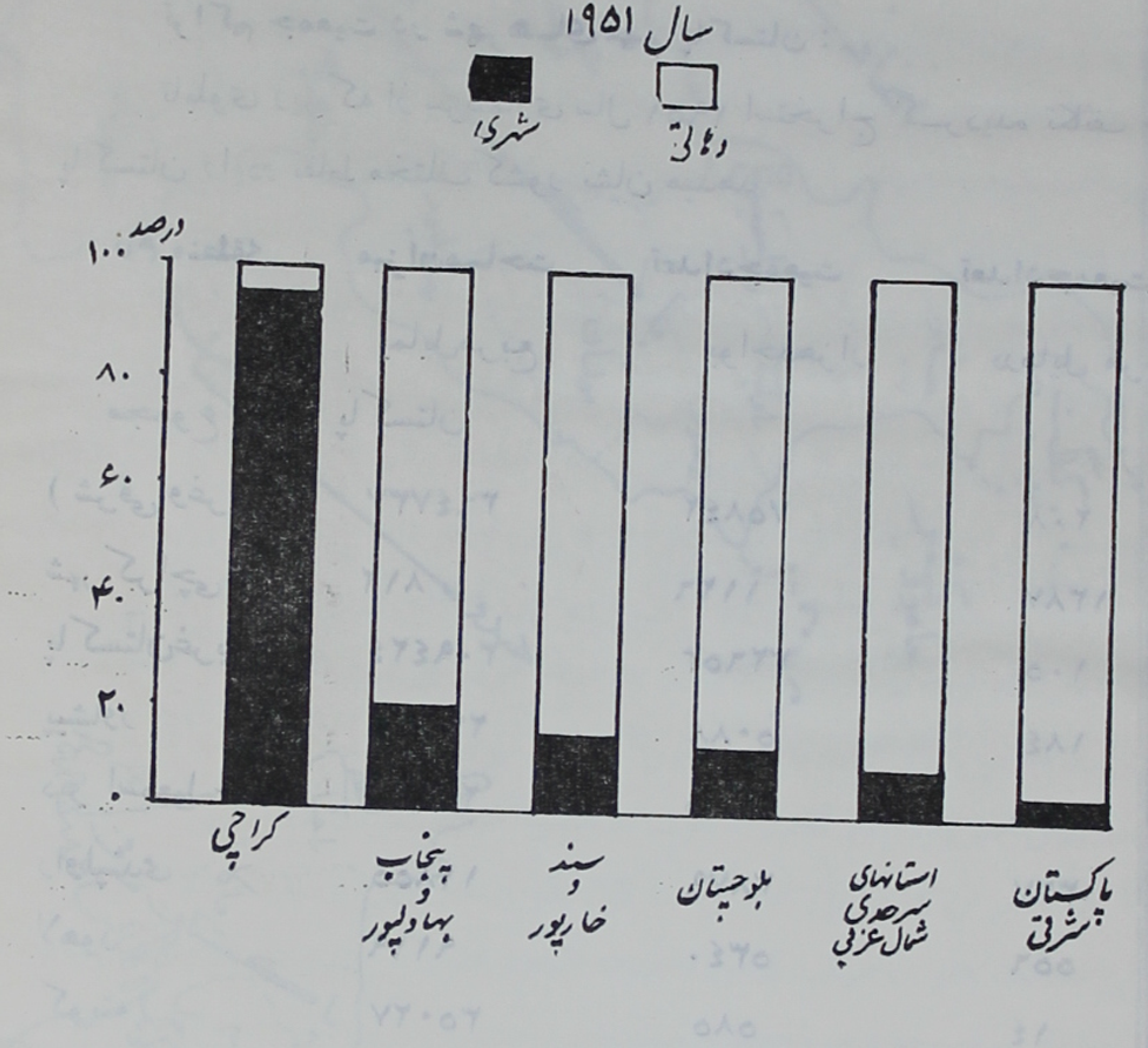
مشخصات جمعیت پاکستان :

بعلت تفاوت فاحشی که در خصوصیات قومی و مذهبی نفوس این مملکت خودنمائی‌مینماید وبا اینکه‌قریب‌سیزده سال از تاریخ تشکیل‌این مملکت میگذرد هنوز موضوع ملیت بمعنی و مفهوم واقعی خودش دربین اهالی این سرزمین رسوخ نکرده‌وبهمین جهت یکی‌ازمخاطراتی که همیشه پاکستان رابه‌تجزیه‌وقبول‌تحریکات داخلی و خارجی تهدید مینماید همین فقدان روح وحدت ویگانگی دربین افـراد مملکت میباشد وعلل وجود چنین تفرقه‌ای رامیتوان بشرح زیرخلاصه نمود :

ـ پاکستان ازدوقسمت غربی وشرقی تشکیل شده و هریك ازاین دوقسمت درحدود ۱٦۰۰ کیلومتر(یکهزارمیل) ازدیگری فاصله داشته ونفوس ساکن هریك ازاین دوقسمت چه‌ازحیث نژاد وزبان وچه از حیث خصوصیات اخلاقی وفرهنگی بایکدیگراختلاف فاحشی را دارا میباشند .

پاکستان تنها کشوری است دربین سایر کشورهای جهان که تأسیس‌آن بر مبنای ایدئولوژی طرفداری ازمذهب (اسلام) صورت گرفته وموجودیت آن متکی

جمعیّت شهری و دهاتی پاکستان در ایالات و اُستانها



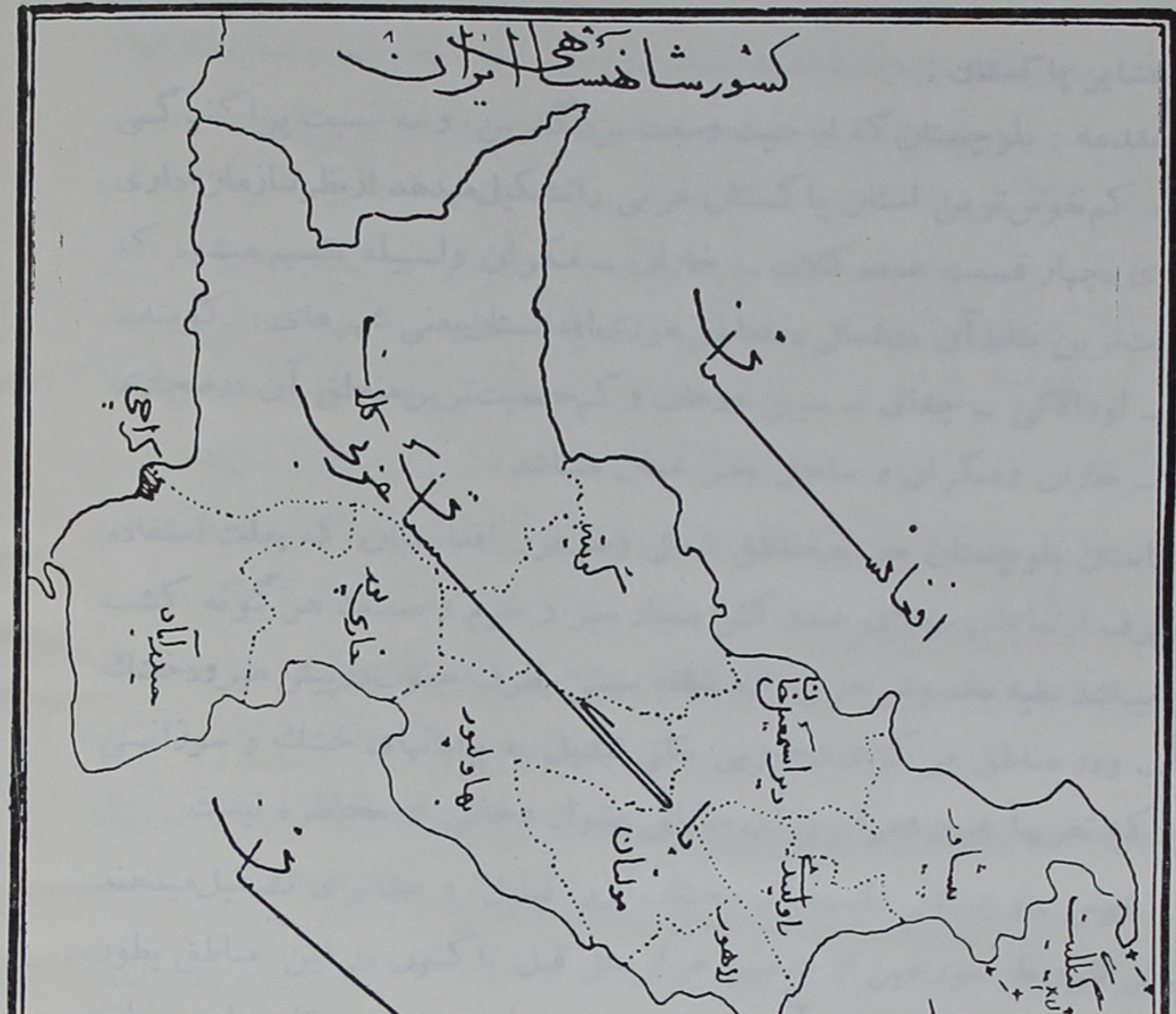
به‌روح ملیت پرستی نفوس آن نمیباشد وحال آنکه تاریخ دوازده ساله اخیر اینکشور بخوبی نشان‌داده است که عامل مذهب نتوانسته است روح یگانگی مورد لزوم را دربین افراد این‌مملکت بوجودآورد.

قسمت‌اعظم نفوس کشوررا قبایل وعشایری تشکیل‌میدهند که‌به‌مناسبت‌تفاوت شرائط طبیعی محل زندگانی و اوضاع و احوال اخلاقی و فرهنگی با یکدیگر اختلافاتی را داشته و اغلب نیز با اتکاء به سوابق تاریخی نسبت بیکدیگرخصومت میورزند.

تراکم جمعیت در شهرهای مهم پاکستان :

تابلوی زیر که از سرشماری سال ۱۹۵۱ استخراج گردیده تکاثف جمعیت پاکستان را در نقاط مختلف کشور نشان میدهد.

نام منطقه	میزان مساحت بمایل‌مربع	تعداد جمعیت بواحدهزار	تعدادجمعیت نسبی درمایل مربع
مجموع منطقه پاکستان (شرقی وغربی)	۳٦٤۷۳۷	۷۵۸٤۲	۲۰۸
شهر کراچی	۸۱۲	۱۱۲٦	۱۳۸۷
پاکستان‌غربی	۳۰۹٤۲٤	۳۲٦۵۳	۱۰۵
پیشاور	۲۷۵۳٦	۵۰۸۸	۱۸٤
دیر اسمعیل‌خان	۲۱۲٦۱	۲۰۸۵	۹۸
راولپندی	۱۱۸۵۵	۳۸۷۹	۳۲۷
لاهور	۹۱۱۹	۵۳٤۰	۵۵٦
کویته	۳۵۰۲۷	۵۸۵	۱٤
کلات	۹۸۹۷۵	۵۸۹	٦
پاکستان‌شرقی	۵٤۵۰۱	٤۲۰٦۳	۷۷۷


کشور شاهنشاهی ایران
افغانستان
کراچی
مولتان
بهاولپور
جامو و کشمیر

عشایر پاکستان :

مقدمه : بلوچستان که از حیث وسعت بزرگترین و به نسبت پراکندگی جمعیت، کم‌نفوس‌ترین استان پاکستان غربی راتشکیل‌میدهد ازنظرسازمان‌اداری وکشوری بچهار قسمت عمده کلات ـ خاران ـ مکران ولسبیله تقسیم میشود که پرجمعیت‌ترین نقاط آن درشمال درمناطق مرزی‌افغانستان‌یعنی شهرهای : کویته ـ پیشین ـ لورالائی ـ چغای ـ سیبی وذهاب و کم‌جمعیت‌ترین‌مناطق آن درصحاری کلات ـ خاران ومکران و ساحل بحر عمان میباشد.

استان بلوچستان جز درمناطق شمال وهم مرز افغانستان که بعلت استفاده ازآب برف ارتفاعات سفلای هندو کش بسیار سبز و خرم و مستعد هرگونه کشت وزرع میباشد بقیه بخصوص هرچه ازمنطقه سیبی بطرف جنوب‌درپیش میرودخشك وکم‌آب ودر مناطق مرکزی وجنوبی بکلی تبدیل به بیابانهای خشك و سوزانی میشودکه تقریباً عبور ومرور درآن مناطق دشوار وخالی از مخاطره نیست.

نفوس بلوچستان وقسمتهای مختلف‌آن‌را قبایل و عشایری تشکیل‌میدهند که‌بنا براظهارنظر مورخین از چندین هزار سال قبل تاکنون در این مناطق بطور پراکنده بسر برده و باقتضای آب وهوا و در پی علف چر در سرتاسر این منطقه وسیع ییلاق وقشلاق نموده‌اند وهنوز این رسم بین قبایل بلوچ حفظ شده‌است.

عشایر بلوچستان از سالها قبل در دوطرف مرز ایران و شبه قاره هندوستان میزیسته‌اند واخیراً که کشور جمهوری پاکستان بوجود آمده عشایری که در شبه قاره هندوستان میزیسته‌اند تحت تابعیت دولت پاکستان درآمده‌اند ولی البته‌چون غالباً در خاك ایران و در بین عشایر ساکن بلوچستان ایران نیز دارای علائق و خویشانی هستند بطور نامرتب ازمرزهای دو کشور عبور کرده وپس از رفع‌حوائج خویش بخاك اصلی خود مراجعت مینمایند.

تمام سکنه بلوچستان‌را عشایر وافراد منتسب به‌ایلات تشکیل‌میدهد و کمتر فرد بلوچی پیدا می‌شود که وابسته به‌یکی از ایلات یا عشایر نباشد وحتی کسانی

که سالها درشهرهاتوقف نموده ومتوطن شده‌اند رشته قومیت وایلی خودرافراموش ننموده ودرموقع لزوم ازقومیت عشیره‌ای خوددفاع مینمایند واین موضوع مخصوصا در جوانانی که برای تحصیلات عالی بکشورهای خارج مسافرت میکنند بیشتراسباب تعجب میشود زیرا یك پزشك یا مهندس اروپا دیده بلوچ نیزپس از مراجعت از ازمسافرت واحرازشغل ومنصب روابط ایلی وعشایری خود رافراموش نمیکند ودر دوستی ودشمنی‌های عمومی ایل باسایرایلات همکاری وهم آهنگی میکند.

علاوه بربلوچهائی که دراستان بلوچستان وخاران وچغای بسر میبرند عده زیادی ازخانواده هـای بلوچ برای تهیه وسائل زندگی وکسب و کار و مدرسه و بیمارستان از صحـاری بلوچستان بشهرها مهاجرت نموده و درآنجا مسکون گردیده اند و از جمله در شهر های حیدرآباد ، سند و بهاولپور چندین هزار خانواده بلوچ ساکن گردیده و چون اکثریت قابل توجهی را تشکیل داده‌اند بصورت بلوچی کلنی درامورشهری محل توقف خویش دخالت نموده و مؤثر واقع شده‌اند .

عشایر بلوچستان :

کلمه عشایر که درمورد بلوچستان بکارمیرود دارای یك مفهوم کلی وعام است که نباید مطلقاً آنرا بسازمـانی شبیه عشایر ایران و تشکیلات عشایری مشابه آن تعبیرنمود زیرا صرف نظر از چند ایل مهم که دارای خان و خانزاده وخدم وحشم وتشکیلات کامل عشایری هستند بقیه بسیار قلیل و پراکنده و گمنام وچه بسا که یك یا دوخانواده بیست سی نفری خود را بنام یك قبیله یا عشیره معرفی مینماید وحال آنکه در ابتدای امراز کلمه عشیره یك خانوار چند صد هزار نفری درنظر انسان مجسم میشود .

فی المثل درمناطق مرزی ایران وپاکستان وصحاری اطراف بنادربحر عمان چند نفربلوچ درسایه یك نخلستان زندگی میکنند وتمام هستی وامید این چند نفر

محصول خرمای آن چند نخل میباشد وضمناً همین چند نفر خود رابنام یك قبیله میخوانند وسایرافراد بلوچ نیزبخوبی آنها را میشناسند وازنام ونشان ومحل توقف آنها اطلاع دارند .

رویهمرفته عشایربلوچستان عقب افتاده‌ترین افراد بشردنیای کنونی هستند که با کلیه شرایط قرون وسطائی زندگی میکنند وجز یك تفنگ که غالباً آنرا خودشان میسازند ازهیچیك ازمظاهرتمدن بهره‌ای ندارند .

باآنکه بموجب آمارعمومی سرشماری سال۱۹۵۱ پاکستان اعلام گردیده که ۵۰ درصد افراد بلوچ سواد دارند لکن عموماً بلوچهائیکه خارج از شهرها بسر میبرند بیسواد ودرمعتقدات مذهبی‌خویش بسیارخرافاتی هستند .

مذهب غالبشان تسنن وحنفی است ویك عده نیز بنام بلوچهای ذکری معروف هستند که مانند کاکا سیاه‌ها بوده ودارای مذهبی شبیه به‌علی‌الله می‌باشند .

ازحیث فنون نبرد وشجاعت افراد بلوچ درارتش پاکستان معروف هستند و غالباً نسل‌جوان بلوچستان بهترین‌سربازان پاکستان راتشکیل میدهند لکن‌درعین حال دربین بعضی ازعشایرنیز افراد زیادی پیدا میشوند که ظاهراً بعلت مرورزمان تاریخی و کثیف شدن خون شجاعت وجسارت قومی خود را ازدست داده‌اند .

تقسیم بندی عشایر بلوچستان :

بزرگترین قبائل بلوچستان از قدیم‌الایام تاکنون دوایل رند و لاشار بوده و هستند ، در طول تاریخ سی‌سال گذشته افراد این دوایل برسر مسائل ایلی و خانوادگی بایکدیگرخصومت ودشمنی داشته وچندین بارنیزباهم جنگ نموده وبر اثرهمین خصومت ونفاق سران ومتنفذین‌این دوایل ازیکدیگرجداشده وهر کدام تشکیل‌یك شاخه جدیدی‌را داده ودریك‌منطقه از کلات مستقر گردیده‌اند .

بنابراین دوایل رند و لاشار ریشه اصلی ایلات صحیح‌النسب بلوچستان را

تشکیل میدهند وصرفنظر ازعشایر وایلات متفرق که ازخاك ایران وافغانستان باین منطقه مهاجرت نموده یاخانواده هائیکه درآبادیها وصحاری خشك بلوچستان در حال کوچ نشینی بسرمیبرند بقیه عشایر بلوچستان شاخه های متفرق این دوایل بوده که براثر مرور زمان قدرت وقوتی پیدا کرده وتحت رهبری خانهای لایق خویش بکسب افتخار وموفقیتهائی توفیق یافته اند.

عشایر رند :

عشیره رند در سرتاسر مناطق سوران آباد متفرق هستند ومهمترین سردار این ایل میرچاکرخان فرزند میرشهك میباشد که در سال ۱۹۳۰ فوت کرد و پس از وی اختلافات شدیدی در این ایل پیدا شده ودسته ای ازآنها بمنطقه سیبی ودسته ای بخاران ومکران کوچ نمودند. بموجب آماریکه از طرف مأمورین جیره بندی وزارت پاکستان درسال ۱۹۵۱ تحصیل گردیده تعداد افرادایل رند مجموعاً درآن سال ۲۶۳۶۰ نفر بوده وسردار فعلی این ایل سردار تاج محمدخان فرزند سردار تاج امام بخش میباشد.

شاخه های عشایری ایل رند که خودشان آن را میررند نیز مینامند از حیث اهمیت و تعداد بشرح زیر است :

چاکرانی (ایل اصلی فرزندان میرچاکرخان) - میرانی - الهدادی - میروادی - بجارانی - بلگرانی - نوحانی - محمدانی - دومبکی - ابراهیمی - ریحانی - نوشیروانی - عالیانی - سدرانی - هیبتانی - ننوانی - حیدرانی - گورچانی - فروزوئی - کیهازئی - مریدانی - قیصرانی زند - جمالانی - لیغاری - کلوئی - جسکانی - فروزائی - عمر نوحکانی - رخشانی - مزاری - مرانی - سیاه لاف - قلمتی - بلغت - جنگلانی - رستمانی - سارنگانی - اسرکانی - مستیانی - عمرزه - زیدجابرانی - لند - جاودانی - راهجه - کشکوری - هوتکانی - کهیری - دریشهك

عبدانی - یوسفانی شهکانی - علی‌خانی - گرگیج - شاهل‌زئی - پژ - عباسانی - مندرانی - حسنانی گوگیز - پندرانی گرگز - جلبانی - مسوری - هدگری - دشتی - سهربانی .

عشایر لاشاری :

عشیره لاشارپس‌ازعشایر رندداراى‌اهمیت‌فوق‌العاده‌ای‌میباشد واین‌عشیره‌نیز چون‌مدتها درحال‌جنگ‌وستیز باعشایر رندبوده تدریجاً قدرت‌خودراازدست‌داد وسرانجام‌خان‌بزرگ این‌عشیره بنام سردار کهرام‌خان لاشاری در منطقه کاجان در یك جنگ‌ایلی ازافراد تنگچی ایل رندشکست‌خورد ومناطق نفوذ خود را بافراد ایل رند واگذار نموده وافرادایل‌ازمناطق آباءواجدادی‌خود بطرف‌مناطق آبادبلوچستان وشهرها دراستان سند وپنجاب روآورده وازآن‌پس بکار زراعت پرداختند.

باشکست ایل‌لاشار سرداران این‌ایل متفرق گردیدند و هر کدام در داخله بلوچستان تشکیل‌قبیله‌ای دادند که بعدها دارای اهمیت واقتدار شده واز این‌جمله عشایر مگسی هستند که سردار آن نواب یوسف خان میباشد و افراد آن درمنطقه دیرغازی‌خان در نزدیکی مرز افغانستان‌مستقر گردیده‌اند.

شاخه‌های عمده‌ایل‌لاشار که فعلا دربلوچستان مستقر میباشند عبارتند از :

چك - شهدانی - رشیدانی - ملکانی - چهتانی - بنگلائی - میردادانی - مبارکانی - میرفانی - دیوانی - محمدانی - جیروانی - حسنانی - موهنانی - سومرانی - سالارانی - پیرمحمدانی - قلندرانی - پجارانی - مزارخانی - کمالانی سلمانی - توهم‌خانی - آخوندانی - عالیانی - شاهوانی - بهرمانانی - حدیانی - نوط‌بندیانی - چاروانی - بکرانی - جلالانی - اسمعیلانی - سلامانی - علقانی - مگسنی - توکلانی - منگیانی .

عشایر بلوچ افغانی پاتان:

علاوه بر عشایر و ایلاتی که درصفحات قبل از آنها یادشد ، در نواحی شمال

پاکستان وپاره‌ای ازمناطق‌استان بلوچستان‌وکلات عشایری‌ازاقوام بلوچ سکونت دارند که ریشه اصلی آنها از کشورافغانستان بوده وسالیان قبل ازراه هرات وقندهار سرازیرشده وفعلا درکشورپاکستان مقیم گردیده‌اند .

افراد این عشایربراثراختلاط وامتزاج بااهالی شهرنشین وسایرعشایرمناطق سرحدی پاکستان و افغانستان ، تدریجاً قومیت اصلی خود راکه بلوچی میباشد فراموش نموده ومینماید(ولی هروقت که مصالح ایجاب نماید خودرااز‌اقوام بلوچ وشاید بهترین وصحیح‌النسب ترین نژادبلوچ معرفی مینمایند)وفعلابعنوان عشایر پاتان خود را ازبلوچها کنار گرفته‌اند .

این عشایربه‌ترتیب عبارتند از:

۱ـ عشیره کاکر

۲ـ عشیره عبدل اچکزئی پاتان

۳ـ عشیره مندوخیل

٤ـ عشیره شیرانی

٥ـ عشیره ترین

٦ـ عشیره لونی

۷ـ عشیره کانی

۸ـ عشایرمتفرق وغیرقابل اهمیت

غیرازعشایری که به‌ترتیب نام‌آنهاذکرشد عشایردیگری که ازافغانستان به هندوستان کوچ نموده وفعلا درکشورپاکستان سکونت دارند عبارتند از:

عشایردرانی درحدود ۷۳۰۰ نفر ـ عشایر غلزی به‌تعداد ۱۰۲۹ نفرـ عشایر بهریج به‌تعداد ٤۹٦٥ نفرـ عشایربابی درحدود ۸٦۷ نفر .

همچنین تعدادی عشایرمتفرق درمنطقه‌خاران وچغای‌سکونت دارند که چون

تعداد افرادآن حتی بیك هزارنفرنمیرسد وشغل آنها بیابان گردی است قابل، ذکر نبوده وپیدا کردن نام عشیره ورئیس ومحل توقف آنها حتی برای عشایر بلوچ نیز آسان نیست .

اقلیت‌های مذهبی موجود در کشور:

با اینکه ملت پاکستان یك ملت مسلمان شناخته میشود ، معهذا عملا دربین طبقات مختلف مردم شاخه‌های مذهبی گوناگونی وجود دارند که بشرح زیر خلاصه میشوند :

۱ - مسلمانان اهل تسنن که اکثریت ملت پاکستان راتشکیل میدهند .

۲ - مسلمانان اهل تشیع که اقلیت مهمی راتشکیل داده ودر سراسر کشور پاکستان بطور متفرق زندگانی میکنند .

۳ - مسلمان قادیانی که پیروان میرزا احمد قادیانی بوده ودر پاکستان به احمدیه ومیرزائی معروف شده‌اند واین دسته نیزقریب پانصد هزارنفرمیباشند .

٤ -اسمعیلیه که ازطرفداران وپیروان آقاخان محلاتی بوده‌ودرسراسر کشور بطورپراکنده زندگی میکنند .

صرفنظرازشعب مختلف پیروان مذهب اسلام ، اقلیت‌های مذهبی دیگری با تعداد قابل ملاحظه دراین کشور زندگی میکنند که درسرنوشت سیاسی‌وبخصوص‌در جریان انتخابات کشوررل عمده‌ای را عهده‌دارمیباشند‌واقلیت‌های مزبورعبارتنداز:

۱ - هندوها که درحدود ده میلیون نفرآنها درپاکستان شرقی ودرحدودیك

میلیون ونیم آنها در سراسر منطقه پاکستان غربی پراکنده‌شده‌اند ،

هندوهای پاکستان به‌دودسته تقسیم میشوند که یك دسته به مشدول کست ودسته دیگر به‌نجس معروف‌شده‌اند وهر دسته‌دارای‌معابد و پرستشگاههای‌مخصوص بخود بوده‌وغالباً ازملاکین وسرمایه‌داران‌عمده بشمار میآیند که‌هر کدام‌عده‌زیادی از کشاورزان وکارگران مسلمان‌را اجیر نموده وعلاوه بر اینکه‌ازآنها دربرابرمقدار مختصری دستمزدکار میکشند درمواقع اخذ رأی درپاکستان نیز چنانکه‌انتخابات به‌سیستم مشترك صورت بگیرد هندوها میتوانند با استفاده ازآرای کثیر کارگران ومزدوران مسلمان خویش‌درانتخابات اکثریت نسبی‌را بدست‌آورند. بقرارآخرین آمارهای موجود هندوها سی‌وسه درصد مجموع نفوس پاکستان شرقی را تشکیل داده و غالباً در حوالی بندر چیتاگونگ زندگی مینمایند .

جامعه هندوها در پاکستان ازکلیه مزایای اجتماعی‌ومساوات برخوردار‌بوده منتهی چون غالباً مقامات هندی برای اعمال نفوذ و تحریك درداخله پاکستان از وجود هندوها استفاده مینمایند مقامات پاکستانی‌بادقت‌واحتیاط کاملی‌اعمال‌ورفتار آنها را مراقبت مینمایند (ولی‌مع‌الوصف هندوها همیشه در تحریکات کمونیستی منطقه پاکستان شرقی عامل اصلی شناخته شده‌اند.)

۳ ـ مسیحی‌ها که از دورۀ تسلط پرتقالی‌ها به‌شبه‌قاره‌هندوستان،دراین‌مناطق زندگی نموده وبا انجام تبلیغات دینی برتعدادشان افزوده شده ومیشود .

اقلیت مسیحی پاکستان غالباً کاتولیك ویااز پیروان انگلیکن می‌باشند که ازخودداری‌کلیسا ومدرسه وبیمارستان‌مخصوصی‌بوده ودر احرازمشاغل‌اداری‌ودولتی وپارلمانی (جز حق‌رسیدن به‌مقام‌ریاست جمهوری) مانند یك تبعه عادی پاکستانی از مزایای مربوطه استفاده مینمایند .

۳ ـ پارسی‌ها باآنکه تعدادشان از سایر اقلیت‌ها کمتر میباشد لیکن چون ثروتمندترین‌طبقه‌مردم راتشکیل میدهند رگ‌حساس امور صنعتی وتولیدی کشور

را بدست داشته وقسمت عمده سرمایه منقول شهرهای پاکستان غربی را دراختیار دارند .

اقلت زرتشتی پاکستان دارای داتشکده وپرستشگاه مخصوصی بوده ومانند سایر اقلیت‌ها ازمزایای زندگی اجتماعی استفاده مینمایند و قسمت اعظم آنها در پاکستان باموزتجارت مشغول‌بوده ونقش‌مهمی رادرتامین ارزخارجی کشوربرعهده دارند .

٤- بودائی‌ها که بقرارآمارهای منتشره تعدادشان دراین کشور در حدود ۳۱۹/۰۰۰ نفربوده وقسمت اعظم آنها درمنطقه چیتاگونگ (درپاکستان شرقی) زندگانی میکنند ومانند سایر اقلیت ها از حق انتخاب شدن و انتخاب کردن در انتخابات عمومی کشور استفاده مینمایند .

بودائی‌های پاکستان به‌قسمت بودائی‌های چکمه وبودائی های مونگ و بودائی‌های بومونگ تقسیم شده وهردسته تحت سرپرستی‌یک‌رهبرمذهبی مخصوص بخود اداره می‌شوند . بودائی‌هادرپاکستان شرقی دارای ۳۷۳معبد ومجسمه بزرگ بودا بوده و از سال ۱۹۵۱ نیز رادیوی پاکستان شرقی برنامه مخصوصی برای شنوندگان بودائی خود اجراء میکند .

مهاجرین :

صرفنظراز تقسیمات نفوس پاکستان از نظر نژاد و قومیت ومذهب طبقه مهم دیگری بنام مهاجرین درحیات سیاسی واجتماعی پاکستان وجود دارند که در جغرافیای انسانی این کشور نقش مهمی را برعهده داشته وتعدادآنها برده میلیون نفربالغ می گردد .

این عده از سال ۱۹٤۷ که شبه قاره هندوستان به کشور های هندوستان و پاکستان فعلی تقسیم گردید خاك هندوستان راترك نموده وبه کشورجدیدالتاسیس

پاکستان مهاجرت نمودند ولی چون درابتدای تشکیل دولت پاکستان وسائل امرار معاش این تعداد مهاجر موجود نبود غالب این افراد بدون مسکن و وسایل اولیه زندگی، درشهرهای بزرگ پاکستان سرگردان شده وبتدریج درخانه‌های حصیری که در کنارخیابان‌ها تعبیه شده بود سکنی نمودند .

درمدت سیزده‌سالی که پاکستان باستقلال نایل‌آمده تعدادی‌ازاین مهاجرین دارای خانه و زندگی شده و در رژیم نظامی جدید نیز به دستور ژنرال ایوب خان اقدامات مجدانه‌ای برای بهبود وضع زندگانی‌کلیه مهاجرین‌آغاز گردیده است .

زبان مردم پاکستان :

مسئله دیگری که یکی از موجبات افتراق موجود بین نفوس پاکستان راتشکیل داده ومانع از رشد سریع روح ملی وملیت‌پرستی دراین کشور گردیده موضوع رواج واشاعه‌زبانهای مختلف درنقاط گوناگون پاکستان میباشد.

السنه عمده ورایج در کشورپاکستان عبارتند از:

زبان بنگالی - زبان اردو - زبان پشتو- زبان بلوچی - زبان گجراتی - زبان کشمیری - زبان فارسی - زبان سندی - زبان پنجابی وبالاخره زبان انگلیسی که درحال حاضرزبان رسمی کشور راتشکیل میدهد .

ب - اوضاع اجتماعی پاکستان:

بموجب‌آخرین آمارمنتشره پاکستان درحدود هشتاد وسه میلیون نفرنفوس دارد که درحدود سی‌وپنج میلیون نفرآن درپاکستان غربی وچهل وهشت میلیون نفرآن درپاکستان شرقی بسر میبرند وبدین ترتیب این کشور چهارمین مملکت پرجمعیت جهان محسوب میگردد .

این جمعیت کثیر از نژادها واقوام مختلف و مذاهب گوناگون با السنه

متفاوت درسراسر کشور پراکنده هستند و از سال ۱۹٤۷ که جمهوری پاکستان بوجودآمده این اقوام درمحیط آرام وساکتی بسرمیبرند و با آنکه حس برتری نژادی دربین اقوام و طوایف و ساکنین استانهای مختلف کشور همواره باعث انحطاط اجتماعی وتضعیف بنیان استقلال پاکستان بوده مع‌الوصف دولت حتی-المقدور سعی نموده که این افراد مختلف باآزادی ومساوات‌کاملی در کناریکدیگر زندگی نموده و بجای بغض وعداوتهای ایلی ومحلی روح وحدت ویگانگی را در مردم بوجودآورد.

دسته‌های مختلف مردم پاکستان عبارتند از:

پنجابی - سندی - کشمیری - پاتان - بلوچی - گجراتی - بنگالی - مکرانی هندو - مهاجرین.

وبطوریکه قبلا نیزاشاره شد مذهب واقلیت‌های عمده کشورعبارتند از:

- مسلمانان که هشتاددرصد نفوس مملکت راتشکیل میدهند واکثریت آنها را اهل تسنن و مابقی راشیعه ها و سایر فرقه های متفرع اسلامی مانند احمدیه (پیروان میرزااحمد قادیانی) واسمعیلیه(پیروان آقاخان محلاتی) وپیروان دراویش وصاحبان کرامت مانند (درویش پیرپاکارو) که هر کدام ازاین اقلیت ها دریکی ازاستانهای مملکت مقیم گردیده‌اند.

۲- هندوها که تعدادشان به‌یازده میلیون نفر رسیده وده میلیون نفرآنها در جناح شرقی وبقیه درپاکستان غربی زندگانی مینمایند.

۳- بودائیها که اکثراً درپاکستان شرقی مقیم میباشند.

٤- پارسیها که‌طبقه ثروتمند کشوررا تشکیل داده وغالباًدر کراچی می‌باشند.

٥- عیسویان که انگلواینډین نام داشته و در نقاط مختلف پاکستان مقیم گردیده‌اند.

این افراد غالباً از دوره تسلط انگلیسها و ازدواج با خانواده‌های هند و یا مسلمان بیاد گار مانده‌اند .

۶ - یهودیها که تعدادشان بسیار کم وشاید از یکصد نفر هم تجاوز نکند.

اگر چه بعضی اوقات بر اثر اغراض سیاسی یا خصوصی بین اهالی دهات و قصبات اختلافات ومشاجراتی بوقوع میپوندد، لیکن رویهمرفته پاکستان ازحیث مصونیت مذهبی واحترام بمذاهب طبقه اقلیت قابل توجه وبین کشورهای خاورمیانه ممتاز میباشد.

در نتیجه توقف طولانی درپاکستان وآمیزش زیاد باطبقات مختلف مردم آن بخوبی استنباط میشود که قطع نظر از آرامش وسکون ظاهری که در زندگی اجتماعی اینکشور احساس میشود باطناً بین طبقات مختلف وطوایف استانها وهمچنین پاره‌ای از فرق مذهبی عداوتهای دیرینه‌ای موجود است که غالباً در امورسیاست و اداری این کشور محسوس بوده ودشمنان پاکستان میتوانند باآشنائی بروحیه طبقات مختلف مملکت حد اکثر استفاده را از این موضوع حاصل نمایند .

عوامل و موارد مهم این اختلافات باطنی را میتوان بشرح زیر طبقه‌بندی نمود .

۱ - بطورکلی بین اهل تسنن وشیعیان اختلاف وخصومت پنهانی وجود دارد ومخصوصاً در سالهای اخیر که اسکندرمیرزا باسمت رئیس جمهور (که خود شیعه بود) برسرکار بود وغالب همکاران خودرا در دولت وارتش از بین شیعیان انتخاب کرده‌بودبیشتر بعمیق‌شدن این شکاف کمك گردیده و باطناً علمای اهل تسنن مردم را بخصومت وبغض نسبت به‌شیعیان وهیئت حاکمه شیعه تحریك مینموده‌اند .

۲- بین قادیانی‌هاودستگاه فعلی دولت که‌غالباً آنهارااهل‌تسنن‌تشکیل‌میدهد مخالفت ودو دسته گی‌شدیدی موجوداست وچون‌مرکزاصلی طرفداران‌فرقه‌قادیانی

درهند می باشد دولت همواره بیمناك است که مبادا عوامل جاسوس هندی ازتعصب مذهبی قادیانی‌ها استفاده نموده وعلیه دستگاه دولت اقداماتی را معمول دارند.

فرد بارز وباشخصیت قادیانی ها آقای محمد ظفراله خان وزیرامور خارجه اسبق پاکستان است که فعلابعنوان قاضی دیوان داوری لاهه درهلند مقیم میباشد.

۳- بین هندوها و مسلمانان خصومت دیرینه‌ای وجود دارد و چون قبل از تقسیم شبه قاره هندطرفین بجان یکدیگرافتاده وقتل وعام‌های مهمی صورت گرفته اکنون نیز که سیزده سال ازآن حوادث میگذردهنوزطرفین‌خونریزی‌های آن ایام را فراموش نکرده وهنگام بروز حوادث غیر مترقبه که پای هندوها درکار باشد مسلمانان باچشم انتقام جویانه‌ای بآنها نگاه میکنند.

٤- درسرتاسر کشوروبین اهالی مقیم پاکستان شرقی وغربی اختلاف شدیدی حکمفرماست، بدین ترتیب که اهالی پاکستان شرقی (بنگالیها) چون باتمرکز قوای دولت در پاکستان غربی مخالف هستند با اهالی جناح غربی مخالفند و حتی‌المقدور طرفین درکارها برای یکدیگر کارشکنی میکنند.

٥- چون ازتاریخ تشکیل کشور پاکستان اعضای‌اصلی کادر دولت راچه در کراچی و چه درلاهور افراد خانواده های مختلف پنجابی تشکیل داده‌اند وکلیه مشاغل عمده در وزارتخانه‌ها ودستگاههای دولتی وحتی ارتش بین افراد پنجابی تقسیم گردیده و افراد پاتان وسندی وبلوچ ازاین حق محروم گردیده‌اند افراد نامبرده اخیرعداوت شدیدی نسبت به‌پنجابیها دارند ودردوران حکومت‌های سابق کمترروزی بود که در دستگاههای دولت یا اجتماعات پاکستان منازعاتی بین یك پنجابی بایکنفرسندی یا پاتان یابلوچ اتفاق نیفتد.

مورد اختلاف اخیرالذکر شدیدترین ومهلك‌ترین خطر تفرقه بین افراد و آحاد کشوراست ودولت و زمامداران گذشته کمتر باین امر توجه داشتند وسعی میکردند باروی کارآوردن پنجابیها بیشتر دامنه بغض سایر اهالی را توسعه‌دهند.

اخیراً ژنرال ایوب خان متوجه این نکته شده و برخلاف اسکندر میرزا که از پشتیبانان جدی پنجابیها بود وی که‌خود نیز از پاتان‌ها می‌باشدسعی می کندتامشاغل حساس رااز پنجابیها گرفته وبه‌پاتانها بسپارد ویا لااقل تعدیلی را دراین امر بوجود آورد.

۶ - مهاجرین که هنگام تشکیل پاکستان از شبه قاره هند باین کشور مهاجرت نموده‌اند چون تعدادشان به‌ده میلیون نفرمیرسد هنوز دولت نتوانسته است برای تمام آنها جاومسکن تهیه نماید وغالب نامبردگان تاکنون درحصیرهاو کنارخیابانها ومعابرعمومی زندگی‌میکنند واین افرادچون ازکلیه مزایای زندگی مانند برق وآب ونظافت وبهداشت وغیره محروم هستند طبعاً نسبت به‌طبقه متمول وثروتمند کشور با دیده بغض ونفرت نگاه میکنند و این خطر نیز همواره مورد ملاحظه دولتهای وقت بوده است ولی همان طور که قبلا نیزاشاره شد رژیم جدید نظامی پاکستان بدستور ژنرال ایوب خان تلاش مینماید که بزندگی این دسته از مردم سروسامانی داده و موجبات فراهم شدن حداقل وسائل مورد لزوم آنها را فراهم نماید ودراین راه با ساختن خانه های مناسبی جهت سکونت تعدادی ازآنها موفقیت قابل توجهی را حاصل نموده است.

صرف نظرازموارد نامبرده بالا، اجتماع عمومی ملت پاکستان راطبقات زیر تشکیل میدهند که ازهرحیث بایکدیگر متمایز ومطالعه روانی آنها ازهر نظرقابل ملاحظه می‌باشد:

۱ - طبقه ثروتمند و ملاك که غالب آنها را پنجابیها وسندیهاتشکیل میدهند.

۲ - خوجه ومیمن‌ها که قسمت اعظم تجارت وداد وستد ومعاملات داخلی و خارجی کشوررا دردست دارند.

۳- طبقه متوسط که ساکنین شهرها را تشکیل میدهند و کم و بیش بازندگی شهری وتمدن اروپائی آشنائی دارند.

٤ ـ طبقه روستائیان وبرزگران که هشتاد در صد ملت را تشکیل داده ودر سرتاسر پاکستان شرقی وغربی، بکار کشاورزی مشغولند.

٥ ـ دانشجویان و جوانان تحصیل کرده که غالبشان دانشکده‌های بزرگ انگلستان را دیده‌اند و از حیث فرهنگ وتربیت مانند یك فرد انگلیسی معاشرت میکنند ولی بعلت عقب افتادگی اقتصاد کشور از مزایای زندگی اروپائی محروم هستند.

٦ ـ خان هاونوابها که با افراد خانواده‌های خود در استانهای سند وپنجاب و بلوچستان و مکران بچندین میلیون افراد عشایر کـه غالبشان مسلح و بیسواد میباشند حکومت مینمایند.

آداب واخلاق اجتماعی مردم :

نسبت بروحیه‌وآداب واخلاق‌عمومی مردم پاکستان‌بطوراعم نمیتوان‌قضاوت کرد زیرا ملت‌پاکستان‌ازافراد وطوایف مختلف وامزجه متفاوت ترکیب‌شده‌وهر یك از دسته‌جات مقیم استانها دارای آداب ورسوم مخصوصی هستند واز این نظر نمیتوان برای روحیات همه‌آنها یك قاعده کلی را درنظر گرفت.

مثلاافراد ایل‌پاتان که اصلا مقیم مناطق مرزی ایران‌وپاکستان وافغانستان میباشند مردمی بسیار رشیدومتعصب وراستگو هستند ودربرخورد با اشخاص‌بیگانه بسیار خشك ودر مقام دوستی بی‌اندازه مهربان ومفید میباشند.

اما صرفنظر از اخلاق و روحیات اهالی ایلات که در شهرها ودهات متفرق میباشندتوده‌شهرنشین وتحصیلکرده پاکستان ازحیث‌آداب وسنن شبیه بیکدیگرند ونکات زیر خصوصیات عمومی‌آنها را تشکیل میدهد:

پاکستانیها قبل‌ازهر چیز بمحیط خانواده خودعلاقمند وچون وسائل‌تفریح

به اندازه کافی در کشور موجود نیست مردم از غروب آفتاب بمنزل میروند ودرمحیط خانه ودربین فرزندان خویش که غالباً تعدادشان زیاداست بسرمیبرند .

جوانان تحصیلکرده ودانشجویان بیش از طبقات دیگر مقید بحفظ واحترام سنن ملی هستند وطبقه واقعی وطن پرستان پاکستان را جوانان تشکیل میدهندو هرقدر که از عمر تأسیس این کشور میگذرد ونسل جوان مملکت افزایش مییابد حس وطن‌پرستی وغرور ملی درتوده پاکستانی بیشتررشد میکند.

این طبقه ازتوده مردم بعلت آشنائی با تعلیم وتربیت انگلیسی ، بسبك ملت انگلستان زندگی‌میکنند ودرانجام برنامه خوراك و پوشاك ودیدوبازدید وورزشهای روزانه وغیره کاملا ازسیستم انگلیسی تقلید مینمایند .

زنان پاکستان هنوزدر چادربسرمیبرند وفقط عده‌ای که شایدازدوسه‌میلیون تجاوز نمیکند بدون چادر درزندگانی اجتماعی شرکت دارند و دولت پاکستان امیدوار است که بزودی به زنان‌نیزحق انتخابات داده شود وبدین ترتیب‌موجبات رفع حجاب آنها بطورکامل فراهم شود.

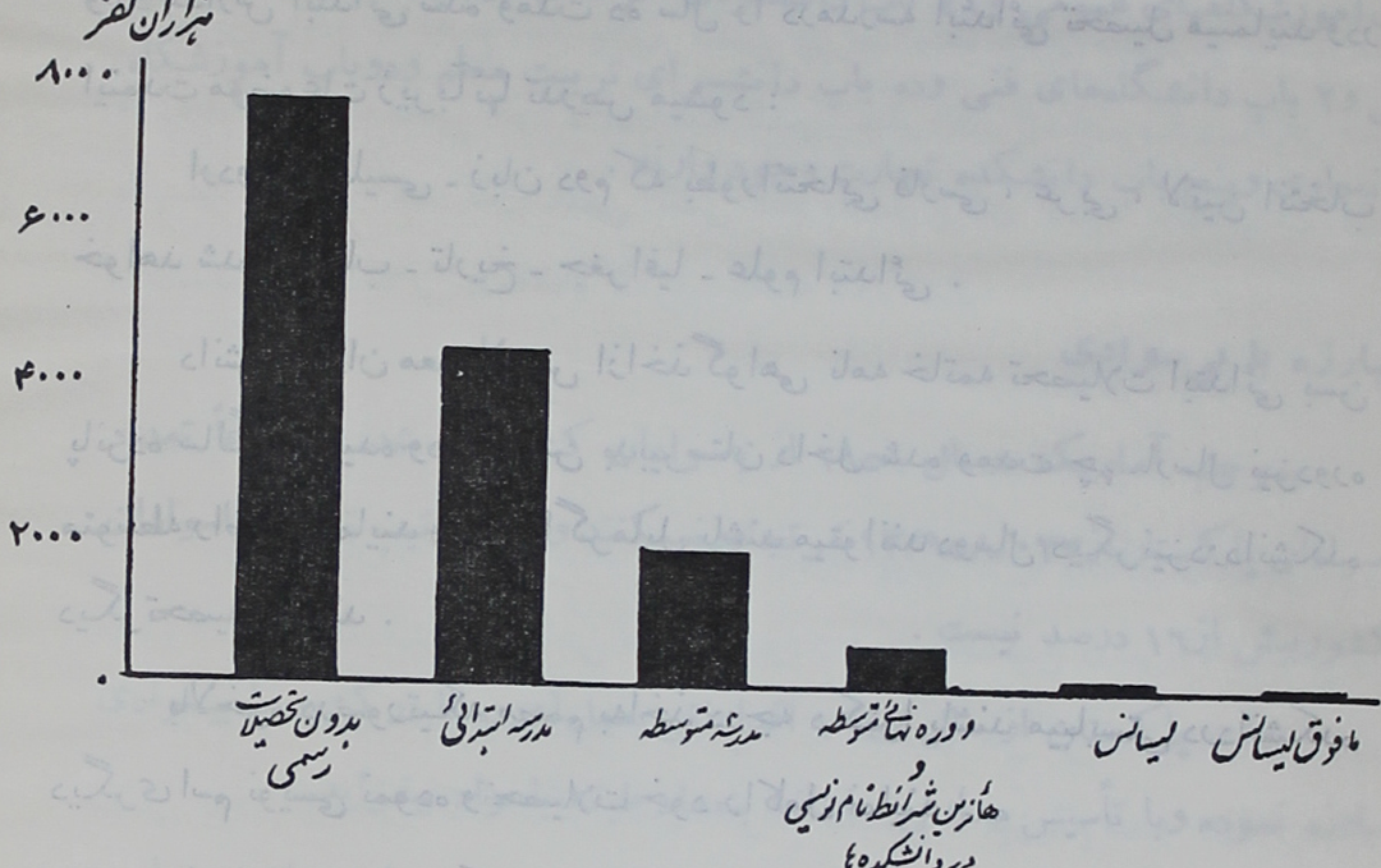
ج - اوضاع فرهنگی پاکستان :

با تقسیم شبه قاره هندوستان وتشکیل دولت پاکستان سیستم فرهنگی این کشورتغییر نکرده وظرف مدت سیزده‌سال‌اخیر که‌ازعمرجمهوری پاکستان‌میگذرد همچنان فرهنگ مملکت بسبك وسیاق فرهنگ دوره انگلیسها اداره‌میشود.

بسیاری ازکارشناسان امور فرهنگی معتقدند که انگلیس‌ها برای‌ادامه‌تسلط خود در شبه قاره هندوستان سیستم فرهنگی‌خاصی راباهالی این منطقه‌تحمیل کرده بودندوحالا که تسلط انگلیسها خاتمه یافته ومردم پاکستان میبایستی‌ازمزایای‌یك ملت مستقل و پیشرواستفاده نمایندمورد ندارد که همچنان همان سیستم دوره‌تسلط

جمعیت باسواد پاکستان

باتوجه به سطح معلومات



انگلیسها را در کشور خود ادامه دهند.

دولت جدید محمد ایوب خان در آغاز زمامداری ضمن اصلاحات واقداماتی که برای پیشرفت شئون مختلف مملکت بعمل آورد بموضوع لزوم وتجدید نظر درسیستم فرهنگی کشور نیز توجه نموده و کمیسیونی مرکب ازدانشمندان واستادان دانشگاه را مامور نمود که در باره انتخاب سیستم جدید فرهنگ کشور مطالعه نموده و سیستمی را انتخاب نمایند که فراخور اوضاع واحوال یك ملت مستقل و آزادبوده وعوامل دوره تسلط انگلیس هارادر بر نداشته باشد.

در سیستم فرهنگی فعلی کودکان ابتدا دوره کودکستان را طی نموده وسپس وارد مدارس ابتدائی شده ومدت ده سال را درمدرسه ابتدائی تحصیل مینمایند ودر اینمدت موضوعات زیر بآنها تدریس میشود :

اردو ـ انگلیسی ـ زبان دوم که بطورانتخابی فارسی ، عربی ، لاتین انتخاب خواهد شد ـ حساب ـ تاریخ ـ جغرافیا ـ علوم ابتدائی .

دانش آموزان معمولا پس ازاخذ گواهی نامه خاتمه تحصیلات ابتدائی بسن پانزده سالگی رسیده ودراین سن بدبیرستان داخل شده ومدت چهارسال نیزدوره متوسطه راطی مینمایند وسپس اگرمایل باشند میتوانند دوسال دیگرنیزدردانشکده دیگرتحصیل نمایند .

بالاخره درصورتیکه مصمم بهاخذ درجه دکترا باشند میبایستی دردانشکده دیگری اسم نویسی نموده وتحصیلات خود راکامل نمایند .

بنابراین مدارس پاکستان بدوقسمت ابتدائی ومتوسطه تقسیم میشوند وچون هرچه مدارج تحصیلی بالا میروند مخارج تحصیل نیز گرانترمیشود غالباً مدارس ابتدائی پرجمعیت تر ازمدارس متوسطه ودانشکده ها میباشند .

بقراریك آماردقیق که ازوزارت فرهنگ پاکستان بدست آمده درسال ۱۹۵۷

در ۴۵۷۶۵ باب مدرسه ابتدائی کشور تعداد ۴/۱۰۰/۰۰۰ نفردانش آموز ودر ۵۷۰۶ باب مدرسه متوسطه کشورتعداد ۱/۳۰۰/۰۰۰ نفردانشجوتحصیل میکرده‌اند .

درپاکستان شش دانشگاه بشرح زیروجود دارد :

دانشگاه پنجاب ـ دانشگاه داکا ـ دانشگاه کراچی ـ دانشگاه راج شاهی دانشگاه پیشاور ـ دانشگاه سند .

علاوه براین درحال حاضر در پاکستان ۷۴۹۵ باب مدارس متوسطه و۱۵۷ باب آموزشگاههای عمومی و۴۲ باب دانشسرای حرفه‌ای و۱۵ باب آموزشگاه عالی فنی و۲ باب دانشگاه‌های فنی وده باب دانشسرای تربیت معلم ودوباب آموزشگاه خانه‌داری وپنج باب دانشکده تجارت وجود دارند .

مبارزه با بی‌سوادی

بموجب آماریکه درسال ۱۹۵۱ از باسوادان کشورتهیه شده مجموعاً تعداد باسوادان پاکستان‌از۱۳/۹۵۸/۰۳۳ نفرتجاوزنمیکنند وبدین‌ترتیب تناسب باسوادان کشوربیش از۱۶ درصد نیست .

دولت پاکستان از سال ۱۹۴۷ اقداماتی بعمل‌آورده تا در کشور با بیسوادی مبارزه نموده وبا تأسیس مدارس مختلفه بتعداد طبقه باسواد بیفزاید .

لکن چون قدم اول در اجرای برنامه مبارزه با بی سوادی داشتن معلم به تعداد کافی می‌باشد وپاکستان ازاین حیث بسیار در مضیقه میباشد لذا در وهله اول بتأسیس مؤسسات تربیت معلم اقدام نموده‌واکنون درپاکستان درحدود۱۰۴مدرسه تربیت معلم و۳۰مدرسه تربیت معلم زن وجود داردودولت امیدواراست همینکه معلم

ووسائل کافی درمملکت آماده شد برای اجرای تعلیمات اجباری قانون مخصوصی رابتصویب برساند .

سازمان برنامه پنج ساله نیز برای کمك باجرای برنامه توسعه فرهنگ در کشور درحدود ٥٥٠ میلیون روپیه اختصاص داده و مخصوصاً برای افزایش تعداد معلمین فارغ‌التحصیل ازمؤسسات تربیت معلم موجباتی را فراهم ساخته که بجای ٧٥٠٠ نفر معلم که هرسال ازآموزشگاههای مختلف فارغ‌التحصیل میشوند تعداد ١٠/٠٠٠ نفرمعلم فارغ‌التحصیل شوند .

همچنین معادل ٥٦ میلیون روپیه برای توسعه مؤسسات تحقیقات علمی اختصاص یافته که فارغ‌التحصیلان کشور نیز درآینده بجای مسافرت بکشورهای خارجه تحقیقات علمی خود رادرداخله کشورانجام دهند ومخصوصاًدرسالهای اخیر با بسط مؤسسه تحقیقات علمی اتمی قدم بلندی برای کمك به‌تحقیقات علمی دانشمندان پاکستانی درداخله کشوربرداشته شده است .

اتحادیه‌های دانشجوئی :

درپاکستان تا قبل ازاستقرار رژیم جدید ایوب خان، دخالت دانشجویان در موضوعات و کشمکشهای سیاسی ممنوع نبود وچون محصلین درابرازعقاید خویش آزادی عمل داشتند همواره محیط مدارس و دانشگاهها مرکز فعالیت و تحریکات سیاسی بود، بدینمعنی که کارگردانان احزاب شعباتی را نیزبنام شعبه جوانان دائر نموده وسپس درداخل اتحادیه‌های دانشجویان اعمال نفوذ کرده ودر تظاهرات و میتینگهای حزبی‌ازاین عوامل‌استفاده مینمودند. چنانکه تاچندی قبل اتحادیه‌های دانشجویان مرکزثقل فعالیت عوامل تبلیغاتی کمونیستها بوده وهنوز نیز باآنکه ظاهراً این اتحادیه‌ها ازفعالیت ممنوع گردیده‌اند مع‌الوصف افراد شناخته شده‌ای

دردانشگاه‌ها وجود دارند که درشبکه‌های حزب سابق نشنال عوامی عضویت داشته ودربین دانشجویان اخلال مینمایند .

باآنکه دولت بخطردخالت دانشجویان درسیاست پی‌برده مع‌الوصف هنوزدر این باره‌تصمیم قاطع اتخاذ نشده‌وعده‌زیادی وجوددارند که دخالت جوانان دانشجو را درامورسیاسی لازم وضروری میدانند وازاین فکرجداً طرفداری مینمایند .

بهرحال این نکته ازجمله موضوعاتی‌است که پس ازالغاء حکومت نظامی و تصویب قانون اساسی وتجدید فعالیت احزاب سیاسی روشن خواهد شد .

پاکستان ظرف چند سال اخیر از نظر پیشرفتهای اقتصادی موفقیت‌های زیادی را پیدا نموده‌ولی‌برای وصول بهدفهای اقتصادی خود هنوزراه طولانی‌وپر فراز ونشیبی را در پیش دارد .

کلیاتی از اقتصادیات پاکستان

کلیاتی از اقتصادیات پاکستان

الف ـ کشاورزی

کشور پاکستان که ازتاریخ چهاردهم اوت سال ۱۹۴۷ بصورت جمهوری مستقل درآمده ازدوقسمت غربی وشرقی تشکیل شده که هریك ازدیگری درحدود یك هزار وصد میل فاصله دارد .

این فاصله موجود بین دوقسمت پاکستان غربی و شرقی نه‌تنها درسیاست عمومی این کشور مؤثراست بلکه دولت پاکستان مجبور شده که به‌تناسب اختلاف آب وهوا و رطوبت وشرائط کشت‌کار در هریك ازاین دوقسمت برای هریك ازدو منطقه پاکستان غربی وشرقی برنامه اقتصادی مشخص ومتفاوتی را تنظیم و بمورد اجرا بگذارد .

مثلا در حالیکه پاکستان شرقی از نقطه نظر داشتن رودخانه‌های پرآب و سیلاب‌های فصلی‌ازآب مستغنی است و گاهی هم وفورآب وجریان سیلاب‌های شدید خساراتی را بمزارع این منطقه وارد می‌آورد ، برعکس اهالی و مزارع پاکستان غربی ازنظر کم آبی وخشکی درمضیقه بوده وباآنکه‌پروژه‌های سد سازی وآبیاری دراستانهای پنجاب وسند وبلوچستان یکی پس‌ازدیگری بمورد اجراء گذارده میشود مع‌الوصف عملیات ساختمانی دولت هند در روی رودخانه های پنجاب (راوی ـ بیاس ـ جهلم ـ ستلج ـ چناب) سرتاسر استانهای نامبرده را بسختی مورد تهدید خشکی وکم آبی قرارمیدهد .

درحالیکه درمنطقه‌پاکستان شرقی برنج غذای‌اکثریت ساکنین آنراتشکیل داده وتنها محصول صادراتی آن کنف است درپاکستان غربی مردم معتاد به‌مصرف گندم بوده وعلیرغم نداشتن هیچگونه محصول صادراتی دولت مجبور است که هر

سال مبالغ معتنابهی ارزحاصله از فروش محصول صادراتی کنف خودرا بمصرف وارد کردن مواد خوراکی و بندمورد احتیاج اهالی منطقه پاکستان غربی برساند.

ازاین گذشته همانطوریکه گفته شدچون درپاکستان شرقی وفورآب وسیلاب های شدید مزارع و کشتزارها را هرسال تهدید مینماید قسمت اعظم بودجه عمرانی دولت درآن جناح بمصرف ساختمان سدهای انحرافی و سیل گردان میرسد و حال آنکه در پاکستان غربی بخصوص درمناطق سند و کلات که صحاری خشك وسوزان وجود دارد دولت بیشتر بودجه خود را بساختمان سدهای کوچك وبزرگ وبمنظور تأمین آب برای آبیاری مناطق لم یزرع اختصاص میدهد.

مسئله دیگری که اقتصاد پاکستان از بدوتأسیس این کشور با آن مواجه بوده ومیباشد موضوع تکثیر توالد و تناسل نفوس است بدین معنی که بقرار یك آمار دقیق هرساله تعدادنهصدهزارنفر بتعداد هشتادوسه میلیون نفوس این کشوراضافه میشوند واگردولت برای تأمین خوراك این افرادفکراساسی نکندخطرورشکستگی اقتصادی کشور را تهدید مینماید.

با شرح مطالب بالا بخوبی استنباط میشود که دولت پاکستان از آغازتأسیس ناگزیر بوده که سیاست اقتصادی خود را بر اساس سیستم اقتصاد کشاورزی استوار سازد و دولتهائیکه برسر کارآمده اندپیوسته سعی نموده اند که مملکت را از حیث مواد خوراکی وارزاق مستغنی سازند و با تهیه محصول غذائی شکم مردم را سیرو با افزایش محصول کنف بتوانند مقداربیشتری از آنرا بخارج صادر و ارزکافی برای اجرای پروژه های صنعتی کشور را تحصیل نمایند.

دولت با مطالعات کافی باین نتیجه رسیده که چون قریب پنج ششم نفوس مملکت را طبقه دهاقین و روستائیان تشکیل میدهند و قریب یك سوم اراضی نیز با استفاده ازآب رودخانه ها قابل کشت خواهد شد یك برنامه اساسی را برای توسعه

کشاورزی پاکستان تنظیم نمایدتا ضمن اینکه به‌آبیاری وتوسعه محصول کشاورزی مملکت کمك میکند باساختمان کارخانجات مختلف و اجرای پروژه‌های صنعتی و تجارتی ببسط صنایع و آشنائی مردم بطرززندگی جدیدنیز اقدام نماید.

بنابراین در سال ۱۹۵۵ اولین برنامه پنجساله کشور بوجودآمد و هدف‌آن عبارت بود ازافزایش درآمد ملی تامیزان ۲۰ درصد وافزایش‌درآمد فردی‌تامیزان ۱۲ درصد.

بودجه‌ای که برای اجرای برنامه پنجساله پیش بینی‌شده بود معادل مبلغ یازده میلیون وششصدهزار روپیه بود که از این مبلغ‌معادل‌هشت‌میلیون روپیه‌برای اجرای پروژه‌های عمومی وسه میلیون وششصدهزار روپیه برای اجرای‌برنامه‌های اختصاصی تعیین گردیده بود.

در برنامه پنجساله کشور بموضوع کشاورزی و تأمین ارزاق عمومی بیش‌از شئون دیگر اهمیت داده‌شده بود ومخصوصاً پیش‌بینی شده بود که با تأسیس‌مدارس کمکهای روستائی در حدود پنجهزار نفراز رعایا و جوانان کشاورز پاکستانی‌با اصول جدید کشاورزی آشنائی پیدا کنند و سپس افرادکارآزموده نامبرده دربیست‌و شش هزار دهکده که فقط یك چهارم دهات پاکستان را تشکیل میدهند مشغول تعلیم سیستم جدید روستائی گردند.

برنامه آبیاری و پروژه‌های مربوطه :

در منطقه پاکستان غربی معادل یکصدوسی و یك میلیون اکر (هر اکر ۴۴۸۰ مترمربع) زمین قابل زراعت وجود دارد که بعلت عدم دسترسی به آب‌فعلا خشك ولم یزرع بوده ودر حال‌حاضر فقط بیست ویك میلیون اکر از این اراضی قابل کشت میباشند.

دولت برای اینکه به‌آبیاری این مناطق کمك کرده باشد ظرف مدت‌پنجسال

اخیر در مناطق مختلف پاکستان غربی وشرقی بشرح زیر باحداث کانال انحرافی مبادرت نموده است:

در پاکستان غربی مجموعاً ۱۷۱۴۸ کانال بوسیله دولت و ۵٤۱ کانال بوسیله مردم احداث شده ودرنتیجه مجموعاً ۲۲۷۵۳ اکرزمین قابل آبیاری گردیده‌اند.

درپاکستان شرقی دولت شش کانال ومردم ٤۷ کانال احداث کرده‌اند ومجموعاً ٤٥۸ اکرزمین قابل آبیاری شده‌اند.

از این گذشته دولت دردوجناح پاکستان شرقی وغربی از محل اخذ کمک مالی از دولتهای امریکا وانگلستان وبرنامه کلمبو (مخصوصاً کانادا) به اجرای چندین پروژه وسیع سدسازی وایجاد برق موفق گردیده که مهمترین آنها عبارتند از:

سدعظیم ورسک	۱۸۸/۳ میلیون روپیه	۱۲۰ هزار اکر اراضی آبیاری میشوند
سد مانگالا	۹۸۳ »	۲۶۲ »
کورام گارهی	٤۳ »	۱۰۰ »
پروژه‌های شال	۱٥٥/٥ »	۲۷۰ »
گود وبارج	۳۰٤/٤ »	۲۳۰۰ »
غلام محمد بارج	۲۷۳/۷ »	۲۷٥۰ »
تونسا بارج	۲۰۹/٦ »	۷۱۰ اکرزمین آبیاری میشوند
کانال عباسیه	۳۸/۳ »	—
مانگالامارالالینك	۱۱۰/٥ »	—

همچنین در حدود پانزده سد کوچك دیگر درمناطق مختلف پاکستان غربی احداث گردیده که بتوسعه اراضی قابل کشت کمك کرده است .

پروژه‌های آبیاری و سد سازی درپاکستان شرقی ومخارج آن :

پروژه کارنافولی	۳۰۲ میلیون روپیه
گنگز کوبادك	۱٦٥ » »

تیستابارج	۱۱۵	میلیون روپیه
تانگون	۲۶	» »

با احتساب کلیه پروژه‌های نامبرده بالاو برنامه‌های دیگر آبیاری در پاکستان، با اجرای برنامه پنجساله‌اول مجموعاً معادل هفت‌میلیون وششصدوسی هزار اکر زمین در دوجناح شرقی وغربی پاکستان قابل کشت خواهند شد.

ضمناً بقراریکه اداره برنامه پنجساله پیش‌بینی‌نموده بود بااجرای‌این‌پروژه‌ها محصول کشاورزی پاکستان بترتیب زیرافزایش پیدا میکند.

برنج	۸	در صد
گندم	۱۲	»
کنف	۱۵	»
پنبه	۲۱	»
نیشکر	۲۲	»
چای	۱۵	»

تقسیم آب رودخانه‌ها واختلاف با دولت هندوستان :

از دامنه کوههای هیمالیا واقع در شمال شبه قاره هندوستان چندرودخانه کوچك وبزرگ سرچشمه می گیرد که مهمترین آنها عبارتند از:

سند (Inous).

جهلم (Jhelum) .

چناب (Chenab) .

راوی (Ravi) .

ستلج (Sutlej) .

بیاس (Beas) .

ورودخانه کابل (این رودخانه ازهندوکش سرچشمه میگیرد) .

این رودخانه‌ها پس از طی مسافتی درحدود یکهزار میل در منطقه بهاولپور (Baka_Walpur) تبدیل به‌یك شط عظیمی بنام پنجاب می‌شوند که پس از ۸۰۰ میل طی مسافت دردریای عمان باقیانوس می‌پیوندد .

درمیان شش رودخانه نامبرده دربالا رودخانه سند ازهمه پرآب‌تروطولانی‌تر است وبهمین جهت سرتاسرمناطقی که این رودخانه ازآن عبورمیتماید به‌حوزه سند (Indus basin) معروف است .

درایام قبل ازتقسیم شبه قاره هندوستان تعداد زیادی کانال مختلف در نقاط معینی احداث شده بود که وسیله‌آنها آب رودخانه‌ها برای آبیاری و کشت و زرع باطراف برده می‌شد .

در ماه اوت سال ۱۹۴۷ که شبه قاره هندوستان به‌دوقسمت هند و پاکستان تقسیم گردید مرز دو کشور رودخانه سند را به دوقسمت تقسیم نمود بطوری که قسمتی از این رودخانه درخاك هندوستان و قسمتی دیگر درخاك پاکستان جریان داشت و بهمین ترتیب مناطق حاصل خیزاطراف رودخانه وکانالهای اطراف آن و نفوسی که ازآن استفاده می کردند به‌قسمت هندی وپاکستانی تقسیم شدند .

بدینمعنی که از۱۱۵ کانال انحرافی در روی رودخانه اندوس ۱۰۶ کانال در پاکستان و۹ کانال در هندوستان باقی مـاند واز ۳۲ سد ۳ سد نصیب هند و۲۹ سد نصیب پاکستان گردید .

تاقبل از تقسیم قریب ۲۶ میلیون اکر زمین بوسیله این سدهای انحرافی آبیاری میشدند و پس از تقسیم شبه قاره هندوستان و تقسیم آب رودخانه سند پنج میلیون اکر زمین در خـاك هندوستان و ۲۱ میلیون اکر در پـاکستان آبیاری میشدند .

اراضی مختلفی که بطورطبیعی ازآب رودخانه اندوس استفاده مینمایند قریب ٦٥میلیون اکر است که پس ازتقسیم ١٢٦ اکر آن درهند و٣٩ اکر آن درپاکستان واقع گردید .

نفوسی که در دو طرف رودخانه اندوس ازآب آن استفاده میکنند در کشور هند، قریب ٢١ میلیون نفر ودرپاکستان ٢٥ میلیون نفرمیباشند .

بطوریکه مهندسین آبیاری دو کشورهند و پاکستان تخمین زده‌اند رودخانه سند هرسال بطورمتوسط قریب ١٦٨میلیون اکرفیت (Acre feet) آب از دامنه کوه هیمالیا بـا خود همراه می‌آورد که با تخمین مشروحه زیر در کشورهـای هند وپاکستان مصرف میشود :

مقدارآبی که بوسیله کانال انحرافی درپاکستان مصرف میشود	٦٦ میلیون اکرفیت
مقدارآبی که بوسیله کانال انحرافی درهند مصرف میشود	٩ » »
مقدارآبی که درمسیرهدرمیرود	١٨ » »
مقدارآبی که بدریا میریزد	٧٥ » »

رویهمرفته طول رودخانه اندوس ١٨٠٠ میل می‌باشد ووسعت آن در بعضی نقاط تا ٩ میل میرسد واز حیث پرآبی کاملا شبیه رودخانه نیل درمصر و رودخانه کلورا دو درامریکا می‌باشد .

درقسمت شرقی این رودخانه دورودخانه جهلم وچناب قراردارند که ازلحاظ پرآبی بپای رودخانه سند نمیرسند لکن‌لااقل‌نصف آن رودخانه‌آب دارند وزمینهای اطراف رابخوبی‌آبیاری میکنند .

دورودخانه بزرگ بنام راوی وستلج ویك رودخانه کوچك بنام بیاس نیز به موازات دورودخانه نامبرده جریان دارد که اکنون سرچشمه این رودخانه‌ها در کوههای هیمالیا و درخاك هند وقسمتهای دیگر آن درخاك پاکستان جریان دارد.

مقدارآب این رودخانه‌ها درزمستان وتابستان متغیراست وجدول زیرمیزان آب هر کدام را درفصول سال به‌میلیون اکرفیت نشان میدهد.

اسم رودخانه	درزمستان اکتبر ـ مارس	درتابستان آوریل ـ سپتامبر	سالیانه
١ـ سند	٧/٤	٥٤/٥	٦١/٩
٢ـ جهلم	٥/٧	١٨/٥	٢٤/٦
٣ـ چناب	٣/٧	١٩/٨	٢٣/٥
٤ـ راوی	١/٢	٥/٢	٦/٤
٥ـ ستلج	٢/٣	١١/٣	١٣/٦
٦ـ بیاس	٢/٦	١٠/٢	١٢/٨

درمسیراین شش رودخانه که پس ازطی یك مسیر طولانی تبدیل به‌پنجاب میشوند، درخاك هندوستان وپاکستان قریب٤٦ میلیون نفوس زندگی میکنند که متأسفانه سطح زندگی عمومی اعم از هندی وپاکستانی بسیارپـائین واسف انگیز می‌باشد ودولتهای هند و پاکستان پس از طرح برنامه های عمومی خویش تصمیم گرفته‌اند باطرق جدید واحداث سدهای مجهزازآب این رودخانه‌ها برای‌آبیاری وکشت وزرع وبالا بردن سطح‌زندگی مردم سرزمین خویش اقداماتی‌رابعمل‌آورند.

تقسیم‌آب رودخانه‌ها واختلاف بادولت هند :

چون درموقع تقسیم شبه قاره هندوستان قسمت‌اعظمی ازاراضی اطراف مسیر

این رودخانه‌ها به کشور پاکستان واگذارشد دولت هند تصمیم گرفت که ازمسیر کوتاه این رودخانه ها از خاك خود حد اکثر استفاده را برای آبادی وآبیاری اراضی اطراف آن ببرد و چون سرچشمه و مبدأ این رودخانه‌ها درخاك هند واقع است ازهمان‌اوان تقسیم شبه قاره هندوستان دولت پاکستان نسبت به‌عملیات‌احتمالی دولت هند برای انحراف آب رودخانه ها یا کم کردن مقدار جریان آن درخاك پاکستان اظهارنگرانی نموده ودست باقداماتی زد که مشروح آن درقسمت مربوط به‌مشکلات سیاسی پاکستان همین کتاب مورد بررسی قرارخواهد گرفت .

فرآورده‌های مهم کشاورزی

غلات ـ اگر میزان تولید غلات درسنوات قبل از جنگ (مقارن سالهای ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۸) را درنظر بگیریم محصول غلات درسال‌های ۱۹۵۵و۱۹۵۹ درحدود ۹ درصد افزایش داشته واگرتولید غلات رانسبت به هرسرسکنه پاکستان محاسبه نمائیم درحد واقع بواسطه افزایش جمعیت آن کشوردرحدود ۱۰درصدکاهش داشته است .

۱ـ محصول غلات عمده مطابق مندرجات جدول زیر بوده :

نوع غله	سال ۱۹۵۶	سال ۱۹۵۷	اراضی زیر کشت درسال ۱۹۵۷
گندم	۲۸۵۰۰۰۰ تن	۳۰۵۰۰۰۰ تن	۱۱۸۰۷۰۰۰ اکر
جو	۱۴۸۰۰۰ تن	۱۲۴۰۰۰ تن	۵۴۳۰۰۰ اکر
نی شکر	۱۲۰۴۲۰۰۰ تن	۱۲۴۹۱۰۰۰ تن	۱۰۲۴۰۰۰ اکر

۲ - برنج

سال	محصول	سطح زیر کشت	ازدیاد کاهش محصول
۱۹۵۶	۸۴۰۷ تن	۲۳۰۱۰۰۰۰ اکر	
۱۹۵۷	۹۰۵۲ تن	۲۲۴۴۵۰۰۰ اکر	٪۰۷/۷ +

تولید مواد غذائی درپاکستان منظم نمیباشد . اراضی پاکستان غربی بیشتر صحرائی بابارانِ کم و اراضی پاکستان شرقی که یك دلتا را تشکیل میدهد گاهی دچار سیل میشود وبیش ازاندازه آب دارد ، بدین ترتیب کمی باران از یك طرف و سیل از طرف دیگرممکن است توازن بین تولید غذائی و مصرف آنرا بهم بزنند . وقتیکه طبیعت مساعداست وقیمت غلات وبرنج دربازارهای دنیا بالا استپاکستان میتواندکلیه احتیاجات داخلیخود راتأمین کرده و صادرات قابل توجهیداشته باشد و ارزفراوانی بدستبیاورد که بمصرف برنـامه توسعه اقتصادی رسانیده شودهمان طوریکه در سالهای جنگ کره صورت گرفت اما موقعی که سیل و خشك سالی و ملخ و سایر آفات موجب کمی محصول میگردد تأمین احتیاجات غذائی مردم پاکستان باشکالاتی برمیخورد و احتیاج مبرمی بـه کمکهای خارجی (مانند سالهای ۱۹۵۱ و۱۹۵۲و۱۹۵۳و۱۹۵۴) پیدا میشود که دولت آمریکا مقدار زیادی گندم به پاکستان ارسال داشته است .

برای تأمین محصول کافی و احتیاجات مواد غذائی کشور دولت پـاکستان برنامه‌هایوسیع آبیاری ومبارزه باآفاتوجلوگیری‌ازسیلاب‌ها(FloodControl) را بموقع اجرا گذاشته است .

چای

سال	محصول به میلیون کیلو	اراضی زیر کشت بر حسب اکر
۱۹٤۷-٤۸	۱۳ میلیون کیلو	۷۰ هزار اکر
۱۹٤۸-٤۹	۱۵ » »	۷۳ » »
۱۹٤۹-۵۰	۱۷ » »	۷٤ » »
۱۹۵۰-۵۱	۱۷ » »	۷۵ » »
۱۹۵۱-۵۲	۲٤ » »	۸۲ » »
۱۹۵۲-۵۳	۲۳ » »	۷۳ » »
۱۹۵۳-۵٤	۲۳ » »	۷۵ » »
۱۹۵٤-۵۵	۳٤ » »	۷٤ » »
۱۹۵۵-۵٦	۲۳ » »	۷٦/۵ » »
۱۹۵٦-۵۷	۲۷/۳ » »	۷٦ » »

توتون:

سال	محصول به تن	اراضی زیر کشت
۱۹۴۹-۵۰	۶۷۰۰۰ تن	۱۶۰۰۰۰ اکر
۱۹۵۰-۵۱	۷۳۰۰۰ «	۱۷۹۰۰۰ «
۱۹۵۱-۵۲	۸۰۰۰۰ «	۱۸۴۰۰۰ «
۱۹۵۲-۵۳	۷۵۰۰۰ «	۱۷۳۰۰۰ «
۱۹۵۳-۵۴	۸۷۰۰۰ «	۱۹۳۰۰۰ «
۱۹۵۴-۵۵	۱۲۷۰۰۰ «	۲۴۵۰۰۰ «
۱۹۵۵-۵۶	۹۰۰۰۰ «	۱۴۵۰۰۰ «
۱۹۵۶-۵۷	۹۱۰۰۰ «	۱۹۳۰۰۰ «

۳ - پنبه :

محصول این الیاف طبیعی درسال‌های گذشته افزایش قابل توجهی داشته‌است. بیشتر پنبه ازنوع آمریکائی و Desi بوده‌است .

مصرف داخلی آن بواسطه ازدیاد فوق‌العاده کارخانجات ریسندگی‌وبافندگی ترقی فاحشی کرده است .

سال	محصول	مصرف کارخانجات داخلی	مقدارصادرات
۱۹۵۰	۲۲۱۰۰۰ تن	۱۸۰۰۰ تن	۲۱۶۰۰۰ تن
۱۹۵۱	« ۲٦٤۰۰۰	« ۲۱۰۰۰	« ۲۲۰۰۰۰
۱۹۵۲	« ۲۵۱۰۰۰	« ۳۳۰۰۰	« ۲٤٦۰۰۰
۱۹۵۳	« ۳۱۹۰۰۰	« ۵۹۰۰۰	« ۲۸۲۰۰۰
۱۹۵٤	« ۲۵٦۰۰۰	« ۱۱۱۰۰۰	« ۱٤۲۰۰۰
۱۹۵۵	« ۲۸٤۰۰۰	« ۱۵٤۰۰۰	« ۱٦۸۰۰۰
۱۹۵٦	« ۳۰۹۰۰۰	« ۱۷۱۰۰۰	« ۱٤۰۰۰۰
۱۹۵۷	« ۳۱۲۰۰۰		

کنف :

عامل عمده‌ای که درحیات اقتصادی کشور پاکستان نقش مهمی را بعهده دارد کنف است(دولت پاکستان تقریباً هشتاد درصد مقدارمحصول کنف دنیارا دراختیار دارد و بسرتاسر نقاط جهان صادر میکند) وفقط ارز حاصله از فروش کنف است که سرمایه با ارزش این کشور را تشکیل داده ومخصوصاً در مدت سیزده سالی که از عمرحکومت پاکستان میگذرد وطی آن دولت با مشکلات مهم اقتصادی مواجه بوده فقط درسایه استفاده ازارزحاصله ازفروش کنف بوده که پاکستان ازخطر ورشکستگی نجات پیدا کرده‌است ومی‌توان گفت که کنف درحیات اقتصادی پاکستان همان نقشی را ایفامیکند که نفت در اقتصاد ایران وپنبه دراقتصادمصر .

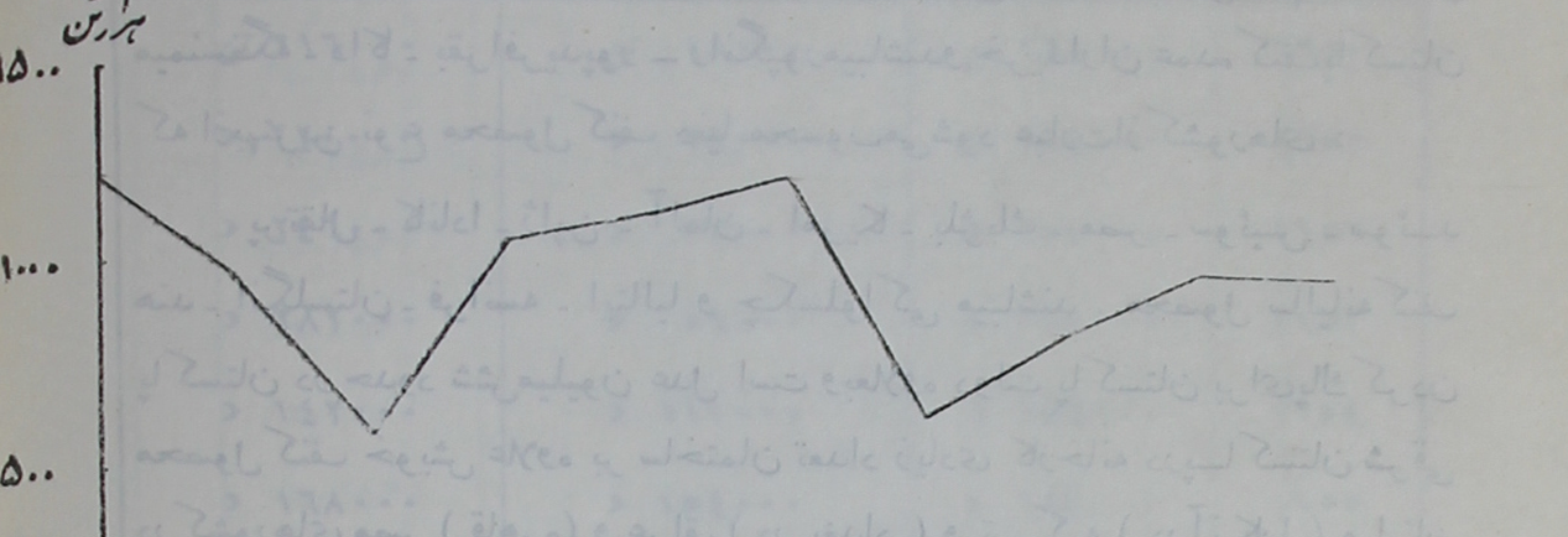
مرکز اصلی کشت کنف در پاکستان شرقی است و مناطق مهم کشت آن میمنسنگه ـ داکا ـ بقرافریدپور ـ رانگپورمیباشندو خریداران عمده کنف پاکستان که ازبهترین نوع محصول کنف دنیا محسوب می‌شود عبارت‌از کشورهای :

پرتقال ـ کانادا ـ ژاپن ـ آلمان ـ امریکا ـ بلژیك ـ مصر ـ سوئیس ـ سوئد هند ـ انگلستان ـ فرانسه ـ ایتالیا و چکسلواکی میباشند . محصول سالیانه کنف پاکستان در حدود شش‌میلیون عدل است وبعلاوه دولت پاکستان برای پاك کردن محصول کنف خویش علاوه بر ساختمان تعداد زیادی کارخانه درپاکستان شرقی درکشورهای مصر (قاهره) و عراق (در بغداد) و ترکیه (درآنکارا) و لبنان (دربیروت) نیز کارخانه‌هائی را تأسیس نموده که با استفاده از آنها کنف صادراتی خود را درمحل پاك مینماید.

دولت پاکستان بطور متوسط هرسال ۷۰۰ میلیون روپیه کنف خام میفروشد و بقرارآمار منتشره بانك‌دولتی پاکستان (مورخ نوامبر ۱۹۵۵) ازمحل فروش کنف خام وبافته شده معادل ۱۹۷ میلیون دلار ارز حاصل دولت پاکستان می‌شود که متأسفانه در سالهای گذشته قسمت اعظم این رقم قابل توجه بمصرف وارد کردن غلات و حبوبات برای خوراك وزراعت مردم رسیده است .

محصول کنف پاکستان درسالهای

۱۹۴۷ تا ۱۹۵۷



تأمین مواد خوراکی و حبوبات :

با مطالعه سطحی تاریخ اقتصاد شبه قاره هند معلوم میشود که دولت هندوستان قبل از تقسیم شبه قاره‌هند هرسال مقادیرزیادی گندم وجو وبرنج ازمناطق پنجاب وسند وبنگال بکشورهای همسایه مانندافغانستان وشیخ نشین‌های‌خلیج‌فارس و یمن وعدن صادر میکرده وحال‌آنکه پس‌ازتقسیم شبه قاره هندوستان و تشکیل پاکستان باآنکه اکثراراضی حاصلخیز شبه قاره هندوستان مانند جلگه پنجاب‌در اختیار دولت پاکستان قرار گرفته‌مع‌الوصف هیچوقت محصول کشاورزی مملکت کفاف خوراك مردم را نمیداده وهمواره قحطی و کمیابی موادخواروبار مردم رادر مضیقه قرارمیداده است.

مطالعات معموله وسیله‌کارشناسان رسمی نشان داده که قحطی و کمی خوار و بار درپاکستان همواره معلول قاچاق و خروج گندم وجو و برنج از کشور بسایر کشورهای همجوار بوده و مادام که دولت نتواند برای مبارزه با قاچاق برنامه شدیدی اجراء کند هرسال مقدار زیادی ازارز کشور بمصرف‌وارد کردن موادغذائی و حبوبات، ازکشورهای خارج خواهد رسید.

بموجب آماریکه ازطرف وزارت دارائی پاکستان در سال۱۹۵۶ انتشاریافته است ، دولت درفاصله سال۱۹٤۷ که سال تشکیل کشور پاکستان است‌تاسال۱۹۵۵ معادل۱۵۲ میلیون تن موادخوراکی و حبوبات ازکشورهای خارج وارد نموده و بمصرف تأمین تغذیه و بذر کشور رسانیده است ودر سال ۱۹۵٦ رقم واردات گندم ۸۲۹۰۰۰ تن‌ورقم‌واردات‌برنج‌به ۷۵۵۰۰۰تن‌رسیده است‌وازمجموع۷۹۰/۰۰۰/۰۰۰ روپیه که دولت پاکستان تاسال ۱۹۵٦ ازدولت امریکا کمك اقتصادی دریافت‌نموده معادل۹۰/۰۰۰/۰۰۰ روپیه‌آن فقط برای‌وارد کردن دانه‌های نباتی‌وغذائی‌بمصرف

رسانیده شده است.

در مدت سیزده‌سال گذشته دولت پاکستان قسمت اعظم فعالیتهای اقتصادی خود را در زمینه حل مشکلات کمبود غذائی معمول نموده و بیش از چندین کمیسیون مختلف و چندین کارشناس خارجی فقط بمنظور حل این مسئله مشغول فعالیت گردیده‌اند و در نتیجه پس از مطالعه آمار میزان واردات پاکستان برای تأمین مواد غذائی مورد احتیاج بشرح زیر:

سال	واردات گندم وجو و برنج
۱۹۴۷	۱۴ هزارتن
۱۹۴۸	۱۲۵ » »
۱۹۴۹	۲۰۰ » »
۱۹۵۰	-
۱۹۵۱	۲۲۱ » »
۱۹۵۲	۳۲۵ » »
۱۹۵۳	۷۱۸ » »
۱۹۵۴	۱۳۴ » »
۱۹۵۵	-
۱۹۵۶	۱۵۸۴ » »

معلوم گردید که میزان واردات کشور فقط بر اثر قاچاق و حتکار مواد غذائی درداخله کشور قوس صعودی را پیموده و اگر قرار باشد بدینمنوال پیشرفت نماید دولت میبایستی نه‌تنها ارزحاصله ازفروش کنف خود را که‌تنها سرمایه‌اقتصادی

پاکستان میباشد بمصرف وارد کردن حبوبات برساند بلکه بایستی کمکهای دیگری را هم که از دول دیگر دریافت میکند بهمین ترتیب خرج نماید .

دولت‌های سابق آنچه درقدرت داشتند برای مبارزه با قاچاق و قحطیهای مصنوعی که هرسال بوجود میآمد بکاربردند ولی متأسفانه دراین مورد تلاش دولت هاظرف یازده سال بجائی نرسید وهرروزقاچاق و کمیابی خوارو باربیشترپاکستان رابخطر ورشکستگی تهدید میکرد وهمین عامل مهم واساسی موجبات عدم رضایت وعدم ثبات اوضاع سیاسی رافراهم نموده و سرانجام به‌انقلاب هشتم اکتبر ۱۹۵۸ منتهی شد .

دولت فعلی پاکستان با اجرای برنامه اساسی مبارزه با قاچاق وتعقیب و مجازات قاچاقچیان وهمچنین تشویق زارعین بکشت بیشتر محصول واعلام برنامه رفورم ارضی در کشور امیدوار است که ظرف سالهای آینده تدریجاً میزان محصول کشاورزی را بالا برده وبالاخره درسال ۱۹۶۲ کشور رابکلی ازوارد کردن محصول نباتی وخوراکی ازخارج مستغنی سازد .

استقرار رژیم جدید در پاکستان :

اگرچه کودتای هشتم اکتبر۱۹۵۸ ژنرال ایوب خان صورتاً درنتیجه هرج و مرج وعدم ثبات اوضاع سیاسی کشور بوجود آمد لکن علت‌العلل بروز کودتا آشفتگی اوضاع اقتصادی وفشار شدید طبقه ملاکین و سرمایه داران بطبقه ضعیف ومحروم بوده‌وبهمین جهت همینکه رژیم جدید برنامه قاطع ووسیعی بمنظورمبارزه باقاچاق واحتکار وتجدید نظر در سیاست اقتصادی وضع و بموقع اجراء گذارد از طرف آحادافراد کشورمورد استقبال قرار گرفت و هنوز نیز برنامه اقتصادی رژیم جدید باشدت وموفقیت پیشرفت مینماید .

اقدامات عمده رژیم جدید در زمینه تحکیم مبانی سیاست اقتصادی پاکستان بقرارزیرمیباشد :

بطورثابت سالیانه معادل ۳۰۰ میلیون روپیه طلای کشور پاکستان بوسیله قاچاقچیان محلی و بین‌المللی ازمرزهای کشور خارج میشد و اقدامات دولتهای سابق برای جلوگیری ازعملیات قاچاق ثمربخش نبود لکن باروی کارآمدن رژیم جدید وشروع مبارزه باقاچاق ظرف مدت شش هفته‌اول عمراین حکومت معادل با ۱۶ میلیون روپیه طلای قاچاق در کشوربدست‌آمد وبخزانه‌داری تحویل گردید .

همچنین براثرشدت عمل مأمورین فرمانداری‌های نظامی کلیه مالیاتهای عقب افتاده که سالها بود مالیات دهندگان عمده ازپرداخت آن خود داری میکردند تحصیل گردید وبقرارآماری که ازطرف وزارت دارائی انتشاریافت درمدت پنجماه زمامداری دولت جدید معادل ۳۰۰ میلیون روپیه بعنوان مالیات اخذ ومعادل ۹۰ میلیون روپیه ارزخارجی که بطور غیرقانونی دردست مردم باقی بود ضبط گردید .

قابل توجه ترین اقدام دولت جدید تنظیم و اجرای برنامه رفورم ارضی درکشوربود که درحال حاضرمرحله مقدماتی اجرای خودراسیرمینماید ودراینجا برای مزید اطلاع کلیاتی ازاین برنامه بشرح زیرخلاصه می‌شود .

الف ـ اصول رفورم ارضی

درتاریخ ۲۵ ژانویه ۱۹۵۹ دولت پاکستان انجام رفورم ارضی دربخش غربی کشور را بترتیب زیراعلام داشت :

۱ـ یك مالك میتواند پانصد اکر (هراکر ۴۳۸۰ مترمربع) زمین مشروب و ۱۰۰۰ اکرزمین‌دیم داشته باشد ومازادآن بین‌دهقانان تقسیم وقیمت زمین باقساط ۲۵ ساله بمالك پرداخته خواهد شد .

۲ـ هرمالك میتواند صرفنظر اززمین مزروعی تا ۱۵۰ اکر نیز باغ میوه داشته باشد ، ازاین گذشته شرائط خاصی برای خانواده مالکین بزرگ منظور شده است . درضمن مقرراتی نیز برای کارگران کشاورزی وبهبود زندگی آنها وضع شده است .

۳ ـ حداقل زمینی که غیرقابل تقسیم است ۱۲/۵ اکراست و علت اینموضوع حداقل شرایط خاص آبیاری در پاکستان غربی می باشد .

ب ـ مشمولین رفورم ارضی :

سیستم مالکیت زمین درپاکستان بسیار پیچیده است ودراین مورددولت تصمیم خاصی بترتیب زیراتخاذ کرده است .

۱ـ اولین اصل درتقسیم زمین این است که برای هرزمین دومالك وجوددارد یکی مالك معمولی زمین که بآنها بترتیب مذکور در فوق غرامت داده خواهد شد ویکی مالکین نوع خاص که ازدریافت غرامت محرومند وبشرح زیرمیباشند :

یکم ـ دربعضی اززمینها دو مالك وجود دارد یکی ادنی مـالك که صاحب حقیقی زمین است ویکی عالی مالك که ازهراکر زمین مبلغی باج میگرفت .

حق عالی مالك بدون پرداخت غرامت حذف شده است.

دوم ـ در بعضی زمینها دومالك وجود دارد که یکی ازآنها کشاورز ومطابـق عرف مالك زمین است و کسی حق فروش ملك اورا ندارد ودیگری مالك که منافع بسیار ناچیزی اززمین دریافت میدارد وحق هردوی آنها ارثی بود .

اکنون کشاورز ساکن بدون پرداخت غرامت صاحب زمین شده است.

سوم ـ واسطه‌های مختلف بین کشاورزان و مالکین که هر یك سهم مختصری اززمین میبردند .

این واسطه‌ها بدون پرداخت غرامت ازمیان برداشته شده‌اند.

چهارم ـ هنگام اشغال هند بوسیله انگلیسها ببعضی اشخاص بعلت خدمات آنها (بطورشخصی ویابعنوان موروثی) حق گرفتن قسمتی از مالیات دهکده معینی داده میشدوبنابراین سهم مالیات دولت کمترمیگردید و این طبقه جاگیردارخوانده میشدند و اکنون بدون پرداخت غرامت ازمیان رفته‌اند.

پنجم - وقف بکلی منسوخ شده است ودر مواردیــکه وقف بمنظورهای مفید مانند اداره بیمارستان ومدرسه بوده است دولت معادل درآمد موقوفه بصندوق این مؤسسات خیریه میپردازد.

ج - نحوه انجام رفورم ارضی.

۱ - کمیته‌ای مرکب ازفرماندار پاکستان‌غربی و چهارنفر دیگر بنام کمیته اجرای رفورم ارضی تشکیل ومأمورعملی کردن قانون رفورم ارضی گردید.

هر مالك گزارشی درباره مساحت ملك خود بکمیته مزبور میدهد و کمیته با اختیارات تام تقسیم اراضی را بعهده میگیرد.

۲ - تعداد مالکین مشمول رفورم ارضی ۶۰۰۰ نفر ومساحت زمین آنها در حدود ۷/۵ میلیون اکراست.

۳ - چون کشاورزانی که صاحب زمین میشوند احتیاج بسرمایه برای کشت وزرع دارند دولت بوسیله دستگاه‌های زیراعتبارکافی در اختیار آنهاخواهد گذارد:

یکم - سازمان اعتبار توسعه کشاورزی .

دوم - بانك کشاورزی .

سوم - شرکتهای تعاونی .

٤ - دولت از هم اکنون تبلیغات وسیعی را در باره رفورم ارضی و اجتماعی شروع کرده است ولی با وجود این احتمال میدهد که بعضی مالکین بزرگ ویا روحانیون متولی‌املاك موقوفه باآن مخالفت نمایند .

دولت پاکستان جداً مصمم است که با نهایت شدت اینگونه مخالفت ها را سرکوبی کند .

چنانچه ملاحظه شد رفورم مزبور فقط شامل مالکین بزرگ نمیشود بلکه یکعده واسطه نیز که بر طبق سنت قدیمی سهمی ازدرآمدزمین میبردند از حقوق

خود محروم شده‌اند و بدین‌ترتیب دولت پاکستان بمعنی واقعی کلمه دست بیک انقلاب اجتماعی زده است.

مردم پاکستان بخصوص طبقه جوان و روشنفکر وهمچنین کشاورزان ازاین رفورم بینهایت خوشحال وازدولت خودباغرور وسربلندی سخن می گویند .

شرائط اجتماعی واقتصادی پاکستان نیزبصورتی است که تصور نمیرودحتی باتعویض حکومت کسی بتواند ازاین رفورم جلو گیری کند .

ب ـ صنایع

تحول ورشد صنایع در پاکستان : تولیدصنعتی اززمان تجزیه شبه‌قاره هندوستان و استقلال پاکستان افزایش بسیار سریعی داشته واین کشور نه تنها در مورد تعداد زیادی ازکالاهای مصرفی احتیاجات‌داخلی خود را وسیله ایجاد صنایع مرتفع مینماید بلکه دراین‌قسمت از صنایع جزو کشورهای صادر کننده‌نیزبحساب می‌آید .

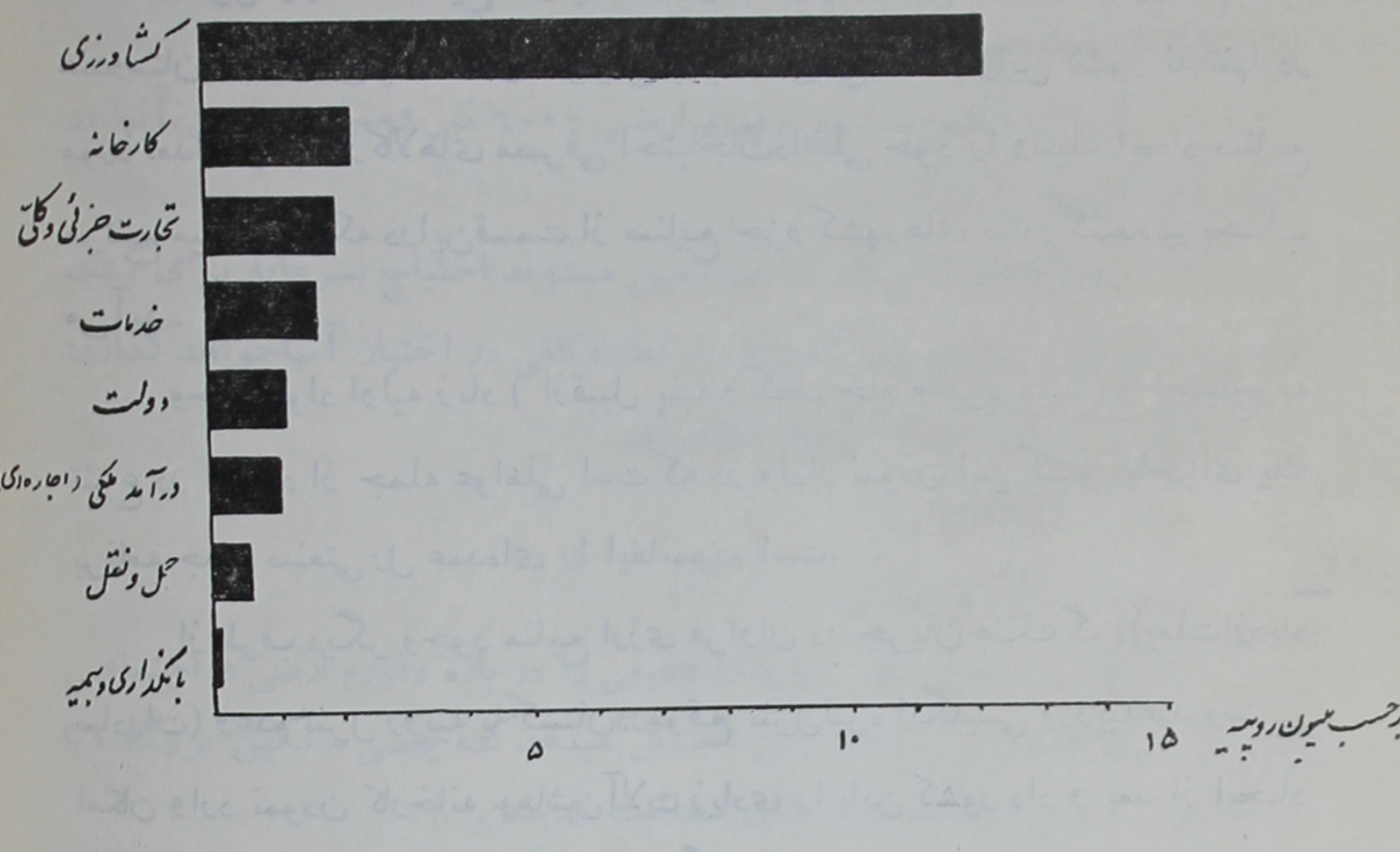
وجود مواد اولیه زیاد (ازقبیل پنبه و کنف خام وغیره ....) و احتیاج به تنوع در اقتصاد از جمله عواملی است که در وادار نمودن این کشور باجرای یك برنامه جدی صنعتی رل عمده‌ای را ایفانموده است.

از طرف دیگر وجود منابع ارزی فراوان در جریان‌جنگ کره(بعلت‌ازدیاد صادرات) وعدم تنزل روپیه پاکستان‌درموقع تنزل‌لیره انگلیسی وروپیه‌هند وستانی امکان وارد نمودن کارخانه وماشین‌آلات زیادی را باین کشور داد و بعد از ایجاد این صنایع دولت آنها را وسیله ایجاد سد گمرکی در مقابل خطر رقابت خارجی حمایت نمود .

شرکت‌توسعه‌صنعتی‌پاکستان (PakistanDevelopment Corporation) سرمایه‌های زیادی را در اختیار اربابان صنایع گذارد و درمدت پنج سال ونیم اخیر

درآمد ملّی پاکستان بر مبنای صنایع

درسال ۱۹۵۶ - ۱۹۵۷



۲۶ پـروژه صنعتی از قبیل کارنجات کنف و کاغذ و قند وسیمان و کـود شیمیائی با سرمایه گذاری ۴۹۴ میلیون روپیه بوجود آمده که درحال بهره برداری‌است.

برنامه صنعتی کردن کشور :

دولت پاکستان بمنظور تأمین‌صنایع کشور و استفاده از منابع معدنی‌وارضی داخله تصمیم گرفت که بموازات اقداماتی که برای آبیاری اراضی و تهیه خوراك مردم بعمل می‌آورد برنامه‌ای را نیزبرای صنعتی کردن کشور بموقع اجراء گذارد

بدین‌منظور درسال ۱۹۵۵ بموجب برنامه پنجساله Pakistan Industrial Development Corporation را تأسیس نمود وسازمان مزبور ازمحل‌بودجه کل کشور واخذ کمك مالی از دول امریکا وانگلیس و استرالیا چندین پروژه مهم را برای‌صنعتی نمودن کشور بموقع اجراء گذارد.

بموجب آماریکه در ماه‌مارس ۱۹۵۹ ازطرف وزارت اطلاعات پاکستان‌انتشار یافت درسازمان مزبور معادل مبلغ ۳۰۰ میلیون روپیه برای صنایع سنگین و مبلغ ۱۷۰ میلیون روپیه برای صنایع کوچك وکارهای دستی‌اختصاص یافته وظرف‌مدت پنجسال اخیرسازمان‌نامبرده موفقیت حاصل نموده که به‌تنهائی یا با همکاری‌سایر صاحبان سرمایه‌های خصوصی با صرف ۹۴۰ میلیون روپیه‌درحدود ۴۶ پروژه صنعتی را بموقع اجرا درآورد و در حال حاضر نیز اجرای قریب ۱۷ پروژه را در دست عمل‌دارد.

پروژه‌های مهم صنعتی که ظرف مدت پنجسال اخیر بوسیله سازمان نامبرده اجراء شده بقرارزیر میباشند :

الف- در پاکستان غربی

نام پروژه	هزینه	ظرفیت	تعداد کارگر
امانگر تکستایل (پارچه‌بافی)	۱۸/٤ میلیون روپیه	۷۵۰۰ لیبر	٦۵۰ نفر
کارخانجات استرا	۱۲/۱ «	۷۵۰۰ «	٤٦۱ «
کارخانجات سیمان (زیل پاك)	۲۸/۱ «	۲٤۰/۰۰۰ لیبر	٦۳۷ «
ماپل لیف (کارخانه‌سیمان)	٤۲/۱ «	۱۱۰/۰۰۰ «	۵۷۳ «
تعمیر گاه کشتی اسکله کراچی	٤۲/٦ «	تعمیر کشتیها تا ۷/۰۰۰ تن	٦۸۰ «
کارخانه قندجوهر آباد	۱۰/۸۵ «	۱۲۰۰۰ تن	۱۱۰۰ «
کارخانه قندچارصدا	۱۵/۵۱ «	۱۸/۰۰۰ «	۹۲٤ «
کارخانجات پشمبافی هرنائی	۵/۰۰ «	۱۰۰/۰۰۰ دوك	۵۰ «
کارخانه پشمبافی بانو	۵/۰۰ «	«	۵۵۰ «
کارخانه پشمبافی قائدآباد	۳/۰۰ «	٤۰۰/۰۰۰ «	۲۵۲ «
کارخانه شیمیائی پاك امریکا	۸۰/۵۰ «	۵۰۰/۰۰۰ «	۷۰۰ «
کارخانه شیمیائی نوشروا	۲/٦۰ «	۳۵۰۰ کستیك سودا	۱۹۰ «
کارخانه د . د . ت	۲/۹۳ «	۷۰۰ تن	۱۲۰ «
احداث لوله کشی گاز نفت سوئی	۸٤/۰ «	۲۲ میلیون کوبیك فیت	۱۳۰۰ «
کارخانه پنسیلین	۹/۸۸ «	۷۰۰ میلیون مگایونیت	-
کارخانه شیمیائی (پاك‌دای)	٦/۰۰ «	۲۵۰ تن	-

ب - در پاکستان شرقی

نام پروژه	هزینه انجام شده		
کارخانجات کنف آدامجی شماره ۱	—		
کارخانجات کنف آدامجی شماره ۲	—		
کارخانجات کنف آدامجی شماره ۳	۷۵/۰۰ میلیون		
کارخانه کنف «پیپل»	۲۱/۸۹ میلیون روپیه		
کارخانه کنف «کرسنت»	۱۷/۵	»	»
کارخانه کنف امین	۱۵/۰	»	» بظرفیت ۲۲۰/۰۰۰تن
کارخانه کنف چیتاگونگ	۱۵/۰	»	»
کارخانه کنف کریم	۷/۰	»	»
کارخانه کنف دولتپور	—		
کارخانه کنف لطیف باوانی	۱۷/۰	»	»
کارخانه کنف داکا	۱۰/۰	»	»
کارخانه کنف نشاط	۱۰/۰	»	»
کارخانه کنف جوبیلی	۳۰/۰	»	»
کارخانه کاغذ سازی کارنافولی	۷۴/۰	»	» بظرفیت ۳۰/۰۰۰ تن
تعمیرگاه کشتی «خلنا»	۲۳/۵۰	»	»
تعمیرگاه نیزانگنج	۱۰/۳۰	»	»
کارخانه قند رانگپور	۲۱/۰۰	»	»
کارخانه ریسندگی «مسلم»	۲۰/۰۰	»	»

علاوه بر پروژه‌های نامبرده بالا سازمان صنعتی کردن کشور در جناحین

شرقی وغربی پاکستان پروژه‌های زیررا نیزدردست اقدام دارد که قراراست انجام آنها را تاپایان دوره برنامه پنجساله اول سال ۱۹۶۰ بپایان برساند.

الف - درپاکستان غربی

لوله گازنفت درامتداد منطقه سوئی تاشهرمولتان	بامخارج	۷۷ میلیون روپیه
مرکزکارخانه برق مولتان	»	۱۳۷ »
انتقال قوه برق مولتان بشهرلیالپور	»	۱۶ »

ب - درپاکستان شرقی

پروژه کاغذ سازی شهر «خولنا»	بامخارج	۱۱۵ میلیون روپیه
کارخانه‌قند ومزارع چغندرکاری تاکورکون	»	۲۰ »
کارخانه قندوانگنج	»	۲۰ »

بطورخلاصه دولت پاکستان موفق گردیده است درظرف مدت کوتاهی مقام قابل توجهی را دربین کشورهای صنعتی منطقه آسیا بدست آورد و ۱۵ درصد از درآمد ملی این دولت از مصنوعاتی بدست می‌آید که در ۷۰۰۰ مؤسسهٔ صنعتی این کشورتولید شده وارزش آن جمعاً بالغ بر۳۰۰۰ میلیون روپیه می‌باشد.

رژیم نظامی پاکستان درراه توسعه وترقی صنعت پاکستان تسهیلات زیادی را ایجاد و با طرح توسعه و تشویق صادرات وسیله اعطای امتیاز و پاداش بصادر کنندگان موجبات تشویق صاحبان صنایع داخلی رافراهم نموده است.

فعالیت‌های مربوط به‌اکتشافات نفتی

یکی ازنقاط ضعف اقتصاد پاکستان کمبود مواد سوختی است وبهمین دلیل مقدارنیروی برق پاکستان بسیارکم است (مقدار نیروی برق پاکستان در موقع تقسیم شبه قاره هندوستان ۷۷۷۰۰ کیلووات بود ودرسال ۱۹۵۵ این مقدار بانضمام

نیروی برق کارخانجات جدیدالاحداث به ۳۴۳۰۰۰ کیلووات ودراواخرسال ۱۹۵۶ تقریباً به ۴۰۰/۰۰۰ کیلووات رسید .)

اکتشاف نفت و گاز ازچندین سال قبل شروع شده است وبا اینکه بتازگی منابع قابل توجه جدیدی ازنفت کشف نشده مع الوصف یك منبع بزرگ گازدرمحل سوئی در ایالت بلوچستان پاکستان کشف گردیده که مقدار گاز تولیدی آن ۳/۸ میلیون مترمکعب در روز میباشد . (قدرت حرارت آن معادل قدرت حرارتی یك میلیون تن ذغال درسال بوده و میتواند این مقدار حرارت را برای مدت ۶۰سال تأمین نماید .)

برای حمل گاز مزبور تا کراچی وبعداً حیدرآباد و سکور (درایالت سند) يك لوله بطول ۵۶۳ کیلومتراحداث شده است .

علاوه براین در شمال شرقی پاکستان شرقی نیزمنبع گاز دیگری کشف شده که نوع گاز آن بهتر از گاز منبع سوئی است و مقدار گازآن برای تأمین احتیاجات سی سال آینده پاکستان شرقی کافی خواهد بود .

برای تصفیه نفت تنهایك تصفیه خانه خیلی کوچك بظرفیت ۷۴۳ تن درروز وجود دارد که برای تصفیه نفت پاکستان کافی بوده وازاین نظررفع احتیاج این کشوررا مینماید .

واردات مواد نفتی در ترازنامه پرداخت پاکستان خیلی سنگین وتقریباً در حدود ۱۰۰ میلیون روپیه درسال میباشد .

ج - رژیم پولی و بانکی

ضرورت وجود يك توازن قابل توجه درپرداختهاوافزایش تعدادنقشه‌جات عمرانی دولت وترقی فعالیتهای صنعتی وتجاری سبب شده که پول درداخله کشور پاکستان جریان بیشتری پیدا نموده وسپرده‌های بانکی نیز ترقی حاصل نماید .

روی این اصل درسالهای اخیر معاملات تجاری ـ اوراق بهادار ـ افزایش وامهای بانکی برای انجام کارهای تولیدی وصنعتی وتأمین نیازمندی سرمایه‌های بکارافتاده جریان محسوس وسریعی داشته وپیش پرداخت های بانکی تا سی برابر افزایش حاصل نموده است .

اخذ کمك از کشورهای خارجی

دولت پاکستان برای پیشرفت مقاصد اقتصادی خویش ازسال ۱۹۵۰ درصدد برآمد که ازمحل دریافت کمکهای مالی از کشورهای بیگانه وضع عقب افتاده اقتصاد خود را سروصورت داده وعلاوه برتأمین تعادل بودجه کل کشور ازمحل ارز حاصله نیزبرای وارد کردن مواد غذائی استفاده نماید .

بموجب آماریکه دولت امریکا درتاریخ ۲۴دسامبر ۱۹۵۸ درواشنگتن انتشار داد دولت پاکستان ازسال ۱۹۵۰ که شروع باخذ کمك وقرضه از دولت امریکا نموده تا اول سال مالی ۱۹۵۹ معادل مبلغ ۷۲۵/۶۷میلیون دلار دریافت نموده که ازاین مقدارمبلغ ۶۱۷/۱۷ میلیون دلار بعنوان کمك اقتصادی و مبلغ ۱۰۸/۵۰ میلیون دلار وام بوده است .

با در نظر گرفتن کمك و وامی که این دولت درسال مالی ۱۹۵۹ از دولت‌امریکا اخذ نموده مجموعاً تاپایان سال مزبور کل مبلغ دریافتی پاکستان از امریکا بالغ بر۹۵۲/۵۲ میلیون دلار بوده است .

طرح کلمبو :

درژانویه سال ۱۹۵۰ وزرای خارجه کشور های مشترك‌المنافع انگلستان بمنظور انجام تشریك مساعی در کشورهای جنوب شرقی آسیا (پاکستان ـ برمه ـ هندوستان ـ سیلان ـ نپال ـ تایلند ـ ویتنام ـ لائوس ـ کامبوج ـ فیلیپین ـ مالایا ـ

سنگاپور - اندونزی - برنئو) طرحی را پی ریزی نمودند که بموجب آن توافق گردید طی مدت ٦ سال (از سال ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۷) نسبت به تجدید نظر در امکانات پیشرفت کشورهای نامبرده بالا که جمعاً دارای جمعیتی در حدود ٦۰۰/۰۰۰/۰۰۰ میلیون نفر (یك چهارم جمعیت دنیا) می باشند اقدامات لازم را معمول دارند .

در سال ۱۹۵۵ این طرح بمدت ٦ سال دیگر (تا سال ۱۹٦۱) تمدید شد .

با اضافه نمودن اینکه کشورهای نامبرده بالا در حال حاضر تقریباً تمام محصول کنف و کائوچوی طبیعی دنیا و بیشتر از ۳/۴ ارچای و ۲/۳ از قلع و ۱/۲ از نفت وروغن دنیا را تامین مینمایند، نمایندگان کشورهای بریتانیا وهندوستان و پاکستان و سیلان واسترالیا وزلاند جدید (از کشورهای مشترك المنافع انگلستان) برای تشریك مساعی در امور فنی مربوط به کشورهای جنوب و جنوب شرقی آسیا انجمنی رادر کلمبو تشکیل داده و موافقت شد که در امور بهداشتی وتحقیقات علمی و کشاورزی وفعالیت‌های صنعتی وتعلیم و تربیت این کشورها اقدام لازم معمول شده و وجوه لازم برای انجام این طرحها وسیله کشورهای ذی نفع منطقه نامبرده و کشورهای دیگر مشترك المنافع انگلستان وامریکا وبانك بین المللی تأمین شود .

هدف طرح کلمبو در پیشرفتهای اقتصادی مشروحه فوق آن است که در کشورهای مورد نظر مناطق زراعتی را سه تا پنج درصد ، مناطق قابل آبیاری شدن را هفده در صد ومحصولات غذائی راده درصد وتولید نیروی برق راشصت و هفت درصد توسعه دهد .

نا گفته نباید گذارد که قسمت کمك‌های فنی سازمان ملل متحد نیز برای اجرای این طرح کارشناسانی را آماده می نماید بدون اینکه ازاین بابت هزینه‌ای را پرداخت نماید .

ترقی هزینه زندگی :

در دوره سیزده ساله تشکیل دولت پاکستان براثر عواملی که عمده آنرا قاچاق

گندم وطلا وواردات زیاد مواد غذائی تشکیل میداده تدریجاً هزینه زند گی در این کشور قوس صعودی میپیموده است وچون در خلال این ترقــی قیمتها حقوق و دستمزد کارمندان و کار گران ثابت میمانده لذا فشار هزینه زند گی اهالی کشور را دچار تضییقات فراوانی نموده است .

در مناطق شمالی پا کستان غربی بر اثر احتکار گندم وجو وسایر مایحتاج عمومی قیمتها بقدری بالا رفت که دولت نا گزیر شد بسیاری از اجناس خورا کی راجیره‌بندی نماید .

جدول زیر میزان ترقی بهای زند گی را در خلال دهسال اخیر یعنی ازمارس ۱۹۴۸ تا مارس ۱۹۵۷ نشان میدهد و رقم یکصد حد متوسط هزینه زند گــی را نشان میدهد .

سال	در کراچی	در لاهور	در پاکستان شرقی
۱۹٤۹-۵۰	۹۸	۹۳	۱۰۳
۱۹۵۰-۵۱	۵۹	۸۱	۹۸
۱۹۵۱-۵۲	۱۰۰	۹۱	۱۰٤
۱۹۵۲-۵۳	۱۰٤	۹۸	۱۰۹
۱۹۵۳-۵٤	۱۱۲	۱۰۰	۱۰٦
۱۹۵٤-۵۵	۱۰۹	۹۷	۹۰
۱۹۵۵-۵٦	۱۰٦	۹۳	۹۹
۱۹۵٦-۵۷	۱۱۱	۱۱۰	۱۲۵

ذخایر ارزی :

بطوریکه قبلا تشریح شد ظرف مدت دهسال گذشته رقم عمده صادرات پا کستان را کنف ورقم عمده وارادت کشور را گندم وجو ومواد غذائی تشکیل میداده ومتأسفانه

چون کشور هر چند سال یکبار باقحطی یا سیل مواجه میگردیده غالباً رقم واردات کشور برصادراتش افزایش داشته چنانکه اعلامیه‌ای کـه در پایـان سال ۱۹۵۷ ازطرف وزارت دارائی پاکستان درباره میزان صادرات وواردات کشور انتشار یافت حاکی از آن بود که واردات پاکستان در سال مالی ۱۹۵۷ معادل با چهارصد ویك میلیون ویکصد هزار روپیه برصادراتش فزونی داشته و همچنین ذخیره ارزی (طلا - دلار - لیره) دولت نیز درهمان سال بیکهزار و بیست و یك میلیون روپیه رسیده است (یعنی تاآخر سال ۱۹۵۷ معادل با دویست و چهل و یك میلیون وپانصدهزار روپیه کاهش یافته است) .

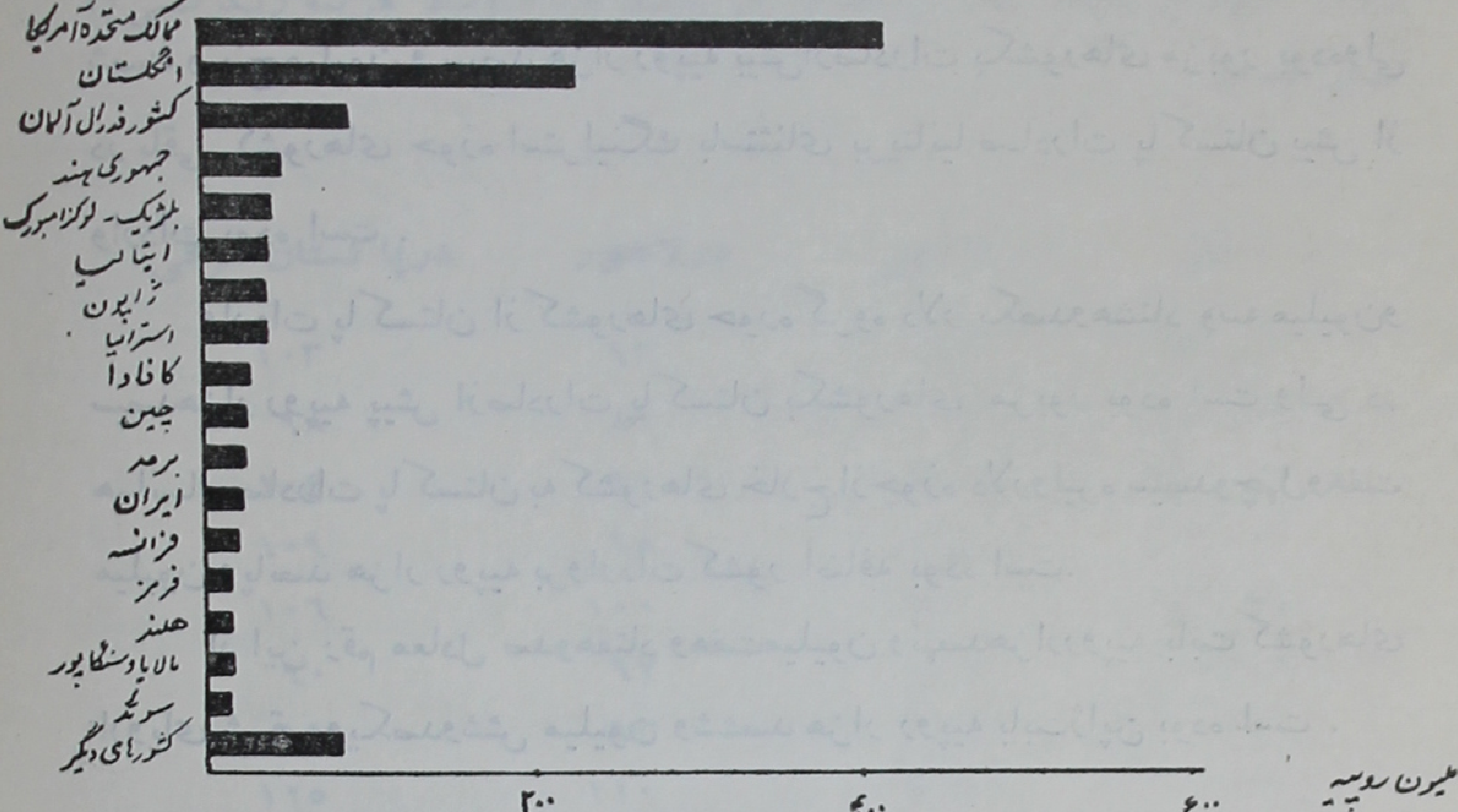
در سال مزبور واردات پاکستان از کشورهای حوزه استرلینگ معادل پانصد و شصت و پنج میلیون و سیصد هزار روپیه بیش ازصادرات بکشورهای مزبور بوده ولی در باقی کشورهای حوزه استرلینگ باستثنای بریتانیا صادرات پاکستان بیش از واردات بوده است .

واردات پاکستان از کشورهای حوزه گروه دلار یکصدوهشتاد وسه میلیون و سیصدهزار روپیه پیش ازصادرات پاکستان بکشورهای مزبور بوده است ولی در همانسال صادرات پاکستان به کشورهای خارج ازحوزه دلارولیره سیصدوچهل وهفت میلیون وپانصد هزار روپیه برواردات کشور اضافه بوده است.

از این رقم معادل صدوهفتاد وهفت میلیون ونهصدهزارروپیه بابت کشورهای اروپای شرقی ویکصدوشش میلیون وششصد هزار روپیه بابت ژاپن بوده است .

مقدار واردات پاکستان از کشورهای عمدهٔ دنیا

در ژانویه و ژوئیه سال ۱۹۵۷



د ـ بازرگانی خارجی

تاقبل اززمامداری ژنرال ایوب خان وضع تجارت خارجی پاکستان گرفتار هرج ومرج بوده وبااینکه وسیله مقامات دولتی کوشش‌هائی برای کنترل تجارت خارجی وواردات معمول می‌شد مع‌الوصف قاچاق مانع ازآن بود که این کوشش به‌نتیجه برسد وناگفته نباید گذارد که کمی ارزهم خود یکی از موجبات تشویق فساد دراساس تجارت خارجی پاکستان محسوب میشد .

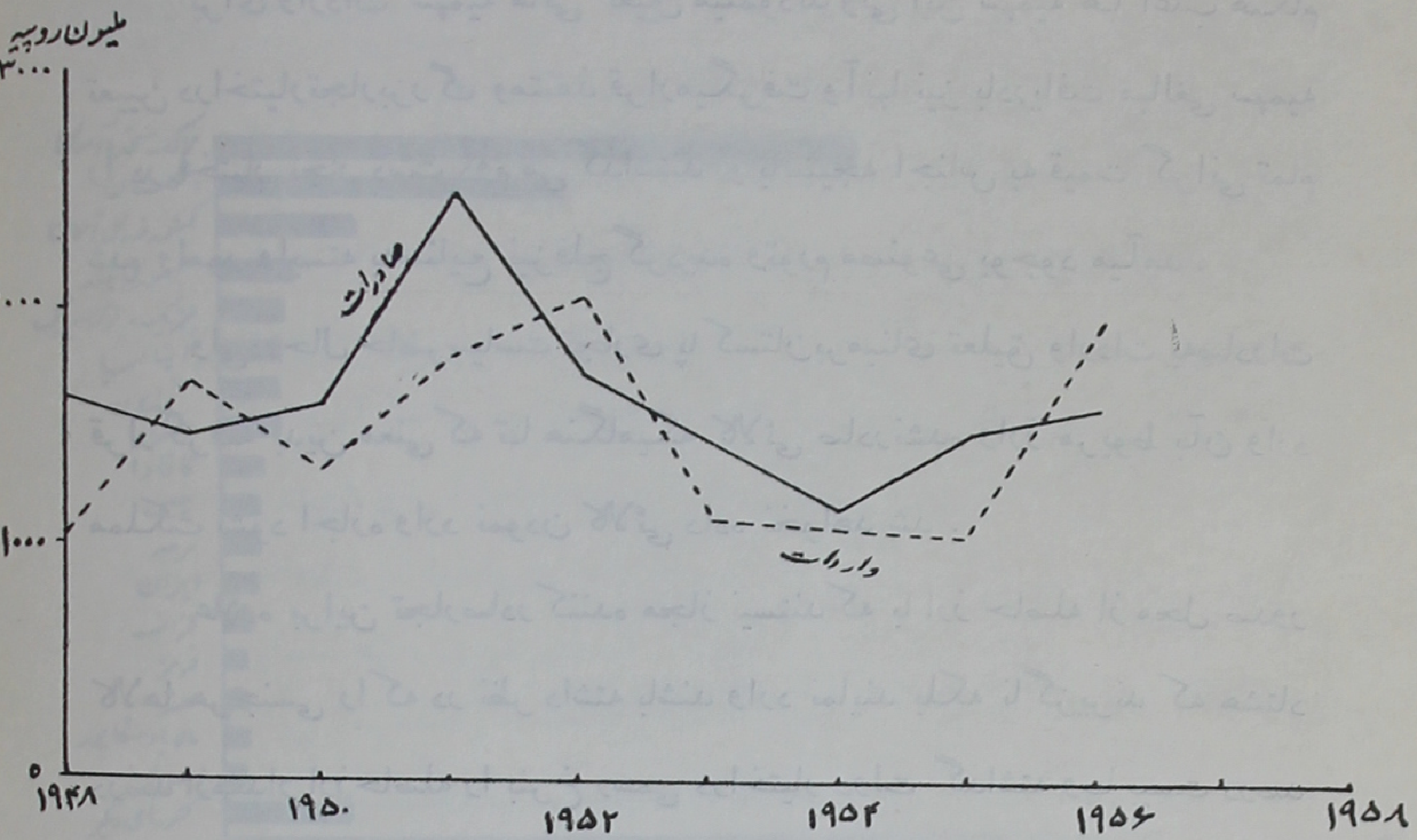
برای واردات سهمیه هائی تعیین مینمودند ولی این سهمیه ها اغلب هنگام تعیین دراختیارتجاربزرگ ومتنفذ قرارمیگرفت وآنها نیز بادریافت مبالغی سهمیه را در اختیار تجار دست دوم می گذاشتند و بالنتیجه اجناس به قیمت گرانی تمام شده وامور وابسته به‌صنایع نیزفلج گردیده وتورم مصنوعی بوجود میآمد .

ولی‌درحال حاضرسیاست تجاری پاکستان‌برمبنای تعلیق واردات به‌صادرات قرارگرفته بدین معنی که تا هنگامیکه کالائی صادرنشده وارز مربوط بآن وارد مملکت نشود اجازه وارد نمودن کالائی داده نخواهد شد .

علاوه براین تجارصادرکننده مجاز نیستندکه با ارز حاصله از محل صدور کالاها هرجنسی راکه در نظر داشته باشند وارد نمایند بلکه ناگزیرند که هشتاد درصد ازمقدار ارزحاصله را بنرخ رسمی دراختیار دولت گذاشته وبا بیست درصد بقیه کالاهای مورد نیاز بازاررا که ازکالاهای تجملی است وارد نمایند .

دولت نیزبرای مصرف نمودن هشتاددرصد ارزصادراتی درآغازهرسال برنامه صنعتی مربوط بهمان سال راتهیه وباتوجه بآن لیست کالاهای وارداتی مورد لزوم توسعه‌صنعتی کشورراتنظیم وورود کالاهای‌وارداتی‌خارج‌ازاین لیست راممنوع‌مینماید

جمع کل صادرات و واردات پاکستان در سالهای ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۸



برای حمایت صنایع داخلی نیز رویه ممنوعیت در پیش گرفته شده و ورود کلیه کالاهائی که مشابه‌آن درداخل کشورتولید می‌شود ممنوع گردیده است .

هـ - بودجه عمومی کشور:

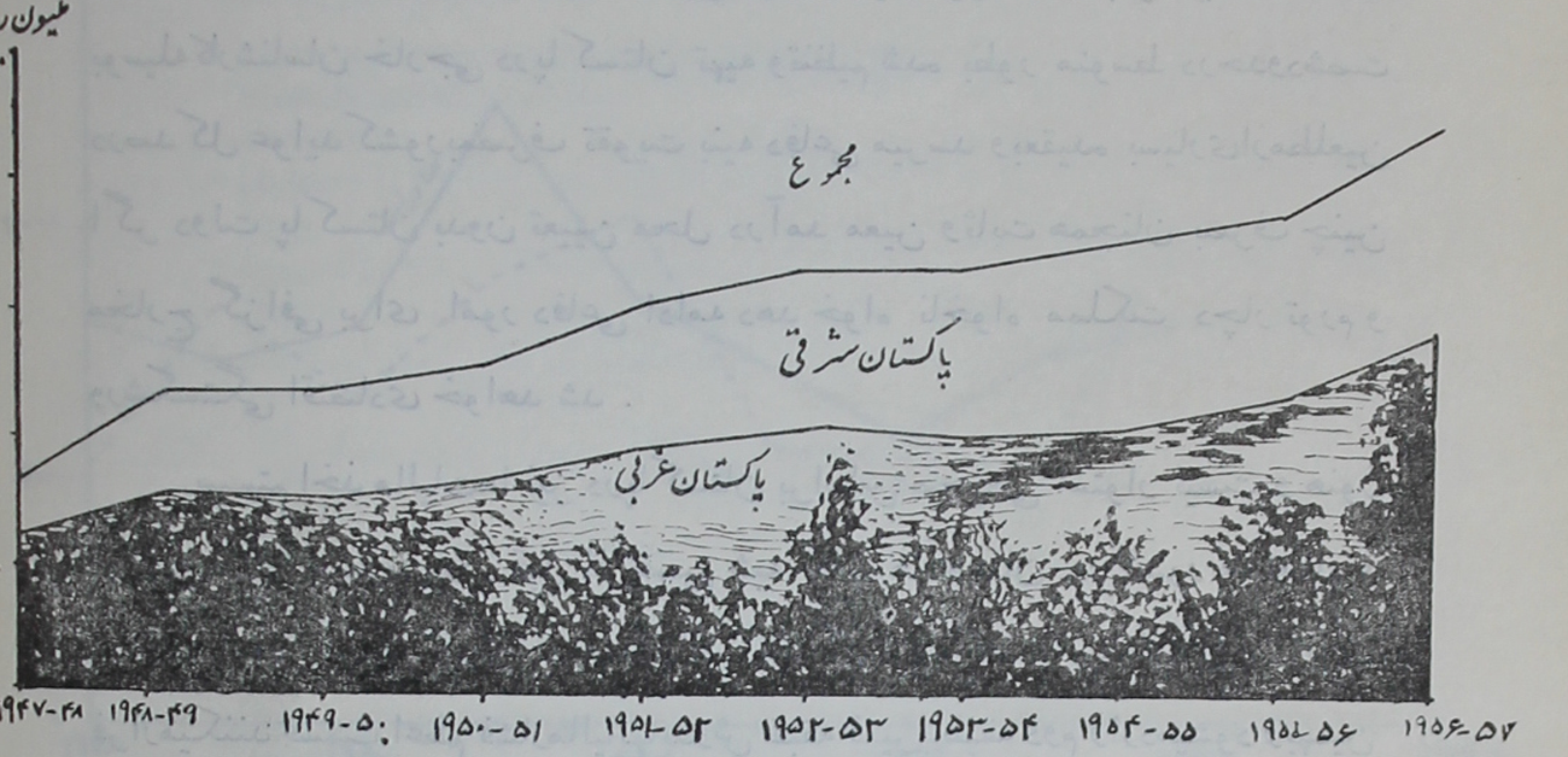
بودجه کل کشور پاکستان از تاریخ تأسیس جمهوری تاکنون بعلت هزینه غیرمتناسب دولت برای خرید تجهیزات ارتش هیچوقت متعادل نبوده و دولت هر سال علاوه برمبالغی که ازمحل کمك نظامی ازدولت امریکا دریافت میدارد مبالغی نیزازمحل عایدات کشور بمصرف تأمین قوه دفاعیه میرساند و بقرار یك آمار که بوسیله‌کارشناسان خارجی درپاکستان تهیه وتنظیم شده بطور متوسط درحدودشصت درصد کل عواید کشوربمصرف تقویت بنیه دفاعی میرسد وبعقیده بسیاری‌ازمطلعین اگر دولت پاکستان بدون تعیین محل درآمد معین وثابت همچنان بصرف چنین مخارج گزافی برای امور دفاعی ادامه دهد خواه ناخواه مملکت دچار تورم و ورشکستگی اقتصادی خواهد شد .

سیستم اخذ مالیات‌ها نیز درپاکستان براساس صحیحی استوار نیست و هنوز قوانین مالی مصوبه دوره قبل از تقسیم شبه قاره هندوستان در کشور مستعمل و متداول است وبهمین جهت چون مالیات دهندگان بزرگ از زیربار دادن مالیات فرارمیکنند قسمت اعظم فشارمالیاتهابدوش طبقه فقیریاطبقه دوم واردمیشود وبهمین جهت درسالهای اخیر عده‌ای از متخصصین مالی سازمان ملل متحد وآلمانی باین کشوردعوت شده‌اند وبرای وضع‌سیستم جدید مالیاتی مطالعاتی‌رامعمول‌نموده‌اند. مالیاتهائی که دولت بطورمستقیم یاغیرمستقیم در کشورجمع آوری میکند وبتناسب مخصوصی برای انجام امور اصلاحی و عام‌المنفعه استانها اختصاص داده میشود بقرارزیراست :

هزینه‌های حکومت‌های استانی پاکستان

در

سالهای مالی ۴۸-۱۹۴۷ تا ۵۷ - ۱۹۵۶



پاکستان شرقی	۴۵ درصد کل مالیاتهای دریافتی دولت رامیپردازد
استان پنجاب	۲۷ درصد « « « « «
استان سند	۱۲ درصد « « « « «
مناطق شمال غربی پاکستان‌غربی	۸ درصد « « « « «
بهاولپور	۴ درصد « « « « «
مابقی استانها	۴ درصد « « « « «

آخرین بودجه متعادل کشور که درسال ۱۹۵۸ ازطرف دولت پاکستان‌تنظیم و بتصویب مجلس شورای ملی مرکزی رسید حاکی بود که جمع کل عایدات کشور به یکهزار و چهارصدوسی وهفت میلیون وششصد هزار روپیه و هزینه کشور معادل مبلغ یکهزار و چهارصدوسی وپنج میلیون‌وچهار صدهزار روپیه میباشد واین بودجه مجموعاً دارای دومیلیون و دویست هزار روپیه مازاد بود .

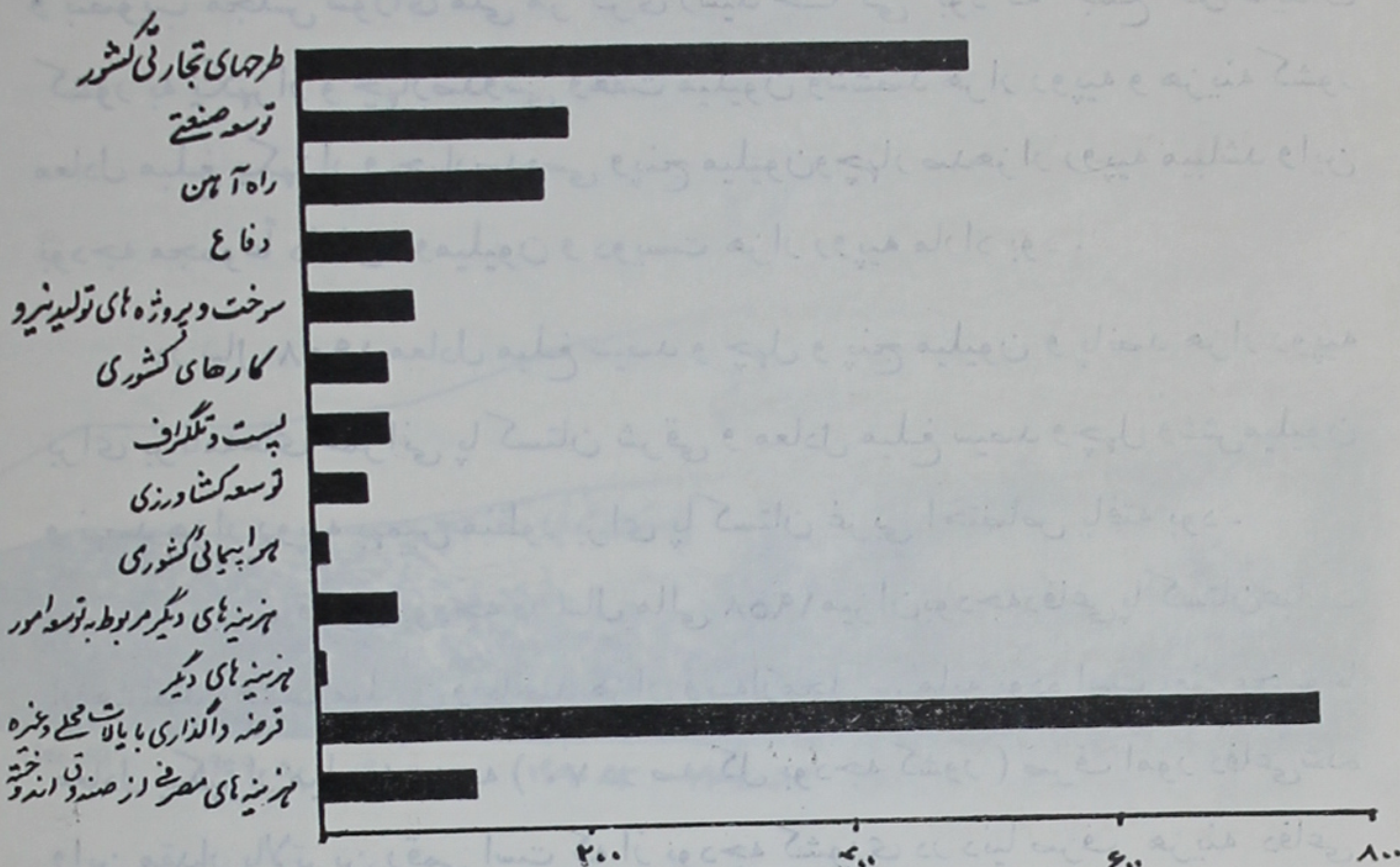
در سال ۱۹۵۸ معادل مبلغ سیصد و چهل و پنج میلیون و پانصد هزار روپیه برای برنامه‌های عمرانی پاکستان شرقی و معادل مبلغ سیصد وچهل وشش‌میلیون و نهصد هزار روپیه بهمین منظور برای پاکستان غربی اختصاص یافته بود .

بموجب قانون بودجه در سال مالی ۱۹۵۸میزان‌بودجه‌دفاعی‌پاکستان‌عبارت از هشتصد وهشت میلیون و پانصد هزارروپیه‌ازمحل سرمایه بوده است یعنی‌مجموعاً معادل یکهزار میلیون روپیه (۷۰ در صد کل بودجه کشور) صرف امور دفاعی‌شده واین مقدار بالاترین رقمی است که از بودجه کشوری در دنیا صرف هزینه دفاعی آن گردیده است .

آقای محمد شعیب وزیر دارائی پاکستان در تاریخ اول آوریل ۱۹۵۹ طی یك نطق رادیوئی متن لایحه بودجه سه ماهه اول سال مالی جاری کشور را باطلاع ملت رسانیده وبلافاصله ازفردای آنروز مقررات جدید اخذ مالیاتها در کشوربموقع

هزینه‌ها و بودجه کل دولت مرکزی پاکستان

در سال مالی ۱۹۵۷ - ۱۹۵۸



اجراء گذارده شد .

دوره اجرای این بودجه سه ماه یعنی از تاریخ اول آوریل تا پایان ماه ژوئن - ۱۹۵۹ بود و سال مالی پاکستان که تا کنون از ماه آوریل - مارس شروع میشده به ژوئن و ژوئیه تغییر پیدا کرده است .

نکات قابل توجه در بودجه موقت پاکستان بشرح زیر بود :

۱ - دولت ظرف سه ماهه آینده ۲۰۰/۴۴۰/۰۰۰ روپیه بمصرف اموردفاعی آن کشور خواهد رساند و صرف این هزینه دربرابر ۳۵۰/۰۰۰/۰۰۰ روپیه درآمد کل سه ماهه کشور نشان میدهد که تقریباً معادل ۵۵ درصددرآمد کشوردراینمدت کوتاه صرف هزینه‌دفاعی کشور میگردد .

۲ - دربودجه‌سه ماهه‌پاکستان‌میزان درآمدبه ۳۵۰/۱۹۰/۰۰۰روپیه‌ومیزان هزینه عمومی کشور به ۳۵۰/۱۷۰/۰۰۰ روپیه تخمین زده شده یعنی در حدودبیست هزار روپیه درآمد کشور بیش از مخارج میباشد .

۳ - درلایحه موقت اخذ مالیات هیچگونه مالیات جدید بمالیات دهندگان کشور تحمیل نشده و بهمین جهت افکار عمومی لایحه جدید مالیات را استقبال نموده اند .

٤ - در مقررات جدید اخذ مالیات اشل اخذ مالیات از پنجهزار روپیه‌به‌شش هزار روپیه ترقی داده شده است و با ترتیباتی که برای اخذ مالیات از طبقه متوسط درنظر گرفته شده‌است تقریباً بمیزان ۳۱ درصدبمالیات دهندگان ارفاق گردیده‌است

۵ - تا میزان ۲٤۰۰ روپیه در سال ازصاحبان‌خانه هائی که خودشان درآنجا سکنی دارند مالیات اخذ خواهد شد و این میزان نسبت به سابق‌کاهش یافته است .

٦ - اخذ مالیات تعطیل از صاحبان صنایع وکارخانجات برای مدت دو سال موقوف گردید .

دولت‌ها نیز هریك مانند انسان دارای بیو گرافی
مخصوصی هستند. خطوط برجسته این بیو گرافی‌ها
آنگاه شناخته می‌شود که تجزیه و تحلیل سیاست
و اقتصاد این کشورها بخوبی انجام شده باشد.

اشپنگلر

مشکلات سیاسی پاکستان

مشکلات سیاسی پاکستان

پاکستان از نظر جغرافیائی قطعه‌ای ازسرزمین‌هندوستان‌است درحالی که از نظر تاریخی مدتی است از آن سرزمین جدا شده وبالنتیجه بـا مشکلات سیاسی و اقتصادی قابل توجهی روبرو گردیده است که در این جا مختصری از اهم ایـن اشکالات را بشرح زیر مورد بررسی قرار میدهیم :

۱ ـ اختلاف هند و پاکستان :

چندی قبل جـواهر لعل نهرو نخست وزیـر هندوستان هنگام طرح مسائل مربوط به سیاست خارجی آن کشور درمجلس ضمن‌اشاره بذکر وقایع‌مرزی‌وروابط تیره کشورهای هندو پاکستان اظهار داشته بود :

« قدر مسلم این استکه پاکستانی‌ها با دریافت اسلحه ومهمات از کشورهای متحده امریکا عقیده پیدا کرده‌اند که بدین ترتیب موفق خواهند شد تا اختلافات خـود را بـا هند حـل کنند . بنابراین ما نمی‌توانیم درمقابل این قبیل تهدیدات ساکت نشسته وازطرح مسئله کشمیر در کنفرانس‌هائی‌از قبیل اتحادیه کشورهای جنوب آسیا (S . E . A , T . O .) بیم نداشته باشیم » .

ژنرال‌ایوب‌خان‌رئیس‌جمهور جدید دولت‌پاکستان نیز در مصاحبه مطبوعاتی مورخ هشتم آبان سال ۱۳۳۷ خود اظهار داشته بود که :

« وی طرفدار حل مسالمت آمیز قضایای کشمیر و اختلافات ناشیه‌ازتقسیم آب رودخانه‌هامی باشد واگر هندیها حاضر بدادن حقوق پـاکستان نشوند دولت پاکستان بجنگ مبادرت خواهد نمود ... »

بنابراین‌باذکراین‌این مقدمه وتوجه باینکه‌درحال‌حاضراهم‌اختلافات‌موجود

بین دولتین هند و پاکستان را مسائل کشمیر و تقسیم آب رودخانه‌ها تشکیل میدهد سابقه مختصر تاریخی این مسائل را بشرح زیر مورد مطالعه قرار میدهیم .

الف ـ مسئله کشمیر :

کشمیر که دارای جمعیتی در حدود ۴/۱۶۵/۰۰۰ نفر می‌باشد (ازاین عده ۸۷۰/۰۰۰ نفر هندو وسیك و ۵۵/۰۰۰ نفر بودائی و ۳/۲۴۰/۰۰۰ نفر مسلمان می باشند) از قرن ۱۴ میلادی به بعد تحت حکومت امرای مسلمان اداره می‌شده و پس از مدتی مغول‌های هندوستان آن منطقه را ضمیمه امپراطوری خود نموده و مدت دو سال آنرا تحت تصرف خود نگاهداشته و سپس افغانها بر آن تسلط یافته و تا سال ۱۸۱۹ آنرا در تصرف خود نگاهداری نموده و بالاخره در اوایل قرن نوزده هجری این منطقه ضمیمه کشور جدید التأسیس سیك (بریاست مها راجه رنجیت سینك) گردید .

پس از فوت مهاراجه‌رنجیت سینگ در نتیجه جنگی که بین انکلیس ها و سیك‌ها اتفاق افتاد و در سال ۱۸۴۶ به شکست سیك‌ها منجر گردید سیك‌ها منطقه کشمیر را بانگلیس ها واگذار نموده و دولت انگلستان نیز کشمیر را در ازای خدمات مهاراجا گلاب سینك بمشارالیه فروخته و از آن تاریخ به بعد این خانواده بر کشمیر حکومت نمودند .

وضعیت کشمیر در موقع تقسیم شبه‌قاره هندوستان :

در موقع تسلط انگلیس‌ها بر هندوستان کشور هندوستان به دو قسمت تقسیم شده بود که قسمت اول تحت اداره دولت هندوستان و قسمت دیگر که متجاوز از پانصد امارت نشین بود تحت حکومت مهارا جاها (هندوها) و نواب‌ها (مسلمان‌ها) اداره می‌شدند و ارتباط بین امارات مزبور و حکومت هندوستان فقط وسیله تبعیت

حکام امارات مذکور از پادشاه انگلستان و نایب السطنه هندوستان تآمین می گردید .

تفویض استقلال :

هنگام تقسیم شبه قـاره هندوستان به دولت‌های هند و پـاکستان فعلی دولت انگلستان بموجب قانون تفویض استقلال کلیه حقوق خود را بر ؤسای امارات نشین‌ها واگذار نموده و بآنان اختیار داده شد که بنا بر تمایل شخصی می‌توانند بهر یك از دو کشور هند یا پاکستان ملحق شوند و نا گفته نباید گذارد که در قانون مذکور مقرراتی که مانع از حفظ استقلال امارت نشین‌های مذکور شده باشد وجود نداشت .

بموجب آنچه که در فوق گذشت تقریباً کلیه امارت نشین‌ها باستثنای عده کمی از قبیل حیدر آباد و کشمیر که بحالت خود مختاری باقی ماندند بقیه بیکی از دو کشور هند یا پاکستان ملحق گردیدند .

در تاریخ ۱۲ اوت ۱۹٤۷ مهارا جای کشمیر قرار دادی را با دولتین هند و پاکستان منعقد نمود، وبا امضای این قرارداد هریك از دولتین هند وپاکستان امیدوار بودند که بااستفاده از فرصت‌های آتی موجبات الحاق کشمیر را بخاك خود فراهم نمایند اما چون اکثریت قریب باتفاق اهالی کشمیر را مسلمانانی تشکیل میدادند که متمایل به الحاق به پاکستان بودند و از طرفی دولت پاکستان نمی توانست با اعمال قدرت موجبات الحاق این منطقه را بخاك خودفراهم نماید، درنتیجه تحریکاتی که وسیله عوامل مختلف در بین عشایر پاتان معمول شد عشایر مزبور به کشمیر تجاوز نمودند و سریعاً بطرف شهر سری ناگار پیشروی نمودند و چون قوای مهاراجای کشمیر نتوانستند از پیشروی عشایر پاتان جلو گیری نمایند مهاراجای کشمیر در تاریخ ۲٦ اکتبر سال ۱۹٤۷ طی نامه‌ایکه بعنوان لورد مونت باتن ارسال نمود با استفاده از قانون تفویض استقلال الحاق خود را به هند اعلام نمود و دولت



مشخصات
سرحد بین المللی
خط آهن
شاه راه (جادهٔ اتومبیل رو)
جادهٔ فرعی (مال رو)
ارتفاعات به متر نوشته شده اند
شوروی
چین
افغانستان
پاکستان
هند
تبت
کشمیر
لداخ
(متنازعه)
بلتستان
سلسلهٔ اقرم
سرحد معین نشده
سرحد معین نشده
چترال
گلگت
هنزا
سیلند رود
سرینگر
جهلم رود
مظفرآباد
پونچ
اسلام آباد
بیغال
جمو
راوی رود
پتانکوت
چناب رود
سیالکوت
گجرات
وزیرآباد
لاهور
لائل پور
راولپندی
پشاور
کوهات
بنو
کابل رود
سند رود
دیرهٔ اسمعیل خان
بیاس رود

هند باتکای این موضوع در ۲۷ اکتبر نیروی خـود را به کشمیر وارد و در نتیجه جنگی بین قوای هند و عشایر پاکستان بوقوع پیوست .

دراول ژانویه سال ۱۹۴۸ دولت هند طی شکایتی که به شورای امنیت سازمان ملل متحد تسلیم نمود اشعار داشت که دولت پاکستان باتحریك عشایر خود به‌ورود وتجاوز بخاك کشمیر، حاکمیت هند را مورد تعرض قرار داده وتقاضانمود که دولت پاکستان از حمله عشایر خود به خاك کشمیر جلو گیری نماید .

در همین احوال دولت پاکستان بعنوان اینکه عشایر پاکستانی که بیاری برادران مسلمان کشمیری خود به کشمیر عزیمت نموده‌اند تاب مقاومت در مقابل ارتش هند را ندارند نیروی نظامی خود را وارد کشمیر نموده و در نتیجه جنگی بین قوای نظامی دولتین هند و پاکستان نیز آغاز گردید .

درچنین موقعی شورای امنیت سازمان‌ملل‌متحد کمیسیون تحقیقی رابریاست ژنرال ماك‌ماتن کانادائی به کشمیر اعزام نمود .

پس از قطعنامه‌هائی که در تاریخ های ۱۷ ژانویه ۱۹۴۸ و ۲۱ آوریل ۱۹۴۸ وسیله شورای امنیت صادر گردید وطی آنها از طرفین دعوی تقاضا شدکه از انجام عملی که وضع را وخیم‌تر نمایدجلو گیری نموده و به دولت پاکستان تکلیف‌شد که عشایر خود را از کشمیر احضار نماید و به‌هند اجازه داده شد که حداقل قوای‌لازم برای حفظ آرامش رادر کشمیر نگاهدارددرتاریخ ۱۳اوت ۱۹۴۸ قطعنامه کمیسیون کشمیر شورای امنیت بشرح زیرصادر گردید :

« کمیسیون ملل متحد مأمور رسیدگی به اختلاف هند و پاکستان پس از بررسی دقیق نظریات نمایندگان هند و پاکستان درباره وضع استان جامو(جمون) وکشمیر نظر به اینکه قطع فوری مخاصمات و اصلاح وضعی که ادامه آن ممکن است صلح و امنیت‌بین‌المللی را بخطر بیندازد برای اجرای اقدامات خود در مورد

مساعدت بحکومتهای هند و پاکستان و حل نهائی قضیه لازم میداند پیشنهاد زیر را بحکومتهای هند وپاکستان تسلیم کند :

قسمت اول : فرمان آتش بس

الف ـ حکومتهای هند وپاکستان موافقت مینمایند که فرمانده عالی نیروهای هریك در زودترین تاریخی که باید در ظرف چهار روز پس از موافقت هردوحکومت بااین پیشنهاد تعیین گردد جداگانه دریك زمان به تمام نیروهای تحت فرمان خود در استان جامو و کشمیر فرمان آتش بس بدهند .

ب ـ فرماندهان عالی نیروهای هندی وپاکستانی موافقت مینمایند که از هر گونه اقدامیکه موجب تقویت نیروهای نظامی آنها در استان جامو و کشمیرشود جلوگیری کنند .

(در این پیشنهاد مقصود از نیروها تمام قوای متشکل وغیرمتشکل است که برای طرفین میجنگندیابا آنها همکاری میکنند)

ج ـ فرماندهان عالی نیروهای هند وپاکستان بیدرنك درباره تحولات محلی لازمی که در وضع موجود بعمل آیدو باعث تسهیل درجریان آتش بس باشدبایکدیگر مذاکره خواهند کرد .

د ـ کمیسیون میتواند به میل و تشخیص خود ناظران سیاسی تعیین کند که زیر نظر کمیسیون و با همکاری فرماندهی هردو طرف رعایت جریان آتش بس را مورد نظارت قرار دهند .

قسمت دوم : قرار داد متارکه جنگ

هر دوحکومت بلافاصله پس ازقول قطع فوری مخاصمات بشرحیکه درقسمت اول مذکور است برای تنظیم قرار داد متارکه جنگ که جزئیات آن بوسیله نمایندگان آنها و کمیسیون مذاکره تعیین خواهد شد اصول زیرین را خواهند

پذیرفت .

الف :

۱ : چون حضور نیروهای پاکستان در خطه جامو و کشمیر تغییر عمده‌ای در وضعیکه حکومت پاکستان درشورای امنیت اعلام داشت بوجود میآورد حکومت پاکستان موافقت مینماید که قوای خود را از آن استان بیرون برد .

۲ ـ حکومت پاکستان حداکثر مجاهده را بعمل میآورد که عشایر و اتباع پاکستان که از سکنه معمولی استان جامو و کشمیر نیستند و به منظور شرکت در جنگ وارد آنجا شده‌اند از آنجا بیرون روند .

۳ ـ تازمان حل نهائی موضوع وپس از تخلیه قوای پاکستان مقامات محلی استان زیر نظر کمیسیون به رتق وفتق امور خواهند پرداخت .

ب :

۱ ـ هنگامیکه کمیسیون به اطلاع حکومت هند برساند که عشایر و اتباع پاکستانی مذکوردرماده ۲ بند الف ازقسمت دوم خارج شده‌اند و درنتیجه وضعیکه مطابق اعلام حکومت هند به شورای امنیت منجر به حضور نیروهای هندی در استان جامو و کشمیر شد دگرگون گردید وبعلاوه نیروهای پاکستانی از استان جامو و کشمیر درحال خروج باشند حکومت هند موافقت خواهد کرد که در مراحلی که مورد موافقت کمیسیون باشد به بردن عمده قوای خود از آن استان آغاز کند .

۲ ـ پیش از قبول شرایط حل نهائی موضوع استان جامو و کشمیر حکومت هند حداقل قوای خود را که بنظر کمیسیون برای کمك به مقامات محلی در حفظ نظم و اجرای قانون لازم باشد درحدود مقتضیات زمان آتش بس نگاه خواهد داشت. کمیسیون درهرجا که لازم بداند ناظرانی خواهد گماشت .

۳ ـ حکومت هند تعهد میکند که حکومت استان جامو و کشمیر برای تأمین

صلح و قانون و نظم و تضمین همه گونه حقوق انسانی و سیاسی علنا اقدام کند.

ج :

۱ ـ متن کامل قرارداد متارکه جنگ با اعلامیه‌ای که شامل اصول مربوط بآن باشدومورد توافق دو حکومت و کمیسیون قرار گرفته باشد بلافاصله پس از امضاء به‌اطلاع عموم خواهد رسید

قسمت سوم :

حکومت هند وحکومت پاکستان مجدداً تأئید میکنند که وضع آینده استان جامو و کشمیر به اراده مردم‌آن سامان تعیین خواهد شد و برای این منظور پس‌از تصویب قرار داد متارکه جنگ هر دوحکومت موافقت خواهند نمود که بمنظور محقق ساختن شرایط مساعد و منصفانه ای برای آگاهی از اراده مردم با کمیسیون وارد مذاکره شوند.

پس از صدور این قطعنامه در تاریخ ۵ ژانویه سال ۱۹۴۹ وسیله کمیسیون کشمیر شورای امنیت، قطعنامه دیگری در تکمیل قطعنامه ۱۳ اوت ۱۹۴۸ بشرح زیر صادر گردید :

کمیسیون سازمان ملل متحد مأمور رسیدگی به اختلاف هند و پاکستان از حکومتهای هند وپاکستان نامه هائی بترتیب‌بتاریخ ۲۳ دسامبر و۲۵ دسامبر۱۹۴۸ حاکی از قبول اصول زیرین که مکمل قطعنامه ۱۳ اوت ۱۹۴۸ کمیسیون میباشد دریافت داشته است.

۱ ـ مسئله الحاق‌استان‌جامو و کشمیر به هند یاپاکستان بشیوه دموکراتیک بایک رفراندوم‌آزاد وبیطرفانه حل خواهد شد.

۲ ـ رفراندوم هنگامی بعمل خواهدآمد که بتشخیص کمیسیون ترتیبات آتش بس و متارکه جنگ مذکور در قسمت اول و دوم قطعنامه ۱۳ اوت ۱۹۴۸

کمیسیون اجراء شده و ترتیبات رفراندوم تحقق یافته باشد .

۳ :

الف - دبیر کل ملل متحد با موافقت کمیسیون یکی از شخصیتهای برجسته وقابل اعتماد بین‌المللی را برای اداره امور رفراندوم نامزد خواهد کرد و حکومت جامو و کشمیر رسماً وی را به این کار منصوب خواهد داشت .

ب - مدیر امور رفراندوم برای اجرای رفراندوم و تامین آزادی و بیطرفی آن اختیاراتی را که‌لازم بداند خواهد گرفت .

ج - مدیر امور رفراندوم حق انتخاب دستیاران و ناظرانی را که‌لازم بداند خواهد داشت .

٤ :

الف - پس از اجرای قسمت اول و دوم قطعنامه ۱۳ اوت ۱۹٤۸ کمیسیون و هنگامیکه بتشخیص کمیسیون اوضاع کشمیر مقرون به آرامش باشد کمیسیون و مدیر امور رفراندوم بامشورت حکومت هند تکلیف نهائی نیروهای مسلح هندوستان در کشمیر را تعیین خواهد کرد . این امر باتوجه به امنیت استان و آزادی رفراندوم بعمل خواهد آمد .

ب - در مورد قلمرو مذکور در ماده ۲ بند الف قسمت دوم قطعنامه ۱۳ اوت تکلیف نهائی نیروهای مسلح موجوددر آن خطه بوسیله کمیسیون ومدیر امور رفراندوم بامشورت مقامات محلی تعیین خواهد گردید .

۵ - همه مقامات کشوری و ارتشی داخل استان و عناصر سیاسی اصلی استان باید در تدارکات مقدمات واجرای رفراندوم بامدیر امور رفراندوم همکاری کنند.

۶ :

الف - همه اتباع استان که بر اثر اغتشاشات مهاجرت کرده‌اند دعوت خواهند

شد و آزاد خواهند بود که به موطن خود باز گردند و از تمام حقوق اتباع استان برخوردار شوند . برای تسهیل بازگشت آنان دو کمیسیون یکی مرکب از نامزدهای هند و دیگری متشکل از نامزدهای پاکستان تشکیل خواهند شد و براهنمائی مدیر امور رفراندوم کار خواهند کرد . حکومتهای هند و پاکستان و همه مقامات داخل استان جامو و کشمیر در اجرای این امر با مدیر امور رفراندوم اشتراک مساعی خواهند داشت .

ب - همه افرای که از ۱۵ اوت ۱۹۴۷ برای مقاصد غیر قانونی داخل استان شده‌اند (باستثنای اهالی استان) باید آنجا را ترک گویند .

۷ - همه مقامات داخل استان جامو و کشمیر باهمکاری مدیر امور رفراندوم عهده دار خواهند شد تا :

الف - در رفراندوم تهدید یا تحمیل یا ارعاب یا ارتشاء یا فشارهای ناروای دیگر نسبت به رأی دهندگان بعمل نیاید ،

ب - فعالیت های سیاسی قانونی در سراسر استان مورد هیچگونه محدویتی قرار نگیرد و همه اتباع استان صرف نظر از عقیده و مذهب و حزب خود بتوانند آزادانه و بدون مخاطره در موضوع الحاق استان به هند یا پاکستان اظهار نظر کنند و رأی دهند و همچنین آزادی مطبوعات و نطق و اجتماع و مسافرت در نواحی استان و از جمله آزادی ورود و خروج قانونی وجود داشته باشد .

ج - همه زندانیان سیاسی آزاد شوند .

د - در همه قسمت های استان بقدر کفایت از اقلیت ها حمایت شود ،

ه - فریب و خدعه بعمل نیاید .

۸ - مدیر امور رفراندم میتواند در مورد مسائلی که بمساعدت نیازمند است بکمیسیون ملل متحد مأمور رسیدگی به اختلاف هند و پاکستان رجوع کند و

کمیسیون میتواند اجرای هر قسمت از وظایف خود را که شایسته بداند از مدیر امور رفراندوم خواستار شود .

۹ ـ مدیر امور رفراندوم درپایان رفراندوم نتیجه رابه کمیسیون وحکرمت جامو و کشمیر گزارش خواهدداد سپس کمیسیون بهشورای امنیت اطلاع خواهد داد که رفراندوم با آزادی و بی طرفی صورت گرفته است یا نه؟

۱۱ - پس ازامضای قرارداد متار که جنگ جزئیات پیشنهادهای فوق الذکر با مشورت مقامات مذکور در قسمت سوم قطعنامه مورخ ۱۳ اوت ۱۹:۷ کمیسیون تنظیم خواهد شد .

مدیر امور رفراندوم در این مشاوره‌ها دخالت تام خواهد داشت .

کمیسیون حکومتهای هند و پاکستان را میستاید که پیرو موافقت ناشی از قطعنامه ۱۳ اوت ۱۹۴۸ اقدام فوری بعمل آوردند تا از یك دقیقه پیش از نیمه‌شب اول ژانویه ۱۹۴۹ فرمان آتش بس بموقع اجراء گذارده شد .

کمیسیون در آینده نزدیك برای اجرای وظایفی که براثر قطعنامه ۱۳ اوت ۱۹۴۸ و اصول سابق الذکر به آن سپرده شده است به شبه قاره باز خواهد گشت .

با توجه بمقررات مندرجه در این قطعنامه دولتین هند و پاکستان در تاریخ ۲۷ ژانویه سال ۱۹۴۹ موافقت خود را در باره خط آتش بس اعلام نمودند و به جنگ بین قوای طرفین خاتمه داده شد ولی نسبت به اجرای مراحل دیگر قطعنامه درمورد خلع سلاح و مراجعه بآراء عمومی مردم تعلل شد واختلاف دو دولت باشدت وقدرت بیشتری بر جای خود باقی ماند . دولت هند که از مخالفت اکثریت اهالی کشمیر در مورد الحاق بـه هند اطلاع داشت برای آنکه موقعیت خود رادراین منطقه مستحکم سازد مجلس مؤسسانی را که کلیه ۷۵ کرسی آن وسیله نمایند گان طرفدار دولت هنـد اشغال مـی شد تشکیل داده و وظیفه این مجلس آن بود که

نسبت به امورزیر اتخاذ تصمیم نماید :

۱ - پرداخت غرامت صاحبان املاك پس از رفورم ارضی .

۲ - آینده رژیم سلطنتی کشمیر .

۳ - الحاق کشمیر به پاکستان یا هند

٤ - تهیه قانون اساسی برای ایالت کشمیر

در نتیجه تشکیل این مجلس دولت پاکستان بشورای امنیت شکایت نمود و پس از آنکه نماینده هند (سر بنگال رائو) صریحاً به شورای امنیت اطمینان داد که این مجلس مانع اجرای تصمیمات شورای امنیت نخواهد شد شورای‌امنیت در تاریخ ۳۰ مارس ۱۹۵۱ طی‌قطعنامه‌ای اعلام نمود که‌سرنوشت کشمیر بایستی از طریق مراجعه بآراء عمومی مردم تعیین شود و کلیه‌تصمیمات‌مجلس‌مؤسسان درباره الحاق تمام یاقسمتی از خاك کشمیر بیکی از دولتین هندیاپاکستان بلا اثر خواهد بود .

ولی علیرغم این قول و قرار ها مجلس مؤسسان متشکله الحاق کشمیررابه هند موردتصویب‌قرارداده و پس ازتدوین قانون اساسی برای کشمیر در تاریخ ۱۷ نوامبر ۱۹۵٦ روز ۲٦ ژانویه ۱۹۵۷ (روز جمهوری هند) را روز شروع باجرای قانون اساسی مدونه اعلام نمود .

مجدداً دولت پاکستان برای جلو گیری از اجرای‌تصمیم وفعالیتهای‌مجلس مؤسسان بشورای امنیت شکایت نمود و شورای امنیت دو روز قبل از روز جمهوری هند قطعنامه دول انگلستان ـ امریکا ـ استرالیا ـ کلمبیا و کوبا رادایر باینکه وضع کشمیرتاتعیین تکلیف ازطرف شورای امنیت بحال‌فعلی آن‌باقی‌بماندبااکثریت دو رأی موافق و یك رأی ممتنع (رأی نماینده شوروی) تصویب نمود ولی دولت هند بدون اعتنا برأی شورای امنیت مجلس مؤسسان را که وظیفه خود را

انجام داده بود منحل نمود .

نظر دولت‌هند در مورد مسئله کشمیر :

بطور خلاصه نظر دولت هند در مورد مسئله کشمیر این است که طبق قانون تفویض استقلال که درموقع تقسیم‌شبه‌قاره‌هندوستان به‌تصویب دولت‌انگلستان رسیده روسای کلیه امارت نشین های شبه قاره هندوستان اختیار داشته‌اند که به میل خود الحاق خود را بیکی از کشور های هندو یا پاکستان اعلام نمایند و چون مهاراجای کشمیر الحاق خود را به هند اعلام نموده بنا بر این مسئله کشمیر از نظر این دولت حل شده تلقی میشود و در مورد مراجعه به‌آراء عمومی نیز نظر هند این است که چون قوای نظامی پاکستان خاك کشمیر را اشغال نموده اند بنابراین مراجعه به‌آراء عمومی قبل از اینکه قوای نظامی پاکستان خاك کشمیر را تخلیه نماید عملی انجام ناپذیر است .

نظر پاکستان در مورد مسئله‌کشمیر :

دولت‌پاکستان عقیده‌دارد که‌اکثریت‌قابل ملاحظه مردم کشمیررامسلمانان تشکیل میدهند وچنانچه مراجعه بآراء عمومی تحت نظر سازمان ملل متحد انجام شود مسلماً اهالی کشمیر الحاق به پاکستان را بر پیوستن به هند ترجیح خواهند داد .

ضمناً دولت پاکستان نظر دولت هند را دایر باینکه روسای امارت نشین اختیار داشته‌اند که تمایل خود رابالحاق بهریك از کشورهای‌هندویاپاکستان اعلام نمایند رد نموده وعقیده دارد که اگر چنین موضوعی جنبه کلی دارد چرا در باره حیدرآباد و جوناگار باین نحو عمل نشده است . توضیح آنکه اکثریت مردم این دو امارت‌نشین‌راهندوهاتشکیل میدادند ولی‌روسای این دوامارت‌نشین مسلمان‌بودند و دولت هند با استناد باینکه‌اکثریت اهالی این دو امارت نشین را هندوها

تشکیل میدهند بدون توجه به تمایل رؤسای آنها قوای خود را باین دو منطقه (حیدرآباد و جوناگار) اعزام نموده وآنها راتصرف نموده است .

بنابرآنچه که گذشت مسئله کشمیر مهمترین اختلاف بین هند وپاکستان را تشکیل داده و در مدت سیزده سالی که از تاریخ استقلال پاکستان می گذرد مانع از بهبود روابط دو کشور مذکور بوده و مانع ازآن گردیده است که مردم این دو کشور باهمکاری صمیمانه‌ای در جوار یکدیگر زندگی نمایند و مسئله مهمتر آن است که هریك از دو دولت هند وپاکستان بعلت ناراحتی و سؤظن زیادی که از یکدیگر داشته و دارند بیشتر از ٥٠ تا ٦٠ درصد از بودجه خود را صرف مخارج نیروهای مسلح خود نموده و مینمایند و حال‌آنکه اگر در مورد کشمیر و سایر اختلافاف بین این دو دولت سازشی حاصل شود نه فقط باری اردوش ملتین هند و پاکستان برداشته‌می‌شود بلکه انجام همکاری‌مؤثری در زمینه سیاست واقتصادودفاع مشترك نیز بین این دو کشور امکان پذیر خواهد شد ،

ب ـ اختلاف ناشی از تقسیم‌آب رودخانه ها :

از دامنه کوههای هیمالیا واقع در شمال شبه قاره هندوستان چند رودخانه کوچك و بزرك سرچشمه میگیرد که مهمترین آنها عبارتند از :

١ -- سند (Indus)

٢ -- جهلم (Jhelum)

٣ -- چناب (Chenab)

٤ -- راوی (Ravi)

٥ -- ستلج (Sutlej)

٦ ـ بیاس (Beas)

و رودخانه کابل (رودخانه اخیر از هندو کش سرچشمه میگیرد)



افغانستان
AFGHANISTAN
هندوکش
HINDUKUSH
رود خانه کابل
KABUL R.
PESHAWAR
INDUS R.
رود خانه ایندوس
KALABAGH
MANGLA
RASUL
رود خانه جهلم
JHELUM R.
MERALA
JAMMU
KHANKI
CHENAB R.
رود خانه چناب
SRINAGAR
GREAT HIMALAYA
GREAT KARAKORAM RANGE
تبت
TIBET
KAILAS
MADHOPUR
AMRITSAR
LAHORE
رود خانه راوی
RAVI R.
HARIKE
BALLOKI
BEAS R.
NANGAL
SUTLEJ R.
SIMLA
FEROZEPORE
TRIMMU
SULEIMANKE
MULTAN
رود خانه ستلج
SUTLEJ R.
ISLAM
PANJNAD
BAHAWALPUR
SULAIMAN RANGE
INDUS BASIN BOUNDARY
پاکستان
PAKISTAN
INDIA
هندوستان
BIKANER
DELHI
NEPAL
JAIPUR
SUKKUR
KIRTHAR RANGE
KOTRI
کراچی
KARACHI
دریای عمان

این رودخانه ها پس از طی مسافتی در حدود یکهزار میل در منطقه بهاولپور (Baha Walpur) تبدیل به یك شط عظیمی بنام پنجاب میشوند که پس از ۸۰۰ میل طی مسافت در دریای عمان باقیانوس می پیوندد .

در میان شش رودخانه نامبرده شده در بالا رودخانه سند از همه پرآب تر و طولانی تر است و بهمین جهت سرتاسر مناطقی که این رودخانه از آن عبور مینماید به حوزه‌سند (Indus BaSin) معروف است .

در ایام قبل از تقسیم شبه قاره هندوستان تعداد زیادی کانال مختلف در نقاط معینی احداث شده بود که بوسیله آنها آب این رودخانه ها برای آبیاری و کشت و زرع باطراف برده میشد .

در ماه اوت سال ۱۹۴۷ که شبه قاره هندوستان به دو قسمت هند و پاکستان تقسیم گردید مرز دو کشور رودخانه سند را به دو قسمت تقسیم نمود بطوری که قسمتی از این رودخانه در خاك هند و قسمتی دیگر در خاك پاکستان جریان داشت وبهمین ترتیب مناطق حاصل خیز اطراف رودخانه و کانالهای اطراف آن و نفوسی که از آن استفاده میکردند به قسمت هندی و پاکستانی تقسیم شدند .

بدینمعنی که از ۱۱۵ کانال انحرافی در روی رودخانه سند ۱۰۶ کانال در پاکستان و ۹ کانال در هند باقی ماند و از ۳۲ سد ۳ سد نصیب هند و ۲۹ سد نصیب پاکستان گردید .

تاقبل از تقسیم قریب ۲۶ میلیون اکر زمین بوسیله این سدهای انحرافی آبیاری میشدند و پس از تقسیم شبه قاره هندوستان و تقسیم آب رودخانه سند پنج میلیون اکر زمین در خاك هند و ۲۱ میلیون اکر در پاکستان آبیاری میشدند .

اراضی مختلفی که بطور طبیعی از آب رودخانه اندوس استفاده‌مینمایندقریب ۶۵ میلیون اکراست که پس ازتقسیم ۲۶ میلیون اکر آن درهند و ۳۹ میلیون اکر آن در پاکستان واقع گردید .

نفوسی که دردوطرف رودخانه سند از آب آن استفاده میکنند در کشور هند قریب ۲۱ میلیون نفر و در پاکستان ۲۵ میلیون نفر میباشند .

بطوریکه مهندسین آبیاری دو کشور هند و پاکستان تخمین زده‌اند رودخانه سند هر سال بطور متوسط قریب ۱٦۸ میلیون اکرفیت (**Acre - Feet**) آب از دامنه کوه هیمالیا با خود همراه میآورد که با تخمین مشروحه زیر در کشور هند و پاکستان مصرف میشود :

مقدار آبی که بوسیله کانال انحرافی در پاکستان مصرف میشود	٦٦ میلیون اکرافیت
مقدار آبی که بوسیله کانال انحرافی در هند مصرف میشود	۹ میلیون اکرفیت
مقدار آبی که در مسیر هدر میرود	۱۸ « «
مقدار آبی که بدریا میریزد	۷۵ « «

رویهمرفته طول رووخانه سند ۱۸۰۰ میل میباشد و وسعت آن در بعضی‌نقاط تا ۹ میل میرسد و از حیث پرآبی کاملا شبیه رودخانه نیل در مصر و رودخانه کلورادو درامریکااست .

دو رودخانه بزرگ بنام راوی ، وستلج ، و یك رودخانه کوچك بنام ، بیاس نیز به موازات دو رودخانه نامبرده جریان دارد که اکنون سرچشمه این رودخانه‌ها در کوههای هیمالیا و در خاك هند و قسمتهای دیگر آن در خاك پاکستان جریان دارد .

مقدار آب این رودخانه هادرزمستان و تابستان متغیر است و جدول‌زیرمیزان آب هر کدام را در فصول سال به میلیون اکرفیت (هر اکرفیت معادل ٤۳٥٦۰ کوبیك فیت میباشد) نشان میدهد .

اسم رودخانه	در زمستان	در تابستان	سالیانه
۱ - سند	۷/٤	٥٤/٥	٦۱/۹
۲ - جهلم	٥/۷	۱۸/٥	۲۲/٦
۳ - چناب	۳/۷	۱۹/۸	۲۳/٥
٤ - راوی	۱/۲	٥/۲	٦/٤
٥ - ستلج	۲/۳	۱۱/۳	۱۳/٦
٦ - بیاس	۲/٦	۱۰/۲	۱۲/۸

در مسیر این شش رودخانه که پس از طی یك مسیر طولانی تبدیل به پنجاب میشوند در خاك هند و پاکستان قریب ٤٦ میلیون نفوس زندگی میکنند که متأسفانه سطح زندگی عمومی اعم از هندی و پاکستانی بسیار پائین و اسف انگیز میباشد و دولتهای هند و پاکستان پس از طرح برنامه‌های عمومی خویش تصمیم گرفته‌اند با طرق جدید و احداث سدهای مجهز از آب این رودخانه‌ها برای آبیاری و کشت وزرع و بالا بردن سطح زندگی مردم سرزمین خویش اقداماتی را بعمل آورند

چون در موقع تقسیم شبه قاره هندوستان قسمت اعظم اراضی اطراف مسیر این رودخانه به کشور پاکستان واگذار شد دولت هند تصمیم گرفت که از مسیر کوتاه این رودخانه‌ها در خاك خویش حداکثر استفاده را برای آبادی و آبیاری اراضی اطراف آن ببردو چون سر چشمه و مبدأ این رودخانه ها در خاك هند واقع است از همان اول تقسیم شبه قاره هندوستان دولت پاکستان نسبت به عملیات احتمالی دولت هند برای انحراف آب رودخانه ها و یا کم کردن مقدار جریان آن در خاك پاکستان اظهار نگرانی کرد.

دولت هند در همان اوان تقسیم شبه قاره هندوستان با دلائل و براهین و نشان دادن ارقام واعداد بدولت پاکستان ثابت کرد که مقدار زمینهای بایر اطراف

رودخانه‌های مزبور در پنجاب غربی (در خاك پاکستان) خیلی بیشتر از هند است منتهی چون این اراضی غالباً متعلق بدولت پاکستان و جنبه خالصه را دارد دولت پاکستان باین زودی نمیتواند از آب رودخانه‌های مزبور برای آبادی و آبیاری زمینهای خالصه استفاده نماید .

بنابراین اگر دولت پاکستان در آبادی اراضی اطراف رودخانه‌های منطقه پنجاب خودداری یا کوتاهی نماید تقصیری بگردن هند نیست .

ضمناً دولت هند مایل است که از آب رودخانه‌های مزبور برای آبادی و عمران اراضی اطراف آن در خاك هند حداکثر استفاده را بنماید و پاکستانیها هیچوقت راضی نخواهند شد که آب پنج رودخانه از خاك هند بگذرد و ما از این منبع ثروت و تولید و عمران و آبادی بنفع طبقه ضعیف هندی استفاده نکنیم ...»

در قبال اظهارات دولت هند دولت پاکستان معتقد بود چون سر چشمه ومبدأ هر پنج رودخانه در خاك هند می‌باشد و ضمناً اختلافات عمومی بین دو کشور فعلا مرتفع نشده دولت هند هر لحظه میتواند به بهانه‌های سیاسی و اقتصادی آب این رودخانه‌ها را از خاك پاکستان منحرف ساخته ومیلیونها نفوس پاکستانی را که در اطراف این رودخانه‌ها زندگی میکنند ازتشنگی و گرسنگی تلف نمایند بهمین جهت در تاریخ ٤ مه ۱۹٤۸ برای جلوگیری ازهر گونه سوء استفاده‌ای از آب این رودخانه‌ها بین دولتین هند وپاکستان قراردادی مشتمل برهفت ماده تنظیم ودرشهر دهلی ازطرف آقای جواهر لعل نهرو نخست وزیر هند و غلام محمد فرماندار پاکستان امضاء و مبادله گردید .

در این قرارداد بجای دولت هند کلمه (پنجاب شرقی) و بجای دولت پاکستان کلمه (پنجاب غربی) ذکر شده واهم مواد این قرار دادآنست که دولتین هند و پاکستان توافق نمودند که هر گونه اختلافات مربوط به استفاده از آب

رودخانه‌های مزبور را بطور مسالمت آمیز در محیط دوستانه حل و فصل نمایند و ضمناً دولت هند موافقت کرده است که آب رودخانه های مزبور را منحرف نسازد و در صورت لزوم قبل از اینکه دولت پاکستان را مطمئن و موافقت وی را جلب نکرده بچنین اقدامی مبادرت نکند و در یکی ازمواد قرارداد نیز پیش بینی شده که طرفین برای حل اختلافات خود بحکمیت مراجعه نمایند .

دو سال بعد ازامضاء این قرارداد دولتین هند وپاکستان برای آبیاری واحیای اراضی موات اطراف رودخانه‌های ستلج و راوی و جهلم پروژه‌هائی تنظیم و برای ساختمان سدهای انحرافی ومولد برق برنامه‌هائی را بموقع اجراء گذاردند .

از جمله دولت پاکستان در پنج سال اول تأسیس موفق گردید پنج سد بزرگ فیروزپور - سلیمانکی - اسلام - پنج ناو و مانگالا را در روی رودخانه‌های ستلج - جهلم و راوی بسازد و قریب ۸/۲۲۵/۰۰۰ اکر زمین را احیا و آبیاری نماید و در سالهای ۵۸ - ۱۹۵۷ این مقدار به ۱۸/۷۴۱/۰۰۰ اکر رسید .

همچنین پروژه‌های دیگر بنام غلام محمد بارج - گودوبارج - تونابارج - کوم گره و غیره در روی رودخانه‌های راوی و ستلج واندوس اجرا شد وضمناً مبالغ زیادی از عواید کشور صرف ساختمان کانال‌های انحرافی و تلمبه خانه‌های مختلف برای انتقال آب رودخانه‌ها به اراضی موات در پاکستان غربی رسید .

در قبال فعالیت هائی که دولت پاکستان بشرح بالا برای استفاده از آب رودخانه‌ها می‌نمود دولت هند نیز بیکار ننشسته وطی برنامه پنجساله اول خویش در دهانه‌ها ومسیر رودخانه‌های ستلج و راوی وچناب و جهلم که از کشمیر سرچشمه میگرفتند سدها و کانالهائی را ایجاد و اراضی موات اطراف را آبیاری می‌نمود . منتهی عملیات و اقدامات دولت هند برای استفاده از آب این رودخانه‌ها چون در قسمت ابتدائی مسیر چهار رودخانه نامبرده صورت میگرفت تدریجاً آب

رودخانه‌ها مخصوصاً در تابستان و مواقع خشکسالی رو بکاهش میگذاشت ووقتی آب رودخانه‌ها به منطقه پنجاب غربی درپاکستان میرسید بکلی غیرقابل استفاده بود .

از جمله سدهای مهمی که دولت هند ظرف پنجسال اول روی رودخانه‌های مزبور ایجاد کرده یکی سدمعروف مدهوپور روی‌رودخانه راوی وسدفروزپورروی خط مرزی هند و پاکستان و رودخانه‌ستلج میباشد که در مواقع کم آبی، این‌دوسد بکلی جریان آب رودخانه‌های راوی وستلج را بطرف پاکستان مختل میساخت .

در سال ۱۹۵۳ که آب رودخانه‌ها کاهش یافته بود دولت هند از دولت پاکستان تقاضا کرد که هیئتی از طرف دولت پاکستان برای‌معاینه‌وتحقیق‌محلی به هند مسافرت نمایند و از نزدیك وضع خشکسالی و کم آبی را ملاحظه نمایند .

این هیئت پس از معاینه و بازگشت با یکدیگر اختلاف عقیده پیدا کردند وعده‌ای خشکسالی را بهانه‌ای بیش‌نمیدانستند و دسته دیگر معتقد بودند که‌سدهای احداثی بهیچوجه در کمی آب تأثیر نداشته است .

بهمین جهت مطبوعات پاکستان حملاتی را علیه دولت هند شروع کردند و چون دولت هند نیز یکبار در آوریل سال ۱۹۴۸ با بستن رودخانه‌های راوی وستلج و قطع جریان آب بطرف کشور پاکستان‌نشان داده بود که بآسانی‌میتواند مناطق حاصلخیز و آباد پاکستان را بی آب گذارده ودچار خشکی‌نمایدلذا دولت پاکستان برای اینکه خود را از تهدید دائمی دولت هند نجات داده باشد بموجب مقررات پیش بینی شده در قرارداد مورخ ٤ مه ۱۹۴۸ منعقد بین دو کشور مصلحت دید که مسئله را برای حکمیت به دیوان داوری لاهه ارجاع نماید .

دولت هند زیر بار این پیشنهاد پاکستان نرفت و مطبوعات هند نوشتند ممکن نیست سرنوشت وحیات و ممات چندین میلیون نفوس هندی و پاکستانی بدست حکم‌های دیوان داوری لاهه‌سپرده شود .

مقامات هندی پیشنهاد کردند موضوع اختلاف مجدداً بیك کمیسیون مشترك هند و پاکستان ارجاع شود تا عده‌ای از متخصصین آبیاری از طرف دولتین هند و پاکستان درباب تقسیم آب رودخانه ها و جلوگیری از اتلاف آب مطالعاتی را بعمل آورند و نظریه خود را بصورت یك پروژه بدولتین متبوع خود تقدیم نمایند.

موضوع اختلاف بر سر استفاده از آب رودخانه‌ها ازسال ۱۹۴۹ بطور دائم بین دولتین هند وپاکستان وجود داشت تا آنکه در چهارم اوت ۱۹۵۱ بر اثر مقاله‌ای که بقلم دیدویدلیلنتال امریکائی مدیر کمیسیون انرژی اتمی و رئیس اداره پروژه دره تنسی امریکا در کلیرز (Colliers) انتشار یافت و طی آن پیشنهاد شده‌بود که‌این مسئله باید باتوجه بلزوم کمك به زندگی ساکنین اطراف رودخانه ها حل شود، بانك بین‌المللی توسعه و ترمیم حاضر شد که در این موضوع دخالت کرده و پس از مطالعات نظریه خود را بدولتین هند وپاکستان اعلام نماید.

در سپتامبر ۱۹۵۱ آقای اوژن بلاك (Mr. Eugene Black) مدیر بانك بین المللی توسعه وترمیم طی نامه‌ای خطاب به نخست وزیران هند وپاکستان آمادگی خود را برای قبول دخالت در امر اختلاف بر سر تقسیم آب رودخانه ها اعلام نمود و ضمناً توصیه کرد تاطرفین مهندسین ومتخصصین خود را برای مذاکره تحت نظارت اولیای بانك بین‌المللی بواشنگتن اعزام نمایند مشروط براینکه در تمام مدتی که مطالعات ومذاکرات ادامه دارد هیچ گونه اقدامی که سبب کاهش مقدار آب رودخانه‌ها گردد صورت نگیرد.

اولیای دولتین هندوپاکستان پیشنهادبانك بین المللی رابرای اعزام متخصصین بواشنگتن قبول و درماههای مه و ژوئن سال ۱۹۵۲ نمایندگان طرفین در شهر واشنگتن اجتماع نموده وبانظارت نمایندگان بین المللی یك برنامه کلی شامل نکات زیر را برای استفاده از آب رودخانه ها تنظیم نمودند.

۱ - مقدار آب کلیه رودخانه های مشترك بین هند و پاکستان در هر سال.

۲ ـ مقدار آب ضروری برای آبیاری مناطق آباد در هر کشور .

۳ ـ پروژه های آبیاری طرفین در سالهای آینده .

٤ ـ برآورد اعتبار مخارج آن .

نمایندگان طرفین برای تقدیم گزارش مطالعات خویش بدولتهای متبوعه به کراچی و دهلی بازگشتند و ضمناً نمایندگان بانك بین المللی باتفاق متخصصین و مهندسین آبیاری دو کشور ظرف مدت شش هفته کلیه مناطق و مسیر رودخانه‌ها را بازدید کرده و بطور تخمین در حدود ۹۰۰۰ میل راه را با هواپیما ، جاده شوسه ، ترن و ازطریق رودخانه ها درخاك هندو پاکستان بدقت مطالعه‌نمودند و درسپتامبر ۱۹۵۳ این سه هیئت (هندی ـ پاکستانی ـ نمایندگان بانك بین‌المللی) برای اخذ تصمیم نسبت بمطالعات خود در واشنگتن اجتماع نمودند .

اتفاقاً درسالهای ۱۹۵۲ و ۱۹۵۳ بنا براظهارمقامات هندی رودخانه های راوی‌وبیاس دچار کم آبی شد وخشکسالی در سرتاسر پنجاب شرقی و غربی محصول تابستانی را از بین برد و این اتفاق سبب گردید که در مطبوعات پاکستان علیه قحطی مصنوعی که فکر میکردند بوسیله هندیها ایجاد شده سروصدا راه افتاد و سبب گردید که مذاکرات واشنگتن قدری بتأخیر بیفتد .

در مدتی که مذاکرات واشنگتن دچار وقفه شده بود از طرف مقامات‌مسئول دولت پاکستان و هند گزارشات مختلفی درباب عملیات‌آبیاری و استفاده از آب رودخانه ها انتشار یافت که در خور توجه میباشد .

دولت هند ادعا میکرد که بموجب آمار سال ۱۹٤۱،دولت پاکستان درمنطقه پاکستان غربی دارای ۲۵ میلیون جمعیت میباشد که از ۳۹ میلیون اکر زمین حاصلخیز که از آب رودخانه سند آبیاری می شود استفاده می نمایند و حال آنکه هند فقط در ساحل رودخانه سند دارای ۲۱ میلیون نفوس میباشد که تنها از ۲٦

میلیون اکر زمین حاصلخیز استفاده مینماید و این تناسب نشان میدهد که دولت هند برای استفاده از آب رودخانه‌های مزبور نسبت به پاکستان مستحق تر میباشد .

همچنین اظهار میداشت که رودخانه‌های سند وجهلم در جریان عبور از خاك هند غالباً از مناطق صعب‌العبور و کوهستانی میگذرد و اهالی هند قادر نیستند از آب رودخانه به ترتیت صحیح استفاده نمایند و ضمناً آب رودخانه‌های راوی و بیاس وستلج که از خاك هند عبور میکنند فقط برابر با آب رودخانه های سند و کابل و جهلم و چناب می‌باشد که در خاك پاکستان جریان دارند .

دولت هند همچنین معتقد بود که چنانچه دولت پاکستان با احداث کانالهای مجهز بتواند رودخانه‌های سند وجهلم را بیکدیگر متصل نماید بخوبی میتواند کلیه مناطق پاکستان غربی را با آب این سه رودخانه آبیاری‌نمایدودیگر احتیاج به آب رودخانه های دیگر که از خاك هند عبور میکنند نخواهد داشت .

ضمناً دولت پاکستان از محل برنامه پنجساله اول موفق گردید یك سد (بالوکی - سلیمانکی) بین رودخانه‌های چناب وستلج ایجاد نماید ودرمنطقه سند سفلی نیز مقدمات احداث سد کوتری بارج فراهم گردید . همچنین یك‌پروژه‌بنام ورسك در روی رودخانه کابل بموقع اجراء گذارده شد .

دولت هند نیز در همین مدت یك سد عظیم ذخیره‌ای در روی رودخانه - ستلج بنام سد بهاکارامانگا **(Bhakara Manga)** احداث نمود و چندین کانال انحرافی نیز برای آبیاری مناطق مرزی هند و پاکستان در پنجاب شرقی ایجاد کرد .

پیشنهاد بانك بین‌المللی برای رفع اختلافات.

اولیای بانك بین‌المللی ظرف شش ماه مطالعه در باب پیشنهادات طرفین و تحقیقات مهندسین و متخصصین اعزامی سر انجام باین نتیجه رسیدند که نظریات مهندسین و متخصصین هندی و پاکستانی بقدری با یکدیگر مغایر ومتفاوت است که بهیچوجه نمیتوان نسبت بیکی ازآنها تصمیم گرفت بنابراین اولیای بانك مستقلا یك پروژه خاصی طرح وبرای مطالعه دراختیار نمایندگان اعزامی دولتین هندوپاکستان گذاردند و ضمناً اظهار داشتند که این پروژه‌ها پیشنهاد بانك بین‌المللی برای رفع اختلافات موجود بین هند و پاکستان می‌باشد وبانك حاضر است در مورد اجرای این پروژه هر گونه کمك و مساعدت مالی و معنوی را برای طرفین بعمل آورد.

خلاصه پیشنهادات بانك بین المللی این بود که:

آب رودخانه های کابل وجهلم و چناب بجز درمنطقه‌ای که ممکن‌است مورد استفاده اهالی جامو و کشمیرواقع شود متعلق بدولت پاکستان خواهد بود و آب رودخانه‌های راوی و بیاس وستلج متعلق بدولت هند باشد،

ضمناً طرفین حاضر شوند که برای نقل و انتقال و تقسیم آب رودخانه ها چنانچه مخارجی متحمل شده‌اند بطور عادلانه بیکدیگر بپردازند وحساب خود را تصفیه نمایند.

پیشنهاد بانك بین‌المللی بسیار ساده و بنظر قابل قبول می آمد وچون‌اجرای آن بدون هیچگونه‌اشکالی امکان پذیر بود از طرف کلیه‌محافل بین‌المللی باخوشبینی تلقی گردید. دولت هند ادعا میکرد که پیشنهاد بانك بین‌المللی قدری ظالمانه است زیرا مقدار آب رودخانه‌های راوی و بیاس وستلج که در اختیاردولت هند قرار میگیرد فقط معادل ۲۰ در صد مجموع آب رودخانه هائی است که در اختیار دولت پاکستان قرار میگیرد و بعلاوه در صورتیکه هند حاضر بقبول

پیشنهاد بانک بین المللی میشد نا گزیر بود مبالغ زیادی بابت مخارج ساختمان و احداث سدها و کانالهای انحرافی که بوسیله دولت پا کستان در روی رودخانه هـای راوی و بیاس و ستلج ساخته شده به مقامات کراچی بپردازد .

از پنجم فوریه ۱۹۵٤ تا ۲۱ ژوئن همان سال گزارش پیشنهادی بانک بین الملل در شهرهای دهلی و کراچی مورد مطالعه مقامات هندی و پا کستان قرار گرفت و سرانجام دولت هند موافقت خـود را با پیشنهاد بانک بین المللی و دولت پا کستان موافقت مشروط خود را اعلام نمودندو ضمناً دولت پا کستان خاطر نشان کرد چنانچه بانک بین المللی در پیشنهادات خود قائل به تجدید نظر شود (مخصوصاً در مـورد استفاده از آب رودخانه ها در منطقه کشمیر که در تصرف هندیها بوده) حاضر خواهد بود پیشنهادات مذکور را بپذیرد .

پاسخ دولتهای هند و پا کستان به پیشنهادات بانک بین المللی چندان روشن و ساده بنظر نمیرسید و اولیای بانک نمیتوانستند پاسخ های مزبور را مثبت یا منفی تلقی نمایند لذا قریب دو سال تمام پس از آن تاریخ موضوع اختلاف پا کستان و هند بر سر کانالهای آبی دچار وقفه شد و مطبوعات هندی و پا کستان در تمام این مدت علیه یکدیگر حملاتی نموده و اتهاماتی زده و محیط را برای مذاکرات نامساعدتر میکردند .

اولیای بانک بین المللی بر اثر خواهش سفرای کبار دول هند و پا کستان یکبار دیگر در سال ۱۹۵٦ برای حل مسئله کانالها مجاهدت نمودند و یکبار نیز معاون بانک بین المللی به دهلی و کراچی مسافرت نموده و در ماه مه ۱۹۵٦ طی یک تذکاریه نظریات سابق بانک بین المللی را به دولتین هند و پا کستان خاطر نشان ساخت در این تذکاریه معاون بانک بین المللی در پیشنهادات سابق خود قائل به تجدید نظرهائی

شده بود لکن چون قسمت مربوط به تقسیم آب هم چنان طبق پیشنهاد قبلی تنظیم شده بود برای پاکستان چندان قابل قبول بنظر نمیرسید .

بطوریکه جراید در نوامبر سال ۱۹۵۶ در شهر کراچی اظهار اطلاع نموده بودند دولت پاکستان برای قبول پیشنهادات بانك بین‌المللی شرایط زیر را متقابلا پیشنهاد کرده بود :

۱ ـ دولت هند در قبال تحویل کانالهائی که بخرج دولت پاکستان در روی رودخانه های ستلج و جهلم و راوی ساخته شده مبلغ ۱/۳۰۰ میلیون دلار بدولت پاکستان تأدیه نماید .

۲ ـ دولت هند مادام که دولت پاکستان سدهاو کانالهای تازه‌ای برای جانشین شدن کانالهائی که تحویل هند میدهد نساخته است آب لازم را برای آبیاری اراضی در اختیار دولت پاکستان قرار دهد ،

۳ ـ عملیات ساختمانی سد و کانال در کشورهای هند و پاکستان بوسیله یك کمیسیون از مهندسین بین المللی نظارت و کنترل شود .

٤ ـ دولت هند بدهکاری خود را بابت کانالها بتدریج بپردازد .

این پیشنهادات مورد قبول بانك بین المللی قرار گرفته لکن دولت هند در قبال پیشنهادات دولت پاکستان سکوت اختیار کرد .

بانك بین المللی در آوریل سال ۱۹۵۷ طی یاد داشتی بدولتین هند و پاکستان پیشنهاد کرد که حاضر است هیئتی برای مذاکرات نهائی و عقد یك قرارداد آبی به دهلی و کراچی اعزام نماید .

دولت هند و پاکستان پیشنهاد بانك بین‌المللی را پذیرفتند وفقط دولت پاکستان قبول پیشنهاد اصلاحی بانك بین المللی را در مورد قرارداد آبی بشرطی پذیرفت که :

اولا ــ در قرار داد بهیچوجه برای تحویل و تحول سدها و کانالها مدت تعیین نشود و مدت می‌بایستی به نسبت سالهائی که ساختمان سدهای جدید طول میکشد پیش بینی شود .

ثانیاً ــ دولت هند بدهی خود را بطور نقد بپردازد که دولت پاکستان بتواند از آن محل سدهای تازه‌ای بسازد .

دولت هند نسبت باین پیشنهاد دولت پاکستان روی خوش نشان نداده و بعلاوه مرور زمان نشان داد که هرچه از تاریخ پیشنهادات بانک بین المللی (سال ـ ۱۹۵٤) میگذشت برمناطق حاصلخیز اطراف رودخانه های ستلج و راوی و بیاس در خاك هند افزوده میشد و روی این اصل دولت هند نسبت بقبول پیشنهادات بانك بی میل تر میشد .

این بی میلی حتی بجائی رسید که نزدیك بود بانك بین المللی بکلی خود را از معرکه کنار بکشد ودامنه این اختلافات که قریب شش سال بطول انجامیده بود همچنان کشیده شود .

تاآنکه درآوریل سال ۱۹۵۷ آقای ایلیف (Iliff) معاون بانك بین المللی یکبار دیگر برای جلب نظر اولیای دولتین هند وپاکستان باین دو کشور مسافرت نمود .

آقای امجد علی وزیر دارائی پاکستان در جلسه ۳۰ اوت ۱۹۵۷ مجلس شورای ملی درباره مسافرت آقای ایلیف و موضوع اختلافات بر سر کانال ها چنین اظهار داشت :

« بانك بین المللی درپیشنهادات مورخ فوریه ۱۹۵٤ خویش قائل به تجدید نظر شد وآقای ایلیف در طی مسافرت اخیر خویش پیشنهادات اصلاحی راباتوجه‌به

نظریات دولتین هند و پاکستان بدولتین نامبرده تسلیم کرد و ضمناً به دولتین توصیه کرد که یك قرار دادآبی بایکدیگر امضاء نمایند.

دولتین هند و پاکستان این نظریه اصلاحی را قبول کرده بودند لکن چون در نظریه جدید اصلاحات تازه تری شده‌است دولتین مهلت خواسته‌اند تا ۱۰ سپتامبر سال جاری پیشنهادات یکدیگر را مورد مطالعه قرار دهند وسپس نظریه خود را نفیاً یا اثباتاً اعلام نمایند.

هنوز هیچگونه تاریخی برای ملاقات وزیران یا نخست وزیران دو کشور برای مذاکره یا امضاء قرارداد آبی تعیین نشده است، لکن ما امیدواریم که با حزم و احتیاط درمحیط کاملا مساعد بتوانیم باحسن نیت‌اولیای بانك این اختلاف نه‌ساله‌را پایان بخشیم ... »

آقای امجد علی در همان جلسه در پاسخ یکی از نمایندگان (آقای یوسف هارون) اظهار داشت در سالهای قبل که تازه‌مذاکرات برای حل اختلافات کانالهای آبی بین دولتین هند وپاکستان شروع شده بود و دولت هند پیشنهاد دولت پاکستان را برای ارجاع موضوع به دیوان داوری لاهه رد کرده بود و بنابراین درآینده نیز اگر مذاکرات ما از طریق بانك بین‌المللی بجائی نرسد موضوع به دیوان داوری لاهه ارجاع نخواهد شد.

مقارن همان تاریخ آقای سن . ك . پاتل وزیر آبیاری و نیروی هند در مجلس‌شورای ملی آن کشور اشاره بمسئله اختلافات کانالهای آبی نمود وچنین گفت:

« دولت هند بیش از این نمیتواند حیات و سرنوشت میلیونها مردم هندی را که درساحل رودخانه‌های پنجاب زندگی میکنند بخطر بیندازد. دولت پاکستان از روزی که بانك بین‌المللی وارد مذاکره و میانجیگری شده تا کنون‌سه کانال‌روی رودخانه مورد استفاده خویش ساخته و باآنکه ظرف نه سال اخیر دولت پاکستان

از حداکثر مقدار آب استفاده کرده مع‌الوصف هیچوقت حاضر نشده که قرارداد شرافتمندانه ای را با دولت هند منعقد سازد و اساساً دولت پاکستان از قبول پیشنهادات بانك بین‌المللی طفره میرود ولی اضافه کرد آقای ایلیف معاون بانك بین‌المللی در مسافرت‌اخیرخویش پیشنهادات اصلاحی تازه‌ای‌بسران هندوپاکستان تسلیم کرده لکن دولت پاکستان هنوز از دادن پاسخ مثبت به این پیشنهادات طفره میرود .

دولت پاکستان و مطبوعات آن کشور در سالهای اخیر دولت هند را متهم میکنند که ما میخواهیم سدها را ببندیم و کشور پاکستان را تبدیل‌به‌صحرای لم یزرعی بکنیم . این اتهامات بی اساس و برای قلب حقیقت عنوان میشود .

پاکستان از هشتاد در صد آب رودخانه‌های جناح غربی رودخانه سند استفاده میکند ، چطورما که فقط از ۲۰ درصد آب رودخانه‌ها استفاده‌میکنیم‌میتوانیم پاکستان را تبدیل به بیابان لم یزرع کنیم .

دولت هندوستان باولیای بانك‌بین‌المللی پیشنهاد کرده مدتی که برای‌تبدیل و تحویل کانالها لازم است تا سال ۱۹۶۲ تمدید شود ...»

بطوریکه از مطالعه نطق وزیران دارائی پاکستان و آبیاری هند معلوم میشود هر کدام ازدولتین هندوپاکستان‌مسئولیت عدم رفع‌اختلاف‌رابعهده دیگری میگذارد ، لذا اولیای بانك برای اینکه این بهانه جزئی را مرتفع ساخته باشند در ماه سپتامبر نمایند گان دولتین هند و پاکستان رابواشنگتن دعوت کردند تا درباب تهیه پیش نویس یك قرارداد آبی مذاکرات و مطالعاتی را بعمل آوردند .

آقای امجدعلی وزیر دارائی پاکستان باتفاق عبدالقادر مدیر کل بانك دولتی و آقایان مظفر احمد و وقار احمد معاونین وزارت‌دارائی به‌واشنگتن‌مسافرت نمودند و باحضور یك هیئت هندی بریاست آقای پانل وزیر آبیاری ونظارت و آقای

ایلیف معاون بانك مذاکراتی رابعمل آوردند و طرفین توافق نمودند که یك هیئت از مهندسین و متخصصین بانك تاپایان ماه دسامبر ۱۹۵۷ بهشبه قاره هندوستان مسافرت نمایند و یك قرارداد فرعی برای تحویل سدها و پرداخت خسارات تنظیم گردد .

این هیئت پس از پایان مذاکرات به کراچی ودهلی باز گشتندودرماه اکتبر ۱۹۵۷ یك هیئت بریاست آقای لارس بنگستن (Lars Bangstan) از طرف بانك بین المللی برای رسیدگی باین امر وارد کراچی و دهلی شدند .

در این هیئت چند نفر مهندس آبیاری و کشاورزی وجود داشت که قریب دو هفته مناطق مختلف رودخانهها رابازدید کردندو با اولیای دولت پاکستان مذاکراتی بعمل آوردند ضمناً در مدتی که هیئت نمایندگان بانك بین المللی در هند بودند از دولت پاکستان تقاضا کردند که نمایندگان خود را برای شرکت در مذاکرات با نمایندگان دولت هند بدهلی اعزام نمایند . دولت پاکستان نیز هیئتی را باتفاق دو نفر از نمایندگان مجلس پاکستان شرقی و پاکستان غربی بدهلی اعزام داشت و پس از دو هفته مذاکرات معلوم شد که دولت هند با پیشنهادات نمایندگان بانك برای تعیین یك کمیسیون فرعی نقل وانتقالات وپرداخت غرامات مخالفت کرده و نمایندگان بانك بدون موفقیت بصوب واشنگتن مراجعت کردند.

آقای پاتل وزیر آبیاری هند در ۲۴ دسامبر یعنی چند روز بعد از شکست میسیون بانك بین المللی طی یك مصاحبه مطبوعاتی در دهلی جدید اظهار داشت :

« عدم موفقیت نمایندگان بانك بین المللی دلیل قطع مذاکرات نیست، دولت هندوستان امیدوار است آقای ایلیف معاون بانك بین المللی مجدداً بههندوپاکستان مسافرت نمایند و از نزدیك مشکلات ما را بسنجند .

وی اضافه کرد در اوایل آوریل ۱۹۵۸ که فصل کشت شروع میشود دولت هندوستان نظریات تازهای ببانك بین المللی عرضه خواهد کرد . دولت هند فعلا با

احترام به پیشنهادات سال ۱۹۵٤ بانك بین‌المللی مشغول ساختمان سدهائی میباشد و تا سال ۱۹٦۲ که ضرب الاجل تحویل و تحول بین دولتین پاکستان وهند میباشد ما آب را قطع خواهیم کرد .

وزیر آبیاری هند ضمناً گفت دولت هند حاضر نیست دیناری بجز مبلغی که بانك بین‌المللی پیشنهاد کرده بعنوان غرامت ساختمان کانال بدولت پاکستان بپردازد.

اظهارات آقای پاتل در محافل رسمی مطبوعات پاکستان باعصبانیت شدید تلقی شد وکلیه مطبوعات مقالات تندی علیه هند انتشار دادند و مخصوصاً روزنامه مورنینگ نیوز مورخه ۲۳ دسامبر ۱۹۵۷ در سر مقاله خویش نوشت وزیر آبیاری هند اعلام کرد که در سال ۱۹٦۲ ساختمان سد بهاکرا (Bhakra) بپایان خواهد رسید و باقطع آب سه رودخانه شرقی پنجاب قریب ۳/۵۰۰/۰۰۰ نفر پاکستانی از تشنگی وگرسنگی تلف خواهند شد .....»

آقای مظفرعلی قزلباش وزیر صنایع کابینه آقای ملك فیروزخـان نون در تاریخ ۲۹ دسامبر ۱۹۵۷ در مجلس شورای ملی که در داکا تشکیل شده بـود اشاره بعدم موفقیت بانك بین المللی بحل مسئله کانالها نموده و چنین گفت :

« اکنون پاکستان حاضراست که مسئله رفع اختلافات را به‌حکمیت ارجاع نماید . زیرا دولت هند با پرداخت سهمیه خویش برای ساختمان کانالها مخالفت کرده است و با چنین مخالفتی دیگر راه حل مسالمت آمیز بانك بین‌المللی مسدود شده است .

بانگ بین المللی تاآخرین روز فعالیت خویش از پیشنهادات دولت پاکستان جانبداری کرده است ، دولت پاکستان حاضر شده است پیشنهادات سال ۱۹۵٤ و تذکاریه سال ۱۹۵٦ بانگ بین‌المللی را طابق النعل بالنعل بپذیرد . »

ولی بالاخره در تاریخ آوریل سال ۱۹۵۹ نمایندگان دولتین هند و پاکستان

در شهر واشنگتن بامیانجی گری اولیای بانگ بین المللی یك موافقتنامهٔای‌رابرای حل اختلافات مربوط به تقسیم آب رودخانه ها بمدت یکسال امضاء نمودند .

باتوجه بآنچه که در فوق گذشت ملاحظه میشود که تا کنون فعالیت‌نه ساله دولتین هند وپاکستان و بانگ‌بین‌المللی آنچنانکه مورد انتظار بود بجائی نرسیده و این مسئله نیز مانند کشمیر یکی از موارد اختلاف و تیرگی روابط دولتین هندو پاکستان را تشکیل‌میدهد و چنانچه درسالهای آینده ازطرف مراجع مهم‌بین‌المللی اقدام مؤثری برای رفع کلی این اختلاف صورت نگیرد با نزدیك شدن سال ۱۹۶۲ که‌آخرین موعد تحویل و تحول کانالها می باشد مناسبات دولتین هند و پاکستان وخیم‌تر خواهد شد . درخاتمهٔ ناگفته نباید گذارد بامسافرتی که‌اخیراً فیلدمارشال ایوب خان برای اولین مرتبه در دوران زمامداری خود و بمنظور ملاقات با نهرو به دهلی نو نمود اگرچه موفق نگردید به‌اختلافات خاتمه دهد (زیرا درحال حاضر در روابط دو کشور اختلافات مربوط به مسئله کشمیر کماکان موضوع غیر قابل سازشی را تشکیل میدهد) مع‌الوصف توانست روابط دو کشوررا تا اندازه‌ای التیام بخشیده وزمینه را برای سازش های احتمالی آینده هموارسازد .

۲ ـ اختلاف پاکستان و افغانستان ـ مسئله پشتونستان .

درقسمتی ازخاك پاکستان‌قبائلی‌بنام‌پشتو زندگی میکنند که دولت‌افغانستان مدعی است‌اراضی محل‌سکونت آنها پشتونستان نام دارد وبه اهالی‌آن نیز بایدبرابر مفاد قانون آزادی بشر استقلال داده شود .

افغانستان عقیده دارد کهٔ سرزمین واقع بین سلسله کوههای هندو کش‌وخاك افغانستان و ایران وبحرعمان وسند وپنجاب سرزمین پشتونستان می باشد که‌وسعت آن درحدود هشتاد هزار میل مربع وجمعیت‌آن نیز هفت میلیون نفرمی‌باشد .

از نظر افغانستان پشتونستان‌به‌دوقسمت پشتونستان آزاد وپشتونستان‌محکوم تقسیم می‌شود .

پشتونستان آزاد از قبیل مناطق وزیرستان ــ میترا ــ با جور همیشه آزاد بوده و علیرغم سعی و کوششی که انگلیس هادر بدو ورود بخاك هندوستان برای حکومت براین منطقه نمودند هیچوقت قبایل ساکن آن تن بحکومت آنها نداده‌اند.

پشتونستان محکوم عبارت از مناطق پیشاور تا رودخانه سند ، بلوچستان ، کویته ، چمن تابحرعمان می باشد.

به عقیده افغانستان منطقه پشتونستان محکوم قبل از تجاوز انگلستان به افغانستان (۱۸۳۸ تا ۱۸۷۸ میلادی) جزوخاك افغانستان بوده ولی چون بعد از تاریخ ۲۶ مه ۱۸۷۹ میلادی حکومت قانونی در افغانستان وجودنداشته انگلستان ازموقعیت استفاده نموده و عهد نامه گندمك را جبراً به امیر محمد یعقوب خان مخلوع تحمیل نموده وهمچنین درتاریخ۱۲ نوامبر سال۱۸۹۲ امیرعبدالرحمن‌خان را مجبور نموده‌اند که معاهده مربوط به خط سرحدی دیوارند رابرسمیت بشناسدو حال آنکه تمام مناطق مزبور جزولاینفك خاك افغانستان بوده وجبراً از خاك افغانستان جدا شده‌اند (باین دلیل افغانها این منطقه را منطقه پشتونستان محکوم مینامند)

دولت افغانستان معتقد است که تقاضای استقلال مردم پشتونستان امر تازه‌ای نبوده بلکه از زمان قدیم این احساسات وجودداشته وهرموقع بیگانگان خواسته‌اند آنها را محکوم نمایند نه تنها اهالی پشتونستان بلکه پشتونهای خاك افغانستان نیز در برابر آنها ایستادگی و دفاع نموده و نیروی بیگانگان را مغلوب نموده‌اند.

در موقع تقسیم شبه قاره‌هندوستان به دولت های هند وپاکستان نیز پشتون ها ندای آزادی را بلند نموده و جداً خواستاراستقلال‌خود گردیدند ولی چون‌استقلال پشتونستان مخالف‌با سیاست انگلستان بود مصمم‌شدند که برای‌تعیین تکلیف‌تقاضای پشتون ها به‌آراءِ عمومی مردم مراجعه نمایند.

این پیشنهاد از طرف پشتون ها پذیرفته شد ولی رفراندم بدین ترتیب عملی

شد که دریك جعبه کلام الله مجید و در جعبه دیگر کتاب مذهبی هند را قرار داده و از پشتون ها استفسار مینمودند کدام یك از کتب دینی مذکور را قبول دارند و چون پشتون ها مسلمان هستند رأی خود را درجعبه‌ای که حاوی کلام‌الله مجیدبود ریخته وبدین ترتیب انگلیس‌ها موفق گردیدند که‌سرزمین پشتونستان مورداختلاف رابه خاك پاکستان که مردم آن‌مسلمان هستندضمیمه نمایندوچون کاربدین‌جا کشید در تاریخ اول سپتامبر ۱۹۴۹ میلادی رؤسای قبایل پشتو جلسه‌ای را تشکیل داده‌و طی آن تصمیماتی را بشرح زیر مورد تصویب قرار دادند :

۱ ـ قبایل‌آزاد سوگند یاد نمایند که‌بین خود اتفاق‌کامل داشته وتمام کارهای قومی را با مشورت یکدیگر انجام دهند .

۲ ـ قبایل‌آزاد خود را مکلف بدانند که‌آزادی‌کامل پشتونستان را تحصیل نموده و در برابر تجاوز خارجی ها ایستادگی نمایند .

۲ ـ قبایل‌آزاد خود را مکلف بدانند که ارتباط خود را باپشتوهای‌هرقسمت از پشتونستان محکم‌نموده ودرخیروشر یکدیگرسهیم باشند .

٤ ـ برای رسیدگی بمسائل مربوط به پشتونستان و حل مشکلات آن یك جرگه بزرك‌تری از تمام زعمای پشتونستان درآتیه نزدیکی منعقد شود .

باتوجه به قسمت چهارم‌ازتصمیمات رؤسای قبائل پشتو در تاریخ ۱۱و۱۲و۱۵ ژانویه ۱۹۵۰ جلساتی باحضور زعمای پشتونستان تشکیل وطی این جلسات باتفاق آراءآقای حاج میرزا علی خان فیتر‌بنی بریاست حکومت ملی پشتونستان انتخاب و نامبرده برنامه خود را بشرح زیر اعلام نمود :

۱ ـ از دولت پاکستان خواسته شود که تمامیت واستقلال پشتونستان وهفت میلیون نفوس آنرا برسمیت بشناسد .

۲ ـ دولت پاکستان به‌کلیه مأمورین لشکری و کشوری خود دستور دهد که

خاك پشتونستان را ترك نمايند و اگر درانجام اين امر تعلل شد مسؤليت عواقب وخيم آن متوجه پاكستان خواهد بود .

۳ ـ چون وسايل چاپ و انتشارات درپشتونستان نواقصی‌دارد ازدولت وملت برادر افغانستان كه همواره‌با پشتونها همدردی صميمی دارند تقاضا شود كه در اين قسمت به پشتونستان كمك نمايد .

٤ ـ از سازمان ملل متحد تقاضا شود كه پشتونستان را بعنوان يك كشور و ملت آزاد جزو اعضای خود پذيرفته و دولت پاكستان را موظف نمايد كه استقلال پشتونستان را برسميت بشناسد .

دولت افغانستان برای اينكه در ظاهر اقداماتی رابعمل آورد كه‌ابتدا پشتونستان‌آزاد و مستقل را بوجودآورده و در مرحله بعد منطقه مذكور را ضميمه خاك خود نمايد فعاليت دامنه داری را آغاز نموده و بعد ازتقسيم شبه قاره هندوستان به كشورهای هند وپاكستان و تعيين مرحوم جيناه بفرمانروائی دولت پاكستان آقای سردار نجيب الله خان (كفيل وزارت فرهنگ) را باسمت نماينده مخصوص پادشاه افغانستان به پاكستان اعزام نمود تا درزمينه استقلال‌پشتونستان مذاكراتی را بعمل‌آورد .

نامبرده در مذاكرات خود به دولت پاكستان خاطرنشان نمود كه قبايل پشتو كه در بين خط سرحدی ديوراندواستان سند اقامت دارند باافغانهای‌افغانستان ازافراد يك خانواده بوده و رشته های برادری‌ويگانگی مادی و معنوی ازهزاران سال قبل‌آنها را به برادران افغانی خودشان پيوند داده است و باين جهت دولت افغانستان نمی تواند نسبت به تعيين سرنوست‌آينده‌آنها بی علاقه باشد وحال‌آنكه بهمان ترتيب كه دربالا اشاره شد منظور دولت افغانستان از اقدامات ودلسو زيهائی كه بنفع قبايل پشتو و بلوچ معمول ميداشت اين بود كه ابتدا مناطق مربوط‌باين

قبایل را از پاکستان مجزا نموده و سپس برای‌دست پیدا کردن به دریا این مناطق را ضمیمه خاك افغانستان نماید .

سردارنجیب الله خان پس از خاتمه مأموریت خود و درمراجعت به‌افغانستان گزارش داد که موافقت دولت پاکستان را در مورد مسائل مشروحه زیر جلب نموده است :

۱ ـ حکومت پاکستان استقلال قبایل آزاد سرحدی را برسمیت‌شناخته است .

۲ ـ حکومت پاکستان خود مختاری صوبه سرحد شمال غربی را برسمیت می‌شناسد و مردم این منطقه قادر خواهند بود که مؤسسات سیاسی و اجتماعی و عرفانی خود را باآزادی تمام ترقی و توسعه دهند .

۳ ـ حکومت پاکستان با استناد باظهارات آقای قائد اعظم (مرحوم‌جیناه) صدر اعظم و وزیر امور خارجه پاکستان و بعضی از وزرای دیگر با هر نامی که قبایل‌آزاد به تناسب با قومیت خود برای صوبه سرحد شمال غربی انتخاب نمایند نه تنها مخالفت نداشته بلکه مساعدت لازم راهم معمول خواهد داشت .

٤ ـ حکومت پاکستان باوحدت‌کلیه افغانهای آنطرف‌خط دیوراندموافق‌بوده واین امر را مربوط به امور تشکیلاتی خود مردم میداند .

ولی چون علیرغم این مذاکرات‌عملا اقدامی معمول‌نگردید، درسال ۱۹٤۷ مجدداً تحریکاتی دربین قبایل پشتو بعمل‌آمده و دولت افغانستان وعده همه گونه همکاری و مساعدت را بآنها داد و قبایل مذکور بامید استفاده از پشتیبانی افغان‌ها شروع به انجام تظاهرات و عملیات تخریبی نموده و مجدداً طی تشکیل‌جلساتی از دولت پاکستان تقاضای استقلال وآزادی خود را نمودند ولی دولت پاکستان‌بدون توجه به تقاضای آنها اقدام به تشکیل پاکستان غربی وشرقی نموده‌ومناطق‌پشتون رانیز جزء منطقه پاکستان غربی اعلام نمود .

این وضعیت بیشتر اسباب یأس وناامیدی قبایل پشتون را فراهم نمود وقبایل مذکور بااستفاده‌ازراهنمائی های زعمای‌قوم خود از قبیل عبدالغفارخان وعبدالصمد خان به ادارات ونیروهای دولت پاکستان حملاتی نموده و ضمن تخریب پل‌ها و سربازخانه ها اعتراضات شدید خود راعلیه تشکیل واحد پاکستان غربی اعلام نمودند.

مترادف باچنین زمانی آقای سردار محمد داودخان نخست وزیر و صدراعظم افغانستان بیانیه‌ای را باین شرح منتشر نمود: «هموطنان عزیز بحیث شخصی خود را مکلف میدانم وقایع مهمی را که در سرنوشت امروز وآینده کشور ما تأثیرزیادی دارد باطلاع عموم رسانیده و هموطنان عزیز را از جریان وقایع بی‌خبر نگذارم.

اعلامیه‌ای که‌دیروزدر کراچی‌منتشر گردیدحاکی‌است که‌حکومت‌پاکستان برخلاف تمام قوانین و فرامین بین‌المللی و بدون در نظر گرفتن حقوق مردم پشتونستان در تعیین سرنوشت آنها و مراجعات مکرری که باین اساس از جانب حکومت افغانستان باحکومت پاکستان بعمل آمده تصمیم گرفته‌اند که علاقه های پشتونستان‌آزاد و محکوم را در یونیت غربی پاکستان شامل و بااین عمل خود خدای ناخواسته‌آزادی و ملیت میلیونها برادران پشتونستانی ما را برای همیشه محو و نابود سازد. این تصمیم حکومت پاکستان بهیچ صورت در افغانستان نظر به علائق تاریخی که با برادران پشتونستانی خود داردنمیتواند بی‌اثر بماندومسئولیت عواقب وخیمی که ازاین ناحیه نشست و صلح این گوشه دنیا را بخطرمی‌اندازدفقط متوجه حکومت پاکستان خواهد بود.

بصورت بسیار روشن و واضح‌می‌خواهم‌یك‌بار دیگر بسمع‌زمامداران پاکستان و همه جهان صلح دوست برسانم که ملت‌وحکومت افغانستان بهیچ صورت‌علاقه‌های پشتونستان را جزء خاك‌پاکستان‌نشناخته و نمی شناسد. حکومت افغانستان‌تصمیم

گرفته است عواقب ناگوار این تصمیم متجاوزانه را باطلاع حکومت پاکستان رسانیده وپروتست نماید وبه‌شارژدافر خود در کراچی دستور داده است در صورتیکه اقدامات او به نتیجه نرسد به افغانستان مراجعت نماید.

ما بارها برادران پشتونستانی خود را به صبر وحوصله توصیه نموده و ایشان را به نتیجه اقدامات سیاسی دولت افغانستان امیدوار نگاهداشته‌ایم ولی اکنون این تصمیم غیر عادلانه حکومت پاکستان ما را وادار مینماید که به آنها به طور وضوح بگوئیم که متاسفانه عدالت و مفهوم مقررات بین‌المللی در نزد زمامداران پاکستان ارزش و قیمتی ندارد.

من یکبار دیگر به برادران پشتونستانی خود پیام همدردی و پشتیبانی ملت و حکومت افغانستان رااعلام واطمینان میدهم که ملت افغانستان هیچوقت محرومیت آنها را از حق آزادی و محکومیت آنها را بدست دیگران تحمیل نخواهد کرد.

برادران عزیز این حادثه ناگوار ازجمله حوادث ووقایعی است که برای ما رخ داده و هر ورق تاریخ شاهد آن است، من احساسات و تأثرات هموطنان عزیز را در مقابل این سیاست دولت پاکستان که‌موجبات سلب حقوق و آزادی برادران پشتونستانی ما را فراهم نموده است آگاه میباشم ولی با این حال از شما توقع دارم که باثبات وخونسردی منتظر وقایع بوده و باهر گونه آمادگی درانتظار اقدامات اساسی دولت باشید .... »

متعاقب صدوراین بیانیه در روز نهم فروردین ماه ۱۳۳۴ و شاید به تحریك مقامات افغانی عده‌ای از اهالی کابل و دانشجویان با شعار های ملی پشتونستان به سفارت کبرای پاکستان هجوم آورده پرچم پاکستان را پائین آورده وبجای آن پرچم پشتونستان را افراشته وسپس به غارت اثاثیه‌واموال دفتروعمارت منزل شخصی سفیر کبیر مبادرت نمودند و بهمین ترتیب در پیشاور نیز پاکستانی‌ها

متقابلا تظاهراتی را بر علیه دولت افغانستان بعمل آورده و پرچم کنسولگری افغانستان را پائین آورده واثاثیه آنرا غارت نمودند.

در نتیجه پائین آوردن پرچم های پاکستان و افغانستان در کابل و پیشاور تیره گی روابط و مناسبات دو کشور هر روز شدیدتر شده و کار بآنجا رسید که اعلیحضرت پادشاه عربستان سعودی عموی خود والاحضرت امیر مساعد را بعنوان میانجی به کابل و کراچی اعزام نمود و متعاقب آن آقای انورالسادات وزیر مشاور دولت مصر و سفیر کبیر آن دولت در تهران نیز به کابل عزیمت نموده و مذاکراتی را با طرفین آغاز نمودند ولی نظر باینکه دولت افغانستان حل اختلافات مربوط بپائین آوردن پرچم ها را موکول به حل و فصل قضیه پشتونستان نموده بود میانجی ها موفق برفع فوری اختلاف نشده و پس از مدت شش ماه در تاریخ ۲۱ شهریور ۱۳۳٤ از طرف آقای سردار محمد نعیم وزیر امور خارجه دولت افغانستان وسفیر کبیر دولت پاکستان در کابل اعلامیه ای باین شرح صادر گردید.

« در نتیجه مساعی حکومت های افغانستان و پاکستان ومذاکراتی که در این اواخر بین وزیر امور خارجه و سفیر کبیر پاکستان بعمل آمد دولتین برای رفع اختلاف ناشیه از حوادث پرچم توافق حاصل نمودند وامیداست در آتیه نزدیکی این موافقت بموقع اجراء گذارده شود. »

پس از آن با حضور آقای سردار محمد نعیم وزیر امور خارجه دولت افغانستان وکلیه نماینده گان سیاسی دول خارجی مقیم در کابل درحالی که یك عده گارد مخصوص ارتش افغانستان صف کشیده بودند ، پرچم پاکستان باتشریفات و احترامات لازمه افراشته شد و آقای وزیر امور خارجه و آقای کلنل شاه سفیر کبیر دولت پاکستان هریك بیاناتی را مبنی بر دوستی دوملت مسلمان افغانستان و پاکستان ایرادنمودند و روز بعد نیز پرچم افغانستان باتشریفات خاصی در پیشاور در بالای کنسولگری

افغانستان افراشته شد .

بعد از حل اختلافات مربوط به پرچم آقای چودری محمد علی نخست‌وزیر وقت دولت پاکستان از آقای سردار محمد داودخان نخست وزیر افغانستان دعوت بعمل‌آورد که به کراچی مسافرت نموده و برای بهبود مناسبات طرفین مذاکرات واقداماتی را بعمل‌آورند ولی نخست وزیر افغانستان بعنوان اینکه دولت پاکستان علاقه های پشتون را جزء خاك پاکستان غربی اعلام نموده وانجام مذاکرات فایده‌ای ندارد از قبول این دعوت خود داری نموده و کارداردولت افغانستان را نیز از کراچی احضار نمود و دولت پاکستان هم متقابلا مجبور شدسفیر کبیر خود را از کابل احضار نماید و کنسواگری‌های طرفین هم درخاك یکدیگر تعطیل شدوچون دولت افغانستان از تعقیب موضوع استقلال پشتونستان منصرف نشده و همواره بوسایلی بین قبایل پشتو تحریکاتی را برعلیه دولت پاکستان معمول میداشت دولت پاکستان با توجه باینکه دولت افغانستان از راه ترانزیت پاکستان کالاهای مورد نیاز خود را از کشورهای خارج به خاك افغانستان وارد مینمود برای صدور و ورود کالاهای افغانستان مشکلاتی‌را برای این‌دولت بوجود آوردوماشین آلات مربوط به کارخانجات و کالاهای دیگر آنرا در داخل خاك خود توقیف نموده و در نتیجه خسارات زیادی به دولت و بازرگانان افغانستان وارد شد و با اینکه این‌اقدام دولت پاکستان‌انجام طرحهای مهم اکتشافی را برای مدت مدیدی به تعویق انداخت و خسارت سنگینی را به طبقات بازرگانی و دولت افغانستان وارد نمود با این حال دولت افغانستان از تبلیغات و تحریکات خود علیه‌پاکستان دست بر نداشته وبعنوان اینکه‌شش‌میلیون نفوس پشتونی در خاك افغانستان زندگی میکنند زبان پشتو را زبان رسمی اعلام نموده و تدریس آنرا درکلیه دبستان ها و دبیرستانها اجباری اعلام نمود و کارمندان دولت را نیز مجبور نمود که زبان مذکور را تحصیل نمایند ،

روزنامه هائی بزبان پشتو منتشر شد و صاحبان مغازه‌ها نیز مجبور شدند که تابلوی مغازه های خود را که تا آن زمان بزبان فارسی نوشته شده بود بزبان پشتو تهیه نمایند.

بهرحال پس از آنکه قبایل پشتون ودولت افغانستان در پیشرفت منظور خود موفقیتی راحاصل ننمودند به‌پیشنهادآقای سردار محمد داودخان صدراعظم‌افغانستان و تصویب اعلیحضرت پادشاه‌افغانستان‌مجلس کبیر ملی (لوی جرگه) درتاریخ۲۲ آبان ماه سال ۱۳۳٤ تشکیل گردید . (در ازمنه سابقه که افغانستان مجلس شورا نداشت‌هر موقع که مشکلاتی‌پیش میآمد امرای افغانستان مجلس کبیرملی‌مرکب از نمایندگان ملت را تشکیل میدادند و مصوبات‌آنرا بموقع اجرا میگذارند .)

این مجلس که میبایستی‌بریاست شخص پادشاه‌تشکیل‌شود با خطابه افتتاحیه پادشاه شروع‌بکار نمود وپس‌ازآن چون‌پادشاه نمی توانست مرتباً عهده‌دار ریاست‌آن گردد آقای محمد نوروز رئیس مجلس شورای ملی بوکالت از طرف ایشان‌عهده‌دار ریاست‌آن گردید وآقای سردارمحمدخان صدر اعظم ضمن بیانات مفصلی سیاست افغانستان را در مورد مسئله پشتونستان تشریح نموده وخاطرنشان نمود که مساعی دولت افغانستان در مدت هشت سال برای حل مسئله پشتونستان بجائی نرسیده و زمامداران پاکستان عملانشان داده‌اند که تصمیم دارند برخلاف میل وآرزوی ملت پشتونستان شخصیت ملی و حقوق این قوم را برای‌همیشه از بین برده و علاقه‌آنها را ضمیمه پاکستان نمایند و علاوه براین کمك های نظامی و اقتصادی که از طرف بعضی از دول بزرك نسبت به دولت پاکستان بعمل‌آمده و میآید مسئله موازنه قوا را بکلی در این قسمت از منطقه‌آسیا برهم زده و خطرات مدهشی را برای امروز و آینده افغانستان تولید نموده ، چنانکه‌همین تقویت نظامی بدولت پاکستان فرصت داده تا از راه جبر وظلم بیشتری حقوق مردم پشتونستان را پایمال نموده و برای

محو و نابودی آنها اقدامات مجدانه‌ای را معمول دارد.

آقای سردار محمد داود خان پس ازایراد بیانات مزبور اضافه نمود که: وظیفه وجدانی وملی خود میداند که حقایق وخطراتی که افغانستان راتهدید مینماید باطلاع نمایند گان ملت برساند و با کمال وضوح روشن نماید که دراین موقع مهم تاریخی دونکته بارز وجود دارد که ذیلا تشریح مینماید:

۱ ـ آیا دولت افغانستان صدای تظلم و ندای مردم پشتونستان را مربوط به حمایت حقوق مسلم آن برادران خود که ازیك نژاد می باشند قبول واز حقوق مشروع آنها حمایت مینماید یاخیر؟

۲ ـ چون موازنه قوا با کمك تسلیحاتی که به پاکستان شده و می‌شود از بین رفته آیا حکومت افغانستان برای بقاوحفظ شرافت ملی خود برای تقویت نیروی دفاعی خود بایستی اقدام نماید یاخیر؟...

بالاخره مجلس کبیر ملی (لوی جرگه) پس از چند جلسه مذاکرات محرمانه باتفاق آراء تصویب نمود که:

۱ ـ حمایت حق تعیین سرنوشت مردم پشتونستان که برادران هم کیش وهم نژاد ماهستند وظیفه ملت وحکومت افغانستان است. بنابراین مجلس ملی به حکومت توجه میدهد که مطابق واجبات اوامر شرعی واشتراك تاریخ وفرهنگ ازدرخواست عامه مردم پشتونستان برای حق تعیین سرنوشت آنها حمایت نماید.

۲ ـ نظر به سیاست موجوده حکومت پاکستان ومخصوصاً برهم خوردن توازن قوا در این منطقه که در نتیجه گرفتن کمك‌های نظامی از کشور های بزرك ازطرف پاکستان بوجود آمده واقدامات خطرناك پاکستان نیز متوجه افغانستان گردیده است درچنین موقع خطرناك وظیفه حکومت است که کشوررا نظر به فریضه حفظ استقلال و تمامیت ملی تقویت نمایـد علیهذا مجلس ملی بحکومت توصیه

مینماید بهر گونه طرق ووسایل که امکان داشته باشدو بهر قیمتی که بصورت شرافتمندانه میسر شود کشور را به منظور دفاع از خود مجهز و تقویت نماید .

۳ ـ مجلس ملی به نمایندگی ملت افغانستان اعلام میدارد که بهیچ صورت علاقه‌های پشتونستان را برخلاف میل و آرزوی ملت پشتونستان جزوخاك پاکستان ندانسته و دراین مورد مصوبات قبلی مجلس شورای ملی و مجلس سنا را تائید و تصدیق مینماید .

در اجرای مصوبات مجلس ملی سردار محمدداودخان چنین تشخیص داد که باید از نزدیکی با دولت شوروی استفاده نماید وبدین منظور از مارشال بولگانین نخست وزیر و خروشچف دعوت نمود که در مراجعت از مسافرت هندوستان از افغانستان نیز دیدن نمایند . بنابراین مهمانان مذکور دراواخر آذرماه سال ۱۳۳٤ باتفاق هیئتی به کابل مسافرت نموده و اعلامیه های مشترکی را صادر نمودند که یکی از موادآن پشتیبانی و حمایت دولت شوروی را در تحصیل استقلال و آزادی پشتونستان تصریح مینمود وضمناً قرار دادهای دیگری هم بین دولت های افغانستان و شوروی و چك اسلواکی منعقد گردید که بموجب آنها دولت افغانستان سلاح مورد نیاز تقویت ارتش خود راازدولتین مذکور خریداری نموده و بهای آنها را طی مدت ۸ سال مستهلك نماید .

درنتیجه نزدیکی دولت افغانستان به دولت شوروی و اقدام دولت افغانستان در مورد خرید اسلحه از شوروی و پشتیبانی دولت شوروی از استقلال پشتونستان آقای ایدن نخست وزیر وقت دولت انگلستان در مجلس عوام آن کشور اختلاف دولتین پاکستان و افغانستان در مورد مسئله پشتونستان را مورد بحث قرارداده و خاطرنشان ساخت که خط سرحدی دیوراند خط بین المللی است ودولت افغانستان متقابلا طی اعلامیه‌ای اعلام نمود که خط سرحدی دیوراند همواره مورد اعتراض

آن دولت بوده و رسمیت ندارد.

متعاقب این اقدام در اوایل اسفندماه سال ۱۳۳۰ کشورهای عضو اتحادیه جنوب خاوری آسیا (S.E.A.T.O) طی اعلامیه مشترك خود اعلام نمودند که که‌خط‌سرحدی دیورانده‌خط‌بین‌المللی مرزافغانستان‌وپاکستان‌بوده‌وبنابراین‌اراضی قبایل پشتو جزء خاك پاکستان شناخته شده است و دولت افغانستان ضمن‌اعتراضی به‌کشورهای عضو اتحادیه جنوب خاوری‌آسیا رونوشت اعتراض خود را به‌دبیر کل سازمان ملل متحد نیز تسلیم نمود.

درنتیجه بیانات آقای ایدن و تصمیمات کشورهای عضو اتحادیه جنوب‌خاوری آسیا دولت شوروی برای نزدیکی به دولت افغانستان حداکثر استفاده را نموده و دامنه نفوذ خود را در این کشور هر روز بیشتر از روز پیش نموده است.

در مسافرتی که چندی‌قبل ژنرال اسکندرمیرزا رئیس جمهور سابق‌پاکستان به دعوت پادشاه افغانستان به‌کابل نمود ضمن مذاکرات خود با اولیای امور دولت افغانستان خاطرنشان نمود که‌مذاکره درباب‌پشتونستان بی‌حاصل ودولت‌پاکستان نمیتواند قسمتی از خاك خود راازدست بدهد ولی در باب سایرمسائل‌آماده‌است که باحفظ منافع طرفین مذاکراتی را شروع نماید و در نتیجه ژنرال اسکندر میرزا موافقت‌نمود که در باب استفاده افغانستان‌از راه‌ترانزیت پاکستان وتخفیف‌عوارض و تشریفات گمرکی و فراهم‌نمودن‌تسهیلات لازم برای‌عبور و مرور کالاهای‌صادراتی و وارداتی افغانستان از خاك پاکستان کمك های مؤثری را معمول دارند ولی‌چون اساس منظور دولت افغانستان حل مسئله پشتونستان بود و این موضوع مسکوت گذارده شده بود اولیای دولت افغانستان از انجام این مذاکرات راضی نبوده و در مذاکرات بعدی هم که هنگام مسافرت سردار محمد داودخان به کراچی انجام شد (۲۴ نوامبر سال ۱۹۵۶) توفیق مورد نظر دولت افغانستان حاصل نگردید و باین

ترتیب اختلاف دولتین افغانستان و پاکستان در مورد مسئله پشتونستان بقوت‌خود باقی ماند واخیراً خان عبدالغفار خان رهبر نهضت تشکیل پشتونستان مستقل که پس ازروی کارآمدن رژیم جدید در پاکستان ازطرف مأمورین فرماندار نظامی دستگیر و زندانی شده وازطرف دادگاه نظامی لاهور تحت بازجوئی قرار گرفته‌بود در این‌باره (نهضت تشکیل پشتونستان) چنین اظهار نمود :

« نهضت پشتونستان از سال ۱۹۲۹ بوجودآمده و هدف آن ترکیب وتحکیم جامعه پشتونستان در مناطق مختلف میباشد . البته تا سال ۱۹٤۷ فعالیت طرفداران این نهضت ازحدودفکر و خیال تجاوز نمیکرد لکن پس از اعلام‌استقلال پاکستان و اعطای خود مختاری بپاره‌ای از استان ها قبایل پاتان مقیم ایالات شمال غربی پاکستان تصمیم گرفتند بایکدیگر روابط نزدیکتر و محکم تری را پیدا نمایندو تدریجاً موضوع نهضت پشتونستان جنبه عملی‌تری پیدا کرد ... »

پرزیدنت محمد ایوب خان که در تاریخ اول ژانویه ۱۹۵۹ برای شرکت در مراسم دوره فارغ التحصیلی دانشکده نیروی هوائی رسال پوربه شهر فورتساندمن (واقع درشمال پاکستان غربی) مسافرت نموده بود ضمن انجام یك مصاحبه مطبوعاتی کـه درکلیه جراید پاکستان منتشر گردید اظهار داشت که : « دولت پاکستان خیلی خوب میداند که از قلمروخود چگونه دفاع نماید بگذار دیگران هرچه دلشان میخواهد بگویند » .

منظور ژنرال ایوب خان از ایراد این جمله و استعمال کلمه دیگران فقط دولت افغانستان بود زیرا اخیراً سردار محمد داودخان نخست وزیر افغانستان طی انجام مصاحبه‌ای بایك خبرنگار ژاپنی اظهار داشته بود که :

« مناطقی که بنام‌پشتونستان نامیده میشود قرنهاست که متعلق به افغانستان میباشد و دولت افغانستان نسبت به این مناطق خود را محق میداند » .

در دنبال این جریانات روزنامه پاکستان تایمز چاپ لاهور در شماره مورخ پنجم ژانویه ۱۹۵۹ خوددر سرمقاله‌ای تحت عنوان « روابط پاکستان و افغانستان» ضمن اشـاره باظهارات اخیر آقای سردار داودخـان نخست وزیرافغانستان و پاسخ پرزیدنت ایوب خان رئیس جمهورپاکستان (بشرح آنچه که در فوق گذشت)اشعار داشت که :

« ما امیدواریم که هیئت حاکمه‌افغانستان آنقدر درباره قضیه قلمروپاکستان کورکورانه و جاهلانه قضاوت نکند و کار را به بروز اختلافات شدید بین دولتین نکشاند ولی بهر صورت نحوه عمل واظهارات تعرضی زمامداران افغانی که گاه‌بگاه صورت میگیرد مورد کمال توجه ودقت پاکستان می باشد .

شاید واقعاًافغانها از اینکه هرچندیکبار موضوع‌پشتونستان را بمیان‌میکشند قصد داشته باشند که هربار عکس العمل ما را نسبت باین موضوع استنباط نمایند

تاریخ روابط‌پاکستان‌وافغانستان‌همواره‌حاکی‌ازپیشنهادات دوستانه‌پاکستان و غرض ورزیهای افغانستان بوده و ناسازگاریهای اولیای دولت افغانستان باساکنین این منطقه از همان ایام‌آغاز گردید که افغانها از شناسائی خط مرزی دیوراند خود داری میکردند .

افغانستان از روزتأسیس تاکنون‌از شناسائی حق‌حاکمیت این کشوردرمنطقه پشتو زبان خود داری کرده وهمواره‌باشدت زیادی که بوسیله عوامل خارجی‌تقویت میگردید حملات و تبلیغاتی علیه پاکستان شروع میکرده است .

هنوز ما حملات وحشیانه افغانها را بکنسولگری های خود که سه سال قبل بوقوع پیوست فراموش نمیکنیم ولی بخاطر حس همسایه داری ، ما گذشته هـا را فراموش کرده‌ایم و پیوسته برای بسط مناسبات خو باافغانستان‌نسبت بتأمین‌اقتصاد این کشور ابراز حسن نیت نموده‌ایم با همه این احوال افغانها هیچوقت دست از

تبلیغات پشتونستان خود نکشیده‌اندو اظهارات اخیر نخست وزیر افغانستان بیش‌از پیش موجب تعجب وناراحتی‌ما را فراهم کرده و شاید افغانها تصور کنند که‌سکوت ما دلیل ضعف ماست .

اکنون موقعی رسیده که‌دولت پاکستان‌نشان دهد که در برابر ادعاهای‌پوچ افغانها ضعیف نیست و برای همیشه باین تبلیغات پایان بخشیده شود و اگر افغانها حاضر بسکوت نمیشوند دولت پاکستان‌بدون فوت‌وقت امتیازاتی‌را که‌سال گذشته باامضای قرارداد ترانزیت بافغانستان داده مسترد دارد .

فشار اقتصادی پاکستان بافغانستان بهترین دلیل و راهی خواهد بود که پاکستان میتواند افغانها را بجای خود بنشاند »

باتوجه بآنچه که‌در فوق گذشت ملاحظه‌می‌شود که‌دولت‌پاکستان ناچاراست که در مرزهای شمالی خود خطرات دائمی سیاست تهدیدآمیز دولت افغانستان را که توأم با پشتیبانی و حمایت مستقیم و غیر مستقیم دولت شوروی نیز می‌باشد بر خود هموار نماید و از این راه با مشکلات قابل ملاحظه دست بگریبان باشد ولی نباید فراموش کرد که پاتان های ساکن‌منطقه شمال‌پاکستان دارای زندگی‌بهتری بوده وخودشان نیز حاضر نیستند که‌باتشکیل پشتونستان به‌نحو مورد تقاضای‌دولت افغانستان زندگی مرفه فعلی خود را از دست بدهند .

مع الوصف ایوب‌خان‌پس از بازگشت از مسافرت اخیر خود بایران از وزیر امور خارجه افغانستان (سردار محمد نعیم خان) دعوتی بعمل‌آورد که برای انجام مذاکراتی بپاکستان مسافرت نماید .

این دومین باری است که بین رهبران دو کشور تماس مستقیم حاصل میشود (همان طور که قبلا گذشت در دوران قبل از انقلاب پاکستان نیز سردار محمد داودخان نخست وزیر افغانستان واسکندرمیرزا چنین دیدارهائی را ردوبدل‌نموده

بودند) ولی این بار نیز از مذاکرات معموله با محمد نعیم خان تغییرات اساسی مهمی در روابط دو کشور ایجاد نشد و افغانها حاضر نشدند که از مسئله پشتونستان چشم پوشی نمایند ، زیرا تشکیل دولت خود مختاری از ۹ میلیون اهالی پشتو یا پختونستان که در نهایت امر تحت حمایت و تسلط کامل دولت افغانستان خواهد افتاد جمعیت آن کشور را بضرر پاکستان افزایش خواهد داد و افغانها شدیداً می کوشند تا بر بزرگی و اعتبار خود بهر نحو که مسیر باشد بیفزایند .

برای پاکستانی ها نیز تسلیم در برابر دعاوی افغانستان امکان پذیر نمی باشد و مقامات این دولت و بویژه فیلدمارشال ایوب خان بهیچ قیمتی حاضر نخواهند شد که تن بجدائی پشتونستان از پاکستان بدهند .

دعاوی افغانها متکی بهمجواری پشتونستان و افغانستان و هم زبانی وهم نژادی پشتون ها با بسیاری از افغان ها است ولی پاکستان نیز به حق تصرف استناد کرده و خود را جانشین حکومت انگلیسی هندوستان می دانند که در قرن گذشته ضمن امضای قرار دادی با امرای افغانی کنترل منطقه پشتونستان را بدست آورده اند .

همیشه در مناطق خاورمیانه و آسیا فرصت هـای
مناسب سیاسی برای توسعه نفوذ شوروی موجود
است .

لنین

سیاست نفوذی شوروی در پاکستان :

سیاست روسیه شوروی پس از جنگ جهانی دوم همیشه آن بوده وهست کـه سیاست بیطرفی را بهر صورتی که باشد بر کشورهای جنوب و جنوب خـاوری آسیا تحمیل نماید و در مورد پاکستان مفهوم این بیطرفی (از نظر سیاست مداران کرملین) آن بوده که این کشور از اتحادیه های اقتصادی و نظامی منطقه‌ای که عضویت آنها را قبول نموده خارج شده وهیچگونه وظیفه‌ای را در رقابت های سیاسی منطقه جنوب خاوری آسیا برعهده نگیرد .

روی این اصل زمامداران شوروی همیشه مترصد بوده وهستند که با استفاده از اشکالات سیاسی واقتصادی دولت پاکستان این کشور را تحت فشار قرارداده وموجبات کناره گیری آنرا از پیمان دفاعی جنوب خاوری آسیا و پیمان سنتو (پیمان بغداد سابق) فراهم نماید وبدیهی است چنانچه کمونیست‌ها دراین راه توفیق حاصل نمایند از نظر بلوك غربی منطقه وسیعی بین دریای مدیترانه و چین بخطر افتاده و بقایای تکیه گاههای غرب از تنگه سوئز تا سنگاپور از دست رفته و شاه راه نفوذی شوروی درهند و خلیج فارس بروی او باز خواهد شد .

ولی در حال حاضر علیرغم اینکه مناطق غربی پاکستان بعلت نفوذ شوروی در افغانستان وضع نا معلومی را بخود گرفته وپاکستان شرقی نیز با وجود بیطرفی برمه و دورافتادگی از مناطق غربی کشور در حقیقت از کشورهای جنوب شرقی نیز جدا مانده و بالنتیجه پاکستان در گازانبر سیاست نفوذی شوروی قرار گرفته است

مع الوصف بستگی پاکستان به دنیای غرب قطعی است و مردی که فعلا زمام امور کشور را در دست گرفته فردی ضد کمونیست شناخته‌شده است، منتهی باید بخاطر داشت که این شخص (فیلد مارشال ایوب خان) درقبال ملت پاکستان تعهداتی را قبول نموده و میخواهد تعهداتش را همان طور انجام دهد که مرحوم آتاتورك در ترکیه انجام داده است .

ناگفته نباید گذارد که درحال حاضر مناسبات نزدیکی که افغانها باشورویها برقرار نموده‌اند و نفوذ عظیم اقتصادی دولت شوروی درافغانستان برای پاکستانی‌ها این وحشت را ایجاد نموده که شورویها دیر یازود برافغانستان تسلط یافته و بالنتیجه پاکستان از ناحیه مرز شمالی خود با شوروی هم مرز خواهد شد .

هم اکنون روس ها درخاك افغانستان مشغول ساختن دو رشته راه سراسری می باشند که علاوه بر آنکه کامیون و اتومبیل از آنها عبور خواهد نمود ، تانکها و وسائل سنگین نظامی نیز قادر به عبوراز آنها خواهندبودوعلاوه براین فرودگاه نظامی عظیمی که در مجاورت کابل بوسیله شوروی ها ساخته شده نیز برای فرود وپرواز هواپیما های سنگین چهار موتوره جت مناسب می باشد .

نیمی از بازرگانی افغانستان با دولت شوروی انجام می‌شود وشورویهاتاکنون بیش از ۲۰۰ میلیون لیره اعتبار عمرانی به دولت افغانستان داده‌اند .

کارشناسان روسی بصورت روزافزونی درداخل خاك افغانستان راه پیدامینمایند وازآسفالت خیابان تا ساختمان سیلو و فرودگاه همه چیز بدستور و تحت نظارت آنها انجام می‌پذیرد و همه این مطالب بانضمام نحوه تفکر مغرضانه افغان‌هانسبت به دولت و ملت پاکستان و دعاوی ارضی آنها نسبت به منطقه پشتونستان نگرانی عمیقی را در محافل دولتی وملی پاکستان ایجاد نموده است .

نه‌تنهاشورویها میتوانندازطریق افغانستان به‌جنوب‌سرازیر گردند بلکه‌چینی ها

نیز با اندك فعالیتی موفق خواهند گردید که ازشمال شرق وازآن سوی پامیر راهی را بافغانستان پیدا نمایند .

بدین ترتیب پاکستانی‌ها که از یك سو باتجاوزات دولت چین کمونیست در ناحیه « لاداخ » کشمیر مواجه گردیده وازسوی دیگر نگران نزدیك شدن شورویها از طریق افغانستان می باشند خود را درمحاصره گازانبری خطرناکی احساس مینمایند که دو سر این گازانبر هروز بیکدیگر نزدیك تر می‌شوند و انعکاس این نگرانی‌را از یك مصاحبه مطبوعاتی فیلدمارشال ایوب خان بخوبی می‌توان استنباط نمود .

ایوب خان در این مصاحبه اظهار داشته بود که :

تهدید کمونیسم را در افغانستان خطر جدی می‌شمارد و مایل است برای نجات افغانستان از سقوط دردامان کمونیسیم بکوشد .

واین اظهارات صریح ترین‌سخنانی است که تاکنون از جانب همسایگان افغانستان نسبت بوضعیت آن کشور ایراد شده است .

آنچه موجب نگرانی‌دولت پاکستان شده کاملا بمورداست‌زیرا درحال‌حاضر شورویها براقتصاد وارتش افغانستان تسلط قابل توجهی راحاصل نموده‌اند وباآنکه دولت امریکا باین کشور(افغانستان) کمك هائی‌را معمول‌داشته و میدارد،مع‌الوصف مقامات دولتی کابل بیش ازآنچه که به‌دولت امریکا تمایل داشته باشند به شورویها تمایل داشته و دارند و دلیل‌آن نیز به نحو بارزی‌آشکار می باشد .

افغانها کمك‌های قابل‌ملاحظه‌ای را که‌امریکائی‌ها به دولتین‌ایران‌وپاکستان داده و می دهند با منافع خود متباین تلقی نموده وحال‌آنکه سیاست دولت شوروی مخالف باپیمان سنتو بوده و ازهیچ گونه اقدامی در مورد تضعیف موفقیت دول عضو این پیمان فرو گذار نمی‌نماید و پرواضح است که این سیاست تاچه حد موردقدر-شناسی دولت افغانستان بوده و می‌باشد .

ولی به عقیده نویسنده (که اخیراً ضمن مسافرتی بافغانستان مسئله نفوذ

شوروی دراین کشور راتا آنجا که امکان داشته بررسی نموده) نمی‌توان گفت افغانستان دست نشانده شوروی و یا در معرض سقوط در دامان کمونیسم می‌باشد زیـرا ملت افغانستان دارای احساسات ملی نیرومندی بوده وعلاوه براین دستگاه حکومتی افغانستان که از اجتماع افراد یك خانواده تشکیل یافته با مراقبت زیادی تماس مردم عادی را با روس ها تقلیل داده واین همان سیاستی است که نسبت به روابط اتباع افغانی باکلیه بیگانگان اعمال شده و می‌شود.

عاملی که طبقه حاکمه افغانستان را علیرغم همه بدگمانی‌هائی که نسبت به بیگانگان داشته و دارند به قبول کمك های اقتصادی و فنی شورویها مجبور نموده عقب افتادگی زیاد این کشور است که تنها کمك امریکائی ها رابرای غلبه برعقب ماندگی خودکافی ندانسته وناچار هر گونه کمك معموله‌ازناحیه روس ها راباآغوش بازاستقبال مینمایند ضمن اینکه بخوبی میدانند کـه شوروی هـا کمك بلاعوض بکسی نمیدهند.

سر نوشت بیطرف ها در جنگ سوم معلوم نیست
اما سر نوشت دوطرف متخاصم معلوم است یا پیروزی
یاشکست .

مارشال مونتگمری

پاکستان و پیمان‌های منطقه ای

پاکستان و پیمان های منطقه ای

دول پاکستان مانند هر کشور جوان وفعال دیگری پس ازسروصورت دادن باوضاع داخلی خویش به منظور حفظ حدود وثغور قلمرو خود سیاست بیطرفی را بعنوان یك روش غیرواقعی ردنموده وبااعتقاد باینکه هیچگاه به‌تنهائی قادر به‌دفاع از خویشتن نمی‌باشد عضویت پیمان‌های منطقه‌ای جنوب خاوری آسیا (S.E.A.T.O) وپیمان مرکزی (پیمان سابق بغداد) را یکی پس ازدیگری با توجه به‌نکات‌وعوامل مشروحه زیر قبول نموده است:

۱- موقعیت خاص جغرافیائی پاکستان وهمسایگی آن با کشورهای‌هندازدو جناح پاکستان شرقی وپاکستان غربی و افغانستان و شوروی (ازشمال) با توجه باینکه هریك ازدولتین هند وافغانستان وشوروی نسبت به قسمت‌های مختلف‌خاك پاکستان مقاصد تجاوزکارانه‌ای را تعقیب مینمایند.

۲- ازبین رفتن اهمیت دفاعی استحکامات طبیعی در مرزهای کشوروضعف فوق‌العاده‌قدرت دفاعی‌پاکستان درمقام مقایسه باقدرت‌های دول هندوشوروی.

۳- احتیاج مبرم پاکستان به اخذ کمك مالی و اقتصادی به منظور تحکیم مبانی اقتصاد کشور و تثبیت اوضاع عمومی آن .

۴- پیروی از اصول مذهب اسلام و طرفداری شدید ازایده ئولوژی « پان اسلامیزم» و رغبت شدید به همبستگی با سایر دول مسلمان جهان بخاطر ایجاد جبهه اسلامی علیه مقاصد هند در کشمیر .

۵- وقوف باین حقیقت که ملل کوچك وضعیف از آنجا که خود قادر به

دفاع ازخویشتن‌نمیباشند موجبات جلب مقاصد ومطامع تجاوزکارانه همسایگان خود را فراهم نموده و نقاط ضعفی را برای حفظ صلح جهانی بوجود میآورند .

این عوامل با آنکه بخودی خود دولت پاکستان را بلزوم ترك بیطرفی و پیوستن به اتحادیه های دفاعی منطقه‌ای تشویق میکرد مع‌الوصف اقدام دولت‌هند بسفارش اسلحه ومهمات زیاد مانند هواپیما های بمب افکن کانبرا و تعداد زیادی تانگهای سنتورین برای مقابله با ادعای پاکستان‌در کشمیر ، اختلافات تقسیم‌آب رودخانه های سند - ستلج - و بیاس که منطقه پنجاب علیا در پاکستان غربی را به خطر خشکی وقحطی تهدید مینماید ، بیش از پیش دولت پاکستان را بفکر انداخت که قبل‌از آنکه دیپلماسی‌وقدرت دفاعی‌هند بکلی‌اورا تحت‌الشعاع فعالیتهای خود قرار دهد همت وبودجه خود را برای تقویت قدرت دفاعی کشورمصرف‌نماید

روی این اصل دولت پاکستان درسال ۱۹۵۱ تقریباً شصت‌و یك درصدبودجه خود رابه تقویت‌بنیه دفاعی کشوراختصاص‌دادولی‌درهمان‌سال‌عده‌ای از کارشناسان اقتصادی به دولت خاطر نشان ساختند که فشار بودجه دفاعی عکس العمل شدیدی را نسبت به اقتصاد کشور در برخواهد داشت و دولت قبل از اینکه گرفتار بحران مالی ناشی ازاین امر شود باید برای اخذ کمك مالی بادول خارجی واردمذاکره شود .

درسال بعد که خانم الئنو روزولت و سپس ریچارد نیکسون و مرحوم مستر دالس از امریکا به پاکستان مسافرت نمودند اولیای دولت پاکستان طی جلسات متوالی‌مشکلات اقتصادی‌و دفاعی کشوررا باآنها درمیان گذارده و پیشنهاد نمودند درصورتیکه دولت امریکا حاضر باشد بهمان نحوکه به دولت ترکیه کمك مالی‌و نظامی میکند به پاکستان نیز کمك نماید دولت پاکستان حاضرخواهد بودنسبت به‌امضای یك‌قرارداد‌نظامی‌بادولت امریکا براساس قانون امنیت‌مشترك‌اقدام‌نماید.

درسپتامبر ۱۹۵۳ آقای غلام‌محمد فرماندار کل پاکستان وفرمانده کل نیروهای مسلح آنکشور به امریکا مسافرت نموده ودر آنجا درباب انعقاد قرارداد نظامی بین دولتین امریکاوپاکستان مذاکرات لازم را معمول نمودند ولی هنوز مذاکرات بجائی نرسیده بود که مطبوعات ومقامات رسمی شوروی اخباری را منتشر نمودند که دولت پاکستان حاضر شده در قبال دریافت کمك اقتصادی و نظامی از دولت امریکا ، پایگاههائی را درخاك خود به این دولت واگذار نماید و بدنبال این شایعات در ۲۹ مارس سال ۱۹۵٤ دولت شوروی وسیله کاردار سفارت خود در کراچی یادداشت اعتراضیه‌ای رابهمین مناسبت به‌دولت پاکستان تسلیم وخاطرنشان ساخت که امضای قرارداد نظامی پاکستان وامریکاروابط دوستانه دو کشوررا متزلزل خواهد نمود .

بموازات اعتراض شورویها دولت هند نیز مخالفت خود را ابراز و آقای جواهر لعل نهرو نخست وزیر هند طی نطقی که در مجلس آن کشور ایراد نمود اظهارداشت که :

« کمك امریکا به پاکستان مقدمه محو آزادی در آسیااست واین اولین قدمی خواهد بود که برای دعوت استعمار به قاره‌آسیا برداشته میشود . . . »

بالاخره علیرغم این مخالفت ها دولت پاکستان در آوریل ۱۹۵٤ (در زمان نخست وزیری آقای محمد علی و وزارت امور خارجه آقای چودری ظفرالله‌خان) قرارداد نظامی مورد بحث را بادولت امریکا امضاء نمود بدون آنکه متعهد شود که در صحنه سیاست بین‌المللی سیاست خود را تغییر دهد .

از تاریخ امضای قرارداد مزبور دولت امریکا طبق تعهد خویش و بموجب قانون امنیت مشترك مورخ ۱۹٤۹ ولایحه اصلاحی قانون امنیت مشترك سال ۱۹۵۱ به منظور تقویت بنیه دفاعی دولت پاکستان کمك‌هائی را بارتش این کشور معمول وعده‌ای از افسران وافراد ارتش امریکا را نیز برای تعلیم افسران و افراد ارتش

پاکستان باین کشور اعزام نمود و بموجب آخرین آماری که در فوریه‌سال ۱۹۵۹ از طرف سفارت کبرای امریکا در کراچی منتشرشده تااین تاریخ دولت امریکامعادل ۹۲۵ میلون دلاررا بعناوین مختلف بدولت پاکستان پرداخت نموده است .

پاکستان و پیمان منطقه‌ای جنوب خاوری آسیا :

مخالفت‌های شدیدی که از ناحیه دولتین هند وشوروی درقبال امضای قرارداد نظامی پاکستان وامریکا به‌منصه ظهور رسید جای تردیدی را باقی‌نمی گذاشت که دولت پاکستان ناگزیر بوده که سیاست بیطرفی خود راترك گفته وبرای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بادول هم پیمان غرب همکاری و اشتراك مساعی نماید و گذشته ازاین بهمان اندازه که دولت پاکستان موقعیت خود را درجناح غربی در مخاطره تجاوزافغانها وشورویها وهندیها احساس‌می‌نمود بهمان اندازه نیز موقعیت پاکستان‌شرقی‌را که جزء مناطق آسیای‌جنوب خاوری محسوب می‌شود ودرمعرض تهدید کمونیست‌ها وهندیها بوددرمعرض خطردیده‌و ناگزیر برای تأمین‌اقتصادیات و دفاع ازاین قسمت از خاك خود به فکرچاره جوئی افتاد وبدیهی‌است که‌بهترین راه حل برای رفع این محظور آن بود که عضویت اتحادیه دفاعی‌آسیا جنوب خاوری را قبول نماید .

بنابراین پنج ماه بعدازامضای قرارداد نظامی بادولت امریکا ، بعنوان‌یکی از امضاء کنندگان پیمان جنوب خاوری‌آسیا نیز به عضویت اتحادیه منطقه‌ای نامبرده درآمد .

گذشته ازآنچه که درفوق بآن‌اشاره شد سایر علل وجهات پیوستن‌پاکستان به اتحادیه جنوب خاوری‌آسیا را میتوان بشرح زیر خلاصه نمود :

الف ـ توجه مخصوص پاکستان به‌آبهای ساحلی‌پاکستان شرقی مخصوصاً در این منطقه که اقیانوس کبیراز اقیانوس هند جدا شده وموقعیت کشورهای برمه

مالایا - تایلند وهند وچین برای دفاع ازپاکستان شرقی اهمیت مخصوصی را دربر دارد زیرا این کشورها ممکن است بصورت اولین پایگاه برای حمله بـه‌پاکستان شرقی‌مورد استفاده واقع شوند، چنانکه درجنگ بین‌المللی دوم‌همین که‌ژاپونی‌ها موفق شدند کنترل سیام و هندوچین را دردست گیرند برمه رامورد حمله قرارداده وازآنجا شبه قاره هندوستان را مورد تهدید قرار دادند.

ب - دولت پاکستان در کشورها ومناطق واقع‌درآسیای جنوب خاوری‌علاقه و مقاصد فرهنگی و اقتصادی داشته و صرفنظر از چند میلیون مسلمانان که دراین مناطق‌زندگی‌میکنند ودولت پاکستان‌بااستفاده ازنفوذ خود میتواند در احساسات مذهبی‌آنها رسوح نماید اساساً کشورهای نامبرده صادر کنندگان بسیاری ازمواد خواربارمخصوصاً برنج هستند که دولت‌پاکستان ناگزیراست هرسال برای‌تأمین خوراك اهالی پاکستان شرقی مقادیر زیادی برنج و گندم مورد احتیاج خود را با استفاده از تسهیلات زیادی از این مناطق وارد نماید.

ج -روشن‌شدن‌مقاصدتجاوزکارانه کمونیست‌های چین‌وهندوچین‌ونقشه‌های تخریبی زعمای کمونیست از قبیل هوشی مینه در کشورهای همسایه که پاکستان شرقی نیز جزءآنها است.

د - ادامه فعالیت‌های محرمانه هند در مورد اعزام عوامل مخرب به پاکستان شرقی و سمپاشی‌بین‌مردم به نفع کمونیست‌ها وبرای‌الحاق بنگال‌شرقی به بنگال‌غربی.

باتوجه باین دلائل وجهات در تاریخ هفتم سپتامبر ۱۹۵٤ که کنفرانس نمایندگان دول امریکا - انگلستان - فرانسه - استرالیا - زلند جدید-پاکستان- تایلند و فیلیپپن درشهر مانیلا (پایتخت فیلیپین) برای تهیه مقدمات طرح پیمان «سیتو» تشکیل گردیدآقای چودری ظفرالله خان نماینده پاکستان پیشنهاد کرد

که منظور ازخطر تجاوز در پیمان سیتو نباید منحصر به خطر کمونیسم باشد و برای آنکه خطر هندیها نیز نسبت به پاکستان مورد توجه قرار گیرد پیشنهاد نمود در متن پیمان گنجانیده شود: «هر گونه تجاوز». مرحوم دالس وزیر امور خارجه امریکا با پیشنهاد وزیر خارجه پاکستان باحذف کلمه :« کمونیست» موافقت کرد مشروط باینکه دولت امریکا درمنازعات دو دولت غیر کمونیست شرکت نکند وبنابراین دولت امریکا یاد داشتی ضمیمه قرارداد سیتو نمود مبنی براینکه وی فقط تعهدات خود را در مورد خطر تجاوز کمونیست انجام خواهد داد .

عضویت پاکستان در پیمان سیتو در تاریخ هشتم سپتامبر ۱۹۵۴ با امضای قراردادهای مربوطه عملی گردیده و بموجب آن:

دول امضاء کننده پیمان متعهد گردیدند که مشترکاوجداگانه بوسائل مؤثر و مداوم واخذ کمکهای مشترك بایکدیگر تشریك مساعی خواهند نمودتا موقعیت خود را برای مقابله باخطر حمله مسلح وجلو گیری از عملیات تخریبی علیه حاکمیت واستقلال ارضی خویش تقویت و تثبیت نمایند و ضمناً متعهد میشوند که برای پیشرفت اوضاع اقتصادی کشورهای حویش بایکدیگر همکاری و اشتراك مساعی نمایند .

.... و بموجب ماده چهارم پیمان سیتو :

در صورتیکه یکی از اعضای پیمان مورد حمله مسلح واقع گردیدسایرهم - پیمانان حمله مزبوررامشترك تلقی نموده ودر صدد مقابله با آن برخواهند آمد ، لکن هیچگونه اقدامی بمنظورخنثی نمودن فعالیت‌های تخریبی یا مقابله باحمله مادام که از طرف دولتی که مورد حمله و تجاوزواقع گردیده تقاضای کمك نشده بعمل نخواهد آمد

تشکیل اتحادیه جنوب خاوری آسیا وعضویت پاکستان در آن نیز بامخالفت

وعدم رضایت دولتهای هند و شوروی و چین کمونیست مواجه گردید و آقایان چوئن لای نخست وزیر چین کمونیست و نهرو نخست وزیر هند هر کدام با لحن خاصی مخالفت خود را در جلسات کنفرانس باندونك متشکله از کشورهای افریقائی و آسیائی بیان نمودند ولی دولت پاکستان اتهامات و اعتراضات دول مخالف را قبول نکرده و عضو وفادار پیمان باقی ماند و در ماه مارس ۱۹۵۶ دوره اجلاسیه شورای کشور های عضو پیمان سیتو درشهر کراچی تشکیل گردید و تصمیم گرفته شد که مرکز شورای پیمان در بانکك تاسیس و شروع بکار نماید.

از نظر دولت پاکستان عضویت در پیمان سیتو این فایده را در بردارد که تا حدی دفاع و امنیت منطقه پاکستان شرقی مورد تضمین قرار گرفته و با اخذ کمك مالی و دفاعی بنیه اقتصادی و نظامی آن منطقه را تقویت مینماید و ضمناً در جلسات پیمان سیتو در کراچی نمایندگان عضو پیمان موافقت نمودند مادام که خط دیوراند مرز مشترك پاکستان و افغانستان را تشکیل میدهد کلیه مرزهای پاکستان مشمول مقرارت دفاعی پیمان سیتو واقع خواهد شد و این تصمیم از لحاظ تأمین دفاع مناطق شمالی پاکستان غربی که بعلت سکنای پاتانها و ادعای افغانها به تشکیل دولت پشتونستان همواره مورد مخاطره بوده است بسیار مفید و قابل ملاحظه میباشد.

دولت پاکستان اگر چه نتوانسته است بموجب پیمانهای سنتو (پیمان سابق بغداد) وسیتو کمك امریکا را درمورد خطر حمله دول غیر کمونیست (هند و افغانستان) جلب نماید لکن بموجب پیمان سیتو مرزهای شمالی پاکستان غربی راجزء تعهدات دفاعی منطقه آسیای جنوب خاوری درآورده وچنانچه روسها بخواهند بعناوینی در بین عشایر پاتان فعالیتهای مسلحانه نمایند دولت پاکستان بخوبی میتواند از تعهدات اعضای پیمان «سیتو» استفاده نموده و بهره مند گردد.

باید دانست که چون هدف اصلی پاکستان از عضویت در پیمان سیتو دفاع منطقه پاکستان شرقی و تقویت بنیه اقتصادی آن خطه بوده است از تاریخ عضویت

درپیمان نامبرده تا کنون قسمت اعظم و واقعی کمک‌های اقتصادی ونظامی امریکا ازبابت پیمان «سیتو» در همان منطقه پاکستان شرقی بمصرف رسیده و هنوز نیز این اقدامات ادامه دارد منتهی چون در آن منطقه قریب چهل وچهارمیلیون نفوس زندگی میکنند که صدی هشتاد آنها گرسنه و فقیر و بیسواد میباشند لذا کمکهای عمومی سیتو چندان تأثیری در تثبیت اوضاع آن خطه نداشته و تحریکات عوامل مخرب هندی و کمونیست دراین منطقه هم چنان ادامه دارد .

درماه ژانویه سال ۱۹۵۹ آقای «سارابین» دبیر کل پیمان سیتوهنگام عبور از کراچی چند روزی دراین شهر توقف نمود وضمناً اظهارداشت :

کمك وهمکاری سیتو باپاکستان باندازه قابل اهمیتی ازنفوذ کمونیستهادر پاکستان کاسته و مخصوصاً فعالیت کمونیستها برای در دست گرفتن سندیکاهای کارگران و اتحادیه های دانشجوئی در کشور با یأس مواجه گردیده است و امید میرود که درسایه رژیم جدید نظامی بیش از پیش از پیشرفت و عملیات تخریبی کمونیستها دراین کشورکاسته شود .

عضویت پاکستان درپیمان مرکزی (پیمان بغداد سابق)

پاکستان از نظر موقعیت جغرافیائی طوری تقسیم شده که جناح غربی آن جزء مناطق خاورمیانه وجناح شرقی آن درحلقه کشورهای آسیای جنوب‌خاوری محسوب میشود و بعلاوه چون تشکیل پاکستان بر اساس ایده‌ئولوژی حکومت اسلامی استوار بوده دولت پاکستان‌همواره‌سعی نموده خود را درجرگه کشورهای مسلمان خاورمیانه وارد کرده وگاهی نیز بعنوان داشتن حداکثر نفوس مسلمان پیشوائی دول مسلمان را ادعا کند.

از این گذشته پاکستان برای اینکه بتواند روابط اقتصادی خود را با کشورهای مسلمان خاورمیانه توسعه داده و ضمناً هر سال عده زیادی از زائرین

بیت‌الله را بکشورهای عربستان سعودی وعراق روانه نمایدو بالاخره بعلت همبستگی تاریخی با تمدن و فرهنگ و تاریخ ایران پیوسته خود را عضو لاینفك کشورهای مسلمان خاورمیانه دانسته وازحق نباید گذشت که درطی سالهای اخیر در هروقت وعندالاقتضاء درسیاستهای مختلف جهانی بنفع دول مسلمان خدمت و گذشت نموده است.

بنا براین موضوع عضویت پاکستان در پیمان دفاعی این منطقه که بدلائل زیادی مبتنی برمنافع پاکستان بوده امرمهم وخارق‌العاده‌ای نبوده است.

بدین ترتیب که در ماه اکتبر سال ۱۹۵۱ پس از اینکه دولت‌مصر پیشنهاد دولت امریکا را برای تشکیل فرماندهی خاور میانه با عضویت دول امریکا ـ انگلیس ـ ترکیه ـ مصر رد نمود دولت جدید امریکا که تازه بریاست جمهوری پرزیدنت ایزنهاورتشکیل شده بود با استفاده از نتایج مسافرت و مطالعات مرحوم آقای فوستردالس‌وزیرامورخارجه‌وقت امریکا تصمیم گرفت که فعلا بجای‌تشکیل فرماندهی خاور میانه با دول این منطقه وارد مذاکره شده و آنها را بلزوم عقد قراردادهای جداگانه نظامی واقتصادی با یکدیگر تشویق نموده و سپس با دادن کمکهای مالی نظامی بهر کدام در این منطقه یك جبهه دفاع دسته جمعی بر علیه خطرحمله کمونیسم بوجود آورد.

این فکر ابتدا از طرف اولیای دولت امریکا با مقامات دولتین ترکیه و پاکستان که هردواز کشورهای غیر عرب خاورمیانه میباشند درمیان گذارده شدو طرفین که هر دو دارای ارتش نسبتاً قوی و مجهز بودند حاضر بقبول پیشنهاد امریکائیها شده و درتاریخ آوریل ۱۹۵۴ بین پاکستان و ترکیه قرار داد دوستی و همکاری مشترك بامضاء رسید وبلافاصله پس ازامضاء قرارداد مزبور بود که دولت امریکا تصمیم گرفت میزان کمك نظامی خود را به پاکستان‌افزایش‌دهدواین‌امر

درمحافل مختلف دول هند وشوروی وپاره‌ای از کشورهای عربی ایجاد سروصدا وعدم رضایت نموده ودولت شوروی بهمین مناسبت درهمان اوقات یادداشت شدیدالحنی را بدولت پاکستان تسلیم نمود.

مقارن ایامی که قرارداد مودت نظامی ترکیه - پاکستان بامضاء رسیددولت عراق نیزموافقت خود را بقبول کمك نظامی واقتصادی امریکا اعلام نمود وچون این کمك بدون هیچگونه قید وشرط (فقط با تعهد عدم استفاده از آن بمنظور تعرض) صورت میگرفت طبعاً دولت عراق اولین دولت عربی بود که حاضرشده بود بامتحدین غربی همکاری نماید.

بنا براین دراکتبرسال ۱۹۵٤ که نوری السعید نخست وزیر عراق مسافرتی به ترکیه نمود علاقه دولت متبوعه خود را بالحاق به پیمان مودت ودفاعی ترکیه وپاکستان ابراز و وقتیکه درژانویه ۱۹۵۵ آقای عدنان مندرس نخست وزیر وقت ترکیه ببغداد مسافرت نمود موجبات امضای قرارداد دفاعی عراق وترکیه فراهم گردید واین قرارداد دربیست وچهارم فوریه سال ۱۹۵۵ بین دولتین عراق وترکیه بامضاء رسید.

ازهمین جا بود که هسته مرکزی پیمان بغداد بوجود آمد ودولت امریکا از دولتهای پاکستان و ایران دعوت نمود تا آنها نیزبه پیمان دفاعی عراق و ترکیه ملحق شوند.

اگرچه دولت ایران بعلت ادامه سیاست بیطرفی تاریخی خود مدتی درقبول الحاق به پیمان مزبور تأمل و مطالعه نمود لکن دولت پاکستان که قبلا با دولت ترکیه قرارداد مودت ودفاعی امضاء نموده بود درتصمیم خود درالحاق به پیمان بغداد تردیدی راه نداده و چندی بعد که دولت شاهنشاهی ایران نیز موافقت خود را به عضویت در پیمان مذکور اعلام نمود در نوامبر ۱۹۵۵ دول عضو پیمان منجمله

پاکستان درنخستین جلسه شورای پیمان بغداد درشهر بغداد شرکت نمودند .

در آوریل سال بعد که جلسات شورای پیمان بغداد در شهر تهران تشکیل گردید هنگام بحث پیرامون موضوع مخالفت پاره‌ای از کشورهای عربی باپیمان بغداد دولت پاکستان نیز نظریات خود را دائر بلزوم توجه اعضای پیمان بخطر هندیها و فراهم ساختن موجبات حل قضیه کشمیر ابراز و بالاخره براثر پافشاری نماینده دولت پاکستان دراعلامیه نهائی کنفرانس تهران اشاره شد که‌اعضای‌پیمان حل قضایای فلسطین و کشمیر را با اهمیت تلقی مینمایند .

ازتاریخ عضویت پاکستان در پیمان بغداد تاکنون بخوبی استنباط گردیده که اگرچه هدف اصلی ایجاد پیمان مزبورجلوگیری‌ازخطرتجاوزومقابله‌باحمله مسلحانه کمونیستها دراین منطقه بوده لکن غرض اصلی دولت پاکستان‌ازعضویت دراین پیمان استفاده ازهمکاری و کمک های مالی و نظامی وبالاخره تعهدات دول عضوپیمان دربرابرخطرحمله وتجاوزهندیها در موضوع کشمیر و مسئله تقسیم‌آب رودخانه های سند ــ ستلج ـ وبیاس و مسئله دعاوی و حقوق‌املاك مهاجرین‌هندو پاکستانی بوده وخلاصه آنقدر که پاکستانیها بمسئله خطر هندیها اهمیت میدهند بموضوع خطر کمونیستها اهمیت نداده وآنچه از پیمان بغداد و سیتو توقع دارند تأمین اطمینان خاطریا گرفتن تعهد برای استفاده از همکاری دول عضو پیمانهای نامبرده دربرابرخطرتجاوزهندیها میباشد وبس.

خدمت مهمی که دولت پاکستان در راه بقای‌پیمان‌بغداد (پیمان‌مرکزی فعلی) کرده آنست که درجریان حوادث حمله نیرو های دریائی انگلستان بکشور مصر که دولت عراق براثرتعصب عربی وتبلیغات دولت عبدالناصرشدیداً بعضویت انگلیس در پیمان بغداد اعتراض نمود و مخصوصاً خاطر نشان ساخت چنانچه دولت انگلیس ازپیمان بغداد خارج نشود او عضویت پیمان را رها خواهد نمود ، دولت پاکستان بعنوان میانجی خود را وارد موضوع نموده و با مهارت‌خاصی‌موفق

گردید که دولت عراق را به ادامه عضویت انگلستان درجرگه دول عضو پیمان راضی نماید .

در ژوئن ۱۹۵۷ جلسات شوری پیمان بغداد درشهر کراچی تشکیل شد ودر همین جلسات بود که نمایندگان عضو پیمان توافق نظر حاصل کردند که ازتاریخ تشکیل پیمان بغداد فعالیت عوامل مخرب درداخله کشورهای عضوپیمان بحداعلی رسیده و درباره همکاری دول عضو و تبادل اطلاعات بایکدیگر قرار و مداری گذاردند .

باید تصدیق کرد که پاکستان نیزمانند سایر دول عضو پیمان بغداد درخاور میانه باعضویت درپیمان بغداد دوستی دولتهای شوروی وچین کمونیست را ازدست داده و باآنکه تاکنون چندین بار طی یادداشتهای مختلف بدولت شوروی اطلاع داده که پیمان بغداد وسیتو پیمانهای کاملا دفاعی است معالوصف، در رفع سوءظن و محیط سرد روابط تغییری حاصل نشده وشورویها بوسیله عوامل روسی ومحلی خویش در اقصی نقاط کشورپاکستان بخصوص درمنطقه پاکستان شرقی که محیط ازحیث فقر و فاقه و گرسنگی وبیسوادی کاملا آماده قبول کمونیسم میباشد مشغول فعالیت تخریبی بوده و می باشند ،

عیب عمده درپاکستان اینست باآنکه ایجاد تشکیلات کمونیسی در این کشور ممنوع گردیده لکن احزاب چپ و کمونیستی مانند نشنال عوامی پارتی باماسك ملی درصحنه سیاست این کشورفعالیت شدیدداشته وبسیاری ازسندیکاهای کارگری و اتحادیه‌های دانشجوئی و روزنامه‌های یومیه و هفتگی دراین کشوربا پول و سرمایه روسها اداره میشوند ومتاسفانه دولت پاکستان نیز تاقبل از کودتای ژنرال ایوب خان برنامه صحیح وواقعی برای مبارزه وشدت عمل دربرابر کمونیستها و این قبیل عوامل مخرب نداشته است .

بیشك دلیل عمده سهل انگاری دولت پاکستان در مبارزه با عوامل مخرب این بوده که تا کنون مقامات این کشور خطر جاسوسان هندی‌وعوامل مخرب هند را بمراتب شدیدتر و مؤثرتر از کمونیسم تلقی‌نموده‌اند و هنوز هم که‌با یك مأمور انتظامی عالیرتبه صحبت کنید آنقدر که بخطر هندیها در پاکستان اهمیت میدهند بخطر تخریبی کمونیستها وقعی نمیگذارند.

صرفنظر از سمپاشیهائی که از جانب مأمورین روسی و شبکه‌های کمونیستی بر علیه دو پیمان سنتو وسیتو در پاکستان بعمل میآید بعضی از طبقه خواص در پاکستان نیز نسبت به پیمان مرکزی نظر خوب وخوشی‌را نداشته و یکی ازعلل مهمی که موجب عدم رضایت این دسته از مردم گردیده‌آنست که عضویت‌پاکستان در پیمان بغداد به از دست دادن دوستان مسلمانش بخصوص عبدالناصر نمیارزیده و معتقدند پاکستان که دم از ایده‌ئولوژی پان اسلامیزم میزند نباید کاری کرده باشد که دوستان مسلمان عرب را از خود بر نجاند.

مجله هفتگی‌اینتر پرایز چاپ کراچی‌درشماره ۲۱ فوریه ۱۹۵۹خودطی‌یك مقاله اساسی تحت عنوان پاکستان وپیمان ها بقلم تماشاچی برویه‌همکاری دولت پاکستان با پیمان‌های بغداد وسیتوحمله نموده واظهارعقیده نموده که چون‌دولت امریکا حاضر نشده در پیمانهای سیتو وبغداد دفاع پاکستان را در برابر هرگونه خطر (که مقصود خطر حمله هند میباشد) تضمین نماید بنابراین عضویت در این پیمانها موردی ندارد و در اینجا برای روشن شدن اذهان ترجمه قسمت‌هائی ازآن مقاله را بدون هیچگونه اظهار نظری بشرح زیر از نظر خوانندگان‌میگذرانند:

«بستن پیمان در مناسبات وروابط بین‌المللی فقط از جنبه‌استحفاظی وتأمین علیه تجاوزات تلقی میشود تا کشورها بدان وسیله برای دفاع از خود کمك نظامی

وبرای پیشرفت‌ها وترقیات عمرانی خویش کمك اقتصادی مورد لزوم را بدست آورند ماهم بایستی برای حال وآینده کشور خویش همین اصول را درپیمان‌هائی که با دیگران منعقد مینمائیم مورد توجه قرار دهیم .

پاکستان درحال حاضر عضویت دو پیمان جنوب شرقی آسیا و بغداد راقبول نموده است و ما بایستی از نظر خودمان اجرای مقررات این پیمان ها را باتوجه به‌تغییر احتمالی استراتژیك واختراع وپیشرفت ساختمان موشك‌های قاره پیما و سایر سلاحهای مخرب مورد بررسی وتجزیه و تحلیل قرار دهیم .

ضمانت کنند گان پیمان جنوب خاوری آسیا صراحتاً دراین پیمان مقرر داشته اند به محض اینکه یکی از اعضای پیمان مورد حمله کمونیستها واقع شود سایر اعضاء بلاد رنگ بکمك وی خواهند شتافت ولی امضاء کنند گان قبول نکرده‌اند که هر گاه یکی ازاعضاء مورد حمله کشوری غیر از کمونیستها واقع شود به کمك او اقدام کنند .

بدون شك چودری محمد ظفرالله خان وزیر امورخارجه ودولت وقت پاکستان درهنگام امضای پیمان سیتو وجود هندوستان رادرهمسایگی کشورمادر نظرداشته‌اند ولی اعضای نیرومند این پیمان بدان توجهی ننموده‌اند وبنابراین پیمان سیتو تا آنجا که مربوط به‌نگرانی پاکستان ازهندوستان باشد نمیتواند پیمان بسیارنافع وذی قیمتی بشمار آید .

هندوستان در مجاورت ما مبداء خطر است و ما باید پیوسته هوشیار وازهر جهت مهیا باشیم . ما کمك دوستان خود رالازم داریم ولی پیمان سیتو در مقابل چنین دشمنی نمیتواند هیچگونه کمك و معاضدتی را درحق ما معمول دارد .

صحبت در باره تجاوز و تخطی آینده کمونیست ها و ندیده گرفتن خطرات هندوستان که در هرروز وساعت مارا تهدید میکند صحیح ومنطقی نیست ومثل این

است که رفقای ما در مقابل حمله غول آدم خواری که درمسافتی دور ازما قرار گرفته برای حفظ و هراست ما قراولی کنند ولکن ازدسته دزدان و قاتلینی که پشت دیوار خانه ما مشغول برانداز وضع ساختمان دیوارها هستند تـا راهی را برای ورود و قتل وغارت پیدا کنند غافل باشند .

... دشمن مجاورما ممکن است خصم اعضای دیگر پیمان سیتو نباشدولی در هرحال يك پیمان در صورتی خوب و مفید است که خطرمربوط بیك عضو را خطر عمومی برای کلیه اعضاء تلقی نماید .

باید دولت رژیم جدید ماجهد وافی بعمل آورد کـه این اصل را بتمام اعضای پیمان تفهیم نماید و امیدواری حاصل است که اعضای نیرومند پیمان سیتو که در حکومت ضعیف سابق ما باین موضوع مهم و گرفتاری ما اهمیتی ندادند واغماض نمودند اکنون این انقضا را از طرف رژیم قوی و انقلابی ماموردمطالعه قرارداده و بحرف ما گوش دهند .

حال پیمان بغداد را مورد بررسی قرار میدهیم :

حکومت های سابق ما دربرخی از مواقع اظهار داشته‌اند که پیمان بغداد بر خلاف پیمان سیتو جنبه جدی وواقعیت بیشتری را در بردارد . بدینمعنی که اگر هريك از اعضای پیمان از هرناحیه مورد تجاوز و مخاطره واقع شوند پیمان بغداد بدون هیچگونه شرطی حمایت فوری خود را نسبت باین عضو معمول خواهد داشت ولی این امیدهم خیلی زود مبدل بیأس گردید وفکر اینکه اگر بپاکستان حمله شد تمام اعضای پیمان بغداد اعم از بزرگ و کوچك به کمك آن بشتابند باسردی تلقی شد .

... بنا براین پیمان بغدادنیز تاجائی که دفاع درمقابل تجاوز هندوستان مورد نظر باشداقدامات مؤثری وشدیدی راتعهد ننموده وبهمین ترتیب پیمان مذکوردر

مورد ایران هم چندان تعهدات رضایت بخشی را برعهده نگرفته بود و بطوری که ازسخنان ماه قبل رهبران ونمایندگان ایران درشورای پیمان بغداد منعقده در کراچی مستفاد می‌شود آنها هم (ایران) مانند ماازعقد پیمان بغداد انتظار وتوقع داشته‌اند که کشورشان علیه هر گونه تجاوزی تضمین شود.

. . . ازطرفی پیمان مذکور که قبلا در بغداد انعقاد یافت نوری سعید مبتکر اصلی خودرا ازدست داد وسلطنت درعراق منقرض گردید وپاکستان راخصم اعراب و مخالف پیشرفت آرزو وهدف‌های آنها قلمداد نمود.

اعراب انگلستان را که یك عضو مؤثر وفعال پیمان بغداد است امپریالیست و استعمارطلب دانسته و خصوصاً وقتی که انگلستان با کمك اسرائیل وفرانسه بمصر حمله کرد وبا عزمی جزم درنظر داشت که روح انقلاب وناسیونالیزم را درآن کشور عربی پایمال سازد پیمان بغداد نزد اعراب یك پیمان ملعون ومنفوری تلقی شد.

. . . بدین ترتیب پاکستان نه فقط اطمینان و پشت گرمی به دو نیروی مهم وارد پیمان بغداد (امریکا ــ انگلستان) را ندارد که وی را درمقابل هند یاری و حمایت کنند و حقوق تعیین تکلیف و سرنوشت اهالی کشمیر را که خودشان در اتخاذ آن آزاد باشند بخودشان واگذار نمایند بلکه مقام وموقعیت واحترام خودرا نیز نزد برادران هم کیش خود، اعراب پست کرده است.

این موضوع که نزدیك‌ترین دوستان ما که ازلحاظ وحدت دین و آئین وفرهنگ و سوابق تاریخی باید متفق و صمیمی ما باشند ما را بدترین دشمن خود بدانند و خصم ما هند را دوست خیر خواه خود تلقی نمایند واقعاً برای ما بسی ناگوار خواهد بود والبته برای پاکستان خوش آیند نیست.

. . . دراین میان انقلاب عراق پیدا شد که پیمان بغداد را دردرجه دوم اهمیت قرار داد وموجب تایید اطمینان و استظهار اعراب بخود گردید که میتوانند

بپای خود بایستند وصاحب سرنوشت وآینده خودشان باشند .

دراین صورت تکلیف پاکستان چیست و چه باید بکند ؟

بدیهی استکه انتقادآسان ولی تعقل و ابتکار و بدست آورون افکار مفید بسی دشوار است معهذا میتوان گفت طرقی که در چند سال اخیر پیش گرفته ایم و طرفدارآن شده‌ایم یك رویه وراه استراتژیکی نبوده است .

. . . بالاخره سیاست خارجی یك کشور وحی منزل نیست کـه نتوان آنرا تغییر داد اگرحالا باخروج عراق از پیمان بغداد کـه محور مؤسس آن بوده است پیمان مزبور فاقد خواص و شکلی کـه مقصود از انعقاد آن بود شده باشد در این صورت ما بایدآنرا ترك کنیم و به ثبت در تواریخ بسپاریم و نباید تلاش کنیم کـه آنرا بصورت و قصدی که قبل از انقلاب عراق از آن در نظر بوده در بیاوریم .

. . . فعلاعهدنامه پیمان‌بغداد بایستی‌بین‌دولتهای‌ایران و ترکیه وپاکستان و همچنین افغانستان (اگر این کشور با نظر اینکه خطر برای یك کشور عضو خطر نسبت بآنها تلقی شود و این نکات را بطور صریح و روشن در بر داشته باشد وارد در این پیمان شود) وجود داشته باشد دراین صورت آمریکا و انگلستان باید از پیمان مزبور خارج شوند .

. . . البته کمك نظامی و اقتصادی کـه غرب برای استحکام و تقویت این پیمان بما میدهد بسیار خوب و خوش آیند است و مردم کشور مـا نسبت بچنین مساعدت ها نظر مخالف ندارند و محققاً در صورتی کـه بـا نظر پیشرفت و ترقی داده شود ملل نامبرده هم خوشحال خواهند بود و از آن استقبال خواهند نمود .

اگر چنین قراردادی (پیمان بغداد) دربین نباشد موضوعی که پاکستان‌با آن روبرو است‌این‌استکه این کشورباید متمایل بشرق‌یاغرب ویا بکلی بیطرف بماند واین سیاست رادنبال کند . آنهائیکه مایلند پاکستان دراین کشمکش دنیا بیطرف

بماند این نظریه را تأیید می کنند که ما که این قدر درمسائل ومشکلات خودمان گرفتار و غوطه‌وریم مناسب نیست درجنگ بین شرق و غرب که برای تسلط و حکومت بردنیا بایکدیگر کشا کش دارند دخالت کنیم .

آنها معقدند که با هردو طرف باید دوست باشیم و با کمال تشکر و امتنان از هردوی آنها کمك بلا شرط قبول نمائیم .

. . . همسایه ما هند پیوسته نسبت به غرب لاف زده ، تهدید و درشتی نموده و باج سبیل گرفته معهذا هر چه تقاضا کرده تأمین شده و هر کمکی لازم داشته دریافت نموده و علاوه براین غرب را مجبور نموده است که از پاکستان ضمانت و حمایت نکنند .

. . . هند درهمین حال از شوروی هم هر چه خواسته است اخذ نموده‌است

. . . گفتگودر باره وحدت و اتحاد نیز فکر و موضوع بیطرفی را بی معنی جلوه میدهد .

طرفداران روش اتحاد با سایرین این عمل بیطرفی را برای یك ملت کوچکی کـه عقیده دارند اگرهم ازخارج مورد تجاوزواقع نشود درنتیجه خرابکاری‌های عناصر داخلی حاکمیت خود را از دست داده و استقلال خود را گم خواهد نمود بسیار مضر میدانند .

خوب است وزارت امور خارجه ما جد و جهد نموده و جنبه های له و علیه وحدت و بیطرفی را مورد مطالعه دقیق قرار دهد .

ممکن است روزی برسد که لازم باشد ما بیطرف باشیم وشاید هم یك وقت واجب شود که درصف جدیدی وارد شویم ولی درهر حال باید از صحت و درستی طریقی که در پیش گرفته‌ایم مطمئن باشیم .

باید بوسیله سیاست معین و خاصی که اتخاذ مینمائیم کاملا مطلع شویم که چه نفع و ضرری می‌بریم . باید به نیروی مقاومت و استقامت در کشور خودمان

اتکا داشته و تعلق خاطرمان بدیگران یك اتکا و تعلق پست و حقارت آمیزی نباشد.

نباید مانند گذشته خودمان را بچیزی نگیریم و در قبال پشیزی خویشتن را بفروشیم، باید اگر بتوانیم با تمام ملل اعم از بزرگ و کوچك دوست و رفیق باشیم.

ما نباید با مللی که زود تحریك در آنها اثر می کند و طرز فکر آنها را نمی‌پسندیم همراه وهم‌عقیده شویم وبالاخره پیوسته باید درامور بین المللی پشتیبان حق باشیم...»

درجه علاقمندی دولت پاکستان باین پیمان ها:

آنچه در فوق گذشت نشان میدهد که محرك اصلی دولت پاکستان بعضویت در پیمان‌های مرکزی (پیمان سابق بغداد) و سیتو دوعامل زیر بوده است:

۱ـ موقعیت جغرافیائی

۲ـ احساس خطر مداوم هندی‌ها درپاکستان شرقی و غربی

بنابر این مادام که این دو عامل طبیعی و انسانی در پاکستان احساس میشود دولت پاکستان خود را به ادامه عضویت در پیمانهای نامبرده ناگزیر میبیند، بخصوص که این دولت در مورد استفاده‌های مالی و اقتصادی و ارتباطی و نظامی نیز از هردو پیمان نامبرده استفاده کرده است.

اگرچه کلیه مردم کشوربادامه عضویت پاکستان در این دوپیمان مخصوصاً پیمان مرکزی راضی نیستند، لکن دولتهای وقت اعم از دوره ریاست جمهوری اسکندرمیرزارئیس جمهورسابق یا فعلاتحت زمامداری فیلدمارشال ایوب‌خان‌نسبت به ادامه عضویت درپیمانهای مزبور راضی وآنرا برای ادامه حیات سیاسی وتضمین استقلال کشور ضروری دانسته‌ومیدانند،

تنها مورد عدم رضایت پاکستان از پیمانهای مزبور یکی آنست که درپیمان مرکزی از کلمه (خطر) فقط خطر کمونیست معناً مفهوم میشود و حال آنکه پاکستان مایل است در پیمان گنجانیده شود هر گونه خطر و منظور آنست که خطرات ناشیه از ناحیه دولتین هند و افغانستان را نیز مشمول شود و ثانیاً هنور دولت امریکا آنطور که شایسته است بعنوان عضو پیمان مرکزی (پیمان سابق بغداد) بدولت اخیر کمك مالی و نظامی نکرده است و در جلسات شورای پیمان مرکزی (پیمان بغداد سابق) که در تاریخ بیست و ششم ژانویه ۱۹۵۹ در شهر کراچی تشکیل گردید وقتی آقایان دکتر اقبال نخست وزیر و دکتر آموزگار وزیر کار وقت ایران از روش دولت امریکا و انگلیس و عدم پیشرفت امور پیمان گله و شکایت نمودند نمایندگان دولت پاکستان باطناً از رویه دولت شاهنشاهی ایران خوشحال بوده و پس از پایان جلسات شورا صریحاً اظهار عقیده کردند که نماینده دولت ایران ازبان دولت پاکستان نیز صحبت کرده است .

مردان همیشه تکیه بشمشیر میکنند

کلیاتی در باره ارتش پاکستان

کلیاتی درباره ارتش پاکستان

- ارتش پاکستان

ارتش پاکستان قسمتی از ارتشی است که در زمان تسلط انگلستان برشبه قاره هندوستان تشکیل یافته و دارای سابقه تاریخی یکصد ساله ایست که بمرور درتکمیل آن کوشش فروانی بعمل آمده و کشور پاکستان که وارث قسمتی از آن ارتش می‌باشدنه تنها در مدت سیزده سالی که باستقلال نایل آمده باتلاش روز افزون خود موفق گردیده که کماکان استاندارد ارتش سابق انگلستان را به نحو کاملی حفظ نماید بلکه موفق گردیده است که دربعضی‌ازقسمت‌ها توسعه بیشتری را نیز ایجاد نماید.

۲- هزینه نگاهداری ارتش :

دولت پاکستان با توجه بموقعیت خاص جغرافیائی خود و همسایگی با کشورهای (هند از دوجناج پاکستان شرقی وپاکستان غربی) و افغانستان و شوروی (ازشمال) و با درنظر گرفتن آنکه هریك از دولتین هند و افغانستان و شوروی‌نسبت به قسمت‌های مختلف خاك آن مقاصد تجاوز کارانه ای را تعقیب مینمایند همت و بودجه زیادی را مصروف تقویت قدرت دفاعی کشور نموده وبیش از نصف بودجه کشور را صرف نگاهداری ارتش خود نموده است (درسال ۱۵۹۱ تقریباً ۶۱ در صد بودجه کل پاکستان صرف نگاهداری ارتش گردیده است) و از این مبلغ درحدو: هفتاد درصد برای نیروی زمینی و۲۰ درصدبرای نیروی هوائی وده ددصد برای نیروی دریائی هزینه می‌شود.

بطور کلی‌ارتش پاکستان به نحوقابل توجهی نگاهداری شده ودرشهرهائی



افسران هیئت نظامی ارتش شاهنشاهی ایران در میهمانی شام
حضرت فیلدمارشال ایوب خان (فرمانده وقت ارتش پاکستان)

از راست بچپ:
تیمسار سرتیپ فریدون جم- تیمسار سپهبد اسمعیل ریاحی (رئیس هیئت)**- حضرت فیلدمارشال ایوب خان- نویسنده کتاب- سرکار سرهنگ عبدالمجید معصومی**

که در آن‌ها پادگان‌های نظامی وجود دارد سربازخانه‌های وسیع با ساختمان‌های متناسب ایجاد گردیده وعلاوه براین برای کلیه افسران خانه های سازمانی راحتی جهت سکونت آنها فراهم‌شده که معادل‌هفت درصدحقوق ماهیانه آنها بعنوان کرایه منزل دریافت میشو: .

۳- انضباط ارتش :

وجودیك انضباط معنوی‌وعمیقی‌در کلیه‌رده‌های سلسله‌مراتب‌ارتش‌پاکستان بشکل بارزی مشهود وانضباط ظاهری ناشی ازروح معنوی‌آن در برخورد باهرفرد نظامی‌اعم ازافسرویادرجه دار وسربازتوجه هربیننده وناظری رابخودجلب مینماید ومی‌توان صراحتاً اظهار عقیده نمود که ارتش پاکستان ازیك انضباط معنوی‌عالی درجه‌ای برخوردار میباشد .

۴- روحیه ارتش :

ایمان وعلاقه بارتش‌واطمینان واتکای بخودوغرور ملی در کلیه‌پرسنل‌ارتش پاکستان موجود و ارتشی که بیش از سیزده سال از عمر استقلال آن‌نمی گذرد از احساسات وطن پرستانه قابل تقدیری برخوردار میباشد .

۵- روابط پرسنل:

بااینکه روابط پرسنل جزئی ازمسئله عمومی انضباط‌وروحیه‌است‌مع‌الوصف، چون این‌موضوع‌دراستحکام‌یك‌ارتش تأثیر بسزائی‌را دارامی باشد می‌توان‌جداگانه نیز مورد بررسی واقع گردد.

درروابط افسران پاکستانی علاقه مفرط متقابل وصمیمیت‌ودوستی ویگانگی نسبت‌بیکدیگر کاملامحسوس وسیستمی که‌برای حل مسائل پرسنلی‌اتخاذنموده‌اند نجام امررا تسهیل وموجبات تقویت روزانه‌آن را فراهم مینماید.

۶- سازمان

بطور کلی سازمان ارتش پاکستان براصول سازمان ارتش انگلستان که در

قرون متوالی درصحنه‌های نبردهای مختلف مورد آزمایش واقع شده وسیر تکاملی خودرا پیموده است استوار می باشد .

ارتش پاکستان هنوزسازمان‌های خودرا برای جنگ‌های اتمی تغییر نداده ولی دراین مورد بررسی‌های مقدماتی انجام شده ودر آینده نزدیکی تصمیم لازم اتخاذ خواهد شد .

۷ـ آموزش افسران :

الف ـ دانشکده افسری ودانشکده های پیاده وتوپخانه ومهندسی ومخابرات وخلبانی ارتش پاکستان دارای وسائل کمك آموزش فراوانی بوده که با توجه بـه سیستم‌های جدید آموزشی مورد استفاده واقع میگردد .

ـ دراین مؤسسات آموزشی جنبه عملی آموزشی برجنبهٔ تئوری آن برتری داشته و کلیه وسائل کار درلابراتوارها و کارگاههای مختلف دردسترس دانشجویان گذارده شده است.

ـ درهر کلاس بیش از ۱۰ تا ۱۱ نفر دانشجو شرکت نداشته وبااین ترتیب استادان بهتر می‌توانند وظیفه محوله بخودرا انجام دهند .

ـ وسائل زیست دانشجویان درشرائط بسیارعالی فراهم گردیده وهر دانشجو یك اطاق اختصاصی کامل دراختیاردارد.

ـ درانتخاب دانشجویان برای نیل بمقام افسری دقت کاملی مبذول میشود.

ب ـ دانشگاه جنگ :

بطور مسلم دانشگاه جنگ کویته یکی ازدانشگاههای درجه اول دنیادرنوع خود میباشد .

این دانشگاه که درحدود ۵۹ سال ازعمر آن می گذرد دارای بهترین وسائل ساختمان‌ها بوده وخاطرات تاریخی آن به‌نحو بسیارجالبی نگاهداری شده است.

درحال حاضر افسران ۹ کشورمختلف ومنجمله آمریکاوایران وترکیه دراین

دانشگاه مشغول تحصیل هستند و سرداران بزرگی نیز از قبیل ژنرال وبول ومونت‌گمری ازشاگردان واستادان این دانشگاه بوده‌اند.

آموزش افراد :

آموزش افراد که همه بطور داوطلب انجام وظیفه مینمایند در سطح بالائی قرار گرفته وافسران پاکستانی بی‌نهایت باین آموزش مغرور می‌باشند.

وسائل کمک آموزشی بحد کافی موجود و کادرمسئول آموزش نیز بسیارقوی وآموزنده است .

اداره کنندگان ارتش پاکستان معتقدند که مزیت ارتش داوطلب آن است که دراولین برخورد با دشمن می‌تواند مقاومت نماید و همین مقاومت اولیه اساس دفاع کشوررا تشکیل میدهد واضافه مینمایند چنانچه در کشور پاکستان سیستم خدمت وظیفه وجودداشته باشد انجام بسیج بااشکال زیادی مواجه خواهدشد. آنچه دراین مورد استنباط میشود پاکستانی‌ها ازلحاظ رقابت واختلافی که درحال حاضر (در موضوع مسائل مختلف) بادولت هند دارند هر تغییر وضعیتی رابزیان کشور خود تشخیص می‌دهند.

۸ـ تدارکات:

آنچه ازوضع تغذیه وزیست افسران و افـراد ونگاهداری وسائل وسلاح در ارتش پاکستان دیده می‌شود مؤید آن است که سیستم تدارکاتی ارتش پاکستان از هرلحاظ باارزش می‌باشد .

۹ـ باشگاهها:

وجود باشگاههای بسیارمرتب ومنظم وقابل استفاده در کلیه پادگانهای نظامی ازنکات قابل توجه دیگر ارتش پاکستان بشمارمی‌رود .

در این باشگاهها هرنوع وسائل راحتی و تفریح افسران فراهم و افسران می‌توانند درموقع فراغت وموقع صرف غذادوریکدیگر جمع شده واوقات استراحت

وبیکاری خودرا به بهترین وجهی بگذرانند و بدیهی است وجود این باشگاهها و وجود خانه‌های سازمانی افسران درحفظ روحیه کادر ارتش پاکستان بسیار مؤثر می‌باشد.

۱۰- نیروی مرزی

نیروی مرزی پاکستان نیز که استعدادی درحدود ۳۰ هزار نفر رادارامی‌باشد قابل توجه بوده و در حال حاضر این نیرو در تمام طول مرز افغانستان و ایران و کشمیر مشغول انجام وظیفه می‌باشد.

روش آموزشی این نیزوباآنچه که درارتش متداول است تفاوتی نداشته‌ولی اسلحه سنگین در اختیار آن گذارده نشده است.

نیروی مذکور در زمان صلح بدون‌آنکه تبعیت مستقیمی ازارتش‌داشته‌باشد وظایف خودرا انجام‌داده ولی درزمان جنگ‌دراختیار ارتش قرارخواهد گرفت. در قسمت هائی‌ازمرزنیزچریك های مسلحی وجود دارند که دو شادوش افراد نیروی مرزی مسئول دفاع ازمنطقه مربوطه بخود میباشند.

چریك‌های نامبرده عموماً دارای تفنگ بوده ودر منطقه خود از مقررات و قوانین مخصوصی استفاده مینمایند.

«هدف پاکستان همانا ایجاد یك کشور است که در آن توده مردم از حقوق اساسی برخوردار باشند وبهترین وسائل اقتصادی، اجتماعی وفرهنگی در دسترس هرفرد گذارده شوند.

بادر نظر گرفتن مرام فوق دولت من مشغول فعالیت های دامنه دار عمران ملی است.

درصحنه های مختلف موفقیت‌های شایانی بدست آمده است وعقیده دارم که در آینده نزدیکی وضع عموم مردم بطور غیر قابل ملاحظه‌ای بهبود خواهد یافت.»

«فیلدمارشال ایوب خان»

آینده پاکستان در جهان بین الملل

آینده پاکستان درجهان بین الملل

چون پاکستان جمهوری جوان و پر جمعیتی بوده ودارای منابع سرشار کشاورزی نیز می باشد بنابراین موجبات پیشرفت وترقیات آتی آن از هرجهت فراهم بوده ومطالعه تاریخ سیزده ساله تأسیس این کشور نشان میدهد اگرچه دراین مدت کشور درحال رشدوتکوین بوده وحکومتهای ضعیف وجنجالهای سیاسی مانع ازپیشرفتهای سریع اقتصادی آن شده‌اند لیکن بطور کلی درزمینه پروژه‌های اقتصادی وفلاحتی وعمرانی (بخصوص سدسازی) پیشرفتهای قابل ملاحظه‌ای را بدست آورده است .

پاکستان طی دوازده سال اخیر بطورمتوسط هرسال ۶۰ تاهفتاد درصد بودجه عمومی خود را برای تأمین هزینه دفاعی کشور بمصرف رسانیده و واقعاً اگر چنین هزینه گزافی بمصرف خرید ساز وبرگ وتأمین بنیه دفاعی کشور نمیرسیدو چنین مبلغی صرفاً درراه اجرای پروژه‌های اقتصادی وعمرانی خرج میشدمسلماً امروز ترقیات عمومی بمراتب بیشتر بود وپاکستان میتوانست بآرزوی خود که بی‌نیاز شدن ازواردات کشاورزی وصنعتی خارج میباشد نایل گردد.

باهمه این احوال دولتهای وقت ضمن توجه بسیار دقیق بمسائل و مشکلات سیاسی کشور که اهم آنها رامسئلهٔ کشمیر واختلافات رودخانه‌ها ومسئله پشتونستان وعوامل مخرب داخلی تشکیل میداده ومیدهدمتوجه تکثیر نفوس روزافزون کشور بوده‌وبرای تهیه خودراک‌وپوشاک‌ومسکن افرادازبذل همت وفعالیت‌مضایقه‌نکرده‌اند وهنوز نیز اقدامات دولت درزمینه پیشرفتهای اقتصادی وعمرانی با سرعت‌وهمت بیشتری ادامه دارد ومخصوصاً باروی‌کار آمدن رژیم جدید این کشور خیلی زود تر

از آنچه که پیش بینی میشد بمقصود خود خواهد رسید وچون شالوده سیاست عمومی هر کشور را اقتصاد آن مملکت تشکیل میدهد بنابراین حیات سیاسی پاکستان از روزی آغاز خواهد شد که این کشور از نظر محصولات کشاورزی و صنعتی بی نیاز شده و بتواند بدون استعانت جنسی (اخذ کمکهای خوار بار و دانه‌های نباتی) از دول دیگر روی پای خود بایستد و درصحنه سیاست بین‌المللی خودنمائی و عرض اندام کند.

پاکستان در بدو تأسیس برای آنکه خود را در جرگه کشورهای پیشرو داخل نماید موضوع هشتاد میلیون نفوس ملت را پیش کشید و بعنوان اینکه پاکستان پرجمعیت‌ترین کشور مسلمان جهان است درصدد برآمد در بین کشورهای اسلامی آسیا بخصوص خاور میانه نقش رهبری آنها را برعهده بگیرد و در سیاست عمومی کشورهای مسلمان این منطقه اعمال نفوذ نماید و بهمین جهت هیئت هائی بعنوان مطالعه درزمینه تشکیل پان اسلامیزم واتحاددول مسلمان وغیره بکشورهای مزبور فرستاد و بارؤسای دول مربوطه نیزمذاکراتی را بعمل آورد ولی براثر بی‌اعتنائی دول نامبرده به پیشنهادات پاکستان و بروزوقایع ملی شدن نفت درایران وروی کار آمدن عبدالناصر در کشور مصردولت پاکستان نسبت به‌پیشرفت ایده‌ئولوژی خود مأیوس گردیده وتدریجاً اتحاد اسلامی از بین رفت و درجریان روی کار آمدن رژیم جدید درپاکستان هنگامیکه دولت دستورداد کلمه اسلامی ازعبارت جمهوری اسلامی پاکستان حذف گرددمعلوم شد که دولت قصد دارد اساساً مذهب رااز سیاست کشور تفکیک نموده وپاکستان نیزمانند دول دیگر بدون بستگی بمسائل مذهبی درصحنه سیاست بین‌المللی ظاهرشود.

پاکستان چون در جرگه کشورهای مشترك‌المنافع انگلستان عضویت دارد طبعاً خودرا نسبت باجرای تعهدات کنفرانس نخست وزیران کشورهای مشترك‌ـ المنافع موظف میداند وچون دراساسنامه این کنفرانس که هرساله درلندن تشکیل

جلسه میدهد قید شده که گروه مزبور از کشور های آزاد دمو کرات تشکیل می‌شود علیهذا دولت پاکستان بخاطر حفظ عضویت خویش در این کنفرانس سعی خواهد کرد که اصول وسیسیم اداره کشور را براساس دمو کراسی استوارسازد و بهمین جهت فیلد مارشال ایوب خان در اولین نطق خود خطاب بملت پاکستان اظهار داشت.

«می‌خواهم با بیانی صریح و واضح اعلام نمایم که هدف عالی ما اعاده دمو کراسی در کشور می‌باشد ولی نوعی از دمو کراسی که مردم آنرا درك کنند و مطابق آن عمل نمایند».

وبدنبال این اظهارات اقداماتی برای ایجاد یك رژیم جمهوری که بانبوغ و قریحه آحاد پاکستانی سازش داشته باشد بعمل‌آمد وفیلد مارشال ایوب خان در تاریخ دوم سپتامبر۱۹۵۹ اظهارداشت:

«بدون آغاز دمو کراسی ازقریه‌ها ودهکده‌ها هر گونه سیستم دمو کراسی مانند گذشته غیرازبازی باتوده مردم چیزدیگری نخواهد بود.

اکثریت مردم این سرزمین دردهات بسر میبرند. آنان کاملا بی سواد بوده ولذا اهمیت انتخابات نمایندگان خودرا درك نمی کنند اما آنان می‌توانند درقریه های خود فردی را که مورد اعتماد باشد انتخاب نمایند.

دراین چنین محیط فقط وسیله «سیستم دمو کراسی اساسی» ایجادیك دولت نماینده که طبق تمایلات حقیقی مردم باشد امکان پذیراست.»

در تفسیر این قسمت ازبیانات فیلدمارشال ایوب خان باید توضیح داده‌شود که پاکستان کشوری است فلاحتی که متجاوز ازهشتاددرصد از۸۳ میلیون جمعیت آن دردهات زندگی میکنند وبدیهی است که درچنین کشوری نوع حکومت‌واقعی باید براساس ده قرارداشته باشد.

از طرف دیگر منظور از دموکراسی آنست که مردم بتوانند وسیله نمایندگان منتخبه خویش اعمال حاکمیت نمایند و برای انتخاب صحیح نمایندگان مردم اولا بایستی انتخاب کنندگان از منافع خویش اطلاع داشته واشخاصی را انتخاب نمایند که بتوانند این منافع را حفظ نمایند ودر ثانی باید وسائلی در اختیار مردم گذارده شود تا آنها بااستفاده از این وسائل اشخاص واجد شرایط انتخاب شدن را تشخیص دهند و درحال حاضر فقط دردهات پاکستان میتوان این دو اصل را بمورد اجراء گذارد . برای یك فرد دهاتی منافع شخصی او بامنافع ده محل سکونتش بستگی داشته و مادام که این فرد مرحله فرهنگی مورد لزومی را طی نکرده باشد باشکال میتواند خارج از محیط ده خویش منافع کشور متبوعه خود را تشخیص داده ومعتقد شود که خارج از حدود ده نیز منافعی برای او متصور است .

در کشورهائی که اکثریت مردم آن دارای حداقل فرهنگ لازم بوده و مطبوعات وجراید نقش مؤثری رادر آشنا کردن آنها به رموز سیاست ومصالح مملکت بازی میکنند انتخاب کنندگان بوظایف ملی و سیاسی خویش آشنا بوده و دراین قبیل کشورها میتوان انتخابات را بهمان ترتیب که در کشورهای غربی انجام می‌پذیرد عملی نمود ولی در کشورهائی که اکثریت مردم آن ازداشتن حداقل فرهنگ لازم محروم هستند باید طریقه‌ای رادر پیش گرفت که انتخاب نمایندگان مردم براساس انتخابات دهات انجام پذیرد زیرا بهمان ترتیب که در بالااشاره شد برای مردم ده‌نشین امکان داشته و دارد که منافع خودرا که جزمنافع ده چیزدیگری نیست تشخیص داده وازبین کاندیداهای انتخاباتی ده شخص یا اشخاصی را انتخاب نمایند که منافع آنها را حفظ نمایند .

این نوع انتخابات را دموکراسی اساسی می‌نامند که برای اولین بار در آسیا و در کشور پاکستان بمرحله آزمایش درمیآید .

اصول دموکراسی اساسی که بموجب طرح چهار مرحله‌ای دموکراسی در پاکستان بمورد اجرا گذارده میشود شامل تشکیل شوراهای منطقه‌ای در نقاط شهر نشین و شوراهای ده در مناطق روستائی میباشد .

هدف اصلی این طرح آنستکه حق حاکمیت دردست خود مردم باشد ، البته این حقوق بسازمانهائی واگذار میشود که بوسیله خود مردم تشکیل میشوند تادر کمال صداقت حقوق مردم راحفظ نمایند . درمقابل‌نمایندگان منتخب بطوردسته جمعی حقوق قاطبه مردم را درنظر میگیرند نه حقوق عده بخصوص را ، چون ۸۵ درصد ازمردم پاکستان دردهات زندگی میکنند لذا اکثریت نمایندگان منتخب از دهات خواهند بود و بعلت همین عوامل است که شوراهای ده حلقه‌اصلی اصول دمکراسی اساسی درپاکستان محسوب میشود . بعداز شوراهای ده شوراهائی‌حائز اهمیت است که درشهرها تشکیل میگردد . علت اینکه این شوراها دردرجه دوم اهمیت قرار دارند آنستکه‌آنها فقط نماینده ۱۵ در صد از مردم کشور خواهند بود برای هر ۱۰۰۰ نفر تا ۱۵۰۰ نفریك نماینده برای عضویت در شوراهای ده انتخاب میشود ، هرشورای ده دارای ۱۰ نماینده منتخب‌وه نماینده انتصابی‌خواهد بود . رئیس شورا از طرف اعضای‌آن انتخاب میشود .

وظایف شوراهای ده بقرار ذیل‌است :

الف ــ اموراداری شهرداری

ب ــ امور قضائی

ج ــ شهربانی

د ــ عمران

ه ــ توسعه‌وترقی ملی

بعضی منابع درآمد بمنظور مالیات دراختیار شوراهای‌ده گذارده میشود

این شوراها همچنین مسئول نظارت بروصول بدهی‌های دولت خواهند بود .
انتخابات برای تشکیل شوراهای ده که حلقه اصلی دمکراسی اساسی میباشند بر اساس حق رأی برای اشخاص بالغ انجام میشود .

البته بعد از اعلام قانون اساسی که بموجب آن پارلمان تشکیل میشود شوراهای ده جزء حوزه‌های انتخابی محسوب میشوند و درآنصورت فقط اعضای منتخب مردم دارای رای خواهند بود نه اعضای انتخابی .

دومین مرحله بموجب اصول دمکراسی اساسی مربوط است به شوراهای ناحیه‌ای در پاکستان غربی و شوراهای منطقه‌ای در پاکستان شرقی ، رئیس شورای ده خود بخود عضو شورای ناحیه‌ای و شورای منطقه‌ای میشود .

وظایف شوراهای ناحیه‌ای فقط رسیدگی بامور عمرانی ناحیه مربوط بخود میباشد در حالیکه شوراهای منطقه‌ای بیشتر بامور عمرانی دهات رسیدگی میکنند

در شوراهای ناحیه‌ای تعداد اعضای رسمی که بامورعمرانی رسیدگی میکنند از نصف تعداد اعضای غیر رسمی تجاوز نمیکنند .

سومین مرحله از اصول دمکراسی اساسی عبارتست از شوراهای شهرستان که ریاست آن بافرماندار هرشهرستان میباشد ، درشوراهای شهرستان تعداداعضای رسمی و غیر رسمی که بامور عمرانی شورا رسیدگی میکنند مساوی میباشند .

شرکت مقامات رسمی و غیر رسمی در شوراهای ده ناحیه شهرستان ومنطقه موجب خواهد شد که آنها با همکاری یکدیگر بهتر بتوانند بمسائل مختلف اداری آشنا شوند و یك روح همکاری و معاضدت و تفاهم بوجود آورند . در نتیجه این همکاری آنها خواهند توانست بنحو مؤثری به هدفهائی که عبارتست از بهبود وضع مادی و معنوی مردم نائل گردند ، بدیهی است هنگامیکه اصول دمکراسی اجرا و بمرحله عمل درآید حس مسئولیت در بین توده‌های مردم و همچنین حس

بیداری سیاسی آنها که لازمه موفقیت دمکراسی میباشد تقویت خواهد شد .

منظور از ایجاد سازمانهای دمکراسی تحمیل آن از بالانیست بلکه منظور اجرای اصول دمکراسی از پائین ببالا میباشد وهمان طور که فیلد مارشال ایوب خان خاطر نشان ساخته بموجب این اصول دمکراسی مردم بهیچوجه تحت فشار قرار نخواهند گرفت بلکه در محیطی کاملا آرام وعاری از هرقید و شرطی خواهند توانست نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنند و سازمانهای دمکراسی در واقع رابطه‌ای بین دولت و ملت خواهند بود .

تعداد کل نمایندگان مردم بموجب طرح چهار مرحله‌ای اصول دمکراسی اساسی ۱۲۰/۰۰۰ نفرخواهد بود ، این نمایندگان بعنوان قسمتی از دستگاه دولتی بوظایف خود عمل میکنند .

انجام انتخابات بشیوهٔ دمکراسی اساسی ازتاریخ ۲۴ دسامبر ۱۹۵۹ آغاز و تاکنون مراحل اول ودوم آن انجام پذیرفته ومراحل بعدی نیز در آتیه انجام خواهد شد. در تاریخ چهاردهم فوریه ۱۹۶۰ هشتاد هزار نفر نماینده انتخابی شوراهای ده و کمیته‌های اتحادیه‌های شهری به‌حضرت فیلدمارشال محمدایوب خان رأی اعتماد دادند و ایشان را به عنوان رئیس جمهور پاکستان انتخاب نمودند . در تاریخ ۱۷ فوریه ۱۹۶۰ پرزیدنت ایوب خان باردیگر به عنوان رئیس جمهور پاکستان مراسم تحلیف را بجای آورده و فوراً اعضای کمیسیون تدوین قانون اساسی را تعین نمودو پیش بینی میشود کمیسیون تا اواخر سال ۱۹۶۰ میلادی کارخود را بپایان رسانیده و باانجام یك رفراندم نسبت به تصویب آن اقدام شود .

بنا بر آنچه که در فوق گذشت ملاحظه میشود با آنکه فعلا هیئت حاکمه نظامی براین کشورحکومت میکند مع الوصف مقدمات انجام انتخابات برای تشکیل شوراهای دمکراسی اساسی درسرتاسر کشور فراهم گردیده و پیش بینی میشود که

درآتیه بسیار نزدیکی انتخابات مزبور انجام شده و پاکستان بصورت یك کشور دموکراسی پارلمانی اداره شود.

بدیهی است با انجام انتخابات در کشور و تشکیل پارلمان سرنوشت سیاست داخلی و خارجی پاکستان از دست و اراده فرد معین خارج و بمصلحت اندیشی و صوابدید اکثریت نمایندگان مجلس‌های قانون گذاری سپرده خواهد شد و بدین ترتیب پیش بینی نقش آتی پاکستان درصحنه سیاست بین‌المللی قدری مشکل بنظرمیرسد. مع‌الوصف نظرعمومی پارلمان پاکستان بنا براینکه چه اشخاصی اکثریت رابدست آورند قابل پیش بینی میباشد.

مثلا اگر طبقه جوان و تحصیل کرده دانشگاهها روی کار آمده و کرسیهای پارلمان را اشغال نمایند مسلماً پاکستان‌سیاست همکاری بادول غرب راترك نموده وبطرف سیاست بیطرفی‌مثبت سوق داده خواهد شد واگرعوامل ناراضی‌و کمونیست در انتخابات موفقیت حاصل کنند این کشور همکاری غرب را ترك و بسوی بلوك شرق و کمونیستها متمایل خواهدشد، لکن بنا برقرائنی که تا کنون بدست‌آمده و قابل پیش بینی میباشد انتخابات آینده با کنترل شدید دولت انجام خواهد شد و چون دولت ورژیم‌فعلی متمایل به‌حزب مسلم لیگ میباشد طبعاً اکثریت کرسیهای پارلمان را کاندیداهای‌حزب‌نامبرده‌اشغال نموده‌وحزب‌مسلم لیگ کماکان‌روابط پاکستان را بادول غرب و هم پیمانان خود در پیمان سنتووسیتوحفظ خواهد کرد.

در پاکستان هرحکومتی که روی کار آمده روابط خصومت‌آمیز خود را با هند (همچنانکه طی دوازده سال اخیر نیز بهمین نحو بود) حفظ نموده منتهی با مسافرتی که‌اخیراً فیلد مارشال‌ایوب‌خان برای‌اولین مرتبه پس‌اززمامداری‌خود به هند نموده و مذاکراتی که بانهرو بعمل آورده است ممکن است اختلافات مربوط به تقسیم‌آب رودخانه‌ها تاسال ۱۹۶۲ به نحوی بین دو کشور حل شده و

طرفین باپرداخت غرامت براساس میانجیگری بانك بین‌المللی توسعه وترمیم آب مورد احتیاج خود را از رودخانه‌های مزبور تحصیل نمایند .

درمورد مسئله کشمیر شاید پاکستان سرانجام ناگزیر خواهد بود که علیه دولت هند سیاست خشن‌تری رااتخاذنماید ومادام که این‌موضوع بنحورضایتبخشی حل نشود دولتین مذکور کماکان قسمت اعظم بودجه خود را صرف خرید وتهیه ساز و برگ جنگی واموردفاعی‌خواهند کردوبنابراین دول‌بزرگ ناگزیرخواهند بود که باسیاست‌عملی‌وواقعی‌بین دولتین‌هند وپاکستان میانجیگیری نموده وقضیه راحتی اگر بااعطای خود مختاری به استان کشمیر باشد حل و فصل نمایند .

پاکستان درصحنه سیاست‌بین‌المللی‌سعی‌خواهد کرد تا حتی‌الامکان‌رقابت خود را در شئون مختلف تمدن ـ فرهنگ ـ اقتصاد ـ پیشرفتهای صنعتی و غیره با دولت هند حفظ نماید و هرراهی راکه هند میپماید او نیز بخاطر حفظ موقعیت خویش طی کند هرچند که انجام‌آن نقشه با مقتضیات پاکستان متناسب نباشد .

پاکستان درمناسبات خویش‌بادول‌اسلامی‌خاورمیانه بخصوص با دولت‌ایران بیش‌ازپیش بحفظ مناسبات موجود علاقمند خواهد بود ومادام که رقابت‌وخصومت مسلمانان و هندوها بین دولتین پاکستان و هند و جود دارد دولت اخیر خود را بدوستی‌ملل‌مسلمان منطقه خاورمیانه محتاج دانسته وسعی خواهد کرد ازهمکاری معنوی‌آنها برای حل اختلافاتش باهنداستفاده لازم را ببرد .

روابط پاکستان وبلوك کمونیست مادام که‌دولت شوروی در مناسبات‌خود با هندوافغانستان سیاست‌فعلی‌راادامه دهد وبرسر قضیه کشمیرازحقانیت‌اشغال کشمیر بوسیله قوای هند ودرمورد پشتونستان‌ازنظردولت‌افغانستان‌جانبداری کندهمچنان سرد خواهد بود واگر روزی دولت شوروی تصمیم بگیرد نظر پاکستان را نسبت

به سیاست خودتغییر داده وفرضاً پاکستان‌را ازهمکاری باغرب وشرکت‌درپیمانهای دفاعی منطقه‌ای خـارج سازد میبایستی در مناسبات دوستانــه وهمکاری با هند و افغانستان تجدید نظر نموده ولااقل در سر قضیه کشمیر و پشتونستان جنبه‌بیطرفی را اتخاذ نماید . ولی در هرحال بعید بنظر میرسد که پاکستان جانب غرب را رهانموده و دوستی بلوك شرق را برهمکاری با هم پیمانان و هم مسلکان فعلی‌خود ترجیح دهد.

ضمیمه‌ای به بخش کلیاتی از اقتصادیات پاکستان

نتایج حاصله از اجرای برنامه پنجساله اول :

با اینکه هنوزمدت برنامه پنجساله اول پاکستان خاتمه نیافته واین مدت در دیر ماه سال ۱۳۴۰ شمسی پایان خواهد پذیرفت مع الوصف چندی قبل گزارش یکی از کمیسیونهای سازمان برنامه پنجساله در باره نتایج برنامه پنجساله اول انتشار یافت .

در این گزارش اشاره شده که تولید ملی ومیزان درآمد ملی بآن نحو که در برنامه پنجساله اول پیش بینی شده بودافزایش نیافته ودرآمد ملی پس ازصرفنظر نمودن از اثرات ترقی وتنزل قیمت‌هافقط به میزان کمی نسبت به سال ۵۵-۱۹۵۴ که سال شروع اجرای برنامه پنجساله اول پاکستان میباشد ترقی حاصل نموده است وترقی درآمدسرانه‌هم بعلت افزایش جمعیت خیلی کم و یااصولا ثابت مانده است (وحال آنکه در برنامه پنجساله اول پیش‌بینی شده بود که درآمد ملی۱۵ در صد و درآمد ملی سرانه ۷/۵ درصد افزایش‌خواهد یافت.)

درآمد کشاورزی ـ ماهیگیری ـ دام‌پروری و جنگل ترقی خیلی کمی را داشته وافزایش درآمد صنایع کوچك نیز علیرغم توسعه قابل توجهی که در این رشته به چشم میخورد چندان قابل توجه نبوده است.

یکی از علل اساسی عدم ترقی وتزیید درآمد ملی رکود پیشرفت تولیدات کشاورزی است. تولیدات کشاورزی شصت‌درصد تولیدات ملی پاکستان راتشکیل میدهد ولی بدی وضع آب وهوا سبب شده که طی چهارسال از دوره‌برنامه پنجساله

اول تولیدات کشاورزی در پاکستان افزایش قابل توجهی را پیدا ننماید واظهار نظر شده که اگر در سال جاری وضع هوا بهترشود این احتمال موجوداست که قسمتی از کمبود تولیدات کشاورزی درسالهای گذشته جبران شود.

در سایر رشته‌ها افزایش تولیدات باپیش‌بینی های برنامه پنجساله اول تطبیق مینماید واز آن جمله صنایع بزرگ وحمل ونقل پیشرفت زیادی را داشته و عقب ماندگی تولید برق ومواد معدنی را جبران نموده‌است. یکی ازهدف‌های پیش‌بینی شده در برنامه پنجساله اول آن بود که اختلاف اوضاع اقتصادی موجود بین مناطق پیش رفته ومناطق کم رشد از میان برداشته شده و یا حتی‌الامکان تقلیل پیدا نمابد ولی بررسی‌های معموله نشان میدهد که در این‌رشته موفقیت قابل توجهی حاصل نشده است ولی در این مورد نیز اظهار نظرشده که زمینه برای پیشرفت‌های آتی فراهم گردیده است.

مخارج توسعه :

در برنامه پنجساله اول پیش بینی شده بود که برای رشته‌های عمومی ۷/۵ میلیارد روپیه هزینه شود ولی‌در چهارساله اول برای‌این رشته‌ها مبلغ ٤/٥٥میلیارد روپیه هزینه شده‌است واگرمخارج آخرین سال‌برنامه بنج‌ساله را نیزدرنظربگیریم جمع هزینه‌های مربوط برشته‌های عمومی بالغ بر۶/۲۵ میلیارد روپیه‌خواهدشد.

درآمدهای دولتی نیزخیلی بیش ازآنچه که دربرنامه پنجساله اول‌پیش‌بینی شده بود افزایش حاصل نموده است زیرا در برنامه پیش‌بینی شده بود که درآمد مالیاتی دولت ۱۷ در صدافزایش حاصل نماید وحال‌آنکه عملا درآمد دولت‌ازاین راه ۲۲ درصدافزایش حاصل نموده است .

ضمناً دولت مالیات‌های جدیدی رانیزوضع نموده ودرآمد مالیاتی کشور را در چهار ساله اول برنامه پنجساله به ۳/۶ میلیارد روپیه افزایش‌داده است.

مخارج غیرعمرانی :

در برنامه پنجساله اول پیش‌بینی شده‌است که مخارج غیرعمرانی دولت حد اکثر تاحدود ده درصد افزایش‌پیدا کند ولی افزایش‌این نوع مخارج بیش‌ازآنچه که در برنامه پیش بینی‌شده است بوده‌ودر چهارساله اول این‌افزایش‌بالغ بر۲/۰۸ میلیارد روپیه گردیده است .

این امرموجب شد که دولت با کسر بودجه مواجه گردد وپول درجریان‌از ۳/۹۱میلیارد روپیه‌درسال۱۹۵٤به۵/٤۵ میلیارد روپیه‌درمارس ۱۹۵۹ افزایش‌حاصل نماید و چون میزان کالاها و خدمات نیزبهمین نسبت افزایش حاصل نکرده ضمن ایجاد یك نوع تورمی‌هزینه زندگی نیز درطی چهارساله اول برنامه پنجساله در شهرهای بزرگ ازه تا۱۰ درصد افزایش حاصل نموده‌است .

درآمدهای ارزی :

درآمدهای ارزی مملکت دردوره چهار ساله اول‌برنامه پنجساله باآنچه که پیش‌بینی شده بودتطبیق نکرد وعلل‌آنرا باین شرح‌می‌توان خلاصه نمود:

۱ ـ تقلیل صادرات

۲ ـ تغییر وضع تجارت بین‌المللی‌بضررپاکستان

۳ ـ تعویق‌دراجرای پروژه‌ها بعلت دیررسیدن محمولات ازخارج

کمکهای خارجی :

میزان کمك‌های خارجی برای سرمایه گذاری دردوره برنامه پنجساله اول کمتر ازمراتب پیش بینی شده دربرنامه بوده است زیرا دربرنامه پیش بینی شده بود که میزان کمك‌ها بر۳/۸۵ میلیارد روپیه بالغ خواهد شد وحال آنکه میزان واقعی این کمك‌ها درحدود ۱/۶۹ میلیارد روپیه بوده است .

سرمایه‌گذاری خصوصی :

در طی مدت چهار ساله اول برنامه پنجساله مبلغ ۳/۷۵ میلیارد روپیه در رشته‌های ساختمانی وماشین آلات بطورخصوصی سرمایه گذاری شده‌است وحال آنکه دربرنامه پنجساله پیش بینی‌شده بود که درطی مدت ۵ سال ۳/۳۰میلیارد روپیه بطور خصوصی سرمایه گذاری خواهد شد. میزان تولیدات مواد کشاورزی نیزیادرحدود افزایش جمعیت ویا دربعضی موارد کمتر ازافزایش جمعیت بوده است .

دررشته آب وبرق باآنکه پروژه های عظیمی در دست اجرا است مع‌الوصف موعد تکمیل برنامه‌ها عقب افتاده است . میزان تولیدات صنایع بزرگ بامقایسه باارقام پیش بینی‌شده دربرنامه پنجساله‌اول افزایش قابل توجهی‌داشته ومخصوصاً تولیدات کنف ـ قند وشکرومحصولات نساجی ترقی زیادی راداشته است و علاوه براین صنایع تازه‌ای دررشته‌های : کاغذ ـ مقوا ـ تخته فشرده ـ کاغذ روزنامه ـ رنگ مواد شیمیائی ـ دارو و کود شیمیائی نیز بوجودآمده است .

گاز طبیعی وذغال :

تولید گازطبیعی افزایش زیادی یافته وردتولید ذغال ونفت هم‌ترقی پیداشده ولی میزان این ترقی ازآنچه که دربرنامه پیش بینی شده بود کمتراست .

حمل و نقل و ارتباطات :

دررشته‌های راه‌آهن ـ جاده‌سازی ـ بندرسازی ـ هواپیمائی کشوری ـ تلگراف ـ تلفن وسازمانهای پستی یا درحدود پیش بینی برنامه پنجساله ویابیش ازآن ترقی حاصل شده است .

دررشته فرهنگ نیزپیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای حاصل شده ولی هدف‌های

پیش بینی شده دربرنامه تحصیل نگردیده است .

دررشته بهداشت نیز فقط درمورد مبارزه با سل هدف‌های پیش بینی شده در برنامه حاصل گردیده ولی پیشرفت درسایررشته‌ها چندان قابل توجه نبوده است .

برنامه پنجساله دوم :

درتاریخ اول مرداد ماه ۳۸ پرزیدنت ایوبخان تصمیم و پروژه دولت رابرای اجرای دومین برنامه پنجساله کشور اعلام نمود و بلافاصله مفاد آن در رادیو باستحضارعامه رسانیده شد .

تاریخ اجرای برنامه عمرانی جدید ازژوئیه سال ۱۹۶۰ آغاز و قراراست تا ماه ژوئن ۱۹۶۵ بپایان برسد . پیش بینی شده بااجرای این برنامه میزان درآمد ملی تا ۲۰ درصد ترقی نماید وچنانچه عملیات عمرانی در کشور بهمان نحو ادامه پیدا کند درحین اجرای برنامه پنجساله سوم درآمد ملی بیست و پنج درصد و در دوره اجرای برنامه پنجساله چهارم درآمد ملی تاحدود سی درصد ترقی نماید .

اساس برنامه عمرانی و اقتصادی برنامه پنجساله جدید را افزایش میزان محصول کشاورزی وخواربارعمومی تشکیل میدهد وضمناً تصمیم گرفته شده که با اجرای پروژه های مختلف میزان محصول کارخانجات صنعتی تا پنجاه در صد افزایش یابد .

پیش بینی‌های برنامه پنجساله دوم :

درطرح برنامه پنجساله دوم سعی شده حتی‌الامکان عواملی که مانع اجرای صحیح برنامه پنجساله اول گردیده مرتفع گردد وضمناً تکثیرمواد غذائی و بسط بهداشت وفرهنگ کشور درمد نظر گرفته شده است .

کشاورزی :

در برنامه پنجساله دوم در نظر گرفته شده که پروژه ها طوری بموقع اجرا گذارده شود که در پایان دوره مزبور کشور از وارد کردن مواد غذائی از خارج بی‌نیاز گردد. برای انجام این منظورپیش بینی شده که درحدود یازده میلیون اکر زمین بایر دایر وآبیاری شود و با افزایش میزان محصول کود شیمیائی درداخله مملکت وتقسیم آن بین کشاورزان موجبات تکثیرمحصول کشاورزی فراهم گردد.

صنعت :

درنظر گرفته شده که محصول صنعتی کشورتامیزان پنجاه درصدترقی داده شود وبرای اجرای این نقشه دروهله‌اول تصمیم گرفته شده بااستفاده ازسرمایه‌های خارجی ظرفیت تولیدی کارخانجات رازیاد کنند وضمناً بوسائل مختلف صنایع دستی وصنایع کوچك داخلی راتقویت وتشویق نمایند.

دربرنامه‌پنجساله دوم مخصوصاً پیش بینی شده که کارخانه ذوب آهن پاکستان تأسیس وتا قبل ازپایان دوره برنامه شروع بکارنماید.

آب وآبیاری :

چون با وجود سدهای متعددی در کشورهنوزمقادیر زیادی ازآبهای داخله پاکستان غربی بهدر وهرز میرود دولت تصمیم دارد باساختمان سدهای کوچك و انحرافی آبهای مزبور را تحت کنترل درآورده وبمصرف آبیاری مفید برساند.

مخصوصاً دربرنامه پنجساله‌دوم‌پیش‌بینی‌شده که مسئله تقسیم آب پنج‌رودخانه با دولت هندوستان حل خواهد شد ودر اینصورت دولت موظف است برای کنترل آبهائی که ازرودخانه‌های خویش بدست می‌آورد سدهای مورد نیازخود رابسازد.

ارز :

طرق فعلی تحصیل ارز در پاکستان کفاف حوائج را نمیدهد وبهمین جهت واردات درپاکستان محدود و با شرایط سهمیه بندی ببازرگانان ارز داده میشود . بنابراین دربرنامه پنجساله دوم ترتیبی پیش بینی شده که مقداربیشتری ارز ازراه فروش کنف تحصیل شده وارز حاصله صرفاً بمصرف وارد کردن لوازم و مایحتاج ضروری کشوربرسد .

مهمترین طریقه تحصیل ارزبرای کشور صادر نمودن مواد کشاورزی معرفی شده است .

نفوس :

دربرنامه پنجساله‌اول پیش بینی‌شده بود که تکثیرنفوس‌درپاکستان بمیزان ۱/٤ درصد خواهد بود لکن اخیراً معلوم شده که میزان افزایش نفوس در فاصله اجرای برنامه ۱/۸ درصد بوده است .

بنابراین در برنامه پنجساله جدید سعی شده است از میزان تکثیر نفـوس جلوگیری وبه‌نسبت افزایش برای همه‌افراد خوراك وپوشاك ومسکن تهیه شود .

ضمیمه‌ای به بخش مشکلات سیاسی پاکستان

در تاریخ ۲۸ شهریور ماه ۱۳۳۹ قرارداد کانال‌ها برای تقسیم و بهره برداری از آب رودخانه‌های شمالی شبه قاره هندوستان بین دولتین هندو پاکستان در کراچی امضا گردید.

این قرار داد براساس پیشنهادهای بانك بین‌المللی که در سال ۱۹۵٤ میلادی مطرح شده بود تنظیم گردیده و برای اجرای کامل آن یك دوره انتقالی بمدت ده‌سال در نظر گرفته شده است.

مبنای قرارداد براصل حق استفاده دولت پاکستان از آب رودخانه‌های: سند ـ جهلم وچناب وحق استفاده دولت هندوستان از آب رودخانه‌های راوی‌ـ‌ستلج وبیاس واقع گردیده است.

در طی دوره دهساله انتقال، دولت هندبپاکستان اجازه میدهد که همچنان از آب سه رودخانه راوی‌ستلج وبیاس استفاده نماید ولی میزان آبی که بپاکستان داده میشود هرسال چند درصد تقلیل پیداخواهد نمود ودرطی این‌مدت دولت‌هندوستان سد بزرگی را برروی رودخانه بیاس تعبیه خواهد نمود وهمچنین دولت پاکستان برای جبران تقلیل سالیانه آب رودخانه‌های راوی ـ ستلج وبیاس طی اجرای یك برنامه عمرانی، سدهائی را برروی رودخانه‌های سند ـ جهلم‌وچناب ایجادخواهد نمود ولی انجام این امر (برنامه عمرانی پاکستان) جزئی از قراردادکانال‌هانبوده وبرای اجرای آن قرارداد جداگانه دیگری بین دولتین هند وپاکستان وبانك بین‌المللی وچند کشور دیگری که قراراست‌برای اجرای‌این‌پروژه عمرانی به‌دولت

پاکستان کمك ومساعدت نمایند امضا خواهد شد ونکته جالب این جا است که چون پاکستان بتدریج ودر ظرف مدت ده سال از آب سه رودخانه راوی ـ ستلج وبیاس محروم میشود وناچاراست که برای تأمین آب مورد احتیاج خود پروژه عظیمی را برای استفاده از آب سه رودخانه سند ـ جهلم وچناب اجرا نماید دولت هند مبلغی در حدود هفتصد میلیون روپیه را به دولت پاکستان کمك خواهد نمود.

مخارج پروژه بزرگ کانال‌ها که وسیله دولت پاکستان اجرا خواهد شد بر ۴۵۰۰ میلیون روپیه بالغ می‌شود که وسیله بانك بین المللی ودولتین آمریکا ـ انگلیس کانادا ـ آلمان ـ استرالیا ـ نیوزلاند وپاکستان پرداخت خواهد شد. بموجب این پروژه ترتیبی داده خواهد شد که پس از قطع آب رودخانه‌های راوی ـ ستلج وبیاس دولت پاکستان بتواند با استفاده از آب رودخانه‌های سند ـ جهلم وچناب زمین‌های زراعتی خود را آبیاری نماید وباین جهت درپاکستان دوسد بزرگ ذخیره‌ای خاکی که از جمله بزرگترین سدهای خاکی جهان خواهد بود وپنج سد انحرافی وهفت کانال ساخته خواهد شد.

اولین سد بزرگ ذخیره‌ای باحداکثر ارتفاع ۳۷۰ پا وطول دومیل برروی رودخانه جهلم ساخته خواهد شد ودر قسمت جنوبی مخزن سد چهار سد کوچکتر که ارتفاع هریك از آنها از ۳۰ تا ۲۴۵ پا ومجموع طول آنها پنج میل خواهد بود ساخته خواهد شد.

طول مخزن این سد بر ۳۶ میل بالغ خواهد شد وابتدا ۳۴۰ هزار کیلووات وپس از تکمیل سد تا یك میلیون کیلووات نیروی برق ایجاد خواهد شد.

سد ذخیره‌ای دیگری برروی رودخانه سند ساخته خواهد شد که طول آن در بالای سد به دومیل وارتفاع آن نیز بر ۳۲۰ پا بالغ خواهد شد.

طول هفت کانالی که بموازات ساختمان سدها ساخته خواهد شد بر ۳۸۸ میل بالغ خواهد شد وبرای حفر آنها باید ۸۴۸ میلیون یارد مکعب خاك برداری شود (این رقم تقریباً دوبرابر رقم خاك ریزی مورد لزوم دو سد خاکی است که برروی رودخانه های جهلم وسند ساخته خواهد شد)

اکنون که قرارداد کانال ها بین دولتین هند و پاکستان امضا شده است مقامات هندی و پاکستانی اظهار نظر مینمایند که امضای این قرارداد مقدمه همکاریهای بیشتر دو کشور در زمینه‌های سیاسی واقتصادی بوده واین امید هست که پس از امضای این قرارداد موجبات رفع اختلاف دولتین هند وپاکستان درباره مسئله کشمیر نیز فراهم گردد .

پایان

برای تدوین این کتاب از منابع مشروحه زیر استفاده شده است

الف ـ منابع فارسی

۱ ـ نتایج سیاسی جنگ بین‌الملل اول — ترجمه آقای احمد فرامرزی
۲ ـ سلسله مقالات دنیا میان دوجنگ — نگارش آقای دکتر رضازاده شفق
۳ ـ اختناق هندوستان — ترجمه آقای ر. نامور
٤ ـ حقایق موضوع کشمیر
٥ ـ آمار گمرکی ایران
٦ ـ روزنامه‌ها ومجلات داخلی وخارجی
۷ ـ سایر اطلاعات جمع آوری شده درمورد پاکستان

ب ـ منابع خارجی

1- Ten years of PAKISTAN (1947-1957)
2- PAKISTAN and Regional Pacts (By Mohammed Ahsen Chaudhri)
3- Basic Data of the economy of PAKISTAN
4- Constitutional problems in PAKISTAN (By Sir Ivor Jennings 1957)
5- The Muslim League (By Lal Baadur 1954)
6- A Dictionary of politics (By Florence Elliott and Micheal Summerskill 1959)
7- Biographical Encyclopedia of PAKISTAN (By Biographical Research Institute PAKISTAN 1955-1951)
8- The Diplomacy of South-East ASIA: 1945-1958(By Russell. K. Fifield)
9- The Colombo Plan for Co - Operative economic development in South and South-East ASIA (Fifth annual report of the Consultative Committee)

ج ـ مطالعات ومشاهدات نویسنده در مسافرت‌های به پاکستان

خواهشمند است اغلاط چاپی این کتاب را بشرح جدول ذیل تصحیح فرمائید

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲	۹	قرون	قرن
۱۵	۱۷	اسنکدر میرزا	اسکندر میرزا
	۲۰	پاکسان	پاکستان
۲۷	٦	نداشته باشد	مغایرت نداشته باشد
۳۱	۱۱	بازمیدار	بازمیدارد
۳۲	۱۱	چند بکبار	چند یکبار
٤۱	۸	تنگچی	تفنگچی
٤۱	۱۷	دیوانی	دیدوانی
٤۱	۱۹	عالیانی	آلیانی
٤۱	۱۹	بهر مانانی	بهر امانی
٤۱	۲۱	مگسنی	مگسی
٤٤	۳	داتشکده	آتشکده
٤٥	۱۹	ازخود داری	ازخود دارای
٤٥	۱۱	بهقسمت	بهسه قسمت
٦٤	۱۲	۲۲	۳۳
٦۹	۸	تولید غذائی	تولید مواد غذائی
۱۱۱	۷	اوت ۱۹۰۷	اوت ۱۹٤۸
۱۱۳	آخر	باایبکه	باینکه
۱۲۹	۱۱	۰د	۲۰
۱۲۹	آخر	پانل	پاتل
۱۲۹	آخر	نظارتوآقای	نظارتآقای
۱٤۱	۹	میگذارند	میگذاردند
۱٤۸	٦	مسیر باشد	میسر باشد
۱٥۱	٦	هروز	هرروز
۱۷۰	۱۳	نسبت بآنها	نسبت بههمهآنها
۱۷٦	۱۱	(هند از	هند (از
۱۷٦	۱۸	ده ددصدد	ده درصد
۱۷۷	٤	دریافت میشو	دریافت میشود
۱۷۷	۱۸	مورد برسی	مورد بررسی
۱۷۷	۲۱	نجام	انجام
۱۸۰	۸	این نیزو	این نیرو